



گفته‌ها نوشته‌های  
امام حسین

محمد رضا اکبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهج الكرامه (گفته‌ها و نوشته‌های امام حسين عليه السلام)

نویسنده:

محمد رضا اکبری

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۵	نهج الکرامه (گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام)
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	« دعای مطالعه »
۱۵	مقدمه مؤلف
۱۶	فصل اول: مَعْرِفَةُ اللَّهِ
۱۶	تسبیح خدا
۱۶	صفات پروردگار جهانیان
۱۷	شناخت صفات خدای متعال
۱۸	بزرگی خاص خداست
۱۸	تفسیر «صمد»
۱۸	تفسیر سوره توحید
۱۹	ضرورت خدانشناسی
۱۹	قضا و قدر
۲۰	فصل دوم: سِيَمَةُ النَّبِيِّ
۲۰	اخلاق پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۰	آداب دعا کردن رسول خدا صلی الله علیه وآله
۲۰	دعای پیامبر صلی الله علیه وآله بعد از خوردن و نوشیدن
۲۰	اطاعت از پیامبر و علی علیهما السلام
۲۰	پیامبر صلی الله علیه وآله در قرآن
۲۱	تفسیر «نعمت خدا» بر محمد صلی الله علیه وآله
۲۱	پیامبر صلی الله علیه وآله در قرآن
۲۱	فصل سوم: سِيَمَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَام

- ۲۱ ..... اهل بیت چه کسانی هستند؟
- ۲۱ ..... خویشان پیامبر صلی الله علیه وآله در قرآن
- ۲۲ ..... شناخت امامان
- ۲۲ ..... مقام بلند عترت
- ۲۲ ..... آموزش اهل بیت علیهم السلام به فرشته‌ها
- ۲۲ ..... علم به کتاب خدا نزد ماست
- ۲۲ ..... ماهیت دانش‌های ما
- ۲۳ ..... ما خانه رحمتیم
- ۲۳ ..... اطاعت اشیاء از ما
- ۲۳ ..... فضائل خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۲۴ ..... بیان فضائل خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله نزد معاویه
- ۲۴ ..... این آیه درباره ما نازل شده است
- ۲۴ ..... برکات هم‌نشینی با ما
- ۲۵ ..... حکومت حق ما بود
- ۲۵ ..... کوتاهی مردم درباره ما
- ۲۵ ..... ما را بیش از حق خود بالا نبرید
- ۲۵ ..... این گونه با قضای الهی روبرو می‌شویم
- ۲۶ ..... سرچشمه دوستی و دشمنی با ما
- ۲۶ ..... آثار دوستی صادقانه به ما
- ۲۶ ..... پاداش گریه بر اهل بیت علیهم السلام
- ۲۶ ..... فصل چهارم: سیمای امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۶ ..... نام‌گذاری علی علیه السلام به امیرمؤمنان
- ۲۷ ..... فضائل امیرمؤمنان علیه السلام
- ۲۹ ..... اثبات حق امیرمؤمنان علیه السلام

- ۳۰ ..... علی‌علیه السلام در قرآن
- ۳۰ ..... انکار برتری علی‌علیه السلام
- ۳۰ ..... دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام
- ۳۰ ..... پرچم شناخت
- ۳۰ ..... فصل پنجم: سیمای امام حسین علیه السلام
- ۳۰ ..... نسب درخشان امام حسین علیه السلام
- ۳۱ ..... امامت حسین بن علی علیهما السلام
- ۳۱ ..... من جانشین جانشینان پیامبرم
- ۳۱ ..... مردم عالم را به منزلت بلند فراخواندم
- ۳۱ ..... زیرکی امام حسین علیه السلام
- ۳۲ ..... دوست دارم هفتاد هزار بار به شهادت برسم
- ۳۲ ..... ترس از خدا
- ۳۲ ..... تغییر رنگ امام علیه السلام در عبادت
- ۳۲ ..... دعای امام حسین علیه السلام بعد از نماز طواف
- ۳۳ ..... من کشته اشکم
- ۳۳ ..... من اولین کسی هستم که رجعت می‌کنم
- ۳۴ ..... فصل ششم: سیمای امام مهدی علیه السلام
- ۳۴ ..... غیبت قائم علیه السلام
- ۳۴ ..... مقام صبر کنندگان در عصر غیبت
- ۳۵ ..... قطعی بودن ظهور
- ۳۵ ..... زمان سامان بخشی ظهور
- ۳۵ ..... انتقام قائم علیه السلام از دشمنان
- ۳۵ ..... سخت‌گیری قائم علیه السلام بر دشمنان
- ۳۶ ..... سخت‌گیری امام مهدی علیه السلام بر بنی‌امیه

۳۶	مدت جنگ امام مهدی علیه السلام
۳۶	مدت حکومت امام مهدی علیه السلام
۳۶	فصل هفتم: جایگاه شیعه
۳۶	فطرت شیعه
۳۶	شیعه بر آیین ابراهیم است
۳۷	شیعه شهید است
۳۷	نجات شیعه از دست گمراهان
۳۷	دستگیری علمی از شیعیان
۳۷	شیعه کیست؟
۳۸	پاداش شیعه
۳۸	نقش دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله
۳۹	فصل هشتم: مرگ و قیامت
۳۹	توصیف قبر
۳۹	پاد مرگ
۴۰	تصور مرگ
۴۰	مرگ موجودات جهان
۴۰	تفسیر مرگ
۴۱	توصیف مرگ و آثار آن
۴۱	فصل نهم: عبادت
۴۱	اقسام بندگی
۴۲	پاداش خواندن قرآن
۴۲	آمین گویی به دعای مؤمنین
۴۲	اهمیت پیامبر صلی الله علیه وآله به نماز خانواده‌اش
۴۲	آثار بندگی

- ۴۳ ..... معنای صدای حیوانات
- ۴۵ ..... فصل دهم: خوبی‌های اخلاقی
- ۴۵ ..... صبر بر سختی‌ها
- ۴۵ ..... کلید نجات
- ۴۵ ..... کلیدهای رشد
- ۴۵ ..... نشانه بزرگواری
- ۴۵ ..... پاداش سلام کردن
- ۴۵ ..... ترس و گریه
- ۴۵ ..... اثر ترس از خدا
- ۴۵ ..... اثر گریه
- ۴۶ ..... پذیرش دعوت مؤمن
- ۴۶ ..... نیکی به مردم
- ۴۶ ..... خیر دنیا و آخرت
- ۴۶ ..... مرگ با عزت
- ۴۶ ..... عذر پذیری
- ۴۷ ..... پاسخ به پرسش‌های امیرمؤمنان علیه السلام
- ۴۷ ..... احسان به خویشاوندان و تحمل بدی‌ها
- ۴۷ ..... در کسب جوانمردی رقابت کنید
- ۴۸ ..... شناخت صفات متنوع اخلاقی
- ۴۸ ..... تسلی خاطر به ابوذر
- ۴۸ ..... فصل یازدهم: بدی‌های اخلاقی
- ۴۸ ..... پرهیز از هوای نفس
- ۴۸ ..... فریفتگی به دنیا
- ۴۸ ..... پرهیز از بدی‌ها



- ۴۹ ..... بخیل کیست؟
- ۴۹ ..... کلید سخن با دیگران
- ۴۹ ..... ترک ستم
- ۴۹ ..... آثار گناه
- ۴۹ ..... بدترین صفات پادشاهان
- ۴۹ ..... نبایدهای اخلاقی
- ۵۰ ..... اطاعت حرام از پدر
- ۵۰ ..... پرهیز از غیبت
- ۵۰ ..... فصل دوازدهم: اخلاق اقتصادی
- ۵۰ ..... بخشش و آزمندی
- ۵۰ ..... زمان بخشش
- ۵۰ ..... از مال خود بهره‌گیر
- ۵۱ ..... بهترین مال کدام است؟
- ۵۱ ..... افزایش روزی
- ۵۱ ..... آداب کسب روزی
- ۵۱ ..... شرایط در خواست مالی
- ۵۱ ..... از چه کسی در خواست کنیم؟
- ۵۲ ..... پاسخ مثبت به نیازمند
- ۵۲ ..... بخشش پاک
- ۵۲ ..... ارزش غذا دادن به برادران دینی
- ۵۳ ..... اثر پذیرش بخشش
- ۵۳ ..... یک موعظه مالی
- ۵۳ ..... فصل سیزدهم: حکمت‌ها و موعظه‌ها
- ۵۳ ..... عزت و بی‌نیازی

۵۳	عالم کیست؟
۵۳	قدرت و خویشتن داری
۵۳	بی‌نیازی از عذرخواهی
۵۳	فروتنی اجباری
۵۴	بزرگوارترین مردم
۵۴	پند گرانبها
۵۴	نشانه‌های پذیرش حق
۵۴	غافلگیری بنده
۵۴	شکر نعمت
۵۴	عوامل کمال عقل
۵۴	پستی دنیا
۵۵	عذر بدتر از گناه
۵۵	روزی بندگان
۵۵	ظاهر و باطن قرآن
۵۵	درجات قرآن
۵۵	علت واجب شدن روزه
۵۵	صفات مؤمن
۵۵	نیکی به خوبان و بدان
۵۶	این گونه صبح کردم
۵۶	شگفتی‌های مردم
۵۶	انواع مناظره
۵۷	گرفتاری امت اسلامی
۵۷	موضع عاقل در برابر گرفتاری‌ها
۵۷	اخلاق پادشاهان

۵۷	ویژگی‌های معاویه
۵۷	برادران بر چهار دسته‌اند
۵۸	بیداری دل‌ها
۵۸	صفات رهبر مسلمانان
۵۸	موعظه حکمت‌آمیز
۵۸	پنهانی چهار چیز در چهار چیز دیگر
۵۹	یک موعظه پزشکی
۵۹	بنده‌های دنیا
۵۹	عوامل پیروزی در جنگ
۵۹	نسبت توانایی و تکلیف
۶۰	پرسش‌ها و پاسخ‌ها
۶۰	یک توصیه پزشکی
۶۱	فصل چهاردهم: انقلاب کربلا
۶۱	دشمنی بنی‌هاشم و بنی‌امیه
۶۱	پاسخ امام حسین علیه السلام به معاویه
۶۲	سخنرانی حماسی در مِنی
۶۴	مصادره دارایی‌های معاویه
۶۴	سرزنش معاویه
۶۶	اتمام حجت بر معاویه
۶۸	سرزنش معاویه و افشای یزید
۶۸	دوری از بیعت با یزید
۶۹	سخنی با مروان بن حکم
۶۹	نامه‌ای به محمد حنفیه
۶۹	نامه‌ای به بنی‌هاشم

- ۶۹ ..... نامه‌ای به بزرگان بصره
- ۷۰ ..... نامه‌ای به اهل کوفه
- ۷۰ ..... فردا صبح حرکت می‌کنم
- ۷۱ ..... نامه‌ای به عبدالله بن جعفر
- ۷۱ ..... نامه‌ای به عمرو بن سعید
- ۷۲ ..... خطبه‌ای در راه کربلا
- ۷۲ ..... سخنرانی اول برای حرّ و لشکرش
- ۷۲ ..... سخنرانی دوم برای حرّ و یارانش
- ۷۳ ..... سخنرانی سوم برای حرّ و سپاهش
- ۷۳ ..... سخنی حماسی با حرّ
- ۷۴ ..... ستایش امام حسین علیه السلام از اصحابش
- ۷۴ ..... پاداش یاران امام حسین علیه السلام
- ۷۴ ..... اتمام حجت بر مردم کوفه
- ۷۶ ..... سخنرانی در محاصره دشمنان
- ۷۸ ..... اتمام حجت بر مردم کوفه
- ۷۹ ..... سخنرانی در جمع عمر بن سعد و یارانش
- ۷۹ ..... سخنرانی به هنگام بارش تیرها
- ۸۰ ..... مرگ بهتر از پذیرش ننگ است
- ۸۰ ..... آزادگی
- ۸۰ ..... فصل پانزدهم: احادیث منسوب به امام حسین علیه السلام
- ۸۰ ..... روایات منسوب به امام حسین علیه السلام
- ۸۱ ..... ۱ - روایات رسول خدا صلی الله علیه وآله
- ۸۲ ..... ۲ - روایت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۸۲ ..... ۳ - روایات امام حسن علیه السلام

- ۴ - روایات امام سجاده علیه السلام ..... ۸۴
- ۵ - روایات امام صادق علیه السلام ..... ۸۶
- روایات عقد الدرر ..... ۸۷
- پی نوشت ها ..... ۸۹
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۹۴

## نهج الكرامه (گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: حسین بن علی (ع)، امام سوم ۴ - ۶۱ق عنوان و نام پدیدآور: نهج الكرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام / [گردآورنده و مترجم] محمدرضا اکبری مشخصات نشر: قم مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران ۱۳۸۴). مشخصات ظاهری: ۳۲۳ ص. شابک: ۱۲۰۰۰ریال ۹۶۴-۸۴۸۴-۲۹-۵؛ ۱۵۰۰۰ریال (چاپ دوم)؛ ۲۰۰۰۰ریال چاپ چهارم ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۲۹-۸ وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری فایا یادداشت: چاپ دوم: پاییز ۱۳۸۵. یادداشت: چاپ چهارم: زمستان ۱۳۸۶. یادداشت: کتابنامه ص [۳۱۷] - ۳۲۳. موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- کلمات قصار موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- خطبه‌ها موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم ۴ - ۶۱ق -- توفیعات شناسه افزوده: اکبری محمدرضا، ۱۳۳۸ - مترجم شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) مرکز مطالعات و تحقیقات صاحب الزمان (ع) رده بندی کنگره: BP۴۱/۷ الف ۷ن ۹ ۱۳۸۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۹۰۷

### «دعای مطالعه»

اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَأَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ. اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مفاتيح الجنان خداوندا مرا از تاریکی‌های وهم و خیال در آور و به روشنی فهم گرامی دار، خداوندا درهای رحمت را بر ما بگشا، و گنجینه‌های علمت را بر ما بازگردان، به رحمت خودت ای مهربان‌ترین مهربانان.

### مقدمه مؤلف

قرآن و عترت دو یادگار نفیس رسول خداصلی الله علیه وآله در میان ما هستند تا چون آبی روان و گوارا تشنگان معرفت و هدایت را سیراب سازند. این دو یادگار گران‌قدر، چراغ‌های فروزنده‌ای هستند که از یک دیگر جدا نمی‌شوند و دین‌داری حقیقی در گرو تمسک به هر دوی آنهاست. قرآن کتاب خدا و عترت، برگزیدگان او هستند که هدایت انسان تا غروب عالم به آنها سپرده شده است. قرآن کتابی است که مردم، نیازمند فهم و تفسیر آن هستند و فهم آن در گرو تفسیر عترت است، و به‌طور کلی شناخت دین خدا هم جز با سیره و علوم آسمانی آنها میسر نخواهد بود. از این جاست که ضرورت مراجعه به سخنان خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله آشکار می‌گردد همان‌گونه که آن حضرت ما را به سوی عترت خود فراخواند و فرمود: (انی تارک فیکم الثقلین، ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدی کتاب الله و عتری اهل بیتی، فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض). (۱) من دو چیز نفیس را در میان شما می‌گذارم و بعد از من تا هنگامی که به آنها تمسک جوید گمراه نخواهید شد. این دو چیز، کتاب خدا و خاندان من هستند. آنها از یک دیگر جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. کتابی که در پیش رو دارید در بردارنده سخنان، خطبه‌ها و نامه‌های گرانقدر امام سوم سیدالشهداء و سرور جوانان اهل بهشت، حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام است. «نهج‌الکرامه» کتابی روایی و در بردارنده معارف متنوع دین اسلام و مذهب شیعه است که به صورت موضوعی و ترجمه روان و شیوای فارسی ارائه می‌گردد، و از عناوین مختصر، صریح و گویا و متناسب با عرف و ادبیات معاصر برخوردار است. بنابراین از نقل آنچه جنبه تاریخی صرف داشته و یا مکالمه عادی بوده و یا مطالبی که جزء کمی از آن مربوط به امام حسین علیه السلام بود پرهیز کردیم، همان‌گونه که از روایات ضعیف و غیر لازم و احادیث پیامبرصلی الله علیه وآله که آن حضرت آنها را نقل کرده بود دوری گزیدیم

تا کتاب از وضع خود خارج نشده و بدون ضرورت حجیم نگردد. اعراب گذاری دقیق، دقت در ترجمه و بررسی گسترده و دقیق اسناد و منابع روایات و دست‌یابی به روایاتی که تنها در این مجموعه ارائه شده است از ویژگی‌های دیگر کتاب است. اگر چه ما همه آنچه را که در تحقیقات گسترده خود در منابع روایی و تاریخی شیعه و سنی به آن دست یافتیم نقل کرده‌ایم و مجموعه نسبتاً جامع و کاملی فراهم آمده است در عین حال از نقل تعدادی از روایات که به خاطر اشتراک کینه امام سوم و یا تشابه نام او با سایر معصومین به آن حضرت نسبت داده شده است پرهیز کردیم و برای آگاهی خوانندگان و اهل تحقیق مجموعه آنها را در فصل آخر کتاب نقل کرده و نتیجه تحقیقات خود را نیز بیان نمودیم تا علت انتساب آنها به امام حسین علیه السلام و عدم نقل آن روایات به عنوان سخنان آن حضرت معلوم گردد. در پایان از خدای متعال مسئلت داریم که این مجموعه روایی را در جهت نشر معارف اسلام قرار دهد، و اهل ایمان به بوستان‌های فرح‌بخش آن شادمان گشته و به حکمت‌های آن تعالی یابند، و جان خود را به معارف و نصایح بلند آن که از زبان و قلم پاک شقایق آل محمد به یادگار مانده است سیراب گردانند. محمدرضا اکبری

## فصل اول: مَعْرِفَةُ اللَّهِ

### تسبیح خدا

التَّسْبِيحُ ۱ - سُبْحَانَ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ. سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا يَكُونُ هَكَذَا غَيْرُهُ، وَلَا يَقْدَرُ أَحَدٌ قُدْرَتَهُ. سُبْحَانَ مَنْ أَوْلَاهُ عِلْمٌ لَا يَوْصَفُ، وَ آخِرُهُ عِلْمٌ لَا يَبِيدُ. سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فَوْقَ الْبَرِّيَّاتِ بِاللَّهِيبَةِ، فَلَا عَيْنَ تُدْرِكُهُ، وَلَا عَقْلٌ يُمَثِّلُهُ، وَلَا وَهْمٌ يَصُورُهُ، وَلَا ۱ - پاک و منزّه است خدای برتر و بلند مرتبه. پاک و منزّه است خدای بزرگ و بزرگ‌تر. پاک و منزّه است آن که این گونه (برتر و بزرگ‌تر) است و کسی غیر از او این گونه نیست و کسی توان درک قدرت او را ندارد. پاک و منزّه است آن که آغازش دانشی است که در وصف نمی‌گنجد و پایانش علمی است که فناء و انتهایی ندارد. پاک و منزّه است کسی که با خداوندیش بر همه موجودات برتر است و از این رو نه چشمی او را می‌بیند و نه عقلی او را شکل می‌دهد و نه ذهنی او را به تصویر لسانِ یَصِفُهُ بِغَايَةِ مَا لَهُ الْوَصْفُ. سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فِي الْهَوَاءِ. سُبْحَانَ مَنْ قَضَى الْمَوْتَ عَلَى الْعِبَادِ. سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقَادِرِ. سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ. سُبْحَانَ الْبَاقِي الدَّائِمِ. (۲)

### صفات پروردگار جهانیان

صِفَاتُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲ - أَيُّهَا النَّاسُ! اتَّقُوا هَؤُلَاءِ الْمَارِقَةَ الَّذِينَ يُشَبِّهُونَ اللَّهَ بِأَنْفُسِهِمْ، يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، بَلْ هُوَ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. می‌کشد و نه زبانی آن گونه که شایسته است او را توصیف می‌کند. پاک و منزّه است آن که در آسمان برتری جسته است. پاک و منزّه است آن که مرگ را بر بندگانش مقدر کرد. پاک و منزّه است پادشاه قدرتمند. پاک و منزّه است فرمانروای بدون عیب. پاک و منزّه است آن که پاینده و جاودان است. ۲ - ای مردم! از این گمراهانی که از دین بیرون رفته و خدا را به خود تشبیه می‌کنند پرهیزید، آنان که خود را با سخن کفار اهل کتاب هماهنگ می‌سازند. بلکه او خدایی است که همانندی ندارد و شنوا و بیناست، چشم‌ها او را نمی‌بینند اما او چشم‌ها را می‌بیند و دقیق و آگاه است. إِسْتَخْلَصَ الْوَحْدَانِيَّةَ وَالْجَبْرُوتِ، وَ أَمْضَى الْمَشِيئَةَ وَالْإِرَادَةَ وَالْقُدْرَةَ وَالْعِلْمَ بِمَا هُوَ كَائِنٌ. لَا مُنَازَعَ لَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ، وَلَا كُفُوَ لَهُ يُعَادِلُهُ، وَلَا ضِدَّ لَهُ يُنَازِعُهُ وَلَا سِمِيَّ لَهُ يُشَابِهُهُ وَلَا مِثْلَ لَهُ يُشَاكِلُهُ. لَا تَتِدَاوَلُهُ الْأُمُورُ، وَلَا تُجْرَى عَلَيْهِ الْأَحْوَالُ، وَلَا تَنْزَلُ عَلَيْهِ الْأَخْدَاثُ، وَلَا يَقْدِرُ الْوَاصِةُ فُؤُونُ كُنْهَ عَظَمَتِهِ وَلَا يَخْطُرُ عَلَى الْقُلُوبِ مَبْلَغُ جَبْرُوتِهِ، لِأَنَّهُ لَيْسَ لَهُ فِي الْأَشْيَاءِ عَدِيلٌ. وَلَا تُدْرِكُهُ الْعُلَمَاءُ بِالْبَابِهَا، وَلَا أَهْلُ التَّفْكِيرِ بِتَفْكِيرِهِمْ إِلَّا بِالْحَقِيقِ إِيقَانًا بِالْغَيْبِ، لِأَنَّهُ يَكَانُكَ وَ تَوَانِيْبِي رَا خَاصِ خُودِ

کرده و خواست و اراده و قدرت و علم خویش را در سراسر هستی به کار برده است. کسی نیست که در امور او ستیزه‌جویی کند و همتایی ندارد تا با او برابری نماید، ضدی ندارد که با او نزاع کند و هم نامی ندارد تا مانند او باشد و نظیری برای او وجود ندارد. دستخوش حوادث نمی‌شود و تحول در وجود او جریان ندارد، امور تازه‌ای در ذات او رخ ندهد و توصیف کنندگان توان وصف عظمت او را ندارند و اندازه توانایی‌اش در دل‌ها نمی‌گنجد، زیرا همانندی در میان اشیاء ندارد. نه دانشمندان با عقل‌های خود او را درک می‌کنند و نه اهل اندیشه با اندیشه خود به او می‌رسند، مگر با پژوهشی که بر پایه یقین به غیب باشد، لا یُوصَفُ بِشَیْءٍ مِنْ صِفَاتِ الْمَخْلُوقِينَ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ. مَا تُصَوِّرُ فِي الْأَوْهَامِ فَهُوَ خِلَافُهُ، لَيْسَ بِرَبِّ مَنْ طُرِحَ تَحْتَ الْبَلَاغِ، وَ مَعْبُودٍ مَنْ وُجِدَ فِي هَوَاءٍ أَوْ غَيْرِ هَوَاءٍ، هُوَ فِي الْأَشْيَاءِ كَائِنٌ لَا كَيْنُونَهُ مَحْظُورٌ بِهَا عَلَيْهِ، وَ مِنَ الْأَشْيَاءِ بَائِنٌ لَا يَتُونَهُ غَائِبٌ عَنْهَا. لَيْسَ بِقَادِرٍ مَنْ قَارَنَهُ ضِدًّا أَوْ سَاوَاهُ نِدًّا. لَيْسَ عَنِ الدَّهْرِ قَدَمُهُ، وَ لَا بِالنَّاحِيَةِ أُمَّهُ. اِخْتَجَبَ عَنِ الْعُقُولِ كَمَا اِخْتَجَبَ عَنِ الْأَبْصَارِ، وَ عَمَّنْ فِي السَّمَاءِ اِخْتِجَابُهُ كَمَنْ فِي الْأَرْضِ. چرا که او به چیزی از صفات مخلوقات وصف نمی‌شود و یگانه و بی‌نیاز است. غیر از آن است که در وهم آید، زیرا کسی که در اندیشه می‌گنجد پروردگار نمی‌باشد و آن که در فضا و غیر فضا قرار می‌گیرد معبود نخواهد بود. او در همه چیز است اما نه به گونه‌ای که او را احاطه کنند، و در چیزی قرار ندارد اما نه آن گونه که از آنها پنهان باشد. توانای مطلق نیست کسی که ضدی دارد و یا همتایی با او برابری می‌کند. همیشگی ذات او از نوع همیشگی زمانی نیست و قصد او به جهت خاصی منحصر نمی‌شود. از عقل‌ها پنهان است همان‌گونه که از چشم‌ها پنهان است، از اهل آسمان پوشیده است همان‌گونه که از اهل زمین پوشیده است. قُرْبُهُ كَرَامَتُهُ وَ بَعِيدُهُ إِهَانَتُهُ. لَا يَحِلُّهُ «فِي» وَ لَا - تُوقَّتُهُ «إِذْ» وَ لَا - تُؤَامِرُهُ «إِنْ»، عُلُوُّهُ مِنْ غَيْرِ تَوَقُّلٍ وَ مَجِيئُهُ مِنْ غَيْرِ تَنْقُلٍ. يُوجِدُ الْمَفْقُودَ وَ يَفْقِدُ الْمَوْجُودَ وَ لَا تَجْتَمِعُ لِغَيْرِهِ الصِّفَاتَانِ فِي وَقْتٍ. يُصِيبُ الْفِكْرُ مِنْهُ الْإِيْمَانُ بِهٖ مَوْجُودًا وَ الْوُجُودُ الْإِيْمَانِ لَا وَجُودَ صِفَةٍ. بِهٖ تُوصَفُ الصِّفَاتُ، لَا - بِهَا يُوصَفُ. نزدیکی به او از لطف و بزرگواری اوست، و دوری از او خوار شمردن از سوی او می‌باشد. نه در مکانی جای می‌گیرد و نه زمانی او را احاطه می‌کند و نه «اگر» در کار اوست. بلندی او بر فراز قله بودن نیست و آمدنش از جایی به جای دیگر نمی‌باشد. چیزی را که نیست ایجاد می‌کند و چیزی را که هست به دیار نیستی می‌فرستد، و در یک زمان دو صفت متضاد در وجود کسی غیر از او یافت نمی‌شود. اندیشه درباره او به ایمان به وجودش منتهی می‌گردد، ایمان به یک وجود واقعی نه یک وجود وصفی. به وجود او صفات بیان می‌شود، نه آن که ذات او با صفات توصیف شود. وَبِهٖ تُعْرَفُ الْمَعَارِفُ، لَا بِهَا يُعْرَفُ. فَذَلِكَ اللَّهُ لَا سَمِيَّ لَهُ سُبْحَانَهُ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (۳)

### شناخت صفات خدای متعال

مَعْرِفَةُ صِفَاتِهِ تَعَالَى ۳ - سَيَلَّ نَافِعُ بْنُ أَرْزَقٍ عَنِ صِفَاتِ اللَّهِ تَعَالَى وَقَالَ الْحَسَنِ بْنُ عَلِيهِ السَّلَامُ فِي جَوَابِهِ: يَا نَافِعُ! إِنَّ مَنْ وَضَعَ دِينَهُ عَلَى الْقِيَاسِ لَمْ يَزَلِ الدَّهْرُ فِي الْإِرْتِمَاسِ، مَائِلًا عَنِ الْمِنْهَاجِ، ظَاعِنًا فِي الْإِعْوِجَاجِ، ضَالًّا عَنِ السَّبِيلِ بِهٖ يَمُنُّ وَجُودَ أَوْ عِلْمَ وَ دَانِشَ هَا شَنَاخْتَهٗ مِي شُود، نَهٗ أَنْ كِهٖ دَانِشَ هَا وَسِيْلَهٗ شَنَاخْتِ أَوْ بَاشَد. اَيْنِ اسْتِ خَدَائِي كِهٖ هَمْنَامِي نَدَارَد، پَاكٖ وَ مَنْرَهٗ اسْتِ، وَ چِيْزِي نَظِيْرِ أَوْ نَمِي بَاشَد وَ شَنَوَا وَ بِيْنَاسْت. ۳ - نَافِعُ بِنِ اَرْزَقِ اَزْ صِفَاتِ خَدَاوَنْدِ سْوَالِ كَرْدِ وَ اِمَامِ حَسِيْنِ عَلِيْهِ السَّلَامِ دَرِ جَوَابِ اَوْ فَرَمُود: اَيِ نَافِعُ! كَسِي كِهٖ دِيْنِ خُودِ رَا بَرِ پَايَهٗ قِيَاسِ قَرَارِ دِهَدِ هَمْوَارَهٗ دَرِ خَطَا فَرُو مِي رُود، اَزْ رَا هٗ مَسْتَقِيْمِ دُورِ مِي شُود وَ دَرِ كَجِي هَا وَارَدِ شُدِهٗ وَ اَزْ رَا هٗ غَيْرِ الْجَمِيْلِ. يَابْنَ اَلْأَرْزَقِ! أَصِفُ إِلَهِي بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ وَأَعْرَفَهُ بِمَا عَرَفَ بِهِ نَفْسَهُ: لَا يَدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ وَلَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ. فَهُوَ قَرِيبٌ غَيْرٌ مُلْتَصِقٌ، وَ بَعِيدٌ غَيْرٌ مُتَقَصِّصٌ. يُؤَخِّدُ وَ لَا - يُبْعَضُ، مَعْرُوفٌ بِالْآيَاتِ، مَوْصُوفٌ بِالْعَلَامَاتِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى. (۴) رَاسْتِ گَمْرَاهٗ مِي گَرْدَدِ وَ سَخْنَانَ نَپَسَنْدِ مِي گُوِيْد. اَيِ پَسَرِ اَرْزَقِ! مَنِ خَدَا رَا أَنْ كُونهٗ كِهٖ خُودِ تَوْصِيْفِ كَرْدِهٗ اسْتِ وَ صَفِ مِي كَنْمِ وَ أَنْ چِنَانِ كِهٖ خُودِ مَعْرِفِي كَرْدِهٗ اسْتِ مَعْرِفِي مِي نَمَايْم: بَا حَوَاسِّ دَرِكِ نَمِي شُودِ وَ بَا مَرْدَمِ مَقَايِسَهٗ نَمِي گَرْدَد. بَهٗ مَوْجُودَاتِ نَزْدِيكِ اسْتِ بَدُونِ أَنْ كِهٖ بَهٗ أَنْهَا پِيُوسْتَهٗ بَاشَد، وَ اَزْ أَنْآنِ دُورِ اسْتِ بَدُونِ أَنْ كِهٖ فَاصِلَهٗ اَيِ دَاشْتَهٗ بَاشَد. يَكْتَا وَ بِي مَانْدِ اسْتِ وَ تَرْكِيْبِ نَمِي پَذِيْرَد، بَا نَشَانَهٗ هَايِ آفَرِيْنِشِ



شناخته می‌شود و با علائم خلقت وصف می‌گردد. خدایی جز او نیست و بزرگ و بلند مرتبه است.

### بزرگی خاص خداست

أَكْبَرِيَاءَ لِلَّهِ ۴ - قَالَ رَجُلٌ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِيكَ كِبْرًا. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ الْكِبْرِ لِلَّهِ وَخُدَّةٌ وَلَا يَكُونُ فِي غَيْرِهِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «اللَّهُ الْعِزَّةُ وَرَسُولُهُ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (۵) و (۶) ۴ - مردی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: در تو بزرگی وجود دارد. امام علیه السلام به او فرمود: هر گونه بزرگی خاص خداست و برای غیر او نمی‌باشد. (آنچه در مؤمنین است عزت است) خدای متعال فرمود: «عزت از آن خدا و رسولش و مؤمنین است».

### تفسیر «صمد»

تَفْسِيرُ «الصَّمَدِ» ۵ - الصَّمَدُ: الَّذِي لَا جَوْفَ لَهُ، وَالصَّمَدُ: الَّذِي قَدِ انْتَهَى سُودُدُهُ، وَالصَّمَدُ: الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ. ۵ - صمد کسی است که درونی تهی ندارد، صمد کسی است که به نهایت کمال و برتری رسیده است، صمد کسی است که نمی‌خورد و نمی‌آشامد. وَالصَّمَدُ: الَّذِي لَا يَنَامُ، وَالصَّمَدُ: الَّذِي لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ. (۷)

### تفسیر سوره توحید

تَفْسِيرُ سُورَةِ التَّوْحِيدِ ۶ - إِنَّ أَهْلَ البُصَيْرَةِ كَتَبُوا إِلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْأَلُونَهُ عَنِ الصَّمَدِ فَكَتَبَ إِلَيْهِمْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَا بَعِيدٌ فَلَا تَخَوْصُوا فِي الْقُرْآنِ، وَلَا تُجَادِلُوا فِيهِ، وَلَا تَتَكَلَّمُوا فِيهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ. فَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» صمد کسی است که نمی‌خواهد، صمد کسی است که همواره بوده و خواهد بود. ۶ - اهل بصره نامه‌ای به امام حسین علیه السلام نوشتند و از تفسیر «صمد» سؤال کردند. امام علیه السلام در جواب آنها نوشت: به نام خداوند بخشنده مهربان در (متشابهات) قرآن غوطه‌ور نشوید و در آن جدال نکنید و بدون علم درباره قرآن سخن نگویند، که من از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «کسی که بدون علم درباره قرآن نظر دهد در آتش جهنم فرود آید.» وَأَنَّهُ سُبْحَانَهُ قَدْ فَسَّرَ الصَّمَدَ فَقَالَ: اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، ثُمَّ فَسَّرَهُ فَقَالَ: لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. «لَمْ يَلِدْ» لَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ شَيْءٌ كَثِيفٌ كَالْوَلَدِ وَ سَائِرِ الْأَشْيَاءِ الْكَثِيفَةِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَ لِأَشْيَاءٍ لَطِيفَةٍ كَالنَّفْسِ. وَلَا يَشْتَدُّ مِنْهُ الْبِدَاوَاتُ، كَالسَّنَةِ وَالنُّومِ، وَ الْخَطَرَةِ وَ الْهَمِّ، وَ الْحُزْنِ وَ الْبُهْجَةِ، وَ الضَّحْكَ وَ الْبُكَاءِ، وَ الْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ، وَ الرَّغْبَةِ وَ السَّامَةِ وَ الْجُوعِ وَ الشَّبَعِ. تَعَالَى أَنْ يَخْرُجَ مِنْهُ شَيْءٌ، وَ أَنْ يَتَوَلَّدَ مِنْهُ شَيْءٌ كَثِيفٌ أَوْ لَطِيفٌ. «وَلَمْ يُولَدْ» لَمْ يَتَوَلَّدَ مِنْ شَيْءٍ، وَلَمْ يَخْرُجْ مِنْ شَيْءٍ كَمَا تَخْرُجُ خَدَايَ پَاكٍ وَ مَنْزِهِ صمد را (در سوره توحید) تفسیر کرد و فرمود: خداوند یگانه است، خدا «صمد» است. آن گاه صمد را تفسیر کرد و فرمود: نزیاید و زاییده نشد و برای او همتایی نیست. «نزیاید» یعنی جسمی همانند فرزند و سایر اشیاء جرم دارو مادی که از مخلوقات بیرون می‌آید از او خارج نشد و چیز لطیفی مانند نفس هم از او بیرون نیامد. و حالات مختلفی مانند خواب سبک و سنگین، خطور و نگرانی، غم و شادی، خنده و گریه، ترس و امید، میل و ملالت، گرسنگی و سیری بر او عارض نمی‌شود. خداوند بلند مرتبه‌تر از آن است که چیزی از او بیرون آید و جسم یا چیز غیر جسمانی لطیفی از او متولد شود. «متولد نشده است» یعنی از چیزی بوجود نیامد و از چیزی بیرون نیامد الْأَشْيَاءِ الْكَثِيفَةُ مِنْ عِنَاةِ رِهَا كَالشَّيْءِ مِنَ الشَّيْءِ، وَ الدَّابَّةُ مِنَ الدَّابَّةِ، وَ النَّبَاتُ مِنَ الْأَرْضِ، وَ الْمَاءُ مِنَ الْيَنْبِيعِ، وَ الثَّمَارُ مِنَ الْأَشْجَارِ. وَلَا كَمَا تَخْرُجُ الْأَشْيَاءُ اللَّطِيفَةُ مِنْ مَرَكَزِهَا، كَالْبَصْرِ مِنَ الْعَيْنِ، وَ السَّمْعُ مِنَ الْأُذُنِ، وَ الشَّمُّ مِنَ الْأَنْفِ، وَ الذَّوْقُ مِنَ الْفَمِ، وَ الْكَلَامُ مِنَ اللِّسَانِ، وَ الْمَعْرِفَةُ وَ التَّمْيِيزُ مِنَ الْقَلْبِ، وَ كَالنَّارِ مِنَ الْحَجَرِ. لِأَبْلِ هُوَ اللَّهُ الصَّمَدُ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا فِي شَيْءٍ وَلَا عَلَى شَيْءٍ. مُبْدِعُ الْأَشْيَاءِ وَ خَالِقُهَا، وَ مُنْشِئُ الْأَشْيَاءِ بِقُدْرَتِهِ. يَتَلَاشَى مَا خَلَقَ لِلْفَنَاءِ بِمَشِيئَتِهِ وَيَبْقَى مَا خَلَقَ لِلْبَقَاءِ بِعِلْمِهِ. آن گونه که اجسام از اصل خود

بیرون می‌آیند مانند این که چیزی از چیز دیگر بیرون می‌آید و جنبنده از جنبنده و گیاه از زمین و آب از چشمه و میوه از درختان بیرون می‌آیند. و آن گونه هم نیست که اشیاء لطیف از مراکز خود خارج می‌شوند نظیر آن که دیدن از چشم و شنیدن از گوش و بوییدن از بینی و چشیدن از دهان و سخن از زبان، و شناخت و تشخیص از قلب و آتش از سنگ خارج می‌شود. بلکه او خدای بی‌نیازی است که نه از چیزی و نه در چیزی و نه بر چیزی است. هستی بخش اشیاء و آفریننده و به وجود آورنده آنها به قدرت خویش است. آنچه را برای از بین رفتن آفریده است به خواست خود متلاشی می‌کند و آنچه را در علم خود برای بقاء آفریده است باقی می‌گذارد. فَذَلِكُمُ اللَّهُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. (۸)

### ضرورت خدانشناسی

لُزُومٌ مَعْرِفَةُ اللَّهِ ۷ - خَرَجَ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ إِشْتَبَعُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَاسِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: این است خدای صمدی که نزاییده و زاییده نشده، عالم به پنهان و آشکار است، بزرگ و برتر می‌باشد و همتایی ندارد. ۷ - امام حسین علیه السلام در جمع یاران خود حاضر شد و فرمود: ای مردم! خداوند بندگان را نیافرید مگر برای آن که او را بشناسند، وقتی او را شناختند می‌پرستند، و وقتی پرستیدند با عبادت او از پرستش غیر او بی‌نیاز خواهند شد. مردی از آن حضرت پرسید: ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمود: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ. (۹)

### قضا و قدر

الْقَضَاءُ وَالْقَدَرُ ۸ - كَتَبَ الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الْبَصْرِيُّ إِلَى الْحَسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَسْأَلُهُ عَنِ الْقَدَرِ وَ كَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ: فَاتَّبِعْ مَا شَرَحْتُ لَكَ فِي الْقَدَرِ مِمَّا أَفْضَى إِلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَ شَرُّهُ فَقَدْ كَفَرَ، وَ مَنْ حَمَلَ الْمَعَاصِيَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ أَفْتِرَاءً عَظِيمًا. این است که مردم هر زمانی امام خود را که اطاعت او بر آنها واجب است بشناسند (زیرا کسی که حجت خدا را شناسد خدا را هم نشناخته است). ۸ - حسن بصری نامه‌ای به امام حسین علیه السلام نوشت و درباره «قدر» از او سؤال کرد. امام علیه السلام در جواب او نوشت: از آنچه درباره «قدر» به ما اهل بیت رسیده است و برای تو شرح می‌دهم پیروی کن. هر کسی که به «قدر» الهی ایمان نیاورده باشد - چه آن «قدر» خوب باشد یا بد - کافر شده است. و هر کس گناهان را به خدا نسبت دهد افترا بی بزرگی به او بسته است. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُطَاعُ بِإِكْرَاهٍ، وَلَا يُعْصَى بِغَلَبَةٍ، وَلَا يُهْمَلُ الْعِبَادَ فِي الْهَلَكَةِ. لَكِنَّهُ الْمَالِكُ لِمَا مَلَكَهُمْ، وَ الْقَادِرُ لِمَا عَلَيْهِ أَقْدَرَهُمْ. فَإِنْ أَتَمَرُوا بِالطَّاعَةِ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ صَادًّا عَنْهَا مُبْطِلًا، وَ إِنْ أَتَمَرُوا بِالْمَعْصِيَةِ فَشَاءَ أَنْ يَمُنَّ عَلَيْهِمْ فَيَحُولُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا أَتَمَرُوا بِهِ فَعَلَّ، وَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ هُوَ حَمَلَهُمْ عَلَيْهَا قَسِيرًا، وَ لَا كَلَّفَهُمْ جَبْرًا. بَلْ بِتَمَكِينِهِ إِيَّاهُمْ بَعْدَ إِغْدَارِهِ وَ إِنْذَارِهِ لَهُمْ وَ إِحْتِجَاجِهِ عَلَيْهِمْ طَوْقَهُمْ وَ مَكْنَهُمْ وَ جَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى أَخْذِ مَا إِلَيْهِ دَعَاهُمْ، وَ تَوَكُّكَ مَا عَنْهُ نَهَاهُمْ، جَعَلَهُمْ مُسْتَطِيعِينَ لِأَخْذِ مَا أَمَرَهُمْ بِهِ مِنْ شَيْءٍ غَيْرِ خَدَايَ مُتَعَالٍ بِأَجْبَرٍ وَ إِكْرَاهٍ أَطَاعَتِ نَمِي شُود وَ بَا زُورٍ مُورِدٍ مَعْصِيَتِ قَرَارِ نَمِي گِيرِد، وَ از طرفی بندگان را هم در هنگام خطر رها نمی‌کند. (نه مجبورند و نه آزاد). بلکه او صاحب حقیقی چیزهایی است که به بندگانش داده و توانا بر قدرتی است که به آنها بخشیده است. اگر آنها قصد اطاعت کنند خداوند مانع عبادت آنها نخواهد بود، و اگر قصد معصیت نمایند چنانچه خدا بخواهد بر آنان منت نهد و بین آنها و گناه مانعی بوجود آورد چنین خواهد کرد، و اگر آنها را از گناه باز نداشت اجبار بر انجام گناه هم نخواهد کرد و به زور بر کاری و نخواهد داشت. بلکه بعد از ارشاد و ترسانیدن بندگان و اتمام حجت بر ایشان، با توانایی که به آنها عطا فرمود به آنان تکلیف داد و بر انجام آن توانا گردانید و برای آنها راهی قرار داد تا بتوانند دستورهای او را انجام دهند و از آنچه آخِذِ بِهِ، وَ لَتَرَكَّ مَا نَهَاهُمْ عَنْهُ مِنْ شَيْءٍ غَيْرِ تَارِكِيهِ. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ عِبَادَهُ أَقْوِيَاءَ لِمَا



است.»

### تفسیر «نعمت خدا» بر محمدصلی الله علیه وآله

تَفْسِيرُ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ۶ - قَالَ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (۱۸) أَمْرُهُ أَنْ يُحَدِّثَ بِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ دِينِهِ. (۱۹) ۶ - امام حسین علیه السلام درباره این آیه «از نعمت پروردگارت سخن بگو» فرمود: خداوند به پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود از نعمت دینش که به او عطا فرمود سخن بگوید.

### پیامبرصلی الله علیه وآله در قرآن

الْتَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْقُرْآنِ ۷ - قَالَ الْحَارِثُ الْأَعْوَرُ لِلْحَسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ الْمُبِينِ «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا» (۲۰) قَالَ: وَيَحْكُ يَا حَارِثُ! ذَلِكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ۷ - حارث اعور گوید: به حسین علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! فدایت شوم! مرا از این سخن خدا که در کتابش فرمود: «سوگند به خورشید و تابندگی اش» آگاه گردان. امام علیه السلام فرمود: ای حارث! وای بر تو منظور از «خورشید و تابندگی اش» محمد رسول خداصلی الله علیه وآله است. قُلْتُ: «وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا» (۲۱) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتْلُو مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قُلْتُ: «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (۲۲) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذَلِكَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا. (۲۳) عرض کردم مراد از «سوگند به ماه هنگامی که از پس آن درآید» چیست؟ فرمود: مراد امیرالمؤمنین علیه السلام است که پس از محمدصلی الله علیه وآله می آید. عرض کردم: منظور از «سوگند به روز هنگامی که زمین را روشن می گرداند» چه می باشد؟ فرمود: روز روشن قائم علیه السلام از خاندان محمدصلی الله علیه وآله است که زمین را پر از عدل و داد می کند.

### فصل سوم: سیمه اهل البیت علیه السلام

#### اهل بیت چه کسانی هستند؟

مَنْ أَهْلُ الْبَيْتِ؟ ۱ - كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، فَأَتَتْ بِحَرِيرَةٍ فَدَعَا عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَأَكَلُوا مِنْهَا، ثُمَّ جَلَلَّ عَلَيْهِمْ كِسَاءٌ خَيْرِيًّا ثُمَّ قَالَ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ ۱ - رسول خداصلی الله علیه وآله در منزل ام سلمه بود که برای او حریره (۲۴) آوردند. او هم علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام (۲۵) را فراخواند و همه آنها از آن حریره خوردند آن گاه عبای خیرری را بر روی آنها انداخت و فرمود: «همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را عَنْكُمْ الرَّجَسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (۲۶) فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَأَنَا مَعَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ أَنْتَ إِلَى خَيْرٍ. (۲۷)

#### خویشان پیامبرصلی الله علیه وآله در قرآن

أَقْرَبَاءُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْقُرْآنِ ۲ - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۲۸) إِنَّ الْقُرَابَةَ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِصَلَتِهَا وَعَظَمَ حَقَّهَا وَجَعَلَ الْخَيْرَ فِيهَا، قَرَابَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَوْجَبَ حَقَّنَا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. (۲۹) پاک گرداند.» ام سلمه گفت: من هم با آنها هستم ای رسول خدا؟ پیامبرصلی الله علیه وآله در جواب فرمود: تو به سوی خیر و نیکی هستی. ۲ - امام حسین علیه السلام درباره این سخن خدا «برای رسالت خود پاداشی از شما نمی خواهم مگر این که خویشان را دوست داشته باشید» فرمود: آن خویشاوندی که خدا دستور داد رعایت شود و حق آن را بزرگ شمرد و خیر و نیکی را در آن قرار داد،

خویشاوندی ما اهل بیت است که خداوند ادای حق ما را بر هر مسلمانی واجب کرد.

## شناخت امامان

مَعْرِفَةُ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ۳ - سَمِلَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ عَنِ الْأَئِمَّةِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَمِدَةُ نُبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، تَشِيْعَةٌ مِنْ وُلْدِي، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ. (۳۰) ۳ - مردی از امام حسین علیه السلام پرسید امامان چند نفرند؟ حضرت فرمود: به عدد برگزیدگان بنی اسرائیل، نه نفر آنها از فرزندان من هستند و آخرین آنها قائم می‌باشد.

## مقام بلند عترت

عُلُوُّ مَنْزِلَتِهِمْ ۴ - أَتَى رَجُلٌ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ: حَدِّثْنِي بِفَضْلِكُمُ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكَ لَنْ تُطِيقَ حَمْلَهُ. ۴ - مردی نزد حسین بن علی علیه السلام آمد و عرض کرد: مرا به برتری که خداوند برای شما اهل بیت قرار داده است آگاه گردان. امام علیه السلام فرمود: تو توان شنیدن آن را نداری. قَالَ: بَلَى حَدِّثْنِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَحْتَمِلُهُ. فَحَدَّثَهُ بِحَدِيثٍ، فَمَا فَرَعَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ حَدِيثِهِ حَتَّى إِبْيَضَ رَأْسُ الرَّجُلِ وَ لِحْيَتُهُ وَ أَنْسَى الْحَدِيثَ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْرَكَتَهُ رَحْمَةُ اللَّهِ حَيْثُ أَنْسَى الْحَدِيثَ. (۳۱) او در جواب گفت: ای پسر رسول خدا! شما بگویید من هم تحمل می‌کنم. امام علیه السلام سخنی درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام به او فرمود و هنوز به آخر سخن خود نرسیده بود که (از سنگینی معارفی که شنیده بود) موهای سر و صورتش سفید شد و حدیث را فراموش کرد. امام علیه السلام فرمود: رحمت الهی او را فرا گرفت که حدیث را فراموش کرد (وگر نه مانند هم‌ام که از شنیدن سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام (خطبه همام) جان سپرد، جان خود را از دست می‌داد).

## آموزش اهل بیت علیهم السلام به فرشته‌ها

تَعْلِيمُهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِلْمَلَائِكَةِ ۵ - حَبِيبُ بْنُ مَظَاهِرٍ مِنْ مَظَاهِرِ الْأَنْبِيَاءِ سَأَلَ عَنْ تَعْلِيمِ الْمَلَائِكَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُنَّا أَشْبَاحَ نُورٍ نَدُورُ حَوْلَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ، فَنُعَلِّمُ الْمَلَائِكَةَ: أَلْتَسْبِيحَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّحْمِيدَ. (۳۲) سؤال کرد قبل از آن که خداوند آدم را بیافریند شما چه بودید؟ امام علیه السلام فرمود: ما موجوداتی نورانی بودیم که بر گرد عرش خدا دور می‌زدیم و به فرشته‌ها تسبیح و تهلیل و تحمید را می‌آموختیم. ۵ - سَمِلَ حَبِيبُ بْنُ مَظَاهِرِ الْأَسَدِيِّ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

## علم به کتاب خدا نزد ماست

عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ ۶ - نَحْنُ الَّذِينَ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ وَ بَيَانُ مَا فِيهِ، وَ لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مَا عِنْدَنَا، لِأَنَّ أَهْلَ سِرِّ اللَّهِ، نَحْنُ آلُ اللَّهِ وَ وَرَثَةُ رَسُولِهِ. (۳۳) ۶ - ما کسانی هستیم که علم به قرآن و تفسیر آن نزد ماست و آنچه پیش ماست نزد کسی از خلق خدا نمی‌باشد، زیرا ما شایسته سر خدا هستیم و ما خاندان پیامبر و وارثان او می‌باشیم.

## ماهیت دانش‌های ما

مَا هِيَ عُلُومُنَا ۷ - قَالَ جَعِيدٌ الْهَمْدَانِيُّ: قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ بِأَيِّ شَيْءٍ تَحْكُمُونَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جَعِيدُ نَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ، فَإِذَا عُنِينَا عَنْ شَيْءٍ تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ. (۳۴) ۷ - جعید همدانی گوید: به حسین علیه السلام عرض کردم فدایت شوم، شما با چه حکمی قضاوت می‌کنید؟ فرمود: ای جعید! ما به حکم خاندان داود حکم می‌کنیم، و هرگاه در موردی در مانده

شویم روح القدس (جبرئیل علیه السلام) علم آن را به ما القا می‌کند.

### ما خانه رحمتیم

نَحْنُ بَيْتُ الرَّحْمَةِ ۸ - ما ندری ما تَنْتَقِمُ النَّاسُ مِنَّا، إِنَّا لَبَيْتُ الرَّحْمَةَ، وَ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ. (۳۵) ۸ - نمی‌دانیم چرا مردم از ما انتقام می‌کشند، ما خانه رحمت و درخت نبوت و معدن علم هستیم.

### اطاعت اشیاء از ما

إِطَاعَةُ الْأَشْيَاءِ عَنَّا ۹ - وَاللَّهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ أَمَرَهُ بِالطَّاعَةِ لَنَا. (۳۶) ۹ - به خدا قسم خداوند چیزی را نیافرید مگر این که به آن امر کرد از ما اطاعت کند.

### فضائل خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله

فَضَائِلُ عِتْرَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ۱۰ - إِذَا وَافَقَ أَقْرَبَاءُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَصْحَابُهُ بِأَنْ قُتِلُوا مَعَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ لَهُمْ: فَإِنْ كُنْتُمْ قَدْ وَطَّئْتُمْ أَنْفُسَكُمْ عَلَيَّ مَا وَطَّئْتُ نَفْسِي عَلَيْهِ، فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يَهَبُ الْمَنَازِلَ الشَّرِيفَةَ لِعِبَادِهِ بِإِحْتِمَالِ الْمَكَارِهِ. وَ أَنَّ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ خَصَّنِي مَعَ مَنْ مَضَى مِنْ أَهْلِ الدِّينِ أَنَا ۱۰ - وقتی اقوام و یاران امام حسین علیه السلام اعلام آمادگی کردند که با او در راه خدا کشته شوند به آنها فرمود: اگر شما خود را بر آنچه من مهبای آن شده‌ام آماده کرده‌اید، بدانید که خداوند مقام‌های بلند را با تحمل سختی‌ها به بندگانش عطا می‌فرماید. اگر چه خداوند مرا با کسانی از خانواده‌ام که رفتند و من آخرین آنها آخرت بقاء فی الدُّنْیَا مِنَ الْكَرَامَاتِ بِمَا يَسْهَلُ عَلَيَّ مَعَهَا إِحْتِمَالُ الْمَكْرُوهَاتِ، فَإِنَّ لَكُمْ شَطْرُ ذَلِكَ مِنْ كَرَامَاتِ اللَّهِ تَعَالَى وَاعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا حُلُوهَا وَمُرُّهَا حُلْمٌ، وَ الْإِنْتِبَاهُ فِي الْآخِرَةِ، وَ الْفَائِزُ مَنْ فَازَ فِيهَا، وَ الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِيهَا. أَوْ لَا أَحَدٌ تَكُنُّمْ بِأَوْلِ أَمْرِنَا وَ أَمْرِكُمْ مَعَاشِرَ أَوْلِيَانَا وَ مُحِبِّينَا وَ الْمُتَعَصِّبِينَ لَنَا لِيَسْهَلَ عَلَيْكُمْ إِحْتِمَالُ مَا أَنْتُمْ لَهُ مُقَرُّونَ؟ قَالُوا: بَلَى يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ آدَمَ وَ سَوَّاهُ وَ عَلَّمَهُ أَشْيَاءَ كُلِّ شَيْءٍ وَ دَر دُنْيَا هَسْتَمْ بِه كَرَامَاتِي إِخْتِصَاصَ دَادِ كِه بَا وَجُودِ أَنْهَآ تَحْمَلِ سَخْتِي هَا وَ نَاگُوَارِي هَا آسَانِ مِي گَرْدَد، اَمَّا بَرَايِ شَمَا هَم بَخْشِي اَز اَيْنِ كَرَامَاتِ خُدَايِ مَتَعَالِ وَجُودِ دَارِد. بَدَانِيد كِه تَلِخ وَ شِيرِين دُنْيَا مَانِنْد رُؤْيَاست، وَ بِيدَارِي وَ آگَاهِي دَر عَالَمِ آخِرْتِ اسْت، وَ رَسْتگَار كَسِي اسْت كِه دَر آخِرْتِ رَسْتگَار شُود وَ بَدَبِخْت كَسِي اسْت كِه دَر اَن عَالَمِ بَدَبِخْت گَرْدَد. آيَا مِي خُواهِد شَمَا رَا بَه اِبْتِدَايِ آفَرِينِش خُودْمَانِ وَ شَمَا، كِه اَز دُوسْتَانِ وَ دُوسْتدَارَانِ وَ طَرَفدارانِ مَا هَسْتِيد آگَاهِ سَازَم تَا تَحْمَلِ اَنچِه بَر اَن اَقْرَارِ دَارِيد (كِه بَا مَا كَشْتِه شُويد) بَرَايتَانِ آسَانِ گَرْدَد؟ گَفْتَنْد: آري اَي پَسَرِ رَسُولِ خُدَا. اِمَامِ عَلِيهِ السَّلَامِ فَرْمُود: وَ قَتِي خُدَاوَنْد اَدَمَ رَا آفَرِيد وَ اُو رَا بَه كِمَالِ رَسَانِيد وَ نَامِ هَمِه اَشْيَاءِ رَا عَرَضْتُمْ عَلَيَّ الْمَلَائِكَةُ، جَعَلَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ أَشْبَاحًا خَمْسِيَّةً فِي ظَهْرِ آدَمَ، وَ كَانَتْ أَنْوَارُهُمْ تُضِيءُ فِي الْآفَاقِ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْحُجُبِ وَ الْجِنَانِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ الْعَرْشِ. فَأَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّجْدَةِ لِآدَمَ تَعْظِيمًا لَهُ إِنَّهُ قَدْ فَضَّلَهُ بِأَنْ جَعَلَهُ وَعَاءً لِنَلَيْكَ الْأَشْبَاحِ الَّتِي قَدَعَمَ أَنْوَارُهَا فِي الْآفَاقِ. فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ، أَبِي أَنْ يَتَوَاضَعَ لِجَلَالِ عَظَمَتِهِ اللَّهُ وَ أَنْ يَتَوَاضَعَ لِأَنْوَارِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ، وَ قَدْ تَوَاضَعَتْ لَهَا الْمَلَائِكَةُ كُلُّهَا، فَاسْتَكْبَرَ وَ تَرَفَّعَ وَ كَانَ يَبَابِيهِ ذَلِكَ مِنْ الْكَافِرِينَ. (۳۷) بَه اُو آمُوخْتِ وَ اَدَمَ رَا بَرَايِ فَرِشْتِه هَا بِيَانِ كَرْدَد، مُحَمَّدِ وَ عَلِي وَ فَاطِمَه وَ حَسَنِ وَ حُسَيْنِ رَا دَر پِشْتِ اَدَمِ قَرَارِ دَادِ دَر حَالِي كِه نُورِ اَنهَآ دَر اَفَقِ آسَمَانِ هَا، حِجَابِ هَا، بَهْشْتِ، كَرَسِي وَ عَرِشِ مِي دَرخَشِيد. اَن گَاهِ خُدَاوَنْد بَه فَرِشْتِه هَا اَمْرِ كَرْدِ بَرَايِ بَزْرِ گِدَاشْتِ اَدَمِ بَرَايِ اُو (بَه سُوِي اُو) سَجْدِه كِنِنْد زِيْرَا خُدَاوَنْد اَيْنِ فَضِيلَتِ رَا بَه اُو دَادِه بُوْد كِه ظَرْفِ وَجُودِي اَنهَآ بَاشَد كِه نُورِشَانِ هَمِه اَفَاقِ رَا گَرَفْتِه بُوْد. پَسِ هَمِه سَجْدِه كَرْدَنْد مَگَرِ اِبْلِيسِ كِه اَز تَوَاضَعِ دَر بَرَابَرِ جَلَالِ وَ عَظْمَتِ خُدَاوَنْدِ وَ نُورِ مَا اَهْلِ بَيْتِ سَرِ بَازِ زِد. هَمِه فَرِشْتِه هَا تَوَاضَعِ كَرْدَنْد وَ اِبْلِيسِ تَكْبِرِ كَرْدِ وَ خُودِ رَا بَرْتَرِ شَمُرْدِ وَ بَا اَيْنِ سَرَكَشِي وَ تَكْبِرِي كِه كَرْدِ اَز زَمْرِه كَاْفِرَانِ گَرْدِيد.

## بیان فضائل خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نزد معاویه

ذَكَرُ فَضَائِلِ أَهْلِ الْبَيْتِ عِنْدَ الْمُعَاوِيَةَ ۱۱ - قِيلَ لِمُعَاوِيَةَ إِنَّ النَّاسَ قَدْ رَمَوْا أَبْصَارَهُمْ إِلَى الْحُسَيْنِ، فَلَوْ قَدْ أَمَرْتَهُ يَصْعَدُ الْمِئْبَرِ فَيَخْطُبُ فَإِنَّ فِيهِ حَصِيرًا وَفِي لِسَانِهِ كَلَالَةٌ. فَلَمْ يَزَالُوا بِهِ حَتَّى قَالَ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَاعَبِيدِ اللَّهُ لَوْ صَدَّتِ الْمِئْبَرُ فَخَطَبْتَ. فَصَدَّ عَدَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمِئْبَرُ، فَحَدَّ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَسَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ: مَنْ هَذَا الَّذِي يَخْطُبُ؟ فَقَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ حِزْبُ اللَّهِ الْعَالِيُونَ، وَعِتْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ الْأَقْرَبُونَ، وَأَهْلُ بَيْتِهِ ۱۱ - به معاویه گفته شد مردم چشم به حسین دوخته‌اند و به او توجه دارند تمنا داریم به او دستور دهی به منبر رود و سخنرانی کند زیرا در زبانش بستگی و نرمش وجود دارد. آنها همواره بر نظر خود بودند تا این که معاویه به او گفت: ای اباعبدالله تمنا دارم بر منبر رفته و سخنرانی کنی. حسین علیه السلام بر بالای منبر رفت و سپس حمد خدا گفت و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاد. در این هنگام شنید که مردی می‌گوید: او کیست که سخنرانی می‌کند؟ امام حسین علیه السلام فرمود: ما حزب پیروز خدا هستیم، ما خاندان نزدیک رسول خدا و اهل بیت الطیبون و اَحَدُ الثَّقَلَيْنِ الَّذِينَ جَعَلَنَا رَسُولُ اللَّهِ ثَانِي كِتَابِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، وَالْمَعْوَلُ عَلَيْنَا فِي تَفْسِيرِهِ وَلَا- يُيْطُنَّا تَأْوِيلُهُ بَلْ نَتَّبِعُ حَقَائِقَهُ. أَطِيعُونَا فَإِنَّ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةٌ، إِذْ كَانَتْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَفْرُوضَةً. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ، فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (۳۸) وَقَالَ «وَلُورُدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ پَاك او و یکی از دو چیز گران بها هستیم که رسول خدا ما را بعد از کتاب خدای متعال قرارداد، کتابی که همه چیز در آن بیان شده است و باطل از هیچ طرفی در آن راه ندارد. کتابی که در تفسیر آن به ما اعتماد می‌شود و تأویل آن از دسترس ما دور نیست و از حقایق آن پیروی می‌کنیم. ما را اطاعت کنید که اطاعت از ما واجب است، زیرا به اطاعت از خدا و رسولش نزدیک است. خداوند فرمود: «از خدا و فرستاده او و ولی امر خود پیروی کنید و هرگاه در چیزی نزاع داشتید آن را به خدا و رسول ارجاع دهید» و هم چنین فرمود «اگر امری را که به آنها می‌رسد به رسول و ولی خود ارجاع دهند، کسانی که به اولی الامر منهم لعلمه الذين يشتمونهم منهم و لولا فضل الله عليكم و رحمته لاتبعتم الشيطان الا قليلا» (۳۹) و أَحَدَرُكُمْ الْبِضْعَاءِ إِلَى هُتُوفِ الشَّيْطَانِ بِكُمْ، فَإِنَّهُ لَكُمْ عَيْدٌ مُبِينٌ فَتَكُونُوا كَأَوْلِيَانِهِ الَّذِينَ قَالَ لَهُمْ «لَا- غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئْتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ» (۴۰) فَتَلَقَوْا لِلشَّيْطَانِ ضَرْبًا، وَلِلرَّمَاحِ وَرِدًا، وَلِلْعَمْدِ حَطْمًا، وَلِلسَّهَامِ غَرَضًا، ثُمَّ لَا يُقْبَلُ مِنْ نَفْسٍ إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا. به دنبال فهمیدن آن هستند آن را فرا می‌گرفتند و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود به جز عده کمی از شما، از شیطان پیروی می‌کردید.» شما را از گوش دادن به ندای شیطان بر حذر می‌دارم که او دشمن آشکار شماست و همانند دوستان او می‌شوید که (در جنگ بدر) به آنها گفت: «امروز کسی از مردم بر شما پیروز نمی‌شود و من پناه شما هستم. هنگامی که دو گروه (کفار و مؤمنان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: من از شما بی‌زارم، پس خود را مورد ضربات شمشیرها و نیزه‌ها و تیرها قرار می‌دهید آن گاه ایمان کسی که از قبل ایمان نیاورده باشد یا در حال ایمان خیری به دست نیاورده است پذیرفته نیست. قَالَ مُعَاوِيَةُ: حَسْبُكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ أَبْلَغْتَ. (۴۱)

## این آیه درباره ما نازل شده است

فِي نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ۱۲ - قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «إِنَّ مَكَّنَاهُمْ فِي الْمَأْرُضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» (۴۲) هَذِهِ فِينَا أَهْلِ الْبَيْتِ. (۴۳) ۱۲ - درباره این سخن خدای متعال «کسانی که اگر در زمین به آنها توانایی دهیم نماز را بر پا می‌کنند» فرمود: این آیه درباره ما اهل بیت است.

## برکات هم‌نشینی با ما

بَرَكَاتٌ صُحِّيتَنَا ۱۳ - مَنْ أَتَانَا لَمْ يَعِدْمْ خَصِيْلَهُ مِنْ أَرْبَعٍ: در این هنگام معاویه گفت: کافی است ای اباعبدالله، سخنان خود را بیان کردی. ۱۳ - کسی که نزد ما آید یکی از این چهار خصلت را به دست می‌آورد: آيَةُ مُحَكَّمَةٍ، وَقَضِيَّةٌ عَادِلَةٌ، وَأَخًا مُسْتَفَادًا، وَ مُجَالَسَةَ الْعُلَمَاءِ. (۴۴) ۱ - دلیل و نشانه‌ای استوار ۲ - قضاوت عادلانه ۳ - برادر سودمند ۴ - هم‌نشینی با علماء.

### حکومت حق ما بود

كَانَ الْأَمْرُ لَنَا ۱۴ - إِنَّ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرُ عَمِدَا إِلَى الْأَمْرِ وَهُوَلْنَا كُلُّهُ، فَجَعَلَا لَنَا فِيهِ سَهْمًا كَسَيَهُمُ الْجِدَّةُ. أَمَا وَاللَّهِ لِيَهُمُ بِهِمَا أَنْفُسُهُمَا يَوْمَ يَطْلُبُ النَّاسُ فِي شَفَاعَتِنَا. (۴۵) ۱۴ - ابابکر و عمر بر حکومت دست انداختند در حالی که همه آن حق ما بود و برای ما سهمی به اندازه سهم ارث جدّه قرار دادند، اما به خدا قسم روزی که مردم خواستار شفاعت ما هستند آن دو خود را در رنج و سختی خواهند انداخت.

### کوتاهی مردم درباره ما

تَقْصِيرُ النَّاسِ فِيْنَا ۱۵ - أَمَا إِنَّهُمْ لَوْ كَانُوا دَعَوْا اللَّهَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ بِصِدْقٍ مِنْ ۱۵ - اگر مردم، خدا را با نیت‌های پاک و اعتقاد صحیح به محمد و بیات‌های و صِدْقِهِ اعْتَقَادِهِمْ مِنْ قُلُوبِهِمْ أَنْ يَعْصِمَهُمْ حَتَّى لَا يَعَانِدُوهُ بَعْدَ مُشَاهِدَةِ تِلْكَ الْمُعْجَزَاتِ الْبَاهِرَاتِ لَفَعَلَ ذَلِكَ بِجُودِهِ وَكَرَمِهِ وَلَكِنَّهُمْ قَصُرُوا فَأَتَرُوا الْهُوَيْنَا وَمَضُوا مَعَ الْهُوَى فِي طَلَبِ لَمَذَاتِهِمْ. (۴۶) خاندان پاکش می‌خواندند که آنها را حفظ کند تا با دیدن این معجزات آشکار با او دشمنی نکنند، خداوند با لطف و بزرگواریش چنین می‌کرد. اما مردم کوتاهی کردند و هوای حقیر و بی‌ارزش نفس خود را برگزیدند و با آن به دنبال لذت‌های خود حرکت کردند.

### ما را بیش از حق خود بالا نبرید

لَا تَزْفَعُونَا فَوْقَ حَقِّنَا ۱۶ - أَحْبَبْنَا بِحُبِّ الْإِسْلَامِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «لَا تَزْفَعُونِي فَوْقَ حَقِّي، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِتَّخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَنِي رَسُولًا» (۴۷) ۱۶ - ما خاندان پیامبر را به خاطر محبتی که به اسلام دارید دوست بدارید. همانا رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «مرا بیش از آنچه سزاوارم بالا نبرید. هر آینه خداوند مرا به بندگی برگزید قبل از آن که به پیامبری برگزیند.

### این گونه با قضای الهی روبرو می‌شویم

كَذَلِكَ تُوَجِّهُ قَضَاءَ اللَّهِ ۱۷ - قَالَ الْفَرَزْدَقُ إِذَا لَقِيتَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَارِجًا مِنْ مَكَّةَ قَالَ لِي: أَحْبَبْتَنِي عَنِ النَّاسِ خَلْفَكَ؟ فَقُلْتُ: الْخَبِيرُ سَأَلَتْ. قُلُوبُ النَّاسِ مَعَكَ وَ أَسْيَافُهُمْ عَلَيْكَ وَ الْقَضَاءُ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَدَقْتَ، لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَ مِنْ بَعْدِ، وَ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ. إِنْ نَزَلَ الْقَضَاءُ بِمَا نَحِبُّ فَنَحْمِدُ اللَّهَ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى أَدَاءِ الشُّكْرِ، وَ إِنْ حَالَ الْقَضَاءُ دُونَ الرَّجَاءِ، فَلَمْ يَبْعُدْ مَنْ كَانَ الْحَقُّ ۱۷ - فرزدق گوید: وقتی حسین علیه السلام را در بیرون از مکه ملاقات کردم (که به کربلا- می‌رفت) به من فرمود: از مردم کوفه بگو. عرض کردم: از فرد بسیار آگاهی سؤال کردی. قلب‌های مردم با توست و شمشیرهای آنها بر علیه تو می‌باشد و قضای الهی از آسمان فرود می‌آید و خداوند هر چه بخواهد انجام می‌دهد. حضرت فرمود: درست گفתי، مقدرات گذشته و آینده در دست خداست و او هر روز در کاری است. اگر قضای الهی آن گونه که ما دوست داریم نازل شود خدا را بر نعمت‌هایش سپاس می‌گوییم و اوست که بر شکر نعمت‌هایش یاری می‌دهد. و اگر قضای الهی بر خلاف خواست ما رسید کسی که نیتش حق نیتت، وَ التَّقْوَى سِيرَتَهُ. (۴۸)



## سرچشمه دوستی و دشمنی با ما

مَنْشَأُ الْوِلَايَةِ وَالْعِدَاوَةِ فِينَا ۱۸ - مَنْ وَالَانَا فَلِجِدِّي وَالِي وَمَنْ عَادَانَا فَلِجِدِّي عَادِي (۴۹) ۱۸ - کسی که با ما دوستی کند به خاطر جدم دوستی کرده است و کسی که با ما دشمنی ورزد به خاطر جدم دشمنی ورزیده است.

## آثار دوستی صادقانه به ما

آثَارُ الْمَحَبَّةِ الصَّادِقَةِ فِينَا ۱۹ - مَنْ أَحَبَّنَا لَمْ يُحِبَّنَا لِقَرَابَتِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَلَا لِمَعْرُوفٍ أَسَدَيْنَاهُ إِلَيْهِ، إِنَّمَا أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ، جَاءَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ [وَقَرْنٍ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ (۵۰)] وَرُوشٍ أَوْ بِرِ يَأْتِيهِ تَقَوَّاسٌ مِنْ حَقِّ دُورٍ نَخَوِّدُ بِهِ. ۱۹ - کسی که ما را دوست داشته باشد و دوستی او به خاطر خویشاوندی و کار خوبی که برای او انجام داده‌ایم نباشد، ما را به خاطر خدا و رسولش دوست داشته است و در روز قیامت همانند این دو انگشت با ما وارد قیامت خواهد شد (و دو انگشت سبابه‌اش را کنار هم قرار داد).

## پادشاه گریه بر اهل بیت علیهم السلام

أَجْرُ الْبُكَاءِ عَلَيْهِمْ ۲۰ - مَا مِنْ عَبْدٍ قَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً أَوْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا دَمْعَةً إِلَّا بَوَّأَهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ حُقْبًا. (۵۱) ۲۰ - بنده‌ای نیست که چشمانش برای ما اشکی بریزد مگر این که خداوند به خاطر آن اشک، او را روزگاری ساکن بهشت می‌گرداند.

## فصل چهارم: سیمای امیرالمؤمنین علیه السلام

### نام‌گذاری علی علیه السلام به امیر مؤمنان

تَسْمِيَةُ عَلِيٍّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ ۱ - إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ بَعَثَ جِبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُشْهَدَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْوِلَايَةِ فِي حَيَاتِهِ وَبِإِسْمِيَّتِهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ وَفَاتِهِ. فَدَعَا نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تِسْعَةَ رَهْطٍ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا دَعَوْتُكُمْ لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ أَقَمْتُمْ أَمْ كَتَمْتُمْ. ۱ - خدای بزرگ جبرئیل علیه السلام را به سوی محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد تا در زمان حیات خود به ولایت و حکومت علی بن ابی طالب شهادت دهد و او را قبل از وفاتش به امیر مؤمنان نام گذاری کند. پیامبر صلی الله علیه و آله نه نفر را دعوت کرد و فرمود: شما را دعوت کردم تا شاهدانی برای خدا در زمین باشید چه گواهی دهید یا کتمان کنید. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا بَكْرٍ! قُمْ فَسَلِّمْ عَلِيَّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَالَ: أَعَنْ أَمْرَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ. فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُمْ يَا عُمَرُ فَسَلِّمْ عَلِيَّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَالَ: أَعَنْ أَمْرَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ تَسْمِيَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ. فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيِّ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلِيَّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَامَ فَسَلَّمَ وَلَمْ يَقُلْ مِثْلَ مَا قَالَ الرَّجُلَانِ مِنْ قَبْلِهِ. أَنْ گاه فرمود: ای ابابکر! برخیز و به عنوان امیر مؤمنان بر علی سلام کن. ابوبکر گفت: آیا این دستور خدا و فرستاده اوست؟ فرمود: بله. پس ابوبکر برخاست و با عنوان امیر مؤمنان بر او سلام کرد. آن گاه فرمود: ای عمر برخیز و با عنوان امیر مؤمنان بر علی سلام کن. عمر پرسید آیا این دستور خدا و فرستاده اوست؟ فرمود: بله. عمر هم برخاست و بر او سلام کرد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به مقداد بن اسود فرمود: برخیز و با عنوان امیر مؤمنان بر علی سلام کن مقداد برخاست و سلام کرد و سخن آن دو نفر قبل از خود را بیان نکرد. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَبِي ذَرٍّ الْغَفَّارِيِّ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِحُدَيْفَةَ الْيَمَانِيِّ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَامَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ

علیه و آله لَعْبِدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَامَ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِبُرَيْدَةَ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. - وَكَانَ بُرَيْدَةُ أَمِيرَ الْقَوْمِ سَيِّئًا - آن‌گاه به ابوذری فرمود: برخیز و با عنوان امیر مؤمنان بر علی سلام کن. ابوذری هم برخاست و بر او سلام کرد. سپس به حذیفه فرمود: برخیز و بر امیر مؤمنان سلام کن. حذیفه نیز برخاست و بر او سلام کرد. پس از او به عمار بن یاسر فرمود: برخیز و بر امیر مؤمنان سلام کن. عمار هم برخاست و بر او سلام کرد. پس از او به عبدالله بن مسعود فرمود: برخیز و با عنوان امیر مؤمنان بر علی سلام کن. او هم برخاست و سلام کرد. آن‌گاه به بریده فرمود: برخیز و بر امیر مؤمنان سلام کن - در آن هنگام بریده کم سن‌ترین آنها بود - پس او هم برخاست و سلام کرد. فَقَامَ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا دَعَوْتُكُمْ لِهَذَا الْأَمْرِ لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ اللَّهِ، أَقَمْتُمْ أَمْ تَرَكْتُمْ. (۵۲)

### فضائل امیر مؤمنان علیه السلام

فضائل امیر المؤمنین علیه السلام ۲ - فَلَمَّا كَانَ قَبْلَ مَوْتِ مُعَاوِيَةَ بِسَنَةِ حَجِّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ بِمِنَى جَمْعٌ كَثِيرٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَالْأَنْصَارِ وَالصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ. قَامَ فِيهِمْ خَطِيبًا فَحَمِدَ اللَّهَ وَآتَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سِيسِ رَسُولِ خِداصَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَمُودُ: شَمَا رَا بَه اَيْن اَمْر دَعْوَت كَرْدَم تا گواهان الهی باشید. چه گواهی دهید یا ترک کنید. ۲ - یک سال پیش از مرگ معاویه امام حسین صلوات الله علیه به حج رفت و جمع زیادی از بنی هاشم و گروه انصار و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و عده‌ای از تابعین (۵۳) در «منی» به دور او جمع شدند. امام علیه السلام در جمع آنها ایستاد و سخنرانی کرد. در آغاز حمد خدا گفت و سپس فرمود: أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ هَذَا الطَّاعِيَةَ قَدْ فَعَلَ بِنَا وَبِشَيْعَتِنَا مَا قَدْ رَأَيْتُمْ وَعَلِمْتُمْ وَشَهِدْتُمْ، وَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكُمْ عَنْ شَيْءٍ، فَإِنْ صَدَقْتُمْ فَصِدِّقُونِي وَإِنْ كَذَبْتُمْ فَكُذِّبُونِي. إِشِيْمَعُوا مَقَالَتِي وَاكْتُبُوا قَوْلِي ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَى أَمْصَارِكُمْ وَقَابِلِكُمْ فَمَنْ أَمِنْتُمْ مِنَ النَّاسِ وَتَقْتُمْ بِهِ فَمَادَعُوهُمْ إِلَى مَا تَعْلَمُونَ مِنْ حَقِّنَا، فَإِنِّي أَتَخَوَّفُ أَنْ يَدْرُسَ هَذَا الْأَمْرُ وَيَذْهَبَ الْحَقُّ وَيُغْلَبَ «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (۵۴) أَتَشِدُّكُمْ اللَّهُ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَخَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ أَخَا بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَأَخَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهِ وَبَعْدَ از سپاس خداوند آنچه را که این مرد سرکش نسبت به ما و شیعیانمان انجام داد دیدید و فهمیدید و بر آن گواھید. اکنون من می‌خواهم چیزی را از شما بپرسم، اگر راست گفتم بپذیرید و اگر دروغ گفتم تکذیب کنید. سخنانم را بشنوید و بنویسید، آن‌گاه به شهرها و قبائل خود بروید و مردم مورد اطمینان و اعتماد خود را به آنچه در حق ما می‌دانید فراهوانید، زیرا می‌ترسم این امر کهنه شود و حق از میان برود و مغلوب گردد. اما «خداوند نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران دوست نداشته باشند» (آن‌گاه فرمود: شَمَا رَا بَه خِدا سو گند! آیا می‌دانید وقتی پیامبر میان هر دو نفر از اصحابش عقد برادری بست، میان خود و علی بن علی صلی الله علیه و آله: أَنْتَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ أَتَشِدُّكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِشْتَرَى مَوْضِعَ مَسْجِدِهِ وَمَنَازِلِهِ فَبَنَانَهُ ثُمَّ ابْتَنَى فِيهِ عَشْرَةَ مَنَازِلٍ، تِسْعَةٌ لَهُ وَجَعَلَ عَاشِرَها فِي وَسْطِها لِأَبِي. ثُمَّ سَدَّ كُلَّ بَابٍ شَارِعٍ إِلَى الْمَسْجِدِ غَيْرِ بَابِهِ، فَتَكَلَّمَ فِي ذَلِكَ مَنْ تَكَلَّمَ، فَقَالَ: «مَا أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَفَتَحْتُ بَابَهُ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِسَدِّ أَبْوَابِكُمْ وَفَتْحِ بَابِهِ» ثُمَّ نَهَى النَّاسَ أَنْ يَنَامُوا فِي الْمَسْجِدِ غَيْرِهِ، كَانَ يَجُنُبُ فِي أَبِي طَالِبٍ عَقْدَ بَرادری بست و به او فرمود: «ما در دنیا و آخرت با یکدیگر برادریم»؟ - گفتند: آری، خدایا این چنین است. - شما را به خدا سو گند آیا می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله زمینی را برای مسجد و خانه‌های خود خرید و مسجد را ساخت، آن‌گاه ده منزل بنا کرد که نه تایی آن را برای خود و دهمین آنها را که در وسط قرار داشت برای پدرم قرار داد سپس به جز درب خانه او تمام درهایی که به طرف مسجد باز می‌شد را مسدود کرد و چون بعضی اعتراض کردند، جواب داد. «من درب خانه‌های شما را نبستم و درب خانه علی را باز گذاردم بلکه خداوند به من دستور داد درب منازل شما را ببندم و درب منزل او را باز گذارم» آن‌گاه به جز پدرم مردم را از خوابیدن در مسجد نهی فرمود، و منزل الْمَسْجِدِ، وَمَنْزِلُهُ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَوَلَدَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيهِ أَوْلَادٌ؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ.

أَفْتَعَلَمُونَ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ حَرَّصَ عَلَيَّ كَوْهٍ قَدَرِ عَيْنِهِ يَدْعُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَبَى عَلَيَّ ثُمَّ خَطَبَ فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُبَيِّنَ مَسْجِدًا طَاهِرًا لَا يَشْكُهُ غَيْرِي وَغَيْرُ أَخِي وَبَنِيهِ؟» قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. أُنشِدُكُمْ اللَّهَ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَصَبَهُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ وَقَالَ: «لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ؟» أَوْ فِي كِنَارِ مَسْجِدٍ وَخَانَةِ رَسُولِ خِدَاصِلِيِّ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ بُوْدَ وَفِرْزَنْدَانِي بَرَايَ رَسُوْلِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (فِرْزَنْدَانِ فَاطِمَه عَلَيْهَا السَّلَام) فِي رَآنِ مَتُوْلِدِ شَدَنْدَن؟ - كَفْتَنْدَن: آري، خُدَايَا چنين است. - آيَا مي دانيد عمر بن خطاب حرص ورزید تا روزنه‌ای از خانه‌اش را به طرف مسجد باز کند و پیامبر صلی الله علیه وآله از او نپذیرفت و فرمود: «خداوند به من امر کرده است مسجد پاکی بنا کنم که کسی غیر از من و برادرم و پسرانش (حسن و حسین علیهما السلام) در آن ساکن نشوند؟» - گفتند: آری، خدایا چنين است. - شما را به خدا قسم! آيا مي دانيد که رسول خدا صلی الله علیه وآله او را در روز غدیر به جانشینی خود منصوب کرد و مردم را به ولایت او فراخواند و فرمود: «حاضران به افراد غایب خبر دهند؟» قَالُوا أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. أُنشِدُكُمْ اللَّهَ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَهُ فِي عَزْوَةِ تَبُوكِ: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؟» قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. أُنشِدُكُمْ اللَّهَ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ دَعَا النَّصَارَى مِنْ أَهْلِ نَجْرَانَ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ لَمْ يَأْتِ إِلَّا بِهِ وَبِصَاحِبَتِهِ وَابْنَتَيْهِ؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. أُنشِدُكُمْ اللَّهَ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّهُ دَفَعَ إِلَيْهِ اللَّوَاءَ يَوْمَ خَيْبَرَ ثُمَّ قَالَ: - گفتند: آری، خدایا چنين است. - شما را به خدا قسم! آيا مي دانيد که رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگ تبوک درباره او فرمود: «تو نسبت به من به منزله هارون برای موسی هستی و تو بعد از من ولی و سرپرست همه مؤمنین می باشی؟» - گفتند: آری، خدایا این چنين است. - شما را به خدا سوگند! آيا مي دانيد که رسول خدا صلی الله علیه وآله وقتی علمای مسیحی اهل نجران را برای مباهله فرا خواند کسی جز علی و همسر و دو پسرش را نیاورد؟ گفتند: آری، خدایا چنين است. شما را به خدا قسم! آيا مي دانيد که پیامبر صلی الله علیه وآله در روز خیبر پرچم را به «لَاذْفَعُهَا إِلَى رَجُلٍ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَيُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ، كَرَارًا غَيْرَ فَرَارٍ يَفْتَحُهَا اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ؟» قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَهُ بِبِرَاءَةٍ وَقَالَ: «لَا يُبَلِّغُ عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّي.» قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ تُتْرَلْ بِهِ شَدِيدَةٌ قَطُّ إِلَّا قَدَمَهُ لَهَا ثِقَةٌ بِهِ وَإِنَّهُ لَمْ يَدْعُهُ بِاسْمِهِ قَطُّ إِلَّا يَقُولُ يَا أَخِي وَدَسْتُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَادُ وَفِرْمُودُ: «پَرچَمِ رَا بَه دَسْتُ كَسِي خَوَاهِمِ سَپَرْدِ كَه خُدَا وَرَسُوْلَشِ أَوْ رَا دُوسْتُ دَارَنْدُ وَ أَوْ هَمِ خُدَا وَرَسُوْلَشِ رَا دُوسْتُ دَارْدُ، حَمَلَه كَنْنَدَه‌آيِ اسْتُ كَه اَز دَشْمَنْ فِرَارِ نَمِي كَنْدُ وَ خُدَاوَنْدُ قَلْعَه خَيْبَرِ رَا بَه دَسْتُ أَوْ فَتْحِ خَوَاهِدِ كَرْدُ؟» - كَفْتَنْدَن: آري، خُدَايَا چنين است. - آيا مي دانيد که رسول خدا صلی الله علیه وآله را برگزید تا سوره براءت را برای کفار بخواند و فرمود: «جَزْ مِنْ وَ مَرْدِي كَه اَز مِنْ اسْتُ كَسِ دِيگَرِي اَن رَا بَه كَفَّارِ نَخَوَاهِدِ رَسَانْدُ؟» - كَفْتَنْدَن: آري، خُدَايَا این چنين است. - آيا مي دانيد هرگز کار سختی برای رسول خدا صلی الله علیه وآله پیش نیامد مگر این که او را که مورد اعتماد بود پیش فرستاد و هرگز او را با نام صدا نزد ادعوالی آخی؟» قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. أَفْتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَضَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ جَعْفَرٍ وَزَيْدٍ فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ! أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ وَ أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؟» قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. أَتَعْلَمُونَ أَنَّهُ كَانَتْ لَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُلُّ يَوْمٍ خَلْوَةٌ وَكُلُّ لَيْلَةٍ دَخْلَةٌ، إِذَا سَأَلَهُ أَعْطَاهُ وَإِذَا سَكَتَ إِتْبَدَأَهُ؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. جَزْ اَيْنِ كَه كَفْتُ: «بِرَادَرِ مِنْ» وَ يَا «بِرَادَرِمْ رَا نَزْدِ مِنْ صِدَا زَيْنِدُ؟» - كَفْتَنْدَن: آري، خُدَايَا چنين است. آيا مي دانيد که رسول الله صلی الله علیه وآله میان او و جعفر بن عقیل وزید بن حارثه قضاوت کرد و فرمود: «ای علی تو از من هستی و من از تو می باشم و تو بعد از من سرپرست هر مؤمنی می باشی؟» - گفتند: آری، خدایا چنين است. آيا مي دانيد که او هر روز با رسول خدا صلی الله علیه وآله خلوت می کرد و هر شب بر او وارد می شد و هر گاه از او درخواست می کرد پیامبر صلی الله علیه وآله به او می بخشید و هر وقت سکوت می کرد با او سخن می گفت؟ - گفتند: آری، خدایا چنين است. أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَضَّلَهُ عَلَيَّ جَعْفَرٍ وَ حَفْزَةَ حِينَ قَالَ لِفَاطِمَةَ: «رَوَّجْتُكَ خَيْرَ أَهْلِ بَيْتِي أَفَدَمْتُهُمْ سِلْمًا وَ أَعْظَمْتُهُمْ جِلْمًا وَ أَكْبَرْتُهُمْ عِلْمًا؟» قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ، وَ أَخِي عَلِيُّ سَيِّدُ الْعَرَبِ، وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ابْنَايَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟» قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ.

أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَهُ بِغُسْلِهِ وَأَخْبَرَهُ - آیا می‌دانید رسول خدا صلی الله علیه و آله او را بر جعفر و حمزه برتری بخشید وقتی که به فاطمه فرمود: «تو را به همسری بهترین اهل بیت خود در آوردم که در پذیرش اسلام از همه پیش گام‌تر و حلم او از همه بیشتر و علم او از همه زیادتر است»؟ - گفتند: آری، خدایا چنین است. - آیا می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من سرور فرزندان آدم و برادرم علی سرور عرب و فاطمه سرور زنان اهل بهشت و فرزندانم حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند.»؟ - گفتند: آری، خدایا چنین است. - آیا می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «پس از مرگ، بدن او را غسل دهد و به او خبر داد که جبرئیل او را در این کار کمک آن جبرئیل علیه السلام یعنی؟ قالوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ. أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ خُطْبَتِهَا: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تُضِلُّوا»؟ قالوا: أَللَّهُمَّ نَعَمْ. (۵۵)

### اثبات حق امیر مؤمنان علیه السلام

إثبات حق أمير المؤمنين عليه السلام ۳ - إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ كَانَ يَخُطُبُ النَّاسَ عَلَى مِثْرِ رَسُولٍ خَوَّاهُ كَرْدًا؟ - گفتند: آری، خدایا چنین است. - آیا می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین سخنرانی خود فرمود: «من دو چیز گران‌بها را در میان شما گذاردم: کتاب خدا و اهل بیت. پس به این آویزه‌ها چنگ زبید تا گمراه نشوید»؟ - گفتند: آری، خدایا چنین است. ۳ - روزی عمر بن الخطاب بر روی منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای الله صلی الله علیه و آله. فَذَكَرَ فِي خُطْبَتِهِ إِنَّهُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ. فَقَالَ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ: «إِنْ نَزَلَ إِلَيْهَا الْكَذَّابُ عَنْ مِثْرِ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يُبْتَرِ أَيْبُكَ. فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: فَمِثْرُ أَيْبِكَ لِعُمْرِي يَا حَسَيْنُ لَا مِثْرَ أَبِي، مَنْ عَلَّمَكَ هَذَا؟ أَبُوكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟ فَقَالَ لَهُ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنْ أَطَعْتُ أَبِي فِيمَا أَمَرَنِي فَلِعُمْرِي إِنَّهُ لَهَادٍ وَأَنَا مُهْتَدٍ بِهِ. وَلَهُ فِي رِقَابِ النَّاسِ الْبَيْعَةُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ. نَزَلَ بِهَا جِبْرَائِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَعَالَى لَا يُنْكِرُهَا إِلَّا جَاحِدًا بِالْكِتَابِ. مَرَدَمٌ سَخِرَانِي مِي كَرْدُ وَ دَر مِيَان سَخْنَانِ خُودِ كُفْتُ اَز هَمِه مَوْمِنِينَ بِهْ أَنِهَا سَزَاوَاتِرْتَرِ اسْت. حَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامِ اَز كُوشِه مَسْجِدِ بِهْ اَوْ كُفْتُ: اِي بَسِيَارِ دَرُوعْكَو! اَز مَنبِرِ پَدْرَمِ رَسُولِ خُدَا پَايِينِ بِيَا! اِينِ مَنبِرِ پَدْرِ تُو نِيَسْت. عَمْرُ كُفْتُ: اِي حَسِينِ! بِهْ جَانِ خُودَمِ قَسَمِ اِينِ مَنبِرِ پَدْرِ تُو اسْت نِهْ پَدْرِ مَن. چِه كُسِي اِينِ سَخْنِ رَا بِهْ تُو يَادِ دَادِ، پَدْرْتِ عَلِيِ بِنِ اَبِي طَالِبِ؟ حَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَرَمُود: اِگَرِ دَرِ اَنچِه پَدْرَمِ بِهْ مَن دَسْتُورِ دَادِه اسْت اِطَاعْتِ كَنَمِ بِهْ جَانِ خُودَمِ سُو كُنْدِ كِهْ اَوْ هِدَايْتِ كُنْدِه وَ مَن هِدَايْتِ شُدِه اَوْ هَسْتَم. بِيَعْتِ اَوْ اَزِ زَمَانِ رَسُولِ خُدَا دَرِ گَرْدَنِ مَرْدَمِ اسْت. جِبْرَائِيلُ اَزِ سُوِي خُدَايِ بَلَنْدِ مَرْتَبِهْ اَن رَا نَاظِلِ كَرْدُ وَ كُسِي اَن بِيَعْتِ رَا اِنْكَارِ نَمِي كُنْدِ مَگَرِ اَن كِهْ مَنكَرِ كِتَابِ خُدَا اسْت. قَدْ عَرَفَهَا النَّاسُ بِقُلُوبِهِمْ وَ اَنْكَرُوهَا بِاللِّسَانِ، وَ وَيْلٌ لِّلْمُنْكَرِينَ حَقًّا اَهْلَ الْبَيْتِ. مَاذَا يَلْقَاهُمْ بِهْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ اِدَامَةِ الْعُضْبِ وَ شِدَّةِ الْعِذَابِ. فَقَالَ عُمَرُ: يَا حَسَيْنُ! مَنْ اَنْكَرَ حَقَّ اَيْبِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. اَمَرْنَا النَّاسَ فَتَأْمَرُونَا وَ لَوْ اَمَرُوا اَبَاكَ لَأَطَعْنَا. فَقَالَ لَهُ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ الْخُطَّابِ فَايُّ النَّاسِ اَمَرَكَ عَلِيٌّ نَفْسِهِ قَبْلَ اَنْ تُوَمِّرَ اَبَاكَرٍ عَلِيٌّ نَفْسَكَ لِيُوَمِّرَكَ عَلِيٌّ النَّاسِ بِلَا حُجَّةٍ مِنْ نَبِيِّ وَلَا. رِضًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؟ مَرْدَمِ اَن رَا بَا دِلْهَائِ خُودِ شَنَاخْتِنْدِ وَ بَا زَبَانِ هَايْشَانِ اِنْكَارِ كَرْدِنْدِ وَ وَايِ بَرِ اِنْكَارِ كُنْدِگَانِ حَقِّ مَا اَهْلِ بَيْتِ. چِگونِه رَسُولِ خُدَا صَلِي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَنهَا رَا بَا اِينِ اِنْكَارِ وَ دَرِ اِدَامِهْ غُضْبِ وَ عِذَابِ شَدِيدِ مِلَاقَاتِ مِي كُنْدِ. عَمْرُ كُفْتُ: اِي حَسِينِ! لَعْنَتِ خُدَا بَرِ كُسِي كِهْ حَقِّ پَدْرْتِ رَا اِنْكَارِ كَرْدِ. مَرْدَمِ مَا رَا حَاكِمِ خُودِ قَرَارِ دَادِنْدِ مَا هَمِ پَذِيرْفَتِيمِ. اِگَرِ پَدْرِ تُو رَا هَمِ بِهْ حُكُومْتِ مِي رَسَانْدِنْدِ مَا اِطَاعْتِ مِي كَرْدِيمِ. حَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَرَمُود: اِي پَسْرِ خُطَّابِ پِيَشِ اَزِ اَن كِهْ تُو اَبَاكَرِ رَا حَاكِمِ بَرِ خُودِ گَرْدَانْدِي تَا اَوْ تُو رَا بَدُونِ هِيچِ دِلِيلِي اَزِ سُوِي پِيَامْبِرِ وَ يَا رِضَايْتِي اَزِ آلِ مُحَمَّدِ بَرِ مَرْدَمِ حُكُومْتِ دِهْدِ كِدَامِ مَرْدَمِ تُو رَا حَاكِمِ خُودِ قَرَارِ دَادِنْدِ؟ فَرِضَاكُمُ كَانِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رِضًا؟ اَوْ رِضَا اَهْلِهِ كَانِ لَهْ سَخَطًا؟ اَمَا وَاللَّهِ لَوْ اَنَّ لِّلسَانِ مَقَالًا - يَطُولُ تَصْدِيقُهُ وَ فِعْلًا - يُعِينُهُ الْمُؤْمِنُونَ، لَمَا تَخَطَّاتِ رِقَابِ آلِ مُحَمَّدٍ. تَرْقِي مِثْرَهُمْ وَ صَرَوْتِ الْحَاكِمِ عَلَيْهِمْ بِكِتَابِ نَزَلِ فِيهِمْ، لَا تَعْرِفُ مَعْجَمَهُ وَلَا تَدْرِي تَأْوِيلَهُ، اِلَّا سَمَاعَ الْاَذَانِ. الْمُخْطِئُ وَ الْمُصِيبُ عِنْدَكَ سَوَاءٌ، فَجَزَاكَ اللَّهُ جَزَاكَ، وَ سَأَلْتُكَ عَمَّا اُحْدَثْتُ سُؤَالًا

حَقِيْبًا. (۵۶) آیا رضایت شما رضایت پیامبر و رضایت خاندان او سخط محمدصلی الله علیه وآله است؟ به خدا سوگند اگر زبان‌ها راست می‌گفتند و مؤمنین کمک می‌کردند، تو غاصبانه بر آل محمد حکومت نمی‌کردی، بر منبر آنها بالا روی و با کتابی که بر آنها نازل شده است بر آنان حکم کنی. کتابی که نه معنای آن را می‌دانی و نه به تأویل آن آگاهی جز آن که تنها صدای آن را می‌شنوی. خطاکار و درست کار نزد تو یکسانند. خداوند آن گونه که سزاوار کیفری تو را کیفر دهد و از بدعت‌هایی که گذاردی پی در پی سؤال کند.

### علی علیه السلام در قرآن

عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْقُرْآنِ ۴ - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «تَرَاهُمْ رُكْعًا سَیِّدًا» (۵۷) نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۵۸)  
۴ - امام حسین علیه السلام درباره این سخن خدا «آنها را همواره در رکوع و سجودی بینی» فرمود: این آیه در باره علی بن ابی طالب نازل شد.

### انکار برتری علی علیه السلام

إِنْكَارُ فَضْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۵ - إِنَّ دَفْعَ الزَّاهِدِ الْعَابِدِ لِفَضْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْخَلْقِ كُلِّهِمْ بَعِيدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَصِيرَ كَشُعْلَةٍ نَارٍ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ، وَتَصِيرُ سَائِرُ الْأَعْمَالِ الدَّافِعِ لِفَضْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَالْحُلْفَاءِ وَإِنْ امْتَلَأَتْ مِنْهُ الصَّحَارَى، وَاشْتَعَلَتْ فِيهَا تِلْكَ النَّارُ وَتَخْشَاهَا تِلْكَ ۵ - این که زاهد عابدی برتری علی علیه السلام را - پس از پیامبرصلی الله علیه وآله - بر همه خلق انکار کند، انکار او همانند شعله آتشی در روز طوفانی است و سایر اعمال او مانند علف‌های خشکی هستند هر چند دشت‌ها را پر کنند و این شعله الریح حَتَّى تَأْتِيَ عَلَيْهَا كُلُّهَا فَلَا تَبْقَى لَهَا بَاقِيَةٌ. (۵۹)

### دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام

حُبَّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۶ - أَتَى جِبْرِئِيلُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ أَصْحَابِكَ ثَلَاثَةً، فَأَحَبَّهُمْ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَبُوذَرٍّ وَالْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ. (۶۰) ۶ - جبرئیل بر پیامبرصلی الله علیه وآله وارد شد و گفت: ای محمد! خداوند سه نفر از اصحاب تو را دوست دارد تو هم آنها را دوست بدار: علی بن ابی طالب، ابوذر و مقداد.

### پرچم شناخت

عَلْمُ الْمَعْرِفَةِ ۷ - مَا كُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا بِبَعْضِهِمْ عَلِيًّا وَوَلَدَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (۶۱) در این دشت‌ها زبانه می‌کشد تا این که همه علف‌ها را می‌سوزاند و چیزی باقی نمی‌گذارد. ۷ - ما در عصر رسول خداصلی الله علیه وآله منافقین را جز با دشمنی با علی علیه السلام و فرزندانش علیهم السلام نمی‌شناختیم.

### فصل پنجم: سیمای امام حسین علیه السلام

#### نسب درخشان امام حسین علیه السلام

نَسَبُهُ السَّنِيُّ ۱ - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فِي مَجْلِسِ مُعَاوِيَةَ أَنَا ابْنُ مَاءِ السَّمَاءِ وَعُرُوقِ الثَّرَى أَنَا ابْنُ مَنْ سَادَ أَهْلَ الدُّنْيَا بِالْحَسَبِ النَّاقِبِ وَ الشَّرَفِ الْفَائِقِ وَالْقَدِيمِ السَّابِقِ. أَنَا ابْنُ مَنْ رِضَاهُ رِضَا الرَّحْمَانِ وَسَيِّحُطُهُ سَيِّحُطُ الرَّحْمَانِ. ثُمَّ رَدَّ وَجْهَهُ لِلْخَصْمِ فَقَالَ: ۱ - روزی امام

حسین علیه السلام در مجلس معاویه فرمود: من فرزند مرد آسمانی و ریشه‌های توانایی‌ام. من فرزند کسی می‌باشم که به خاطر حسب افتخار آمیز و شرف بلند و برگزیده و سابقه درخشان، سرور اهل دنیا گردید. من فرزند کسی هستم که خشنودی او خشنودی خدای بخشنده و خشم او خشم خدای مهربان است. آن گاه رو به دشمن (معاویه) کرد و گفت: هَلْ لَكَ أَبٌ كَأَبِي أَوْ قَدِيمٌ كَقَدِيمِي؟ فَإِنْ قُلْتَ لَا، تُغَلَبُ وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ تَكْذِبُ. فَقَالَ الْخَضَمُ: لَا تَصْدِيقًا لِقَوْلِكَ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَقُّ أَبْلَجُ لَا يَزِنُ سَبِيلَهُ، وَالْحَقُّ يَعْرِفُهُ ذَوُوا الْأَلْبَابِ (۶۲)

### امامت حسین بن علی علیهما السلام

إِمَامَتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۲ - دَخَلْتُ أَنَا وَ أَخِي عَلَى جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَجَلَسَنِي عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْسَرِ وَأَجَلَسَ أَخِي الْحَسَنَ عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْمَنِ، ثُمَّ قَبَلْنَا وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيَا تُوَازِ پَدْرِي مَانَدِ پَدْرِ مَن وَ سَابِقَه‌ای مَانَدِ سَابِقَه‌ی مَن بِرِخورداری؟ اِگَر بگوئی نَه شِکسْت خورده‌ای و اِگَر بگوئی آری دروغ گفته‌ای. دَشْمَن گفْت: سَخَن تُو پذیرفته نیست، و امام حسین علیه السلام در جواب او فرمود: حَق آشکار است و راهش به انحراف نمی‌گراید و خردمندان آن را می‌شناسند. ۲ - مَن و برادرم بر جدم رسول خداصلی الله علیه و آله وارد شدیم. آن گاه مرا بر زانوی چپ خود و برادرم حسن را بر زانوی راستش نشانند و سپس ما را بوسید و فرمود: «بِأَبِي أَنْتُمَا مِنْ إِمَامَيْنِ سَبْطَيْنِ، إِخْتَارَكُمَا اللَّهُ مِنِّي وَ مِنْ أَبِيكُمَا وَ مِنْ أُمَّكُمَا، وَ اخْتَارَ مِنْ صُلْبِكُ يَا حُسَيْنُ تِسْعَةَ أَيْمَةٍ تَسَعُهُمْ قَائِمُهُمْ وَ كُلُّهُمْ فِي الْفَضْلِ وَ الْمَنْزِلَةِ سَوَاءٌ عِنْدَ اللَّهِ. (۶۳)

### من جانشین جانشینان پیامبرم

أَنَا وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ ۳ - قَالَتْ أُمُّ سَلِيمٍ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أُمَّ سَلِيمِ! أَنَا وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ، وَ أَنَا أَبُو التَّسْعَةِ الْأَيْمَةِ الْهَادِيَةِ وَ أَنَا وَصِيُّ أَخِي الْحَسَنِ، وَ أَخِي وَصِيُّ أَبِي عَلِيٍّ، وَ عَلِيٌّ وَصِيُّ جَدِّي پَدْرِم فِدَايِ شِمَا بَاد كِه دُو اِمَام نِيكُو كَار يِد، خَدَاوند شِمَا رَا از نسل مَن و پَدْر و مادرتان برگزید. ای حسین! خدَا از نسل تُو نَه اِمَام اِنْتخَاب كَرْد كِه نَهْمِين اِنهَا قَائِمِشَان مِي بَاشَد و هَمه اِنهَا در برتری و رتبه نزد خداوند برابرند. ۳ - اِم سَلِيم بَه اِمَام حُسَيْن عَلَيْهِ السَّلَام عَرْض كَرْد شِمَا چِه كَسِي هَسْتِيْد؟ حَضْرَت فرمود: ای اِم سَلِيم! مَن جَانشِين جَانشِينان پِيَا مِبرَم، مَن پَدْر نَه اِمَام هِدَايَت كِنْنده‌ام، مَن جَانشِين برادرم حَسَن و او جَانشِين پَدْرِم عَلِي و عَلِي جَانشِين جدم رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۶۴)

### مردم عالم را به منزلت بلند فراخواندم

سُئْتُ الْعَالَمِينَ إِلَى الْمَعَالِي ۴ - سُئْتُ الْعَالَمِينَ إِلَى الْمَعَالِي بِحُسْنِ خَلِيقَتِهِ وَ عُلُوِّ هِمَّتِهِ وَ لَاحِ بِحِكْمَتِي نُورُ الْهُدَى فِي لِيَالٍ فِي الضَّلَالَةِ مُدْلِهِمَّةٍ يُرِيدُ الْجَاحِدُونَ لِيُطْفِئُوهُ وَ يَا أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُيَمَّمَهُ (۶۵) ۴ - مَرْدَم عَالَم رَا بَا اخْلَاقِي نِيكُو و هَمْتِي بَلَنْد بَه مَنزَلَت بَلَنْد فَرَا خَوَانْدَم. و بَا حِكْمَت مَن نُور هِدَايَت در شب‌های تاریک و ظلماتی درخشید. منکران حق می‌خواهند آن را خاموش کنند اما خداوند جز این که آن را کامل کند نخواهد خواست.

### زیرکی امام حسین علیه السلام

فِرَاسَةُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۵ - قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَسُولِ خِدَاصلِي الله عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْت. ۵ - رُوْزِي عِبْدالله فرزند عمر بن الخطاب در جبهه جنگ صفین به امام حسین علیه السلام گفت: صِفِين: اِعْلَم! اِنَّ اَبَاكَ قَدْ وَتَرَ قُرَيْشًا وَ قَدْ اَبْغَضَهُ النَّاسُ وَ ذَكَرُوا اَنَّهُ هُوَ الَّذِي قَتَلَ عُثْمَانَ، فَهَلْ لَكَ اَنْ تَخْلَعَهُ وَ تُخَالِفَ عَلَيْهِ حَتَّى نُؤَلِّيكَ هَذَا الْاَمْرَ؟ فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَّا وَاللَّهِ

لا- أَكْفُرُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِوَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ. إِحْسِيًّا، وَيَلْمَكَ مِنْ شَيْطَانٍ مَارِدٍ، فَلَقَدْ زَيْنَ لَكَ الشَّيْطَانُ سُوءَ عَمَلِكَ فَخَدَعَكَ حَتَّى أَخْرَجَكَ مِنْ دِينِكَ بِاتِّبَاعِكَ الْقَاسِطِينَ وَنُصَيْرَةَ هَذَا الْمَارِقِ مِنَ الدِّينِ. لَمْ يَزَلْ هُوَ وَأَبُوهُ حَزْبَيْنِ وَعَدُوِّينِ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ، فَوَاللَّهِ مَا أَسِيلَمَا وَلَكِنَّهُمَا إِسْتَشِيَمَا خَوْفًا وَطَمَعًا. آگاه باش که پدرت به قریش بدی کرد و مردم از او کینه دارند و می گویند او بود که عثمان را به قتل رساند. مایلی او را بر کنار کنی و با او به مخالفت برخیزی تا تو را به حکومت رسانیم؟ امام حسین علیه السلام فرمود: هرگز! به خدا قسم من به خدا و رسولش و جانشین رسول خدا کفر نمی ورزم. گم شو! وای بر تو از شیطان سرکش، همانا شیطان اعمال بد تو را برایت زینت داد و تو را فریفت تا آن که با پیروی از ستمگران و یاری دادن به این معاویه خارج شده از دین، از دینی که داشتی بیرون کرد. معاویه و پدرش همواره با خدا و رسولش و مؤمنین در جنگ و دشمنی بودند. به خدا قسم آنها مسلمان نشدند بلکه از روی ترس و طمع تسلیم شدند. فَأَنْتَ الْيَوْمَ تَقَاتِلُ عَنْ غَيْرِ مُتَدَمِّمٍ، ثُمَّ تَخْرُجُ إِلَى الْحَزْبِ مُتَخَلِّفًا لِتِرَائِي بِذَلِكَ نِسَاءَ أَهْلِ الشَّامِ. إِرْتَعَ قَلِيلًا فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ يَقْتُلَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ سَرِيعًا. فَضَحَكَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مُعَاوِيَةَ فَقَالَ: إِنِّي أَرَدْتُ خَدِيعَةَ الْحُسَيْنِ وَقُلْتُ لَهُ كَذَا وَكَذَا، فَلَمْ أَطْمَعْ فِي خَدِيعَتِي. فَقَالَ الْمُعَاوِيَةُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ لَا يُخَدَعُ وَهُوَ ابْنُ أَبِيهِ. (۶۶) امروز تو بدون هیچ نکوهش کننده‌ای می جنگی و به میدان جنگ می آیی تا به زنان شام دست یابی. اندک زمانی در ناز و نعمت باش که من از خدای عزیز و بزرگ امید دارم تو را به زودی بکشد. عبدالله بن عمر پس از شنیدن سخنان امام حسین علیه السلام خندید و به سوی معاویه بازگشت و گفت: خواستم حسین را فریب دهم و به او چنین و چنان گفتم، اما در وعده فریبکارانه‌ای که به او دادم طمع نکرد. معاویه گفت: حسین بن علی فریب نمی خورد او فرزند پدرش می باشد (زیرکی پدر را دارد)

### دوست دارم هفتاد هزار بار به شهادت برسم

وَدَدْتُ أَنْ أُقْتَلَ سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ ۶ - إِلَهِي وَسَيِّدِي وَوَدَدْتُ أَنْ أُقْتَلَ وَأُحْيَى سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ فِي طَاعَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ، سَيِّمَا إِذَا كَانَ فِي قَتْلِي نُصَيْرَةٌ دِينِكَ وَإِحْيَاءُ أَمْرِكَ وَحِفْظُ نَامُوسِ شَرْعِكَ، ثُمَّ إِنِّي قَدْ سَيِّمْتُ الْحَيَاةَ بَعْدَ قَتْلِ الْأَحْبَبِ وَقَتْلِ هَؤُلَاءِ الْفِتْيَةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۶۷) ۶ - ای خدای من! ای سرور من! دوست دارم که هفتاد هزار بار در راه اطاعت و محبت تو کشته شوم به ویژه آن که در کشته شدن من یاری دین تو و زنده شدن امر تو و صیانت از شرع تو نهفته باشد. بعد هم پس از قتل دوستان و جوانان آل محمد از زندگی خسته شدم.

### ترس از خدا

حَشْيَةُ اللَّهِ ۷ - قِيلَ لَهُ مَا أَعْظَمَ خَوْفَكَ مِنْ رَبِّكَ! قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ۷ - به امام حسین علیه السلام عرض شد: چه ترس بزرگی از پروردگار خودداری! در جواب فرمود: لَا يَأْمُنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا. (۶۸)

### تغییر رنگ امام علیه السلام در عبادت

تَغْيِيرُ لَوْنِهِ فِي الْعِبَادَةِ ۸ - كَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَضَّأَ تَغْيِيرَ لَوْنِهِ وَازْتَعَدَ مَفَاصِلَهُ. فَقِيلَ لَهُ: فِي ذَلِكَ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَقٌّ لِمَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، أَنْ يَصِيفَرَ لَوْنُهُ وَتَزَعِدَ مَفَاصِلُهُ. (۶۹) ۸ - وقتی امام حسین علیه السلام وضو می گرفت رنگش تغییر می کرد و مفاصلش می لرزید. گفته شد چرا این حالات بر شما عارض می شود؟ امام علیه السلام فرمود: حق است بر کسی که در پیشگاه خدا که پادشاه شکست ناپذیر است می ایستد رنگ چهره اش زرد و مفاصل هایش بلرزد.

### دعای امام حسین علیه السلام بعد از نماز طواف

دُعَاؤُهُ بَعْدَ صَلَوَةِ الطَّوَافِ ۹ - طَافَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْبَيْتِ ثُمَّ صَارَ إِلَى الْمَقَامِ فَصَلَّى كَسَى فِي رُوحِ قِيَامَتِهِ فِي رُوحِ قِيَامَتِهِ فِي رُوحِ قِيَامَتِهِ مَكَرَّ  
آن که در دنیا از خدا بترسد. ۹ - امام حسین علیه السلام خانه خدا را طواف کرد و آن گاه به مقام **ثُمَّ وَصَعَ خَدَّهُ عَلَى الْمَقَامِ فَجَعَلَ**  
**يَبْكِي وَيَقُولُ: عُبَيْدُكَ يَا بَابِكَ، حُوَيْدُكَ يَا بَابِكَ، سَائِلُكَ يَا بَابِكَ، مِسْكِينُكَ يَا بَابِكَ.** (۷۰)

### من کشته اشکم

أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ ۱۰ - أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا - يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى (۷۱) ۱۰ - من کشته اشکم، مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر این که  
می گیرد. ۱۱ - أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ. (۷۲) ابراهیم رفت و دو رکعت نماز گزارد، سپس رخسار خود را بر روی  
سنگ مقام گذارد و گریه می کرد و می گفت: (خدایا) بنده کوچک تو بر در خانه توست، خادم کوچک تو بر در خانه توست،  
درخواست کننده‌ات بر در خانه توست، مسکین تو بر در خانه توست. ۱۱ - من کشته اشکم، مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر این که  
اشکش جاری می شود. ۱۲ - أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، قُتِلْتُ مَكْرُوبًا، وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا - يَا تُبْنِي مَكْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا رَدَّهُ اللَّهُ أَوْ أَقْبَلَهُ إِلَى أَهْلِهِ  
مَشْرُورًا. (۷۳) ۱۲ - من کشته اشکم، با اندوه کشته شدم و بر خداوند است که اندوهگینی بر من وارد نشود مگر این که او را از حال  
اندوه باز گرداند یا با شادمانی به اهلش رساند.

### من اولین کسی هستم که رجعت می کنم

أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ ۱۳ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ قَبْلَ أَنْ يُقْتَلَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي «يَا بُنَيَّ إِنَّكَ سَتَسَاقُ  
إِلَى الْعِرَاقِ، وَهِيَ أَرْضٌ قَدِ اتَّقَى بِهَا النَّبِيُّونَ وَأَوْصِيَاءُ النَّبِيِّينَ، وَهِيَ أَرْضٌ تُدْعَى عُمُورًا، وَإِنَّكَ تَشْتَشْهَدُ بِهَا وَيَشْتَشْهَدُ مَعَكَ جَمَاعَةٌ  
مِنْ أَصْحَابِكَ لَا يَجِدُونَ أَلَمَ ۱۳ - پیش از آن که امام حسین علیه السلام به شهادت برسد به اصحاب خود فرمود: رسول خدا صلی الله  
علیه وآله فرمود: «ای فرزندانم تو به سوی عراق خواهی رفت و آن سرزمینی است که پیامبران و جانشینان آنها بر آن گام نهاده‌اند و  
«عمور» نامیده می شود. تو و عده‌ای از یارانت که درد شمشیرها را احساس نمی کنند در آنجا به **مَسَّ الْحَدِيدِ وَتَلَا: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي**  
**بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (۷۴) يَكُونُ الْحَرْبُ بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ.** «فَابْشُرُوا، فَوَاللَّهِ لَئِنْ قَتَلُونَا فَإِنَّا نَرُدُّ عَلَى نَبِيِّنَا، ثُمَّ أَمَكْتُ مَا شَاءَ  
اللَّهُ. فَمَا كُونُ أَوَّلُ مَنْ يَشُقُّ الْأَرْضَ عَنْهُ، فَأَخْرُجُ خَرْجَهُ يُوَافِقُ ذَلِكَ خَرْجَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قِيَامَ قَائِمِنَا. ثُمَّ لَيُنزِلَنَّ عَلَيَّ وَفِدًا مِنَ السَّمَاءِ مِنْ  
عِنْدِ اللَّهِ لَمْ يَنْزِلُوا إِلَى الْأَرْضِ قَطُّ، وَلَيُنزِلَنَّ إِلَيَّ جِبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ وَ جُنُودٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ. شَهَادَتِ خَوَاهِدِ رَسِيدِ وَ اَيْنِ آيَه رَا  
تلاوت کرد: «گفتم ای آتش! بر ابراهیم سرد و بی آسیب باش»، و جنگ برای تو و یارانت سرد و بدون گزند خواهد بود. پس  
بشارت باد بر شما، به خدا سوگند اگر ما را بکشند بر پیامبران وارد می شویم و تا زمانی که خدا بخواهد می مانیم. آن گاه من اولین  
کسی هستم که زمین برای او شکافته می شود و رجعت می کنم. رجعت من با بازگشت امیرالمؤمنین و قیام قائم همزمان خواهد بود.  
سپس گروهی از نیروهای الهی از آسمان بر من فرود خواهند آمد، نیروهایی که هرگز تا آن زمان بر زمین فرود نیامده‌اند. و جبرئیل  
و میکائیل و اسرافیل و لشکری از فرشته‌ها بر من نازل خواهند شد. **وَلَيُنزِلَنَّ مُحَمَّدٌ وَعَلِيُّ وَأَنَا وَ أَخِي وَ جَمِيعٌ مِنْ مَنَ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي**  
**حَمُولَاتٍ مِنْ حَمُولَاتِ الرَّبِّ: جِمَالٌ مِنْ نُورٍ لَمْ يَزَكِّهَا مَخْلُوقٌ. ثُمَّ لَيَهْرَنَنَّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوَاءَهُ وَ لَيُدْفَعُهُ إِلَى قَائِمِنَا مَعَ سَيِّفِهِ.**  
**ثُمَّ إِنَّا نَمَكْتُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ. ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ عَيْنًا مِنْ دُهْنٍ وَ عَيْنًا مِنْ مَاءٍ وَ عَيْنًا مِنْ لَبْنٍ. ثُمَّ إِنَّ**  
**أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَدْفَعُ إِلَيَّ سَيْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ يَبْعَثُنِي إِلَى الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. فَلَا آتِي عَلَى عَدُوِّ اللَّهِ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَهُ،**  
**وَلَا - صِينَمًا إِلَّا أَحْرَقْتُهُ حَتَّى أَقَعَ إِلَى الْهِنْدِ فَأَفْتَحُهَا. وَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيُّ وَ مِنْ وَ بَرَادِرٌ وَ هَر كَسَى رَا كَه خَدَاوَنَدِ بَرَاو مَنَتِ كَزَادَرِ بَر**  
مرکب‌هایی از سوی پروردگار فرود خواهند آمد، شترهایی که از نورند و به آن هنگام مخلوقی سوار آنها نشده است. آن گاه محمد  
پرچم خود را به اهتزاز درمی آورد و آن را به همراه شمشیرش به قائم ما خواهد داد. سپس تا زمانی که خدا بخواهد ما می مانیم. پس



از آن خداوند چشمه‌هایی از روغن و آب و شیر از مسجد کوفه آشکار می‌کند. و به دنبال آن امیرالمؤمنین شمشیر رسول خداصلی الله علیه و آله را به من خواهد داد و مرا به مشرق و مغرب خواهد فرستاد. من هم به دشمنی از دشمنان خدا بر خورد نمی‌کنم مگر این که خون او را می‌ریزم و به بتی نمی‌رسم جز این که آن را آتش می‌زنم تا به سرزمین هند می‌رسم و آن را فتح می‌کنم. وَإِنَّ دَانِيَالَ وَيُوشَعَ يَخْرُجَانِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولَانِ صِدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَيَبْعَثُ مَعَهُمَا إِلَى الْبَصِيرَةِ سَبْعِينَ رَجُلًا فَيَقْتُلُونَ مُقَاتِلِيَهُمْ وَيَبْعَثُ بَعْثًا إِلَى الرُّومِ فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ. ثُمَّ لَأَقْتُلَنَّ كُلَّ دَابَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ لَحْمَهَا، حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيِّبُ. وَأَعْرِضُ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَسَائِرِ الْمَلَلِ، وَلَأُخَيِّرَنَّ لَهُمْ بَيْنَ الْإِسْلَامِ وَالسَّيْفِ، فَمَنْ أَسْلَمَ مَنَنْتُ عَلَيْهِ، وَمَنْ كَرِهَ الْإِسْلَامَ أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ. وَلَا يَبْقَى رَجُلٌ مِنْ شِيَعَتِنَا إِلَّا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَمْسُحُ عَنْ وَجْهِهِ دَانِيَالَ وَيُوشَعَ نِيزَ بِهِ سَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِى آيِنْدَ و مِى كَوِينْد: «خدا و پیامبرش راست گفتند» و او هم هفتاد مرد جنگی به همراه آنها به بصره می‌فرستد و جنگاوران آن را که به مخالفت برمی‌خیزند به قتل می‌رساند و لشکری را به روم می‌فرستد و خداوند آن سرزمین را برای آنها فتح می‌کند. آن‌گاه هر جنبنده حرام گوشتی را از پا درمی‌آورم تا جز حیوانات حلال گوشت بر روی زمین باقی نماند. و با یهود و مسیحیان و آیین‌های دیگر روبرو می‌شوم و آنها را میان انتخاب اسلام و شمشیر آزاد می‌گذارم، پس هر کس اسلام آورد با او به نیکی رفتار می‌کنم و هر کس از اسلام خشنود نباشد خداوند خون او را خواهد ریخت. در آن هنگام مردی از شیعیان ما نیست مگر این که خداوند فرشته‌ای بر او می‌فرستد تا غبار (اندوه و غربت) را از چهره او التراب، و يَعْرِفُهُ أَزْوَاجَهُ وَمَنْزِلَتَهُ فِي الْجَنَّةِ. وَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَلَا مُقْعِدٌ وَلَا مُبْتَلَى إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ. وَلَيَنْزِلَنَّ الْبُرْكَاهُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّى أَنْ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ بِمَا يُرِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ وَ لَتَأْكُلَنَّ ثَمَرَةَ الشَّتَاءِ فِي الصَّيْفِ وَ ثَمَرَةَ الصَّيْفِ فِي الشَّتَاءِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۷۵) بزدايد و همسران بهشتی و مرتبه و جایگاهی که در آن دارند را به آنها بشناساند. در آن عصر کور و زمین گیر و مبتلایی نخواهد بود مگر این که خداوند به وجود ما اهل بیت بلا را از او دور خواهد کرد. و خداوند برکت خود را از آسمان بر زمین نازل می‌کند به گونه‌ای که شاخه‌های درخت از فراوانی میوه‌هایی که خدا به آن می‌دهد می‌شکند و شما میوه‌های تابستانی را در فصل زمستان و میوه‌های زمستانی را در فصل تابستان می‌خورید و این تحقق سخن خداوند است که «اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا می‌گرایند هر آینه برکاتی را از آسمان و زمین بر آنها می‌گشودیم، اما تکذیب کردند و ما هم آنها را به کيفر اعمالشان گرفتار کردیم». ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لِيَهَبُ لِشِيَعَتِنَا كَرَامَةً لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ فِيهَا حَتَّى أَنْ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَيَخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْلَمُونَ. (۷۶) آن‌گاه خداوند به شیعیان ما (که قبل از ظهور شیعه بوده‌اند) کرامتی خواهد کرد که دیگر چیزی بر روی زمین و درون آن بر آنها مخفی نخواهد ماند. حتی مردی از آنان می‌خواهد وضع خانواده‌اش را به آنها اعلام نماید پس آنان را به آنچه انجام خواهند داد با خبر می‌کند.

## فصل ششم: سیمای امام مهدی علیه السلام

### غیبت قائم علیه السلام

عَبِيَّةُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۱ - قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ صَاحِبُ الْعَيْبَةِ وَ هُوَ الَّذِي يُقَسِّمُ مِيرَاثَهُ وَ هُوَ حَتَّى. (۷۷) ۱ - قائم این امت فرزند نهم من است، اوست که دارای غیبت است و در حالی که زنده می‌باشد میراثش تقسیم می‌شود.

### مقام صبر کنندگان در عصر غیبت

مَنْزِلَةُ الصَّابِرِينَ فِي زَمَنِ الْعَيْبَةِ ۲ - مِمَّا إِنَّا عَشَرٌ مَهْدِيًّا، أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ۲ - دوازده هدایت کننده از ما می‌باشد

که اولین آنها امیرالمؤمنین علی بن و آخِرُهُمُ النَّاسُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ. يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ. فَيُؤَدُّونَ وَيُقَالُ لَهُمْ: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۷۸) أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۷۹) ابی طالب و آخرین آنها نهمین فرزند من است و او امامی است که برای حق قیام می کند. خداوند به وجود او زمین را زنده می کند پس از آن که مرده باشد و دین حق را به وسیله او بر همه ادیان پیروز می گرداند، هر چند مشرکین خشنود نباشند. او دارای غیبتی است که عده‌ای در آن به تردید می افتند و عده‌ای دیگر بر دین خدا ثابت قدم می مانند. اینها مورد آزار قرار می گیرند و به آنها گفته می شود «این وعده چه زمانی تحقق می یابد اگر شما از راست گویان هستید؟» اما صبر کنندگان بر آزار و تکذیب آنها در زمان غیبت به منزله مجاهدانی هستند که با شمشیر در پیش روی رسول خداصلی الله علیه و آله جهاد می کنند.

### قطعی بودن ظهور

حَنْمِيَّةُ الظُّهُورِ ۳ - لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. كَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ. (۸۰) ۳ - اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند این یک روز را طولانی می کند تا مردی از فرزندانم قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد. از رسول خداصلی الله علیه و آله شنیدم که چنین فرمود.

### زمان سامان بخشی ظهور

زَمَنُ إِصْلَاحِ الظُّهُورِ ۴ - فِي النَّاسِ مِنْ وُلْدِي سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلِ الْبَيْتِ. يُصْلِحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ. (۸۱) ۴ - در فرزند نهم من سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران است او قائم ما اهل بیت می باشد که خداوند متعال امر ظهور او را در یک شب سامان می دهد.

### انتقام قائم علیه السلام از دشمنان

إِنْتِقَامُ الْقَائِمِ مِنَ الْأَعْدَاءِ ۵ - يُظْهِرُ اللَّهُ قَائِمَنَا فَيَنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَنْ قَائِمُكُمْ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَسَابِعُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ هُوَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِي وَ هُوَ الَّذِي يَغِيبُ مُدَّةً طَوِيلَةً، ثُمَّ يُظْهِرُ وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. (۸۲) ۵ - خداوند قائم ما را آشکار می کند و از ستمگران انتقام می گیرد. گفته شد: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه کسی است؟ حضرت فرمود: هفتمین نفر از فرزندان پسر محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) است. او حجت خدا، فرزند حسن، فرزند علی، فرزند محمد، فرزند علی، فرزند موسی، فرزند جعفر، فرزند محمد، فرزند علی، پسر من است. او کسی است که مدتی طولانی از چشم‌ها غایب می شود، آن گاه ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ستم و ظلم شده است.

### سخت گیری قائم علیه السلام بر دشمنان

شِدَّةُ الْقَائِمِ عَلَى الْأَعْدَاءِ ۶ - قَالَ بُشَيْرُ بْنُ غَالِبٍ الْأَسَدِيُّ: قَالَ لِي الْحَسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا بُشَيْرُ! مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيَّ مِنْهُمْ خَمْسَ مِائَةِ رَجُلٍ فَضْرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا، ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسَ مِائَةٍ فَضْرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا، ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسَ مِائَةٍ فَضْرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا؟ قُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَيُّلَعُونَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْهُمْ. (۸۳) ۶ - بشیر بن غالب اسدی گوید: حسین بن

علی علیهما السلام به من فرمود: ای بشر! چگونه قریش باقی خواهند ماند وقتی قائم پانصد نفر آنها را پیش آورد و با زجر کردن آنها را بزند. آن گاه پانصد نفر دیگر از آنان را پیش آورد و با زجر و سختی کردن آنها را بزند. سپس پانصد نفر دیگر از آنها را پیش آورد و با زجر و سختی کردن آنها را بزند؟ عرض کردم: خداوند حال شما را نیکو قرار دهد آیا آنها به عصر ظهور می‌رسند؟ امام علیه السلام فرمود: دوستدار آنها هم از خود آنهاست.

### سخت‌گیری امام مهدی علیه السلام بر بنی‌امیه

شَدَّتْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَنِي أُمَيَّةَ ۷ - قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَرِيكٍ: مَرَّ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى حَلْقَةِ مَن بَنِي أُمَيَّةَ وَ هُم جُلُوسٌ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا وَاللَّهِ لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ مِنِّي رَجُلًا يَقْتُلُ مِنْكُمْ أَلْفًا وَ مَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا وَ مَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا. فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَوْلَادُ كَذَا وَ كَذَا لَا يَبْلُغُونَ هَذَا. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيُحَكِّكَ إِنَّ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَكُونُ لِلرَّجُلِ مِنْ صُلْبِهِ كَذَا وَ كَذَا ۷ - عبدالله بن شريك گوید: حسين عليه السلام بر جمعی از بنی‌امیه که به صورت دایره در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودند گذر کرد و به آنها فرمود: آگاه باشید به خدا قسم دنیا به پایان نخواهد رسید تا آن که خداوند مردی را از نسل من برمی‌انگیزد که هزار نفر از شما را به قتل می‌رساند و هزار نفر دیگر را نیز به قتل می‌رساند و هزار نفر دیگر را بر آنها می‌افزاید. عرض کردم: فدایت شوم اینها فرزندان فلان و فلان هستند و به عصر ظهور نمی‌رسند. امام علیه السلام فرمود: در آن زمان از پشت هر مردی آن اندازه و آن اندازه مرد به وجود رجلاً و إِنَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ. (۸۴)

### مدت جنگ امام مهدی علیه السلام

مُدَّةُ جِهَادِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۸ - قَالَ عَيْسَى الْخَشَّابُ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا وَلَكِنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُؤْتَوَّرُ بِأَبِيهِ، أَلْمَكْنَى بِعَمِّهِ، يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ. (۸۵) خواهد آمد و دوستدار هر قومی از آنها خواهد بود. ۸ - عیسی خشاب از امام حسین علیه السلام پرسید: تو صاحب الامر هستی؟ امام علیه السلام فرمود: نه، صاحب این امر، آن دور شده خانه به دوشی است که به خون خواهی پدرش برمی‌خیزد، و با لقب عمویش خوانده می‌شود، و به مدت هشت ماه شمشیر بر دوش دارد.

### مدت حکومت امام مهدی علیه السلام

مُدَّةُ حُكُومَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۹ - يَمْلِكُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِسْعَةَ عَشَرَ سِنَةً وَأَشْهُرًا. (۸۶) ۹ - مهدی علیه السلام نوزده سال و چند ماه حکومت می‌کند.

### فصل هفتم: جایگاه شیعه

#### فطرت شیعه

فِطْرَةُ الشَّيْعَةِ ۱ - نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا عَلَى الْفِطْرَةِ الَّتِي بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْهَا بَرَاءٌ. (۸۷)

#### شیعه بر آیین ابراهیم است

الشَّيْعَةُ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۲ - مَا أَحَدٌ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا، وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْهَا ۱ - ما و شیعیانمان بر همان سرشت

و طبیعتی هستیم که خداوند محمد صلی الله علیه و آله را بر آن آفرید و سایر مردم از آن طبیعت به دور هستند. ۲ - کسی جز ما و شیعیان ما بر آیین ابراهیم نیست و سایر مردم از این آیین برآء. (۸۸)

### شیعه شهید است

الشیعَةُ شَهِيدٌ ۳ - قَالَ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: مَا مِنْ شَيْعَتِنَا إِلَّا صِدِّيقٌ شَهِيدٌ. قُلْتُ: أَتَى يَكُونُ ذَلِكَ وَهُمْ يَمُوتُونَ عَلَى فُرْشِهِمْ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا تَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ»؟ (۸۹) ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ لَمْ تَكُنْ دُورَ هَسْتَنْد. ۳ - زیدبن ارقم گوید: حسین بن علی علیه السلام فرمود: کسی از شیعیان ما نیست مگر آن که نیکوکار و شهید است. عرض کردم: چگونه همه آنها شهیدند در حالی که آنان در رختخواب خود می‌میرند؟ امام علیه السلام فرمود: آیا کتاب خدا را نخوانده‌ای که می‌فرماید: «کسانی که به خدا و فرستادگان او ایمان آوردند آنها از نیکان و شهیدان در نزد پروردگار خویشند» اگر شهادت جز برای کسی که با شمشیر کشته می‌شود نمی‌بود الشَّهَادَةُ إِلَّا لِمَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ، لَأَقْلَّ اللَّهُ الشُّهَدَاءَ. (۹۰) وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي نَقْلِ آخَرَ. لَوْ كَانَ الشُّهَدَاءُ لَيْسَ إِلَّا كَمَا تَقُولُ لَكَانَ الشُّهَدَاءُ قَلِيلًا. (۹۱)

### نجات شیعه از دست گمراهان

إِنْفَاذُ الشَّيْعَةِ مِنْ يَدِ الضَّالِّينَ ۴ - قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا لِرَجُلٍ: أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ رَجُلٌ يَرُومُ قَتْلَ مَسْكِينٍ قَدْ ضَعُفَ، تَنْقِذُهُ مِنْ يَدِهِ، أَوْ نَاصِبٍ يُرِيدُ إِضْلالَ مَسْكِينٍ مِنْ ضِعْفَاءِ شَيْعَتِنَا تَفْتَحُ عَلَيْهِ مَا خَدَّاعُوا شُهَدَاءَ رَا بِهَ ائِدْكَ رَسَانِدَه بُوْد. وَ دَر نَقْل دِیْگَرِی فَرْمُوْد: اگَر شُهَدَا جَز آن گُونَه کَه تُو مِی گُوِی نَبُوْدنْد (کَه شُهید تَنها کُسی باشَد کَه با شَمشیر کُشته شُوْد) تَعْداد آنها بَسِیار کَم بُوْد. ۴ - حسین بن علی صلوات الله علیه به مردی فرمود: کدام یک از این دو کار برای تو محبوب‌تر است؟ نجات آن مسکین ضعیفی که مردی می‌خواهد او را به قتل برساند و تو از دست او نجاتش می‌دهی یا نجات یکی از شیعیان ضعیف ما که یکی از دشمنانمان می‌خواهد او را گمراه سازد و تو راه بسته را بر او می‌گشایی و دلایلی را به یُمْتَنِعُ بِهِ وَ یُحِمْهُ وَ یُکَسِّرُهُ بِحُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى بَلْ إِنْفَاذُ هَذَا الْمَسْكِينِ الْمُؤْمِنِ مِنْ يَدِ هَذَا النَّاصِبِ. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «مَنْ أَحْيَاها فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (۹۲) أَى وَ مَنْ أَحْيَاها وَ أَرشَدَها مِنْ كُفْرٍ إِلَى إِيمَانٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْتَلَهُمْ بِسُيُوفِ الْحَدِيدِ. (۹۳)

### دستگیری علمی از شیعیان

مُؤاساةٌ عِلْمِيَّةٌ لِلشَّيْعَةِ ۵ - مَنْ كَفَلَ لَنَا يَتِيمًا قَطَعَتْهُ عَنَّا غَيْبَتُنَا وَ اسْتَبَارَنا فَواسِاهُ مِنْ عُلُومِنَا او مِی آموزِی تا آن مرد گمراه کننده را درمانده کرده و با حجت‌های الهی درهم شکند؟ آری نجات این مؤمن ضعیف از دست آن ناصبی (دشمن اهل بیت) بهتر است. خدای تعالی می‌فرماید: «کسی که نفسی را زنده کند گویا همه مردم را زنده کرده است.» یعنی کسی که فردی را زنده کند و از کفر به ایمان هدایت نماید گویا همه مردم را پیش از آن که به شمشیر کشته شوند زنده کرده است. ۵ - کسی که یتیمی (شیعه‌ای) را که غیبت و پنهانی ما و او را از ما جدا کرده است دستگیری فکری کند و با علموی که از ما به او رسیده است وی را التی سَقَطَتْ إِلَيْهِ حَتَّى أَرشَدَهُ وَ هَدَاهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الْعَبْدُ الْكَرِيمُ الْمُؤاسَى! إِنِّي أَوْلَى بِهَذَا الْكَرَمِ، إِجْعَلُوا لَهُ يَا مَلَائِكَتِي فِي الْجَنانِ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ عِلْمَهُ أَلْفَ أَلْفٍ قَصْرٍ، وَ أَضَيْفُوا إِلَيْهَا مَا يَلِيقُ بِهَا مِنْ سَائِرِ النِّعَمِ.» (۹۴)

### شیعه کیست؟

مِنِ الشَّيْعَةِ؟ ۶ - قَالَ رَجُلٌ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَنَا مِنْ شَيْعَتِكُمْ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّتَ اللَّهُ وَ لَا تَدَّعِينِ شَيْئًا يَقُولُ اللَّهُ

لَكَ كَذِبٌ وَ فَجْرٌ فِي دَعْوَاكَ، یاری دهد تا او را هدایت کند خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار و یاری دهنده! من به این بزرگواری سزاوارترم، هان ای فرشته‌های من! برای هر حرفی که به او آموخت هزارهزار قصر برای او در بهشت قرار دهید و از سایر نعمت‌ها که لایق آن است بر آن بیفزایید. ۶- مردی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! من از شیعیان شما هستم. امام علیه السلام فرمود: از خدا بترس و ادعایی نکن که خداوند بگوید دروغ گفتی و در إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غَشٍّ وَ غَلٍّ وَ دَغَلٍ، وَ لَكِنْ قُلْ أَنَا مِنْ مُوَالِيكُمْ وَ مُحِبِّكُمْ. (۹۵)

### پاداش شیعه

أَجْرُ الشَّيْعَةِ ۷- إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا لِيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ تَاجٌ تَبْوَةٌ، قُدَامُهُ سَبْعِينَ مَلَكًا يَسْأَلُ سَوْقًا إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ، فَيَقَالُ لَهُ: أُدْخِلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (۹۶) ۷- روز قیامت مردی از شیعیان ما می‌آید که تاج بنوت بر سر اوست و در پیش روی او هفتاد فرشته به دنبال هم تا درب بهشت حرکت می‌کنند، آن‌گاه به او گفته می‌شود: بدون حساب روز قیامت وارد بهشت شو.

### نقش دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله

دَوْرُ حُبِّ الْعُرَّةِ ۸- مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَرَدْنَا نَحْنُ وَهُوَ عَلَيَّ نَبِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ادعای خود به گناه افتادی. همانا شیعیان ما کسانی هستند که قلب‌های آنان از هر فریب و ناپاکی و خیانت پاک باشد. اما تو بگو من از دوستان و دوستانان شما هستم. ۸- کسی که ما را به خاطر خدا دوست بدارد ما و او این گونه بر پیامبران هکذا (وَضَمَّ إِضْبَعِيهِ) وَ مَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَسْبِعُ الْبِرَّ وَ الْفَاجِرَ. (۹۷) ۹- مَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ صَاحِبَ الدُّنْيَا يُحِبُّهُ الْبُرُؤُ الْفَاجِرُ، وَ مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ كُنَّا نَحْنُ وَهُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ (وَ أَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَ الْوُسْطَى) (۹۸) ۹- کسی که ما را به خاطر دنیا دوست داشته باشد البته انسان‌های خوب و بد، دارنده دنیا را دوست دارند و کسی که به خاطر خدا ما را دوست بدارد، ما و او در روز قیامت مثل این دو انگشت کنار هم خواهیم بود (و به دو انگشت نشانه و میانه خود اشاره کرد). ۱۰- مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ نَفَعَهُ حُبُّنَا، وَلَوْ كَانَ فِي جَبَلِ الدِّيْلَمِ، وَ مَنْ أَحَبَّنَا لِغَيْرِ ذَلِكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ. إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُسَاقِطُ عَنْ وَارِدِ مِشْوِيمِ (و دو انگشت خود را کنار هم قرار داد) و کسی که ما را به خاطر دنیا دوست بدارد، دنیا بر خوب و بد گسترش می‌یابد. ۱۰- کسی که ما را برای خدا دوست داشته باشد دوستی ما به او سود می‌رساند اگر چه در کوه دیلم باشد. و کسی که به خاطر غیر خدا به ما محبت ورزد خدا آنچه بخواهد با او انجام می‌دهد. به راستی که دوستی ما اهل بیت گناهان را از بندگان فرو می‌ریزد همان گونه که باد برگ‌ها را از العباد الذنوب كما تساقط الريح الورق من الشجر. (۹۹) ۱۱- مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ نَفَعَهُ اللَّهُ بِحُبِّنَا، وَ مَنْ أَحَبَّنَا لِغَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَنَا. إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ تُسَاقِطُ عَنِ الْعَبِيدِ الذُّنُوبُ كَمَا تُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ. (۱۰۰) ۱۱- کسی که ما را به خاطر خدا دوست داشته باشد خداوند به او سود رساند و کسی که ما را به خاطر غیر خدا (دنیا) دوست داشته باشد خداوند برای ماست. دوستی ما خاندان گناهان را از بندگان فرو می‌ریزد همان گونه که باد برگ‌ها را از درختان فرو می‌ریزد. ۱۲- مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَ نَصَرَنَا بِيَدِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ لَمْ يَنْصُرْنَا بِلِسَانِهِ وَ لَا بِيَدِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ دُونَ ذَلِكَ بِمَنْزِلَةٍ، وَ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ يَدِهِ فَهُوَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ، وَ مَنْ أَبْغَضَنَا فِي دَرْخَتَانِ فَرُو مِ رِيْزِد. ۱۲- کسی که با قلبش ما را دوست داشته باشد و با زبان و دستش یاری رساند روز قیامت در رفیق اعلی (محل انبیا و اولیاء) با ماست و کسی که ما را با قلبش دوست بدارد اما با زبان و دستش یاری ندهد، در بهشت با درجه‌ای پایین‌تر از مقام رفیق اعلی با ما خواهد بود. و کسی که با قلب خود به ما کینه ورزد و با دست و زبانش دشمنی کند در پایین‌ترین طبقه از بقلبه وَ أَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُعِنْ عَلَيْنَا بِيَدِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ فَوْقَ ذَلِكَ بِدَرَجَةٍ. (۱۰۱) ۱۳- وَ اللَّهُ! الْبُلَاءُ وَ الْفَقْرُ وَ الْقَتْلُ أَسْرِعُ إِلَى مَنْ أَحَبَّنَا مِنْ رَكْضِ الْبَرَّازِينَ وَ مِنَ السَّيْلِ إِلَى صِمْرِهِ. (۱۰۲) ۱۳- به خدا سوگند بلاها و فقر و کشته شدن به سوی دوستان ما شتابنده‌تر از

دویدن اسب‌های مسابقاتی و حرکت سیل به سوی محل پایانی آن است. ۱۴ - قَالَ قَيْسُ بْنُ غَالِبٍ الْأَسَدِيُّ: خَرَجْتُ أَنَا وَأَخِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ غَالِبٍ وَزُرْبُنُ جَيْشٍ وَهَانِيُّ بْنُ عَزْوَةَ، وَعِبَادَةُ بْنُ رَبِيعٍ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ قَوْمِنَا حَتَّىٰ إِنْتَهَيْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ، فَأَتَيْنَا مَنْزِلَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَخَلْنَا عَلَيْهِ فَقَالَ: آتَشْ أَسْت. وَكَسَىٰ كَمَا بَقَلْبِشْ بَا مَا كَيْنَه وَرَزْد وَبَا زَبَانِشْ دَشْمَنِ كَنْدَ اَمَا بَا دَسْت وَعَمَلْ خُودِ مَخَالَفْتْ نَكَنْدْ دَر دَرَجَه‌ای بِالَاتْرَازِ آن خُوهَادْ بُوْد. ۱۴ - قَيْسُ بْنُ غَالِبِ اسَدِيْ كُوِيْد: مَن وَ بَرَادَرْمَ وَ عِبَدَاللهِ بِنِ غَالِبِ وَ زَرْبِنِ جَيْشِ وَ هَانِيْ بِنِ عَرُوْهَ وَ عِبَادَةُ بِنِ رَبِيْعِيْ بَا گَرْوَهِيْ اَز قَوْمِ خُودِ اَز مَحَلِّ خُوِيْشِ خَارِجِ شَدِيْمِ تَا بَه مَدِيْنَه رَسِيْدِيْمِ. اَن گَاه بَه خَانَه حَسِيْنِ بِنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامِ اَمَدِيْمِ وَ بَر اُو وَاْرَدِ شَدِيْمِ. حَضْرَتْ فَرْمُوْد: مَا اَقْدَمُكُمْ هَذَا الْبَلَدِ فِيْ غَيْرِ حَجِّ وَلَا عُمْرَةٍ؟ قُلْنَا: يَا بَنَ رَسُولِ اللهِ، وَفَدَّ النَّاسُ عَلَيَّ يَزِيْدُ بَنَ مُعَاوِيَةَ فَاحْبَبْنَا اَنْ وَفَادَتْنَا عَلَيْكَ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللهِ؟ قُلْنَا: وَاللهِ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اُبَشِّرُوا - يَقُوْلُهَآ ثَلَاثًا - ثُمَّ قَالَ: اَتَاذْنُوْنِي لِيْ اَنْ اُقُوْمَ؟ قُلْنَا: نَعَمْ. فَصَامَ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَعَادَ اِلَيْنَا. فَقَالَ ابْنُ رَبِيْعِي: يَا بَنَ رَسُولِ اللهِ! اِنَّ الْخَوَارِجِيْنَ كَانَتْ لَهُمْ عَلَامَاتٌ يُعْرَفُوْنَ بِهَا. فَهَلْ لَكُمْ عَلَامَاتٌ تُعْرَفُوْنَ بِهَا؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: يَا عِبَادَةُ! نَحْنُ عَلَامَاتُ الْاِيْمَانِ فِي بَيْتِ الْاِيْمَانِ، مَنْ اَحْبَبْنَا اَحْبَبَهُ اللهُ وَ نَفَعَهُ اِيْمَانُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُقْبَلُ مِنْهُ عَمَلُهُ، چَه چِيْزِ شَمَا رَا بَه اِيْنِ شَهْرِ كَشَانْدْ بَدُوْنِ اَن كَه بَخُوَاهِيْدِ حَجَّ وَ عَمْرَه‌ای اَنْجَامِ دَهِيْد؟ كَفْتِيْم: اِي فَرْزَنْدِ رَسُوْلِ خُودِ! مَرْدَمْ بَرِ يَزِيْدِيْنِ مُعَاوِيَه وَاْرَدِ شَدَنْدْ وَ مَا دُوْسْتِ دَاشْتِيْمِ كَه بَرِ شَمَا وَاْرَدِ شُوِيْمِ. اِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَرْمُوْد: شَمَا رَا بَه خُودِ! كَفْتِيْمِ بَه خُودِ قَسْمِ. سَه مَرْتَبَه فَرْمُوْد: بَشَارَتِ بَادِ شَمَا رَا (وَ اَن گَاه فَرْمُوْد): اِجَازَه مِي دَهِيْدِ بَرِ خِيْزِمِ؟ پَاْسَخِ دَاْدِيْمِ: آْرِي. پَس بَرِخَاَسْتِ، وَضُوْگَرْفْتِ وَ دُو رَكَعْتِ نَمَازِ گَرْاْرَدِ وَ بَه سُوِيْ مَا بَازِ گَشْتِ. عِبَادَةُ عَرْضِ كَرْد: اِي فَرْزَنْدِ رَسُوْلِ خُودِ! خَاَنْدَاْنِ پِيَاْمَبْرَاْنِ نَشَاْنَه‌هَائِي دَاشْتَنْدْ كَه بَه اَن شَنَاخْتَه مِي شَدَنْد. آْيَا شَمَا نَشَاْنَه‌هَائِي دَاْرِيْدْ كَه شَنَاخْتَه شُوِيْد؟ فَرْمُوْد: اِي عِبَادَه! مَا نَشَاْنَه‌هَائِي اِيْمَاْنِ دَرِ خَاْنَه اِيْمَاْنِ هَسْتِيْمِ. هَر كَسِيْ مَا رَا دُوْسْتِ بَدَاْرَدِ، خُودَاْوَنْدِ اُو رَا دُوْسْتِ مِي دَاْرَدِ وَ اِيْمَاْنِشْ دَرِ رُوْزِ قِيَاْمَتِ بَرَايِ اُو سُودْمَنْدْ خُوهَادْ بُوْد وَ عَمَلِشْ اَز اُو پَذِيْرْفْتَه مِي شُوْد. وَ مِيْنِ اَبْغَضْنَا اَبْغَضَهُ اللهُ وَ لَمْ يَنْفَعَهُ اِيْمَانُهُ وَ لَمْ يَنْفَعَهُ عَمَلُهُ. قَالَ: فَقُلْتُ: وَ اِنْ دَاْبَ وَ نَصَبَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ! وَ صَامَ وَ صَلَّى ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عِبَادَةُ! نَحْنُ يَنْبِيعُ الْحِكْمِيَّةِ وَ بِنَا جَرَتِ التُّبُوُّهُ وَ بِنَا يُفْتَحُ وَ بِنَا يُخْتَمُ لَا بَغِيْرِنَا. (۱۰۳) وَ كَسِيْ كَه بَا مَا دَشْمَنِ كَنْدِ خُودَاْوَنْدِ بَا اُو دَشْمَنِ مِي كَنْدِ وَ اِيْمَاْنِشْ بَرَايِ اُو سُودِي نَدَاْرَدِ وَ عَمَلِشْ پَذِيْرْفْتَه نِيْسْت. عَرْضِ كَرْدَمِ اِگَرِ چَه دَر رَنْجِ وَ زَحْمَتِ اَفْتَنْد؟ فَرْمُوْد: بَلَه وَ اِگَرْچَه رُوْزَه گِيْرِدِ وَ نَمَازِ گَرْاْرَدِ. اَن گَاه فَرْمُوْد: اِي عِبَادَه! مَا چَشْمَه‌هَائِي حَكْمِيْتَمِ، بَه وَسِيْلَه مَا نَبُوْتِ جَرِيَاْنِ پِيْدَا كَرْدِ وَ بَه وَسِيْلَه مَا اَغَاْزِ مِي شُوْدِ وَ بَه مَا خَاْتَمَه مِي يَاْبَدِ نَه بَه غِيْرِ اَزِ مَا.

## فصل هشتم: مرگ و قیامت

### توصیف قبر

وَصَفُّ الْقُبْرِ ۱ - نَظَرَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْقُبُورِ وَقَالَ: مَا أَحْسَنَ ظَوَاهِرَهَا وَ اَيْمَانَ الدَّوَاهِي فِي بُطُونِهَا. فَاللهُ! اللهُ! عِبَادَ اللهِ! لَا تَسْتَعْلُوا بِالْذُّنُوبِ، فَإِنَّ الْقَبْرَ بَيْتُ الْعَمَلِ، فَاعْمَلُوا وَ لَا تَعْمَلُوا. - وَ اَنْشَدَ: - يَا مَنْ بِذُنُوبِهِ اسْتَعْلَ وَ عَزَّهُ طَوْلُ الْأَمَلِ ۱ - اِمَامِ حَسِيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ بَه قَبْرَهَا نِگَاَه كَرْدِ وَ فَرْمُوْد: چَه ظَاَهْرِ زِيْبَايِي دَاْرَنْدِ دَرِ حَالِي كَه سَخْتِي وَ دَشُوَاْرِي دَرُوْنِ اَنَهَاَسْت. پَس خُودَا رَا، خُودَا رَا بَه يَادِ دَاشْتَه بَاشِيْد. اِي بَنْدِگَاْنِ خُودِ! بَه دُنْيَا مَشْغُوْلِ نَشُوِيْد، بَه رَاَسْتِي كَه قَبْرِ خَاْنَه عَمَلِ اسْت، پَس عَمَلِ كَنْيِدِ وَ غَفْلَتِ نُوْرِيْزِيْد - اَن گَاه اِيْنِ اَشْعَاْرِ رَا سَرُوْد: اِي كَسِيْ كَه بَه دُنْيَايِ خُودِ مَشْغُوْلِ شُدَه اسْت وَ اَرْزُوْهَائِي دَرَاْزِ اُو رَا فَرِيْفْتَه اسْت. اَلْمَوْتُ يَأْتِي بَعْتَهُ وَ الْقَبْرُ صُنْدُوْقُ الْعَمَلِ (۱۰۴)

### یاد مرگ

ذِكْرُ الْمَوْتِ ۲ - يَا بَنَ آدَمَ! تَفَكَّرْ وَ قُلْ: اَيْنَ مَلُوكُ الدُّنْيَا وَ اَرْبَابُهَا، اَلَّذِيْنَ عَمَّرُوْا خَرَابَهَا، وَ اَحْتَفَرُوْا اَنْهَارَهَا، وَ عَرَسُوْا اَشْجَارَهَا، وَ مَيَدَّنُوْا مَدَائِنَهَا. فَارْقُوْهَا وَ هُمْ كَارِهُوْنَ، وَ وَرَثَتُهَا قَوْمٌ آخَرُوْنَ، وَ نَحْنُ بِهَمَّ عَمَّا قَلِيْلٍ لَّا حِقُوْنَ؟ يَا بَنَ آدَمَ! اَذْكُرْ مَصِيْرَ عَكَ، وَ فِي قَبْرِكَ

مَضَجَعَكَ، وَمَوْقَفَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى يَشْهَدُ جَوَارِحُكَ عَلَيْكَ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ. مرگ به طور ناگهانی می‌آید و قبر صندوق عمل است. ۲- ای فرزند آدم! اندیشه کن و بگو! کجا هستند پادشاهان و صاحبان دنیا؟ کسانی که ویرانه‌های آن را آباد و نهرهای آن را حفر کردند، درختان آن را کاشتند و شهرهای آن را بنا گذاردند و از آن جدا شدند در حالی که ناراحت بودند و گروهی دیگر آن را به ارث بردند و ما هم به زودی به آنها خواهیم پیوست. ای فرزند آدم! مرگ خود را به یاد آور و بر پهلو خوابیدن در قبر و ایستادن در برابر خدا در روز قیامت را به یاد داشته باش. روزی که قدم‌ها در آن می‌لرزد و اعضای بدن بر علیه تو گواهی می‌دهند. وَ تَبْلُغُ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ، وَ تَبْيَضُّ وُجُوهُ وُجُوهُ، وَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ، وَ تَبْدَى السَّرَائِرُ وَ يُوضَعُ الْمِيزَانُ لِلْقِسْطِ. یابن آدم! اذْكَرُ مَصَارِعَ آبَائِكَ كَيْفَ كَانُوا وَ حَيْثُ حَلُّوا، وَ كَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ حَلَلْتَ مَحَلَّهُمْ - وَأَنْشَدَ: أَيْنَ الْمُلُوكِ الَّتِي عَنْ حَظِّهَا غَفَلْتَ حَتَّى سَقَاهَا بِكَأْسِ الْمَوْتِ سَاقِيهَا تَلْمِكَ الْمِدَائِنُ فِي الْأَفَاقِ خَالِيَةً عَادَتْ خَرَابًا وَ ذَاقَ الْمَوْتَ بَانِيهَا أَمْوَالُنَا لِتَدْوِي الْوَارِثِ نَجْمَعُهَا وَ دَوْرُنَا لِخَرَابِ الدَّهْرِ نَبْنِيهَا. (۱۰۵) و جان‌ها به گلو می‌رسد. در آن روز چهره‌های بعضی سفید و چهره‌های بعضی سیاه می‌شود و درون انسان‌ها آشکار می‌گردد و میزان الهی برای اجرای عدالت نصب می‌شود. ای فرزند آدم! مرگ پدرانت را به یاد آور که چگونه بودند و به کجا رفتند و گویا تو به زودی به جایگاه آنها وارد خواهی شد. آن‌گاه این اشعار را سرود: کجا هستند پادشاهان که از لذت‌های دنیا در غفلت فرو رفتند تا این که ساقی مرگ جام مرگ را به آنها نوشاند. این شهرهایی که در روزگاران گذشته بنا گردید خراب شدند و سازندگان آنها جام مرگ چشیدند. ما اموال خود را برای وارثانمان جمع می‌کنیم و خانه‌های خویش را برای خراب کردن آنها به دست روزگار بنا می‌نهم.

### تصور مرگ

تَصَوُّرُ الْمَوْتِ ۳ - لَوْ عَقَلَ النَّاسُ وَ تَصَوَّرُوا الْمَوْتَ بِصُورَتِهِ لَخَرِبَتِ الدُّنْيَا. (۱۰۶) ۳- اگر مردم می‌اندیشیدند و مرگ را به صورت حقیقی آن در نظر می‌آوردند دنیا (از فرط بی‌رغبتی مردم به آن) ویران می‌شد.

### مرگ موجودات جهان

مَوْتُ أَشْيَاءِ الْعَالَمِ ۴ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ عَاشُورَاءِ لِأُخْتِهِ زَيْنَبَ. إِعْلَمِي أَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ، وَ أَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْقُونَ، وَ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ يَبْعَثُ الْخَلْقَ وَ يَعُودُونَ وَ هُوَ فَزْدٌ وَ حَدَّةٌ، وَ أَبِي خَيْرٌ مِنِّي، وَ أُمِّي خَيْرٌ مِنِّي، وَ ۴- امام حسین علیه السلام در شب عاشورا به خواهرش زینب علیها السلام فرمود: بدان که همه اهل زمین می‌میرند و اهل آسمان هم باقی نخواهند ماند و هر چیزی جز خداوند از بین می‌رود، خدایی که خلق را به قدرت خود آفرید. و آنها را برمی‌انگیزد و بر او وارد می‌شوند در حالی که تنها و یکتاست. پدر و مادر و برادرم از من بهتر بودند (و همه آنها به عالم دیگر آخی خیر منی، وَ لِي وَ لِكُلِّ مُسْلِمٍ بِرَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ. (۱۰۷)

### تفسیر مرگ

تَفْسِيرُ الْمَوْتِ ۵ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ بِكَرْبَلَا: صَبْرًا يَا بَنِي الْكِرَامِ! فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا فَنَظْرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَ الضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَ النَّعِيمِ الدَّائِمَةِ. فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَتَّقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَضِيرٍ؟ وَ مَا هُوَ لِأَعْيَادِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَضِيرٍ إِلَى سِجْنٍ وَ عَذَابٍ. إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: رَفْتُنْدُ) وَ مِنْ وَ هَرِ مُسْلِمَانِ دِيْغَرِ بَايْدِ اَزِ رَسُوْلِ خِدَاصِلِي اَللّٰهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ پيروي کند. ۵- امام حسین علیه السلام به اصحاب خود در کربلا فرمود: ای فرزندان شرف و بزرگواری! شکیبا باشید که مرگ جز پلی نیست که شما را از رنج و سختی به باغ‌های بزرگ و نعمت‌های جاودان عبور می‌دهد. کدام یک از شما دوست ندارد از

زندانی به قصری منتقل گردد؟ اما دشمن شما که می‌میرد مانند کسی است که از قصری به زندان و شکنجه گاه منتقل شود. پدرم از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من روایت کرد که فرمود: «إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لِإِلَى جَنَانِهِمْ وَجِسْرٌ هُوَ لِإِلَى جَحِيمِهِمْ. مَا كَذَبْتُ وَلَا كَذِبْتُ.» (۱۰۸)

## توصیف مرگ و آثار آن

وَصَفُ الْمَوْتِ وَآثَارُهُ ۶ - أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَحْذِرْكُمْ أَيَّامَهُ وَ أَرْفَعْ لَكُمْ أَعْلَامَهُ. فَكَأَنَّ الْمُخَوْفَ قَدْ أَفْتَدَ بِمُهُولٍ وَرُودِهِ، وَ نَكِيرِ حُلُولِهِ، وَ بَشَعِ مَدَائِقِهِ، فَاعْتَلَقَ مُهَجَّكُمْ وَ حَالَ بَيْنَ الْعَمَلِ وَ بَيْنَكُمْ، فَبَادِرُوا بِصَحَّةِ الْأَجْسَامِ فِي مُدَّةِ الْأَعْمَارِ. «دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ پل اهل ایمان به بهشتشان و پل کافران به جهنمشان می‌باشد. نه دروغ به من گفته شده و نه دروغ می‌گویم. ۶ - شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم و از روز حساب بر حذر می‌دارم و نشانه‌هایش را برای شما بیان می‌کنم. گویا آنچه ترسناک است با ورودی هولناک و مقدمی ناآشنا و مزه‌ای ناگوار نزدیک شده است و به جان‌های شما دست انداخته و میان شما و اعمالتان حائل گردیده است. پس با سلامتی جسمانی که در مدت عمر خود دارید در انجام عمل بکوشید. کَأَنَّكُمْ بَبِعَاتٍ طَوَارِقِهِ فَتَنْقُلُكُمْ مِنْ ظَهْرِ الْأَرْضِ إِلَى بَطْنِهَا، وَ مِنْ عَلْوِهَا إِلَى سَفْلِهَا وَ مِنْ أَنْسَبِهَا إِلَى وَحْشَتِهَا وَ مِنْ رَوْحِهَا وَضُؤَيْهَا إِلَى ظَلَمَتِهَا وَ مِنْ سَعَتِهَا إِلَى ضَيْقِهَا، حَيْثُ لَا يُزَارُ حَمِيمٌ، وَلَا يُعَادُ سَقِيمٌ، وَ لَا يُجَابُ صَرِيحٌ. أَعَانَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ عَلَى أَهْوَالِ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَ نَجَانَا وَ إِيَّاكُمْ مِنْ عِقَابِهِ، وَ أَوْجَبَ لَنَا وَ لَكُمْ الْجَزِيلَ مِنْ ثَوَابِهِ. عِبَادَ اللَّهِ! فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ قَصِيرَ مَرْمَأَتِكُمْ وَ مِدَى مَطْعَنِكُمْ كَانَ حَسْبُ الْعَامِلِ شُغْلًا يَسْتَفْرِغُ عَلَيْهِ أَحْرَانَهُ، وَ يُذْهِلُهُ عَنْ دُنْيَاهُ وَ يَكْتُرُ نَصَبَهُ لِطَلَبِ الْخَلَاصِ مِنْهُ. گویا مرگ به طور ناگهانی شما را در کام خود می‌گیرد و از پشت زمین به درون آن و از بلندیش به گودی آن منتقل می‌کند، و از انس آن به وحشتی که دارد و از آسایش و روشنی‌اش به تاریکی و از وسعتش به تنگنایش انتقال می‌دهد. آنجا که نه خویشاوندی ملاقات شود و نه بیماری عیادت گردد و نه به فریاد کسی جواب داده شود. خداوند ما و شما را بر هراس‌های این روز یاری دهد و از عذاب آن نجات بخشد و اجر بزرگی برای ما و شما قرار دهد. ای بندگان خدا! اگر این دنیا پایان زندگی و منتهای کوچ شما باشد سزاوار است انسان در آن به کاری مشغول گردد که غم و اندوهش را ببرد و او را از دنیا به کناری کشد و برای خلاص از آن زحمت خود را زیاد کند. فَكَيْفَ وَهُوَ بَعْدَ ذَلِكَ مُرْتَهِنٌ بِاِكْتِسَابِهِ، مُسْتَوْقِفٌ عَلَى حِسَابِهِ، لَاؤَزِيرَ لَهُ يَمْنَعُهُ، وَ لَا- ظَهِيرَ عَنْهُ يَدْفَعُهُ، وَ «يَوْمَئِذٍ لَا- يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، قُلِ انْتَضَرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ» (۱۰۹) أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ! فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ ضَمِنَ لِمَنْ اتَّقَاهُ أَنْ يُحَوِّلَهُ عَمَّا يَكْرَهُ إِلَى مَا يُحِبُّ، وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. فَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَخَافُ عَلَى الْعِبَادِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ، وَ يَأْمُنُ الْعُقُوبَةَ مِنْ ذَنْبِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَخْدَعُ عَنْ جَنَّتِهِ وَ لَا پس چگونه چنین عمل نکند در حالی که پس از این جهان در گرو اعمال خویش است و او را به پای حساب می‌برند و نه یاوری دارد که او را از سختی‌ها دور بدارد و نه پشتیبانی دارد که از او دفاع کند. «در این روز ایمان کسی که از قبل در دنیا مؤمن نشده و یا خیری در ایمان خود کسب نکرده است سودی ندارد. بگو شما در انتظار باشید ما هم منتظریم.» شما را به پرهیزکاری سفارش کنم زیرا خداوند ضمانت کرده است که هر کس تقوا پیشه کند او را از وضعی که خوش ندارد به وضعی که دوست دارد برساند و از جایی که گمان آن را نمی‌برد به او روزی رساند. پس مبادا از زمره کسانی باشی که بر گناه بندگان ترسان است و از عذاب گناه خود آسوده خاطر می‌باشد. به راستی که خدای متعال در وارد کردن مردم به بهشتش فریب نمی‌خورد و آنچه از نعمت‌های بهشتی نزد ینال ما عنده إِلَّا بِطَاعَتِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (۱۱۰) اوست جز با طاعت به دست نمی‌آید.

## فصل نهم: عبادت

### اقسام بندگی





امید و نیازش به او خواهد داد.

## معنای صدای حیوانات

مَعْنَى صَوْتِ الْحَيَوَانَاتِ ۶ - سَيِّئَلٌ عَنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَالِ صِغَرِهِ عَنْ أَصْوَاتِ الْحَيَوَانَاتِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا صَاحَ النَّسْرُ فَإِنَّهُ يَقُولُ. خانواده بزدايد و شما را پاک گرداند» این اعلام نماز را به مدت نه ماه پس از نزول آیه «خانواده‌ات را به نماز امر کن و خود بر آن شکیبای باش» ادامه داد. ۶ - از امام حسین علیه السلام که در حال خردسالی به سر می برد سؤال شد، صدای حیوانات چه معنایی دارد؟ حضرت فرمود: وقتی کرکس می خواند می گوید: يَا بَنَ آدَمَ! عَشْ مَا شِئْتَ فَأَخْرَجَهُ الْمَوْتُ. وَ إِذَا صَاحَ الْبَازِيُّ يَقُولُ: يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ وَ يَا كَاشِفَ الْبَلِيَّاتِ! وَ إِذَا صَاحَ الطَّائُوسُ يَقُولُ: مَوْلَايَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَزْتُ بِزِينَتِي فَاعْفِرْ لِي. وَ إِذَا صَاحَ الدَّرَاجُ يَقُولُ: أَلرَّحْمَنُ عَلَي الْعَرْشِ اسْتَوَى وَ إِذَا صَاحَ الدِّيَكُ يَقُولُ: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ لَمْ يَنْسَ ذِكْرَهُ. وَ إِذَا قَرَّعَتِ الدُّجَاجِيَةُ تَقُولُ: أَي فِرْزَنَدِ آدَمَ! هِر چِه مِي خَوَاهِي زَنَدِگِي كَن كِه پَايَان آن مرگ است. وقتی باز می خواند می گوید: ای آگاه به امور پنهانی و ای بر طرف کننده سختی‌ها! وقتی طاووس می خواند می گوید: مولاي من! به نفس خود ستم کردم و به زیبایی خود فریفته شدم، مرا ببخش. وقتی دراج (پرنده‌ای شبیه کبک) می خواند می گوید: خدای مهربان بر عرش مسلط است. وقتی خروس می خواند می گوید: کسی که خدا را بشناسد ذکر او را فراموش نمی کند. وقتی مرغ قدقند می کند می گوید: يَا إِلَهَ الْحَقِّ! أَنْتَ الْحَقُّ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ يَا اللَّهُ يَا حَقُّ. وَ إِذَا صَاحَ الْبَاشِقُ يَقُولُ: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ إِذَا صَاحَتِ الْجِدَاءُ تَقُولُ: تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ تُرْزَقْ. وَ إِذَا صَاحَ الْعُقَابُ يَقُولُ: مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ لَمْ يَشَقْ. وَ إِذَا صَاحَ الشَّاهِينُ يَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ حَقَّاقًا. وَ إِذَا صَاحَتِ الْبُومَةُ تَقُولُ: أَي خدای بر حق! تو حقی و گفته‌ات حق امت ای خدا و ای حق. وقتی قرقی می خواند می گوید. به خدا و روز قیامت ایمان آوردم. وقتی زغن (نوعی پرنده) می خواند می گوید: به خدا توکل کن روزی داده می شوی. وقتی عقاب می خواند می گوید: کسی که از خدا اطاعت کند بدبخت نمی شود. وقتی شاهین می خواند می گوید: به درستی، به درستی منزله است خداوند. وقتی جغد می خواند می گوید: أَلْبُعْدُ مِنَ النَّاسِ أَنْسُ. وَ إِذَا صَاحَ الْغُرَابُ يَقُولُ: يَا رَازِقُ ابْنِ عَثِ الرُّزْقِ الْحَلَالِ. وَ إِذَا صَاحَ الْكُرْكِيُّ يَقُولُ: أَللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ عِدْوِي. وَ إِذَا صَاحَ اللَّقْلَقُ يَقُولُ: مَنْ تَخَلَّى عَنِ النَّاسِ نَجَى مِنْ أَدَاهُمْ. وَ إِذَا صَاحَ الْبَطَّةُ يَقُولُ: غَفْرَانِكَ يَا اللَّهُ. وَ إِذَا صَاحَ الْهُدْهُدُ يَقُولُ: دوری از مردم انس با خداست. وقتی کلاغ می خواند می گوید: ای روزی دهنده! روزی حلال بفرست. وقتی دُرْنا (پرنده‌ای حلال گوشت شبیه لک لک) می خواند می گوید: خدا یا مرا از شر دشمنم حفظ کن. وقتی لک لک می خواند می گوید: کسی که از مردم بگریزد از آزار آنها نجات یابد. وقتی مرغابی می خواند می گوید: خواستار بخشش تو هستم ای خدا. وقتی هدهد می خواند می گوید: مَا أَشَقِي مَنْ عَصَى اللَّهَ. وَ إِذَا صَاحَ الْقُمْرِيُّ يَقُولُ: يَا عَالِمَ السِّرِّ وَ النَّجْوَى يَا اللَّهُ. وَ إِذَا صَاحَ الدُّبْسِيُّ يَقُولُ: أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ سِوَاكَ يَا اللَّهُ. وَ إِذَا صَاحَ الْعُقَعْقُ يَقُولُ: سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ. وَ إِذَا صَاحَ الْبَيْغَاءُ يَقُولُ. مَنْ ذَكَرَ رَبَّهُ غَفَرَ ذَنْبَهُ. وَ إِذَا صَاحَ الْعُصْفُورُ يَقُولُ: چه اندازه بدبخت است کسی که معصیت خدا می کند. وقتی قمری می خواند می گوید: ای آگاه به سرّ و راز! ای خدا! وقتی دُبسی (مرغی مایل به سیاهی) می خواند می گوید: تو خدایی و خدایی جز تو نمی باشد ای خدا! وقتی کلاژ (پرنده‌ای شبیه کلاغ) می خواند می گوید: منزله است خدایی که هیچ امر پوشیده‌ای بر او پنهان نیست. وقتی طوطی می خواند می گوید: کسی که پروردگارش را یاد کند گناه او را می بخشد. وقتی گنجشک می خواند می گوید: أَسِيءَ عَفَرَ اللَّهُ مِمَّا يَسِيءُ خَطُّ اللَّهِ. وَ إِذَا صَاحَ الْبُئْبُلُ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا. وَ إِذَا صَاحَ الْفَبْجَةُ يَقُولُ: قَرَّبَ الْحَقَّ قَرَّبًا. وَ إِذَا صَاحَتِ السَّمَانَاتُ تَقُولُ: يَا بَنَ آدَمَ مَا أَغْفَلَكَ عَنِ الْمَوْتِ؟ وَ إِذَا صَاحَ الشُّوَذُ نَبِيُّ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مَحْمَدٌ وَ آلُهُ خَيْرُهُ اللَّهُ. وَ إِذَا صَاحَتِ الْفَاحِشِيَةُ تَقُولُ: طلب مغفرت می کنم از آنچه خدا را به خشم می آورد. وقتی بلبل می خواند می گوید. به درستی، به درستی خدایی جز خدای یگانه نیست. وقتی کبک می خواند می گوید: به حق نزدیک شو، نزدیک شو. وقتی بلدرچین می خواند می گوید: ای فرزند آدم! چه چیز تو را از مرگ غافل کرده است؟ وقتی چرنغ (مرغی شکاری) می خواند می گوید: خدایی جز خدای یکتا

نیست و محمد و آل او برگزیدگان خدا هستند. وقتی فاخته (قمری) می‌خواند می‌گوید: یا واحد یا احد یا فرد یا صمد. و إذا صاح الشُّقْرَاقُ يَقُولُ: مَوْلَايَ أَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ. و إذا صاحَتِ الْقَمْبَرَةُ تَقُولُ: مَوْلَايَ تَبَّ عَلَى كُلِّ مُذْنِبٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. و إذا صاحَ الْوَرِشَانُ يَقُولُ: إِنْ لَمْ تَغْفِرْ ذَنْبِي سَقِيتُ. و إذا صاحَ الشُّفَيْنُ يَقُولُ: لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. و إذا صاحَتِ النُّعَامِيَةُ تَقُولُ: اِي يَغَانَهُ! اِي يَكْتَا! اِي بِي هَمْتَا و بِي نِيَا! وقتی دار کوب می‌خواند می‌گوید: اِي مَوْلَايَ مِنْ! مرا از آتش آزاد گردان! وقتی چکاوک (پرنده‌ای شبیه طوطی) می‌خواند می‌گوید: مَوْلَايَ مِنْ! به هر گنهکاری از گنهکاران توفیق توبه عنایت کن. وقتی ورشان (کبوتری صحرايي) می‌خواند می‌گوید: اگر گناهم را نبخشی بدبخت می‌شوم. وقتی یمام (کبوتری صحرايي) می‌خواند می‌گوید: قدرتی نیست مگر برای خدای بلند مرتبه و بزرگ. وقتی شتر مرغ می‌خواند می‌گوید: لَا مَعْبُودَ سِوَى اللَّهِ. و إذا صاحَتِ الْخَطَافَةُ فَإِنَّهَا تَقْرَأُ سُورَةَ الْحَمْدِ وَ تَقُولُ: يَا قَابِلَ تَوَيِّتِ التَّوَابِينَ يَا اللَّهُ لَكَ الْحَمْدُ. و إذا صاحَتِ الرَّزَافَةُ تَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ. و إذا صاحَ الْحَمَلُ يَقُولُ: كَفَى بِالْمَوْتِ وَعِظًا. و إذا صاحَ الْجِدْيُ يَقُولُ: عَاجَلْنِي الْمَوْتُ، تَقَلَّ ذَنْبِي وَازْدَادَ. و إذا صاحَ الْأَسِيدُ يَقُولُ: مَعْبُودِي جِزِ خِدا نِيسْت. وقتی پرستو می‌خواند سوره حمد را می‌خواند و می‌گوید: اِي قَبُولِ كِنْدَه توبه توبه كنندگان! اِي خِدا! ستايش براي توست. وقتی زرافه صدا می‌کند می‌گوید: خدایی جز خدای یکتا نیست و یگانه است. وقتی بره بانک برمی‌آورد می‌گوید: مرگ برای اندرز کافی است. وقتی بزغاله صدا می‌کند می‌گوید: مرگ به سوی من شتاب گرفت، گناهم سنگین و زیاد شد. وقتی شیر فریاد می‌کند می‌گوید: أَمْرُ اللَّهِ مُهِمٌّ مُهِمٌّ. و إذا صاحَ الشُّورُ يَقُولُ: مَهْلًا مَهْلًا يَا بَنَ آدَمَ! أَنْتَ بَيْنَ يَدَيْ مَنْ يَرِي وَلَا يَرِي وَ هُوَ اللَّهُ. و إذا صاحَ الْفِيلُ يَقُولُ: لَا يُغْنِي عَنِ الْمَوْتِ قُوَّةٌ وَلَا حِيلَةٌ. و إذا صاحَ الْفَهْدُ يَقُولُ: يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ. و إذا صاحَ الْجَمَلُ يَقُولُ: سُبْحَانَ مِذَلِّ الْجَبَّارِينَ سُبْحَانَهُ. امر خدا مهم است، مهم. وقتی گاو نر فریاد می‌کند می‌گوید: آهسته، آهسته، اِي فرزند آدَم، تو در پيش كسي قرار داري كه مي‌بيند و ديده نمي‌شود و آن خداوند است. وقتی فیل صدا می‌کند می‌گوید: هیچ توانایی و حيله‌ای نمی‌تواند جلوی مرگ را بگیرد. وقتی یوزپلنگ بانک برمی‌آورد می‌گوید: اِي شَكْسْتِ ناپذير و اصلاح كننده! اِي شايسته بزرگي، اِي خِدا! وقتی شتر صدا می‌دهد می‌گوید: منزه است خوار کننده سرکشان، منزه است. و إذا صاحَ الْفَرَسُ يَقُولُ: سُبْحَانَ رَبَّنَا سُبْحَانَهُ. و إذا صاحَ الذُّئْبُ يَقُولُ: مَا حَفَظَ اللَّهُ لَنْ يُضَيِّعَ أَبَدًا. و إذا صاحَ ابْنُ آوَى يَقُولُ: الْوَيْلُ، الْوَيْلُ لِلْمُذْنِبِ الْمَصْتَرِّ. و إذا صاحَ الْكَلْبُ يَقُولُ: كَفَى بِالْمَعَاصِي ذُلًّا. و إذا صاحَ الْإِرْنَبُ يَقُولُ: لَا تُهْلِكْنِي يَا اللَّهُ لَكَ الْحَمْدُ. وقتی اسب شیهه می‌کشد می‌گوید: منزه است پروردگار ما، منزه است. وقتی گرگ زوزه می‌کشد می‌گوید: آنچه را خدا حفظ کند هرگز ضایع نمی‌شود. وقتی شغال فریاد می‌کند می‌گوید: وای بر گنهکاری که بر گناه اصرار می‌ورزد. وقتی سگ صدا می‌کند می‌گوید: گناهان برای ذلت کافی است. وقتی خرگوش صدا می‌کند می‌گوید: هلا-کم نکن ای خدا! ستایش برای توست. و إذا صاحَ الثَّلَبُ يَقُولُ: الدُّنْيَا دارُ غُرُورٍ. و إذا صاحَ الْغَزَالُ يَقُولُ: نَجِّنِي مِنَ الْأَذَى وَ إذا صاحَ الْكُرْكَدَانُ يَقُولُ: أَعِثْنِي وَإِلَّا هَلَكْتُ يَا مَوْلَايَ. و إذا صاحَ الْإِبِلُ يَقُولُ: حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، حَسْبِيَ اللَّهُ. و إذا صاحَ النَّمْرُ يَقُولُ: سُبْحَانَ مَنْ تَعَزَّزَ بِالْقَدْرَةِ سُبْحَانَهُ. وقتی روباه فریاد می‌کند می‌گوید: دنیا خانه فریب است. وقتی آهو صدا می‌دهد می‌گوید: مرا از آزار شدن نجات ده. وقتی کرگدن بانک برمی‌آورد می‌گوید: به فریادم برس و گرنه هلاک می‌شوم ای مولای من. وقتی شتر فریاد می‌کند می‌گوید: خداوند مرا کافی است و بهترین و کیل است، خداوند مرا کافی است. وقتی پلنگ فریاد می‌کند می‌گوید: پاک و منزه است خدایی که به قدرت خود شکست‌ناپذیر است پاک و منزه است. و إذا سَبَحَتِ الْحَيَّةُ تَقُولُ. مَا أَسْقَى مَنْ عَصَاكَ يَا رَحْمَنُ وَ إذا سَبَحَتِ الْعَقْرَبُ تَقُولُ: أَلْشَّرُ شَيْءٌ وَحَشٌّ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ تَسْبِيحٌ يَحْمِدُ بِهِ رَبَّهُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةً «وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ». (۱۱۸) و (۱۱۹) وقتی مار به سخن آید می‌گوید. چه اندازه بدبخت است کسی که تو را معصیت می‌کند ای مهربان. وقتی عقرب به سخن آید می‌گوید: بدی چیز وحشت‌انگیزی است. آن گاه امام علیه السلام فرمود: خداوند چیزی خلق نکرده مگر اینکه تسبیحی دارد که با آن پروردگارش را ستایش می‌کند. سپس این آیه را تلاوت کرد: «هیچ چیزی نیست مگر این که با ستایش خداوند او را تسبیح می‌گوید اما شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید»

## فصل دهم: خوبی‌های اخلاقی

### صبر بر سختی‌ها

الْصَّبْرُ عَلَى الْمَكَارِهِ ۱ - إِضْبِرْ عَلَى مَا تَكَرَّرَ فِيهَا يُلْزِمُكَ الْحَقُّ، وَاصْبِرْ عَمَّا تُحِبُّ فِيهَا يَدْعُوكَ إِلَيْهِ الْهُوَى (۱۲۰) ۱ - بر سختی‌هایی که تو را به حق می‌رساند صبر کن، و بر آنچه دوست داری و هوای نفس تو را به سوی آن می‌کشاند شکیبیا باش.

### کلید نجات

مِفْتَاحُ النَّجَاةِ ۲ - مَنْ أَحْجَمَ عَنِ الرَّأْيِ وَعَيَّتْ بِهِ الْحِيلُ كَانَ الرَّفْقُ مِفْتَاحَهُ. (۱۲۱) ۲ - کسی که از تدبیر بازماند و راه چاره‌ای ندارد، مدارا کلید (گشایش) اوست.

### کلیدهای رشد

مَفَاتِحُ الرُّشْدِ ۳ - دِرَاسَةُ الْعِلْمِ لِقَاحُ الْمَعْرِفَةِ، وَطُولُ التَّجَارِبِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ، وَ الشَّرْفُ التَّقْوَى وَالْقُنُوعُ رَاحَةُ الْأَيْدِي، وَمَنْ أَحْبَبَكَ نَهَاكَ، وَمَنْ أَبْغَضَكَ أَغْرَاكَ. (۱۲۲) ۳ - آموختن علم مایه شناخت است و استمرار تجربه‌ها سبب زیادی عقل می‌گردد. بزرگی به تقواست و قناعت مایه راحتی جسم می‌باشد، کسی که دوست داشته باشد تو را از زشتی باز می‌دارد. و کسی که با تو دشمن است مغرورت می‌گرداند.

### نشانه بزرگواری

عَلَامَةُ الْمَجْدِ ۴ - إِنْ الْكَرِيمَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ يَتَّبَعِي أَنْ يُصِدِّقَهُ بِالْفِعْلِ. (۱۲۳) ۴ - انسان بزرگوار وقتی سخن می‌گوید سزاوار است سخن خود را با عمل تصدیق کند.

### پاداش سلام کردن

أَجْرُ السَّلَامِ ۵ - لِلْسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً، تَشَعُّ وَ سِتُونَ لِلْمُبْتَدِي وَ وَاحِدَةٌ لِلزَّادِ. (۱۲۴) ۵ - سلام کردن هفتاد پاداش دارد، شصت و نه تای آن برای سلام کننده و یک پاداش برای پاسخ دهنده است.

### ترس و گریه

الْخَوْفُ وَالْبُكَاءُ ۶ - بُكَاءُ الْعُيُونِ وَ خَشْيَةُ الْقُلُوبِ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ. (۱۲۵) ۶ - گریه چشم‌ها و ترس قلب‌ها، رحمت الهی است.

### اثر ترس از خدا

أَثَرُ الْخَوْفِ ۷ - قِيلَ لَهُ مَا أَعْظَمَ خَوْفَكَ مِنْ رَبِّكَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَأْمَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا. (۱۲۶) ۷ - به امام حسین علیه السلام عرض شد چه ترس بزرگی از پروردگار خود داری! حضرت فرمود: روز قیامت امنیت ندارد مگر کسی که در دنیا از خدا بترسد.

### اثر گریه

أَثْرُ الْبُكَاءِ ۸ - الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاةٌ مِنَ النَّارِ. (۱۲۷) ۸ - گریه از ترس خدا، سبب نجات از آتش است.

### پذیرش دعوت مؤمن

إِجَابَةُ دَعْوَةِ الْمُؤْمِنِ ۹ - رَأَى الْحَسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا دُعِيَ إِلَى طَعَامٍ فَقَالَ لِلَّذِي دَعَا: أَعْنِي. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُمْ! فَلَيْسَ فِي الدَّعْوَةِ عَفْوٌ، وَإِنْ كُنْتَ مُفْطِرًا فَكُلْ، وَإِنْ كُنْتَ صَائِمًا فَبَارِكْ. (۱۲۸) ۹ - امام حسین علیه السلام مردی را دید که دعوت به خوردن غذا می‌شود و در جواب دعوت کننده می‌گوید: از دعوت من در گذر. امام علیه السلام به او فرمود: برخیز و دعوت او را بپذیر که در دعوت به غذا گذشتی نخواهد بود، اگر روزه نداری برو و غذا بخور، و اگر روزه‌دار هستی به مقداری از غذا تبرک جو.

### نیکی به مردم

أَلْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ ۱۰ - إِعْلَمُوا أَنَّ حَوَاجِحَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النَّعْمَ فَتَحْوَلَ إِلَى غَيْرِكُمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْمَعْرُوفَ مَكْسَبٌ حَمِيدٌ وَمُعْتَبٌ أَجْرٌ. فَلَوْ رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ رَجُلًا لَرَأَيْتُمُوهُ حَسَنًا جَمِيلًا سَيَّرُ النَّاطِرِينَ وَيَفُوقُ الْعَالَمِينَ، وَلَوْ رَأَيْتُمُ اللَّؤْمَ رَأَيْتُمُوهُ سَمِجًا قَبِيحًا مُشَوِّهاً تَنْفَرَمُهُ الْقُلُوبُ وَتَغْضُ دُونَهُ الْأَبْصَارُ. وَمَنْ نَفَسَ كَرْبَةً مُؤْمِنٍ فَرَجَّ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ كَرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، ۱۰ - بدانید که نیازمندی‌های مردم به شما از نعمت‌های خداوند بر شماست پس نعمت‌ها را رد نکنید که به سوی دیگران روان خواهند شد. و بدانید که کار خیر ستایش برانگیز و پاداش آخرت را به دنبال دارد. اگر کار نیک را به صورت مردی مشاهده می‌کردید او را نیکو و زیبا می‌دیدید، آن گونه که سیمای زیبای او بینندگان را شادمان می‌کند و برتر از همه خلق عالم خواهد بود. و اگر بخل و پستی را مشاهده می‌کردید آن را به صورتی زشت، بدقیافه و ناهنجار می‌دیدید که دل‌ها از آن متنفر است و چشم‌ها از آن بسته می‌شود. کسی که غم مؤمنی را بر طرف کند خدای تعالی غم دنیا و آخرت را از او برطرف می‌سازد. وَمَنْ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (۱۲۹)

### خیر دنیا و آخرت

خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۱۱ - إِنَّ رَجُلًا - مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ كَتَبَ إِلَى الْحَسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا سَيِّدِي أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخِطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ وَكَسَى كَيْفِي كُنْدِ خَدَاوَنْدِ بَهْ اَوِ نِيكِي خَوَاهَدِ كَرْدِ وَ خَدَاوَنْدِ نِيكوكاران را دوست دارد. ۱۱ - مردی از اهل کوفه نامه‌ای به حسین بن علی نوشت و پرسید: ای سرور من! مرا به خیر دنیا و آخرت آگاه گردان. امام علیه السلام در جواب او نوشت: به نام خداوند بخشنده مهربان کسی که رضایت خدا را با خشم مردم طلب کند (به دنبال رضایت خدا باشد اگر چه مردم از آن ناراضی باشند)، خداوند او را از مردم بی‌نیاز سازد، وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخِطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ. وَالسَّلَامُ. (۱۳۰)

### مرگ با عزت

مَوْتُ فِي عِزٍّ ۱۲ - مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ. (۱۳۱) ۱۲ - مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.

### عذر پذیری

قَبُولُ الْإِعْتِذَارِ ۱۳ - لَوْ شِئْتَنِي رَجُلٌ فِي هَذِهِ الْأَذْنِ - وَأَوْمِي إِلَى الْيَمْنِي - وَاعْتَذَرَ لِي فِي الْأُخْرَى لَقَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ. (۱۳۲) خواهد کرد،

و کسی که رضایت مردم را با خشم خداوند طلب نماید (به دنبال رضایت مردم باشد اگر چه خواسته آنها خلاف رضای خدا باشد) خداوند او را به مردم واگذارد. والسلام. ۱۳ - اگر مردی در این گوش به من ناسزا گوید - و اشاره به گوش راست خود کرد - و در گوش دیگرم عذرخواهی کند عذر او را می‌پذیرم.

### پاسخ به پرسش‌های امیرمؤمنان علیه السلام

جوابُ أَسْتَلِّهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

### احسان به خویشاوندان و تحمل بدی‌ها.

۱۴ - قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِإِبْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ! مَا اسْتُودِدُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِضِي طِنَاعُ الْعَشِيرَةِ وَاحْتِمَالُ الْجَرِيرَةِ. قَالَ: فَمَا الْغِنَى؟ قَالَ: قَلْبُهُ أَمَانِيكَ وَالرِّضَا بِمَا يَكْفِيكَ. قَالَ: فَمَا الْفَقْرُ؟ قَالَ: الطَّمَعُ وَشِدَّةُ الْقَنُوطِ. قَالَ: فَمَا اللُّؤْمُ؟ قَالَ: إِحْرَازُ الْمَرْءِ نَفْسَهُ وَإِسْلَامُهُ عِزَّهُ. قَالَ: فَمَا الْخَزَقُ؟ قَالَ: مُعَادَاتُكَ أَمِيرَكَ وَمَنْ يَقْدِرُ عَلَى ضَرْكَ وَنَفْعِكَ. (۱۳۳) ۱۴ - امیرمؤمنان علیه السلام به فرزندش حسین علیه السلام فرمود: ای فرزندم! بزرگی چیست؟ حسین علیه السلام پاسخ داد: فرمود: بی‌نیازی چیست؟ جواب داد: کم کردن آرزوها و رضایت به آنچه برای تو کافی است. - فرمود: فقر چیست؟ در جواب گفت: طمع و ناامیدی شدید. - فرمود: پستی چیست؟ جواب داد: این که مرد به خود برسد و همسرش را واگذارد. - فرمود: حماقت چیست؟ پاسخ داد: دشمنی با امیر خود و هر کسی که بر سود و زیان تو توانایی دارد.

### در کسب جوانمردی رقابت کنید

نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ ۱۵ - أَيُّهَا النَّاسُ! نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ، وَ سَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ، وَ لَاتَحْتَسِبُوا بِمَعْرُوفٍ لَمْ تَعَجَلُوا. وَ اكْتَسَبُوا الْحَمْدَ بِالنَّجْحِ وَ لَاتَكْتَسِبُوا بِالْمُطَلِّ ذِمًّا. فَمَهْمَا يَكُنْ لِأَحَدٍ عِنْدَ أَحَدٍ صَنِيعَةٌ لَهُ رَأَى أَنَّهُ لَا يَقُومُ بِشُكْرِهَا فَاللَّهُ لَهُ بِمُكَافَأَتِهِ، فَإِنَّهُ أَجْرٌ عَطَاءٌ وَ أَكْبَرُ أَجْرًا. وَ اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمْلُؤُوا النَّعَمَ فَتَحْزُونَ نِقْمًا. وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْمَعْرُوفَ مَكْسَبٌ حَمِيدٌ وَ مُعَقَّبٌ أَجْرًا. ۱۵ - ای مردم در کسب کرم و جوانمردی رقابت کنید و برای رسیدن به سرمایه‌های سعادت شتاب ورزید و کار نیکی را که در انجام آن شتاب نکرده‌اید به حساب خود نیاورید. ستایش را با پیروزی به دست آورید و با سهل‌انگاری خود را مورد مذمت قرار ندهید. هرگاه کسی کار نیکی برای دیگری انجام داد که او نمی‌تواند سپاسگزاری کند خدا به او پاداش خواهد داد و البته عطای خدا بیشتر و پاداش او بزرگ‌تر است. بدانید که نیازمندی‌های مردم به شما از نعمت‌های خداوند بر شماست، پس نعمت‌ها را رد نکنید که به عقوبت تبدیل خواهند شد. و بدانید که نیکی‌ها ستایش برانگیز و پاداش آخرت را به همراه دارند. فَلَوْ رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ رَجُلًا رَأَيْتُمُوهُ حَسِينًا جَمِيلًا تَسِيرُ النَّظِيرِينَ وَ لَوْ رَأَيْتُمُ اللُّؤْمَ رَأَيْتُمُوهُ سَجِيحًا مُشَوِّهًا تَنْفَرُ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَ تَغَضُّ دُونَهُ الْأَبْصَارُ. أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ جَادَ سَادَ، وَ مَنْ بَخَلَ رَدَلَ، وَ إِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَبْرُجُوهُ. وَ إِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَى عَنِ قُدْرَتِهِ، وَ إِنَّ أَوْصَلَ النَّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ. وَ الْأَصُولُ عَلَى مَغَارِبِهَا بِفُرُوعِهَا تَسْمُؤًا. اگر نیکی را به صورت مردی مشاهده می‌کردید او را نیکو و زیبا می‌دیدید به گونه‌ای که بینندگان را شادمان می‌کند. و اگر بخل و پستی را می‌دیدید، او را به صورتی زشت و بدقیافه و ناهنجار مشاهده می‌کردید که دل‌ها از آن متنفر و چشم‌ها از آن بسته می‌شود. ای مردم! کسی که ببخشد به مجد و بزرگی می‌رسد و کسی که بخل ورزد پست می‌گردد. همانا بخشنده‌ترین انسان‌ها آن است که به کسی ببخشد که از او امید بخشش ندارد. و با گذشت‌ترین مردم کسی است که با داشتن توانایی عفو کند و با ارتباط‌ترین مردم با مؤمنین کسی است که با فردی که از او بریده است ارتباط پیدا کند. و درختان آن گونه خواهند بود که ریشه‌ها برآند و با شاخه‌ها رشد می‌کنند (حقیقت مردم بر پایه خانواده‌ها

و ارزش‌های ریشه‌ای است و براساس آنها رشد می‌کنند.) فَمَنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَحَدَّهُ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ غَدًا، وَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالصَّنِيعَةِ إِلَى أَخِيهِ كَافَأَهُ بِهَا فِي وَقْتِ حَاجَتِهِ وَصَيَّرَ عَنْهُ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهُ. وَمَنْ نَفَسَ كُرْبِيَّةَ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَمَنْ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (۱۳۴)

### شناخت صفات متنوع اخلاقی

مَعْرِفَةُ خِصَالِ شَتَّى ۱۶ - إِنَّ الْجِلْمَ زِينَةً، وَالْوَفَاءَ مَرْوَةً، وَالصَّلَاةَ نِعْمَةً، وَالْأَسِيَّةَ تَكْبَارًا پس کسی که در نیکی به برادرش بشتابد فردا به نتیجه آن خواهد رسید و کسی که برای خدا به برادر دینی خود کمک کند خداوند به وقت نیازمندی به او پاداش می‌دهد و بیش از آنچه کمک کرده است بلاها را از او دور می‌گرداند. و کسی که اندوه و مشقت مؤمنی را بر طرف نماید خداوند اندوه و سختی او را در دنیا و آخرت بر طرف می‌سازد. و کسی که با مردم نیکی کند خداوند به او نیکی خواهد کرد و خدا نیکوکاران را دوست دارد. ۱۶ - همانا خوبستن داری زینت و وفاداری جوانمردی و پیوند با نزدیکان نعمت و تکبر خودپسندی است. صَيِّلْفٌ، وَالْعَجَلَةُ سَفَهٌ، وَالسَّفَهَةُ ضَعْفٌ، وَالْعُلُوُّ وَرُطَةٌ، وَمُجَالَسَةُ أَهْلِ الدَّنَاءَةِ شَرٌّ، وَمُجَالَسَةُ أَهْلِ الْفِشْقِ رَيْبَةٌ. (۱۳۵)

### تسلّی خاطر به ابودر

التَّسْلِيَةُ لِأَبِي ذَرٍّ ۱۷ - لَمَّا أُخْرِجَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى الرِّبْدَةِ قَالَ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عَمَّاهُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَادِرٌ أَنْ يُعَيِّرَ مَا قَدْ تَرَى وَاللَّهُ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ. وَقَدْ مَنَعَكَ الْقَوْمُ دُنْيَاهُمْ، وَمَنَعْتَهُمْ دِينَكَ، فَمَا أَغْنَاكَ عَمَّا مَنَعُوكَ وَأَحْوَجَهُمْ إِلَى مَا مَنَعْتَهُمْ. و شتابزدگی بی‌خردی و بی‌خردی ضعف و زیاده‌طلبی هلاکت و هم‌نشینی با افراد پست بدی است و نشست و برخاست با گنهکاران سبب تردید (مردم) می‌گردد. ۱۷ - وقتی ابودر به ربذه تبعید شد امام حسین علیه السلام به او فرمود: ای عمو! خدای بزرگ قادر است آنچه را برای تو پیش آمده است تغییر دهد و خداوند هر روز در کاری است. این گروه، دنیایی را که در دست خود داشتند از تو دریغ کردند و تو هم دین خود را از آنان دریغ داشتی. چه اندازه از آنچه تو را منع کردند بی‌نیازی، و چقدر آنها به آنچه از آنان دریغ داشتی نیازمندند. فَاسْتَمَلَ اللَّهُ الصَّبْرَ وَالنَّصْرَ، وَاسْتَعَدَّ بِهِ مِنَ الْجَشَعِ وَالْجَزَعِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الدِّينِ وَالْكَرَمِ، وَإِنَّ الْجَشَعَ لَا يُقَدِّمُ رِزْقًا وَالْجَزَعَ لَا يُؤَخِّرُ أَجَلًا. (۱۳۶) صبر و پیروزی را از خداوند درخواست کن و از حرص و ناشکیبایی به خدا پناه بر، که صبر نتیجه دین‌داری و جوانمردی است، و حرص روزی را پیش نمی‌اندازد و ناشکیبایی مرگ را دور نخواهد کرد.

### فصل یازدهم: بدی‌های اخلاقی

#### پرهیز از هوای نفس

إِتْقَاءُ الْهُوَى ۱ - إِتَّقُوا هَذِهِ الْأَهْوَاءَ الَّتِي جَمَاعُهَا الضَّلَالَةُ وَمِعَادُهَا النَّارُ. (۱۳۷) ۱ - از این هواهای نفسانی که حاصل آن گمراهی و پایان آن آتش است پرهیزید.

#### فریفتگی به دنیا

الْإِعْتِرَازُ بِالدُّنْيَا ۲ - يَا أَهْلَ لَمَدَةِ دُنْيَا لَا بَقَاءَ لَهَا إِنَّ إِعْتِرَازًا بِظُلِّ زَائِلٍ حُمُقٌ. (۱۳۸) ۲ - ای اهل لذت دنیا! این لذت دوامی ندارد. فریفته شدن به سایه‌ای که از میان می‌رود حماقت است.

#### پرهیز از بدی‌ها

إِجْتِنَابُ السَّيِّئَاتِ ۳ - إِيَّاكَ وَمَا تَعْتَدِرُ مِنْهُ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِيءُ وَلَا يَعْتَدِرُ، وَالْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يُسِيءُ وَيَعْتَدِرُ. (۱۳۹) ۳ - از انجام آنچه بخواهی عذرخواهی کن پرهیز، که مؤمن بدی نمی‌کند و (در نتیجه) پوزش هم نمی‌خواهد، اما منافق هر روز بدی می‌کند و پوزش می‌خواهد.

### بخیل کیست؟

مَنْ الْبَخِيلُ؟ ۴ - الْبَخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ. (۱۴۰) ۴ - بخیل کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.

### کلید سخن با دیگران

مِفْتَاحُ الْكَلَامِ ۵ - قَالَ لَهُ رَجُلٌ إِتْدَاءً: كَيْفَ أَنْتَ عَافَاكَ اللَّهُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ۵ - مردی بدون سلام کردن به امام حسین علیه السلام عرض کرد: حال شما چطور است، خداوند سلامتی دهد. امام علیه السلام فرمود: السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ، عَافَاكَ اللَّهُ، لَا تَأْذُنُوا لِأَحَدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ. (۱۴۱)

### ترک ستم

تَرْكُ الظُّلْمِ ۶ - قَالَ لِابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَيُّ بَنِيَّ! إِيَّاكَ وَظُلْمٌ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ. (۱۴۲) ۶ - اما حسین علیه السلام به فرزندش علی بن الحسین علیه السلام فرمود: ای فرزندم! از ظلم به کسی که یاورى جز خدای بزرگ در برابر تو ندارد پرهیز.

### آثار گناه

آثَارُ الذَّنْبِ ۷ - مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتَ لِمَا يَوْجُو وَأَسْرَعَ لِمَا سَلَامَ كَرْدَنَ بَرِ سَخْنِ كُفْتَنَ مَقْدَمِ اسْتِ، خَدَاوَنَدَ بَه تَو سَلَامَتِي دَهْد. بَه كَسِي اِجَازَه سَخْنِ كُفْتَنَ نَدَهِيْدَ تَا سَلَامَ كَنْد. ۷ - كَسِي كَه بَا مَعْصِيَتِ خَدَا بَه كَارِي مَبَادِرْتِ وِرْزَدَ بَه اَنچَه اَمِيْد دَارَد، زُوْدْتَرِ اَز دَسْتَش مِي رُوْد وَا ز اَنچَه مِي تَرَسَد زُوْدْتَرِ دَاْمَنَ كِيْر اَن خَوَاهَد يَحْذَرُ. (۱۴۳)

### بدترین صفات پادشاهان

شَرُّ خِصَالِ الْمُلُوكِ ۸ - شَرُّ خِصَالِ الْمُلُوكِ: الْجُبْنُ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَالْقَسْوَةُ عَلَى الضُّعْفَاءِ، وَالْبُخْلُ عِنْدَ الْإِعْطَاءِ. (۱۴۴) ۸ - بدترین صفات پادشاهان (زمامداران)، ترس از دشمنان، و سخت دلی بر ضعیفان، و بخل و تنگ نظری به هنگام بخشش است.

### نبایدهای اخلاقی

النَّوَاهِي الْخُلُقِيَّةِ ۹ - لَا تَتَكَلَّفْ مَا لَا تُطِيقُ وَلَا تَتَعَرَّضْ لِمَا لَا تُدْرِكُ. وَلَا تَعْدُ بِمَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا تُنْفِقْ إِلَّا بِقَدْرِ مَا تَسْتَفِيدُ. شَد. ۹ - كَارِي كَه تَوَان اَن رَا نَدَارِي نَبْذِيْر وَا دَر پِي اَنچَه بَه اَن نَمِي رَسِي نَبَاش. وَا بَر اِنجَام اَنچَه تَوَانِيِي نَدَارِي وَا عَدَه نَدَه وَا جَز بَه اِندَازَه اِي كَه بَهْرَه مَنْد مِي شُوِي خَرَج نَكْن. وَا لَا تَطْلُبُ مِّنَ الْجَزَاءِ إِلَّا بِقَدْرِ مَا صَيَّرْت. وَا لَا تَفْرَحُ إِلَّا بِمَا نَلْت مِّنْ طَاعَةِ اللَّهِ. وَا لَا تَتَنَاوَلُ إِلَّا مَا رَأَيْتَ نَفْسَكَ لَهُ أَهْلًا. (۱۴۵)



## اطاعت حرام از پدر

الطَّاعَةُ الْمُحَرَّمَةُ عَنِ الْآبِ ۱۰ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ: أَتَعْلَمُ أَنِّي أَحَبُّ أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَى أَهْلِ السَّمَاءِ وَ تُقَاتِلُنِي وَ أَبِي يَوْمَ صِفِّينَ وَ اللَّهُ إِنَّ أَبِي لَخَيْرٌ مِنِّي؟ فَاسْتَعْذَرَ وَ قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ لِي: أَطِيعْ وَ جِزْ بِه اندازهای که عمل کرده‌ای پاداش نخواه، و جز به آنچه از اطاعت خدا رسیده‌ای شادمان نگردد، و جز به اندازه‌ای که شایسته آن هستی دریافت نکن. ۱۰ - امام حسین علیه السلام به عبدالله بن عمرو بن عاص فرمود: آیا می‌دانی که من محبوب‌ترین اهل زمین نزد اهل آسمان هستم و تو با من و پدرم در صفین می‌جنگی و به خدا قسم پدرم از من برتر است؟ عبدالله عذر آورد و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: از پدرت آباک: فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا سَجَعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى «وَ إِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» (۱۴۶) وَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ «إِنَّمَا الطَّاعِيَةُ، الطَّاعِيَةُ فِي الْمَعْرُوفِ» وَ قَوْلُهُ «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (۱۴۷)

## پرهیز از غیبت

إِتِّقَاءُ الْغَيْبَةِ ۱۱ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ اِغْتَابَ رَجُلًا: اطاعت کن. امام حسین علیه السلام فرمود: آیا سخن خدای تعالی را نشنیدی که فرمود: «اگر تو را وادارند تا درباره چیزی که از آن آگاهی نداری به من شرک ورزی از آنها اطاعت نکن» و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را نشنیدی که فرمود: «اطاعت از پدر و مادر تنها اطاعت در خوبی‌هاست» و سخن دیگر او که فرمود: «روا نیست که مخلوقی با مخالفت با خدا اطاعت شود؟» ۱۱ - امام حسین علیه السلام به مردی که از مرد دیگری غیبت می‌کرد فرمود: یا هذا كُفٌّ عَنِ الْغَيْبَةِ، فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ. (۱۴۸) ای مرد غیبت نکن که غیبت خورش سگ‌های جهنم است.

## فصل دوازدهم: اخلاق اقتصادی

### بخشی و آزمندی

الْجُودُ وَ الْبُخْلُ ۱ - مَنْ جَادَ سَادَ، وَ مَنْ بَخَلَ رَدَلَ، وَ مَنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَ حِدَهُ إِذَا قَدِمَ إِلَى رَبِّهِ غَدَاً. (۱۴۹) ۱ - کسی که بخشش کند بزرگ گردد و کسی که بخل ورزد خوار شود و کسی که برای برادرش نیکی ورزد فردای قیامت که بر پروردگارش وارد می‌شود آن را می‌یابد.

### زمان بخشش

زَمَنُ الْجُودِ ۲ - إِذَا جَادَتِ الدُّنْيَا فَجُدْ بِهَا عَلَى النَّاسِ طَرًّا قَبْلَ أَنْ تَتَفَلَّتَ ۲ - وقتی دنیا بر تو روی آورد آن را به نیکی بر مردم ببخش پیش از آن که از دست برود. فَلَا الْجُودُ يُفْنِيهَا إِذَا هِيَ أَقْبَلَتْ وَلَا الْبُخْلُ يُبْقِيهَا إِذَا مَا تَوَلَّتْ (۱۵۰)

### از مال خود بهره‌گیر

إِسْتِفَادَةُ مَالِكَ ۳ - مَالِكَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُنْتَ لَهُ مُنْفِقًا فَلَا تُنْفِقُهُ بَعْدَكَ فَيَكُونَ دَخِيرَةً لِعَيْرِكَ وَ تَكُونَ أَنْتَ الْمُطَالَبُ بِهِ، أَلَمْأَخُودُ بِحِسَابِهِ. إِعْلَمُ أَنَّكَ لَا تَبْقَى لَهُ وَ لَا يَبْقَى عَلَيْكَ، فَكُلُّهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ. (۱۵۱) نه وقتی دنیا رو می‌آورد بخشش آن را از بین می‌برد و نه وقتی پشت می‌کند بخل آن را نگه می‌دارد. ۳ - اگر مال تو برای خودت صرف نشود آن را نابود کرده‌ای، پس آن را برای بعد از خود نگذار که سرمایه دیگری خواهد شد و تو در آخرت گرفتار محاسبه آن بوده و باید پاسخ گوی حساب آن باشی. بدان که نه

تو برای مال باقی می‌مانی و نه مال برای تو پایدار خواهد ماند. پس آن را بخور قبل از آن که تو را بخورد. (مال را در راه مصالح دنیا و آخرت خود صرف کن پیش از آن که تو را در خدمت خود درآورد.) ۴ - مَالِكُ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ، كُنْتَ لَهُ؛ فَلَا تَبْقَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى عَلَيْكَ وَ كُلُّهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ. (۱۵۲) ۴ - اگر مال تو در خدمت تو نباشد تو در خدمت آن خواهی بود، پس در خدمت آن باقی نمان که برای تو باقی نخواهد ماند، و آن را بخور پیش از آن که تو را بخورد.

### بهترین مال کدام است؟

ما خَيْرُ الْمَالِ؟ ۵ - إِنَّ الْفَرَزْدَقَ أَتَى الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَخْرَجَهُ مَرْوَانَ مِنَ الْمَدِينَةِ فَأَعْطَاهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعِمِائَةَ دِينَارٍ. فَقِيلَ لَهُ: أَنَّهُ شَاعِرٌ مُنْتَهَرٌ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ خَيْرَ مَالِكَ مَا وَقِفْتَ بِهِ عِرْضَكَ، وَقَدْ أَثَابَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى ۵ - وقتی مروان، فرزاد را از مدینه بیرون کرد نزد امام حسین علیه السلام آمد و حضرت چهارصد دینار به او داد. به امام علیه السلام عرض شد فرزاد شاعر هتاکی است و شما به او کمک کردید. حضرت در جواب فرمود: بهترین مال تو آن است که آبروی خود را با آن حفظ کنی. رسول خدا صلی الله علیه و آله به کعب بن زهیر پاداش داد (تا از اشعار موهن او در امان بماند) اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَعْبُ بْنُ زُهَيْرٍ، وَقَالَ فِي عَبَّاسِ بْنِ مَرْدَاسٍ «إِقْطَعُوا لِسَانَهُ عَنِّي» (۱۵۳)

### افزایش روزی

إِزْدِيَادُ الرَّزْقِ ۶ - مِنْ سِرِّهِ أَنْ يُنْسَى فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ. (۱۵۴) ۶ - کسی که دوست دارد عمرش طولانی و روزی اش زیاد گردد صلّه رحم کند.

### آداب کسب روزی

آدَابُ طَلَبِ الرَّزْقِ ۷ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ: يَا هَذَا لَا تُجَاهِدْ فِي الرَّزْقِ جِهَادَ الْغَالِبِ، وَلَا تَتَّكِلْ عَلَى الْقَدَرِ وَ دِرْبَارِهِ عَبَّاسِ بْنِ مَرْدَاسٍ فرمود: (با دادن مال به او) زبانش را از من کوتاه کنید. ۷ - امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: ای مرد! در کسب روزی بیش از اندازه تلاش نکن (که گویا اندازه رزق تو در گرو تلاش توست و نه تقدیر الهی) و آن اندازه هم بر قدر اعتماد اتکال مُسْتَشْرِبٍ. فَإِنَّ اتِّبَاعَ الرَّزْقِ مِنَ السُّنَّةِ، وَ الْإِجْمَالَ فِي الطَّلَبِ مِنَ الْعِفَّةِ، وَ لَيْسَ الْعِفَّةُ بِمَانِعِيهِ رِزْقًا، وَ لَا الْحِرْصُ بِجَالِبِ فَضْلًا، وَ إِنَّ الرَّزْقَ مَقْسُومٌ، وَ الْأَجَلَ مَحْتُومٌ، وَ اسْتِعْمَالَ الْحِرْصِ طَلَبُ الْمَأْتَمِ. (۱۵۵)

### شرایط در خواست مالی

شَرَائِطُ الْمَسْأَلَةِ ۸ - جَاءَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَكُنْ كَمَا تَلَّسَى نَدَاشْتَهُ بَاشِي (و گمان بری هر چه مقدر است بدون تلاش هم خواهد رسید.) همانا به دنبال روزی رفتن از سنت است و به اختصار در پی آن بودن پارسایی است. پارسایی مانع رسیدن روزی نیست و آزمندی جلب روزی زیاد نمی‌کند. همانا روزی (به اندازه خاص) تقسیم شده است و زمان مرگ حتمی است و آزمندی طلب گناه است. ۸ - مردی نزد امام حسین علیه السلام آمد و از او در خواست مالی کرد. حضرت فرمود: إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَضِلُّ إِلَّا فِي عَزْمِ فَادِحٍ، أَوْ فَقْرِ مُدْفِعٍ، أَوْ حِمَالِهِ مُقْطِعَةٍ. فَقَالَ الرَّجُلُ: مَا جِئْتُ إِلَّا فِي إِحْدَائِهِنَّ. فَأَمَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ بِمِائَةِ دِينَارٍ. (۱۵۶)

### از چه کسی در خواست کنیم؟

مَنْ نَسَّأَلُ؟ ۹ - جَاءَ الْحَسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يُرِيدُ أَنْ يَسْأَلَهُ حَاجَةً. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَخَا الْأَنْصَارِ! صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَدَلَةِ الْمَسْأَلَةِ، وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُقْعَةٍ، فَإِنِّي آتٍ فِيهَا مَا سَأَرَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. در خواست از دیگران صلاح نیست مگر در پرداخت غرامتی سنگین یا تنگدستی شدید یا ادای تعهد مالی که خارج از توان باشد. مرد در خواست کننده عرض کرد: من هم جز برای یکی از این سه مورد نیامدم. آن گاه حضرت دستور داد صد دینار به او دادند. ۹ - مردی از گروه انصار نزد امام حسین علیه السلام آمد و می‌خواست از او کمک بگیرد. حضرت فرمود: ای برادر انصاری! آبرویت را از در خواست حضوری نگهدار و حاجت خود را در نامه‌ای بنویس، من هم ان‌شاءالله به آن عمل خواهم کرد به گونه‌ای که شاد گردی. فَكَتَبَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! إِنَّ لِفُلَانٍ عَلَيَّ خَمْسَ مِائَةٍ دِينَارٍ وَقَدْ أَلْحَحْتُ بِي، فَكَلَّمْتُهُ يُنْظِرُنِي إِلَى مَيْسِرَةٍ فَلَمَّا قَرَأَ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرُّقْعَةَ، دَخَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَخْرَجَ صَيْرَةً فِيهَا أَلْفٌ دِينَارٍ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: أَمَّا خَمْسَ مِائَةٍ فَأَقْضِ بِهَا دَيْنَكَ، وَأَمَّا خَمْسَ مِائَةٍ فَاسْتَعِينْ بِهَا عَلَى دَهْرِكَ، وَلَا تَرْفَعْ حَاجَتَكَ إِلَّا إِلَى أَحَدٍ ثَلَاثَةً: إِلَى ذِي دِينَ أَوْ مُرُوَّةٍ أَوْ حَسَبٍ. فَأَمَّا ذُو الدِّينِ فَيُصِوْنُ دِينَهُ، وَأَمَّا ذُو المُرُوَّةِ فَإِنَّهُ يَسْتَحْيِي لِمُرُوَّتِهِ، وَأَمَّا ذُو الْحَسَبِ فَيَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تُكْرِمْ وَجْهَكَ أَنْ تَبْدُلَهُ لَهُ مُرَدٌ فِي خَوَاسْتِ كُنْتَهُ فِي نَامَةِ أَيِّ أَبِ عَبْدِ اللَّهِ! فَلَانِي پانصد دینار از من طلبکار است و برگرفتن آن اصرار دارد به او بگو تا زمانی که توانایی مالی پیدا کنم به من مهلت دهد. وقتی امام حسین علیه السلام نامه را خواند به منزل رفت و کیسه‌ای آورد که هزار دینار در آن بود. همه را به مرد نیازمند داد و به او فرمود: با پانصد دینار آن وام خود را بپرداز و با پانصد دینار دیگر زندگی خود را اداره کن و جز از یکی از این سه کس در خواست نکن: مرد دین‌دار یا صاحب مروّت و یا اصیل خانواده‌دار. اما فرد دین‌دار به هنگام درخواست دیگران، با کمک به آنها دینش را حفظ می‌کند و انسان با مروّت به خاطر مروّتی که دارد از کمک نکردن شرم دارد و انسان اصیل می‌داند که تو با درخواستی که کردی از آبروی فی حاجتک، فَهَوَّ وَصِيوُنْ وَجْهَكَ أَنْ يَرُدَّكَ بِغَيْرِ قِضَاءِ حَاجَتِكَ. (۱۵۷)

### پاسخ مثبت به نیازمند

إِجَابَةُ صَاحِبِ الْحَاجَةِ ۱۰ - صَاحِبُ الْحَاجَةِ لَمْ يُكْرِمْ وَجْهَهُ عَنْ سُؤَالِكَ، فَأَكْرِمْ وَجْهَكَ عَنْ رَدِّهِ. (۱۵۸) ۱۰ - نیازمند، آبروی خود را با درخواست از تو نگاه نداشت، پس تو آبروی خود را با رد نکردن او نگاه‌دار.

### بخشش پاک

أَلْعَطِيَّةُ الطَّيِّبَةُ ۱۱ - قِيلَ لِلْحَسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَامِرٍ تَصَدَّقَ الْيَوْمَ بِكَذَا وَكَذَا وَاعْتَقَ كَذَا وَكَذَا. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خُودِ مَا يَهْ غَدَارْدِي وَبَا بَرَأوردن نیازی که داری، آبروی تو را حفظ می‌کند. ۱۱ - به امام حسین علیه السلام گفته شد: امروز عبدالله بن عامر چه اندازه صدقه داد و چه اندازه بنده آزاد کرد. حضرت فرمود: إِنَّمَا مَثَلُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ، كَمَثَلِ الَّذِي يَسْرِقُ الْحَاجَّ ثُمَّ يَتَصَدَّقُ بِمَا سَرَقَ، إِنَّمَا الصَّدَقَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ مِنْ عَرَقٍ فِيهَا جَبِينُهُ وَاعْبَرَّ فِيهَا وَجْهُهُ. (۱۵۹)

### ارزش غذا دادن به برادران دینی

صَوَابُ إِطْعَامِ الْأَخْوَانِ ۱۲ - لَئِنْ أَطْعِمَ أَخًا مُسْلِمًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ أَفْقًا مِنَ النَّاسِ. قِيلَ وَكَمْ الْأَفْقُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَشْرَةٌ أَلْفٍ. (۱۶۰) مَثَلُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ مَثَلُ كَسِيٍّ اسْتِ كِهْ از زائر خانه خدا می‌دزدد و از آنچه دزدیده است صدقه می‌دهد، در حالی که بخشش پاک، بخشش کسی است که در راه تحصیل آن پیشانی‌اش عرق کند و چهره او گردآلود شود. (از راه حلال و با سعی و تلاش آن را به دست آورد و ببخشد). ۱۲ - اگر به یک برادر مسلمانم غذا دهم نزد من دوست داشتنی‌تر از این است که یک افق از برده را آزاد کنم. گفته شد یک افق از برده چند نفر است؟ حضرت فرمود: ده هزار نفر.

## اثر پذیرش بخشش

أَثْرُ قَبُولِ الْعَطَاءِ ۱۳ - مَنْ قَبِلَ عَطَاءَكَ فَقَدْ أَعَانَكَ عَلَى الْكُرْمِ. (۱۶۱) ۱۳ - کسی که بخشش تو را بپذیرد، تو را بر بخشیدن به خود یاری کرده است.

## یک موعظه مالی

مَوْعِظَةٌ مَالِيَّةٌ ۱۴ - فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعِيدُ نَفْسِيَهُ فَدَارُ ثَوَابِ اللَّهِ أَعْلَى وَ أَتْبَلُ وَإِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشَأَتْ فَقَتْلُ أَمْرٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ وَإِنْ تَكُنِ الْبَارِزَاتُ قَسِيماً مُقَدَّرًا فَقَلَّةٌ حِرْصِ الْمَرْءِ فِي الرِّزْقِ أَجْمَلُ وَإِنْ تَكُنِ الْأَمْوَالُ لِلتَّرَكِّ جَمْعُهَا فَمَا بَالُ مَثْرُوكٍ بِهِ الْمَرْءُ يَبْخَلُ (۱۶۲) ۱۴ - اگر دنیا ارزشمند شمرده می‌شود، اما بهشت خداوند برتر و ارزشمندتر است و اگر بدن‌ها برای مرگ آفریده شده‌اند، پس کشته شدن با شمشیر در راه خدا بهتر است. و اگر روزی‌ها اندازه معینی دارند، پس حرص نورزیدن مرد در کسب روزی زیباتر است. و اگر جمع‌آوری اموال برای ترک آنهاست، پس چرا آنچه را مرد ترک می‌کند به آن بخل ورزد.

## فصل سیزدهم: حکمت‌ها و موعظه‌ها

### عزت و بی‌نیازی

الْعِزُّ وَالْغِنَى ۱ - إِنَّ الْعِزَّ وَالْغِنَى خَرَجَا يَجُولَانِ، فَلَقِيَا التَّوَكَّلَ فَاسْتَوَطَنَا. (۱۶۳)

### عالم کیست؟

مِنِ الْعَالِمِ؟ ۲ - لَوْ أَنَّ الْعَالِمَ كُلُّ مَا قَالَ أَحْسَنَ وَأَصَابَ لَأَوْشَكَ أَنْ يُجَنَّ مِنَ الْعُجْبِ وَإِنَّمَا الْعَالِمُ مَنْ يَكْتُمُ صَوَابَهُ. (۱۶۴) ۱ - عزت و بی‌نیازی حرکت کردند و می‌گشتند، وقتی به توکل رسیدند، آنجا را وطن خود قرار دادند. ۲ - اگر عالم هر چه بگوید نیکو و درست باشد، نزدیک است که عجب او را فرا گیرد، بلکه عالم کسی است که گفته‌های درست او زیاد باشد

### قدرت و خویشتن داری

الْقُدْرَةُ وَالْحَفِيظَةُ ۳ - الْقُدْرَةُ تُدْهِبُ الْحَفِيظَةَ، الْمَرْءُ أَعْلَمُ بِشَأْنِهِ. (۱۶۵) ۳ - قدرت، خویشتن داری را از بین می‌برد و مرد به احوال خود آگاه‌تر از دیگران است.

### بی‌نیازی از عذرخواهی

الْغَنِيَّةُ مِنَ الْإِعْتِذَارِ ۴ - مَنْ لَمْ يَكُنْ لِأَخِي عَائِباً لَمْ يَعِدَمْ مَعَ كُلِّ عَائِبٍ عَازِراً. (۱۶۶) ۴ - کسی که عیب جوی دیگری نباشد نیازی ندارد با هر عیب‌گیری عذرخواهی کند.

### فروتنی اجباری

خُضُوعٌ جَبْرِيٌّ ۵ - لَوْلَا ثَلَاثَةٌ مَا وَضَعَ ابْنُ آدَمَ رَأْسَهُ لِشَيْءٍ: الْفَقْرُ وَالْمَرَضُ وَالْمَوْتُ. (۱۶۷) ۵ - اگر این سه چیز نبود فرزند آدم سر خود را برای چیزی پایین نمی‌آورد: فقر و بیماری و مرگ.



## عذر بدتر از گناه

إِعْتِدَارُ أَسْوَأَ مِنَ الذَّنْبِ ۱۳ - رَبُّ ذَنْبٍ أَحْسَنُ مِنَ الْإِعْتِدَارِ مِنْهُ. (۱۷۵) ۱۳ - چه بسا گناهی که از عذر خواهی بهتر باشد.

## روزی بندگان

أَرْزَاقُ الْعِبَادِ ۱۴ - أَرْزَاقُ الْعِبَادِ فِي السِّمَاءِ الرَّابِعَةِ، يُنَزِّلُهَا اللَّهُ بِقَدَرٍ وَيَبْسُطُهَا بِقَدَرٍ. (۱۷۶) ۱۴ - روزی بندگان در آسمان چهارم است و خداوند آنها را به تقدیر خود نازل و گسترده می‌گرداند.

## ظاهر و باطن قرآن

ظَاهِرُ الْقُرْآنِ وَ بَاطِنُهُ ۱۵ - الْقُرْآنُ ظَاهِرُهُ أَتَقِ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ. (۱۷۷) ۱۵ - قرآن ظاهری آراسته و باطنی عمیق دارد.

## درجات قرآن

مَرَاتِبُ الْقُرْآنِ ۱۶ - كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءٍ: عَلَى الْعِبَارَةِ، وَالْإِشَارَةِ، وَاللِّطَائِفِ، وَالْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ، وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ، وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ. (۱۷۸) ۱۶ - کتاب خدای عزوجل بر چهار چیز استوار است. ترکیب الفاظ، رمز و اشاره، نکات نغز و حقایق. اما عبارت برای توده مردم، و رمز و اشاره برای بندگان خاص می‌باشد، و نکات نغز و لطیف برای اولیاء، و حقایق آن برای انبیاء است.

## علت واجب شدن روزه

عَلَّةُ وَجُوبِ الصَّوْمِ ۱۷ - سُئِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَ افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى عَبْدِهِ الصَّوْمَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ۱۷ - از امام حسین علیه السلام سؤال شد چرا خداوند روزه را بر بنده‌اش واجب کرد؟ حضرت فرمود: لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَسَّ الْجُوعِ فَيَعُودُ بِالْفَضْلِ عَلَى الْمَسَاكِينِ. (۱۷۹)

## صفات مؤمن

خِصَالُ الْمُؤْمِنِ ۱۸ - إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِتَّخَذَ اللَّهُ عِضْمَتَهُ وَقَوْلَهُ مِرْآتَهُ. فَمَرَّةً يَنْظُرُ فِي نَعْتِ الْمُؤْمِنِينَ، وَتَارَةً يَنْظُرُ فِي وَصْفِ الْمُتَجَبِّرِينَ، فَهُوَ مِنْهُ فِي لَطَائِفِ، وَمِنْ نَفْسِهِ فِي تَعَارُفِ، وَمِنْ فِطْنَتِهِ فِي يَقِينِ، وَمِنْ قُدْسِهِ عَلَى تَمَكِينِ. (۱۸۰) ۱۸ - مؤمن خدا را نگهدار خود و گفتارش را آینه خویش می‌داند، یک بار در صفت مؤمنین می‌اندیشد (و درس می‌گیرد) و یک بار در صفت زورگویان نظر می‌کند (و عبرت می‌گیرد) او از درون خود نکته‌ها دارد و قدرشناس خویش است. از هوش خود به مقام یقین رسیده و از پاکی دل توانمند است.

## نیکی به خوبان و بدان

الصَّنِيعَةُ إِلَى الْأَبْرَارِ وَالْفَجَارِ ۱۹ - قَالَ عِنْدَهُ رَجُلٌ: إِنَّ الْمَعْرُوفَ إِذَا أُسْدِيَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ ضَاعَ. لِأَنَّ الْبِرَّ وَالْفَاجِرَ. (۱۸۱) ۱۹ - مردی در محضر امام حسین علیه السلام گفت: وقتی به کسی که فقال الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ كَذَلِكَ، وَ لَكِنْ تَكُونُ الصَّنِيعَةُ مِثْلَ وَابِلِ الْمَطَرِ تُصِيبُ الْبِرَّ وَالْفَاجِرَ. (۱۸۱)

## این گونه صبح کردم

كَذَلِكَ أَصْبَحْتُ ۲۰ - قِيلَ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصْبَحْتُ وَ لِي رَبُّ فَوْقِي، وَ النَّارُ أَمَامِي، وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي، وَ الْحِسَابُ مُحَدِّقٌ بِي، وَ أَنَا مُزْتَهِنٌ بِعَمَلِي. اهل نیکی نیست نیکی شود آن کار نیکی ضایع شده است. حضرت فرمود: این چنین نیست بلکه کار نیکی همانند باران شدیدی است که خوب و بد را فرا می‌گیرد. ۲۰ - به امام حسین علیه السلام عرض شد چگونه شب را به صبح رساندی ای پسر رسول خدا! امام علیه السلام فرمود: صبح کردم در حالی که پروردگاری بالای سر و آتشی در پیش داشتم. مرگ به دنبال بود، حساب مرا در بر گرفته و در گرو اعمال خود بودم. لا أَجِدُ مَا أَحِبُّ، وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ، وَ الْأُمُورُ بِيَدِ غَيْرِي، فَإِنْ شَاءَ عَذَّبَنِي وَ إِنْ شَاءَ عَفَى عَنِّي، فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ مِنِّي. (۱۸۲)

## شگفتی‌های مردم

عَجَائِبُ النَّاسِ ۲۱ - وَجَدَ لُوحَ تَحْتَ حَاوِطِ مَدِينَةِ مِنَ الْمِدَائِنِ، مَكْتُوبٌ فِيهِ: أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّ، عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرُحُ، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ كَيْفَ يَحْزُنُ، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ إِحْتَبَرَ الدُّنْيَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ كَيْفَ يُدْنِبُ. (۱۸۳) آنچه را دوست دارم نمی‌یابم و آنچه را دوست ندارم نمی‌توانم از خود دور کنم و زمام امور به دست کسی غیر از من است، پس اگر بخواهد عذابم می‌کند و اگر بخواهد می‌بخشد. پس چه کسی فقیرتر از من است؟ ۲۱ - تخته‌ای در زیر دیوار شهری از شهرها پیدا شد که در آن نوشته شده بود من خدا هستم و خدایی جز من نیست و محمد پیامبر من است. در شگفتم از کسی که به مرگ یقین دارد چگونه شادمانی می‌کند، در شگفتم از کسی که یقین به قضا و قدر دارد چگونه اندوهگین است، و در شگفتم از کسی که به حساب روز قیامت یقین دارد چگونه گناه می‌کند.

## انواع مناظره

أقسام المناظره ۲۲ - إِنَّ رَجُلًا قَالَ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِجْلِسْ حَتَّى تَنْتَظِرَ فِي الدِّينِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هَذَا! أَنَا بَصِيرٌ بِبَدْنِي، مَكْشُوفٌ عَلَيَّ هَيْدَايَ، فَإِنْ كُنْتُ جَاهِلًا بِدِينِكَ فَادْهَبْ وَ اطَّلِبْهُ. مَا لِي وَ لِلْمُمَارَاةِ؟ وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيُوسِسُ لِلرَّجُلِ وَ يُنَاجِيهِ وَيَقُولُ: نَظِرَ النَّاسَ فِي الدِّينِ كَيْلًا - يَطْنُوا بِكَ الْعَجْزَ وَ الْجَهْلَ. ثُمَّ الْمِرَاءُ لَا يَخْلُو مِنْ أَرْبَعِهِ أَوْجُهٍ: ۱ - إِمَّا أَنْ تَتَمَارَى أَنْتَ وَ صَاحِبُكَ فِيمَا تَعْلَمَانِ، فَقَدْ تَرَكْتُمَا بِذَلِكَ النَّصِيحَةَ وَ طَلَبْتُمَا الْفُضِيحَةَ وَ أَضَعْتُمَا ذَلِكَ الْعِلْمَ. ۲۲ - مردی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: بنشین تا در باره دین با یکدیگر مناظره کنیم. حضرت فرمود: ای مرد! من به دین خود آگاهم و هدایت نزد من آشکار است، اگر تو به دین خود آگاهی نداری برو کسب آگاهی کن، مرا با جدال و خودنمایی علمی چه کار؟ شیطان انسان را وسوسه کرده و در گوش او زمزمه می‌کند و می‌گوید: درباره دین با مردم مناظره کن تا تو را ضعیف و جاهل نپندارند. آن‌گاه بدان که خودنمایی علمی از چهار صورت بیرون نیست. ۱ - یا جدال تو و کسی که با او مناظره می‌کنی در اموری است که به آن آگاهید، در این صورت خیرخواهی را ترک کرده‌اید و به دنبال رسوایی رفته و علم خود را ضایع ساخته‌اید. ۲ - أَوْ تَجْهَلَانَهُ فَأُظْهِرْتُمَا جَهْلًا وَ خَاصَمْتُمَا جَهْلًا. ۳ - أَوْ تَعْلَمُهُ أَنْتَ فَظَلَمْتَ صَاحِبُكَ بِطَلَبِكَ عَيْزَتَهُ. ۴ - أَوْ يَغْلِبُهُ صَاحِبُكَ فَتَرَكَتَ حُزْمَتَهُ وَ لَمْ تَنْزِلْهُ مَنْزِلَتَهُ وَ هَذَا كُلُّهُ مُحَالٌ. فَمَنْ أَنْصَفَ وَ قَبِلَ الْحَقَّ وَ تَرَكَ الْمُمَارَاةَ فَقَدْ أَوْثَقَ إِيمَانَهُ وَ أَحْسَنَ صُحْبَةَ دِينِهِ وَ صَانَ عَقْلَهُ. (۱۸۴) ۲ - یا آگاهی به دین ندارید پس نادانی خود را آشکار کرده‌اید و جاهلانه نزاع می‌کنید. ۳ - یا تو آگاهی داری و کسی که با او مناظره می‌کنی جاهل است که در این صورت به خاطر پی‌گیری خطاهایش به او ظلم کرده‌ای. ۴ - یا طرف تو آگاهی دارد و تو جاهلی که در این صورت حرمت او را مراعات نکرده‌ای و او را در جایگاهی که شایسته است قرار نداده‌ای و تمام این چهار قسم نارواست. پس کسی که انصاف داشته

باشد و حق را بپذیرد و خود نمایی علمی را ترک گوید ایمان خود را محکم کرده و با دین خود به نیکی رفتار نموده و عقل خود را از لغزش نگاه داشته است.

### گرفتاری امت اسلامی

بَلَاءُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ ۲۳ - وَمِنْ الْبَلَاءِ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ، إِنَّا إِذَا دَعَوْنَاهُمْ لَمْ يَجِئُونَا وَإِذَا تَرَكْنَاهُمْ لَا يَهْتَدُوا بَعِيرِنَا. (۱۸۵) ۲۳ - از گرفتاری‌های این امت آن است که وقتی ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را می‌خوانیم اجابت نمی‌کنند و وقتی آنها را به حال خود وا می‌گذاریم به وسیله غیر ما هدایت نمی‌شوند.

### موضع عاقل در برابر گرفتاری‌ها

مَوْضِعُ الْعَاقِلِ تَجَاهَ الْإِبْتِلَاءِ ۲۴ - الْأَمِينُ آمِنٌ، وَالْبُرَىءُ جَرِيءٌ، وَالْخَائِنُ خَائِفٌ، وَالْمُسِيءُ مُسْتَوْحِشٌ. إِذَا وَرَدَتْ عَلَى الْعَاقِلِ لُئْمَةٌ قَمَعَ الْحُزْنَ بِالْحَزْمِ، وَفَرَعَ الْعَقْلَ لِلْإِخْتِيَالِ. (۱۸۶) ۲۴ - انسان امین در امنیت است و بی‌گناه دلیر و خائن هراسناک می‌باشد و گنهکار در وحشت قرار دارد. وقتی بلایی بر عاقل وارد می‌شود با دوراندیشی بر اندوه چیره می‌گردد و عقل او آماده راه‌حل می‌گردد.

### اخلاق پادشاهان

أَخْلَاقُ الْمُلُوكِ ۲۵ - لَا تَصِفْ فَنَ لِمَلِكٍ دَوَاءً، فَإِنَّهُ إِنْ نَفَعَهُ لَمْ يَخْمَدَكَ، وَإِنْ ضَرَّهُ إِيْتَهَمَكَ. (۱۸۷) صِفَاتُ الْمُعَاوِيَةِ ۲۵ - دارویی را برای پادشاهی (زاممداری) توصیف نکن، زیرا اگر به او سود بخشد از تو تشکر نمی‌کند و اگر به او زیان رساند تو را متهم می‌سازد.

### ویژگی‌های معاویه

۲۶ - إِذَا بَلَغَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَلَامَ نَافِعِ بْنِ جُبَيْرٍ فِي مُعَاوِيَةَ وَقَوْلِهِ «إِنَّهُ كَانَ يَسِيكُتُهُ الْجِلْمُ وَيَنْطِقُهُ الْعِلْمُ»، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلْ كَانَ يَنْطِقُهُ الْبَطْرُ وَيَسْكُتُهُ الْحَضْرُ. (۱۸۸) ۲۶ - وقتی سخن نافع بن جبیر درباره معاویه به امام حسین ۷ رسید که گفته بود: «شکیبایی معاویه را به سکوت وا می‌داشت و علم او را به سخن می‌آورد» فرمود: بلکه گردن کشی او را به سخن می‌آورد و تنگدلی او را به سکوت می‌کشاند.

### برادران بر چهار دسته‌اند

الْإِخْوَانُ أَرْبَعَةٌ ۲۷ - الْإِخْوَانُ أَرْبَعَةٌ: فَأَخٌ لَكَ وَ لَهْ، وَأَخٌ لَكَ، وَأَخٌ عَلَيْكَ، وَأَخٌ لَكَ وَلَا لَكَ لَهُ. فَسَيُثَلَّ عَنْ مَعْنَى ذَلِكَ: فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْأَخُ الَّذِي هُوَ لَكَ وَ لَهْ، فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي يَطْلُبُ بِإِخَائِهِ بَقَاءَ الْإِخَاءِ وَلَا يَطْلُبُ بِإِخَائِهِ مَوْتَ الْإِخَاءِ. فَهَذَا لَكَ وَ لَهْ، لِأَنَّهُ إِذَا تَمَّ الْإِخَاءُ طَابَتْ حَيَاتُهُمَا جَمِيعًا. وَإِذَا دَخَلَ الْإِخَاءُ فِي حَالِ التَّنَاقُضِ بَطَلَ جَمِيعًا. وَالْأَخُ الَّذِي هُوَ لَكَ فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي قَدْ خَرَجَ بِنَفْسِهِ عَنِ حَالِ ۲۷ - برادران (مسلمان) بر چهار دسته‌اند: ۱ - برادری که برای تو و خودش سودمند است. ۲ - برادری که تنها به سود توست. ۳ - برادری که به ضرر تو می‌باشد. ۴ - برادری که نه برای تو سودمند است و نه برای خودش. از امام علیه السلام سؤال شد در این باره توضیح دهد و او فرمود: برادری که برای تو و خودش سودمند است کسی است که مرادش از برادری استمرار رابطه دوستی است و نمی‌خواهد این ارتباط از میان برود. این برای تو و او مفید است زیرا وقتی برادری کامل و دو طرفه باشد زندگی بر هر دو خوش می‌گذرد، اما اگر برادری یک طرفه باشد از بین می‌رود. اما برادری که تنها برای تو می‌باشد آن برادری است که طمع را از





کن. دوم: از حاکمیت خدا بیرون رو و آنچه می‌خواهی گناه کن. سوم: جایی را انتخاب کن که خدا نبیند و آنچه می‌خواهی گناه کن. چهارم: وقتی فرشته مرگ آمد تا جان تو را بگیرد، او را از خود دور گردان و آنچه می‌خواهی گناه کن. پنجم: وقتی مالک (فرشته) تو را وارد جهنم می‌کند داخل نشو و آنچه می‌خواهی گناه کن. ۳۱ - خداوند چهار چیز را در چهار پنهان کرد: خشنودی خود را در الحسینات، فلا یستصیغرن أحد منکم حسینه، لانه لا یدری فیم رضی الله تعالی و اخصی سخطه فی السیئات فلا یستصیغرن أحدکم سیئه، فانه لا یدری فیم سخط الله. و اخصی اولیاءه فی الناس فلا یستصیغرن أحدکم أحداً، فانه یوشک أن یكون ولیاً لله. و اخصی إجابته فی الدعاء فلا یستصیغرن أحدکم دعوة، فانه لا یدری لعله دعاء مستجاب. (۱۹۳) کارهای خیر پنهان کرد. پس کسی از شما کار خیری را کوچک نشمارد زیرا نمی‌داند رضایت خدا در چه کاری است. و غضبش را در گناهان مخفی کرد، پس کسی از شما گناهی را کوچک نشمارد زیرا نمی‌داند که غضب خدا در کدام یک از آنهاست. و دوستانش را در مردم مخفی کرد، پس کسی از شما فردی را کوچک نشمارد که نزدیک است او از دوستان خدا باشد. و اجابتش را در دعا پنهان کرد پس کسی از شما دعایی را کوچک نشمارد زیرا او که نمی‌داند، شاید همان دعا مورد اجابت خدا باشد.

### یک موعظه پزشکی

موعظه طیبیه ۳۲ - اجتنبوا الغشیان فی اللیله التي تریدون فیها السفر، فإن من فعل ذلك ثم رزق ولماً كان حواله. (۱۹۴) ۳۲ - از آمیزش در شبی که قصد مسافرت دارید پرهیزید. کسی که چنین کند و دارای فرزندی شود چپ چشم خواهد بود.

### بندهای دنیا

عبید الدنیا ۳۳ - الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی ألسنتهم، یحوظونه ما درت معایشهم، فإذا محصوا بالبلاء قل الدیانون. (۱۹۵) ۳۳ - مردم بندهای دنیا هستند و دین شعار زبان آنهاست. تا زندگی آنان تأمین است دین داری می‌کنند، اما وقتی به بلا آزمایش می‌شوند دین داران کم می‌گردند.

### عوامل پیروزی در جنگ

عوامل النصیر فی الحرب ۳۴ - قام الحسین علیه السلام فحید الله و اتنی علیه بما هو أهله فقال فی تحریض الناس بجهاد الأعداء فی حرب صقین: یا أهل الكوفه انتم الأحببه الكرماء و الشعار دون الدثار فجدوا فی إحياء ما دثر بینکم و تسهیل ما توغر علیکم. ألا إن الحرب شرها ذریع، و طعمها فظیع، و هی جرع مستحساء، فمن أخذ لها أهبتها و استعد لها عدتها و لم یألم کلومها عند حلولها فذاک صاحبها. و من عاجلها قبل أوان فرصتها و استنصار سغیه ۳۴ - امام حسین علیه السلام در برابر مردم کوفه ایستاد و آن گونه که سزاوار خداوند است حمد و ثنای او گفت و آن گاه در ترغیب مردم به جهاد با دشمنان در جنگ صفین فرمود: ای مردم کوفه! شما دوستان گرامی ما هستید و مانند لباس زیرین به بدن، به ما اهل بیت نزدیکید. پس در زنده کردن آنچه در میان شما کهنه گردیده و آسان نمودن آنچه بر شما دشوار شده است بکوشید. آگاه باشید که بدی جنگ زیاد و طعم آن بسیار ناگوار است و جرعه‌هایی است که باید کم‌کم نوشید. پس کسی که برای آن آمادگی داشته و ساز و برگ آن را فراهم سازد و از جراحت‌های آن احساس درد نکند برنده آن است و کسی که قبل از فرا رسیدن فرصت‌های مناسب و شناخت لازم، عجولانه وارد جنگ شود سزاوار آن است که به مردم خود فيها فذاک قمن أن لا ینفع قومہ و أن یهلک نفسه. نسأل الله بقوته أن یدعمکم بالفئه. (۱۹۶)

### نسبت توانایی و تکلیف

نَسْبُهُ الْقُدْرَةَ وَ التَّكْلِيفِ ۳۵ - مَا أَخَذَ اللَّهُ طَاقَةَ أَحَدٍ إِلَّا وَضَعَ عَنْهُ طَاعَتَهُ، وَلَا أَخَذَ قُدْرَتَهُ إِلَّا وَضَعَ عَنْهُ كَلْفَتَهُ. (۱۹۷) ۳۵ - خداوند توان کسی را نمی‌گیرد مگر این که اطاعت خود را از او برطرف می‌کند، و قدرت او را نمی‌گیرد مگر این که تکلیف خود را از عهده او برمی‌دارد.

## پرسش‌ها و پاسخ‌ها

أَسْئَلُهُ وَأَجِوبُهُ ۳۶ - عَنْ يَحْيَى بْنِ نُعْمَانَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُودِي نَرَسَانِد وَ خُود رَا بَه هَلَاكْت اِنْدَاذِد. از خداوند می‌خواهم که به قدرت خود جمعیت شما را محکم و مقاوم گرداند. ۳۶ - یحیی بن نعمان گوید: نزد حسین علیه السلام بودم که مرد عربی إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْعَرَبِ اسْمُهُ شَدِيدُ السَّمَرَةِ، فَسَلَّمَ، فَرَدَّ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَسْأَلُهُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَاتِ. قَالَ: كَمْ بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالْيَقِينِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْبَعُ أَصَابِعَ قَالَ: كَيْفَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا إِيْمَانُ مَا سَمِعْنَا، وَالْيَقِينُ مَا رَأَيْنَا، وَبَيْنَ السَّمْعِ وَالْبَصِيرِ أَرْبَعُ أَصَابِعَ. قَالَ: فَكَمْ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ. سبزه‌رو بر او وارد شد و سلام کرد و حسین علیه السلام جواب سلام او را داد. آن گاه عرض کرد: ای پسر رسول خدا! سؤالی دارم. حضرت فرمود: سؤال خود را بپرس. عرض کرد: فاصله بین ایمان و یقین چه اندازه است؟ امام علیه السلام فرمود: به اندازه چهار انگشت است. پرسید: چگونه به اندازه چهار انگشت است؟ فرمود: ایمان چیزی است که آن را شنیده‌ایم و یقین چیزی است که آن را دیده‌ایم و میان شنیدن و دیدن چهار انگشت فاصله است. عرض کرد: فاصله آسمان و زمین چه اندازه است؟ امام علیه السلام فرمود: به اندازه یک دعای اجابت شده. قَالَ: فَكَمْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَسِيرَةٌ يَوْمَ لِلشَّمْسِ. قَالَ: فَمَا عِزُّ الْمَرْءِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ. قَالَ: فَمَا أَقْبَحُ شَيْءٍ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْفُسُقُ فِي الشَّيْخِ قَبِيحٌ، وَالْحِدَّةُ فِي السُّلْطَانِ قَبِيحَةٌ، وَالْكَذِبُ فِي ذِي الْحَسَبِ قَبِيحٌ، وَالْبُخْلُ فِي ذِي الْغِنَاءِ، وَالْحِرْضُ فِي الْعَالِمِ. قَالَ: صَدَقْتَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. فَأَخْبِرْنِي عَنْ عِدَدِ الْأَنْبِيَاءِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عرض کرد: فاصله بین مشرق و مغرب چه اندازه است؟ حضرت فرمود: به اندازه یک روز حرکت خورشید. عرض کرد: عزت مرد به چیست؟ فرمود: به بی‌نیازی او از مردم. عرض کرد: زشت‌ترین چیز کدام است؟ فرمود: گناه پیرمرد، تندی سلطان، دروغ انسان اصیل، بخل ثروتمند و حرص عالم. عرض کرد: درست گفתי ای فرزند رسول خدا، مرا از تعداد امامان بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله آگاه گردان. فرمود: إِثْنَا عَشَرَ، عَدَدَ نُبِيَّاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ. قَالَ: فَسَمِّهِمْ لِي، فَطَرَقَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: نَعِيمٌ أَخْبِرُكَ يَا أَخَا الْعَرَبِ، إِنَّ الْإِمَامَ وَالْخَلِيفَةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالْحَسَنُ، وَأَنَا، وَتَشِيْعُهُ مِنْ وُلْدِي، مِنْهُمْ عَلِيُّ ابْنِي، وَبَعْدَهُ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ جَعْفَرٌ ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ مُوسَى ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ عَلِيُّ ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ الْحَسَنُ ابْنُهُ، وَبَعْدَهُ الْخَلْفُ الْمَهْدِيُّ، هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي يَقُومُ بِالْدِينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ. دوازده نفر به عدد برگزیدگان بنی اسرائیل اند. عرض کرد: آنها را برای من نام ببر. حسین علیه السلام مدتی سر به زیر انداخت و آن گاه سر خود را بالا آورد و فرمود: بله نام آنها را به تو خواهم گفت ای برادر عرب. هر آینه امام و جانشین بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام و حسن و خودم و نه نفر از فرزندان من می‌باشند. یکی از آنها پسر علی و پس از او پسر محمد و پس از او پسر جعفر و پس از او پسر موسی و پس از او پسر علی و پس از او پسر محمد و پس از او پسر علی و پس از او پسر حسن و پس از او فرزندش مهدی است. او نهمین فرزند من است که در آخر زمان برای برپایی دین قیام می‌کند. قَالَ: فَقَامَ الْأَعْرَابِيُّ وَهُوَ يَقُولُ: مَسِيحَ النَّبِيِّ جَبِيْنَهُ فَلَهُ بَرِيْقٌ فِي الْخُدُودِ أَبَوَاهُ مِنْ أَعْلَى قُرَيْشٍ وَ جَدُّهُ خَيْرُ الْجُدُودِ. (۱۹۸)

تَوْصِيَّةٌ طَيِّبَةٌ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا إِشْتَكَى إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَجِدُ وَجَعًا فِي عِرَاقِيئِي قَدْ مَنَعَنِي مِنَ النَّهْوِصِ إِلَى الصَّلَاةِ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْعُودَةِ؟ مُرِدَ عَرَبٍ بَرَخَاسْتِ فِي حَالِي

که این اشعار را می‌سرود: پیامبر دست بر پیشانی او کشید، پس درخششی در چهره دارد. پدر و مادرش از بهترین طایفه قریش‌اند و جدش (محمد صلی الله علیه و آله) بهترین جداهاست. مردی به اباعبدالله حسین بن علی علیه‌السلام شکایت کرد و گفت: ای پسر رسول خدا! من دردی را در عصب‌های پای خود دارم که مرا از بلند شدن برای نماز باز می‌دارد. امام علیه‌السلام فرمود: چه چیز تو را از استفاده از تعویذ باز می‌دارد؟ قَالَ: لَسْتُ أَعْلَمُهَا، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِذَا أَحْسَسْتِ بِهَا فَضَعِ يَدَكَ عَلَيْهَا وَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ»، ثُمَّ اقْرَأْ عَلَيْهِ: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ». (۱۹۹) فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَشَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَى (۲۰۰) عرض کرد: تعویذ آن را نمی‌دانم. حضرت فرمود: وقتی درد را در عصب‌های پای خود احساس کردی دست خود را بر آن بگذارد و بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. أَنْ گاه بر آن بخوان: «و ما قدر الله حق قدره و الارض جميعا قبضته يوم القيامة، والسموات مطويات بيمينه سبحانه و تعالی يسركون». (۲۰۱) آن مرد به این تعویذ عمل کرد و خدای متعال او را شفا داد.

## فصل چهاردهم: انقلاب کربلا

### دشمنی بنی‌هاشم و بنی‌امیه

خُصُومِيَّةُ بَنِي هَاشِمٍ وَبَنِي أُمَيَّةَ ۱ - قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «هَذَا نِ حَصِيْمَانِ إِخْتَصَمَا فِي رُبِّهِمْ» (۲۰۲) نَحْنُ وَبَنُو أُمَيَّةَ إِخْتَصَمْنَا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، قُلْنَا: صِدَقَ اللَّهُ، وَقَالُوا: كَذَبَ اللَّهُ. فَنَحْنُ وَإِيَّاهُمْ الْخَصِيْمَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲۰۳) ۱ - امام حسين عليه السلام در باره این سخن خدای متعال: «این دو گروه، دشمنان یکدیگرند که درباره پروردگارشان با هم دشمنی می‌کنند»، فرمود: ما و بنی‌امیه درباره خداوند به دشمنی پرداختیم. ما گفتیم خدا راست می‌گوید و آنها گفتند خدا دروغ می‌گوید. ما و آنها در روز قیامت هم دشمن یکدیگریم. ۲ - إِنَّا وَبَنِي أُمَيَّةَ تَعَادَيْنَا فِي اللَّهِ، فَنَحْنُ وَهُمْ كَذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. فَجَاءَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَأْيِهِ الْحَقِّ فَرَكَّهَا بَيْنَ أَظْهُرِنَا وَجَاءَ إِبْلِيسُ بِرَأْيِهِ الْبَاطِلِ فَرَكَّهَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ. (۲۰۴) ۲ - ما و بنی‌امیه برای خدا با یکدیگر دشمنی کردیم و این دشمنی تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. جبرئیل علیه‌السلام پرچم حق را آورد و در پشت ما برافراشت و ابلیس هم پرچم باطل را آورد و در پشت آنها برافراشت.

### پاسخ امام حسین علیه‌السلام به معاویه

جَوَابُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمُعَاوِيَةَ ۳ - لَمَّا قَتَلَ مُعَاوِيَةُ حُجْرَ بْنَ عَدِيٍّ وَأَصِيْحَابَهُ، حَجَّ ذَلِكَ الْعَامَ فَلَقِيَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ هَلْ بَلَغَكَ مَا صَنَعْنَا بِحُجْرٍ وَأَصِيْحَابِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَشِيعَةِ أَبِيكَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا صَنَعْتَ بِهِمْ؟ ۳ - وقتی معاویه حجر بن عدی و یارانش را کشت در همان سال به سفر حج رفت و امام حسین علیه‌السلام را ملاقات کرد و گفت: ای اباعبدالله آیا این خبر به تو رسید که ما با حجر و یاران و پیروانش و شیعیان پدرت چه کردیم؟ امام علیه‌السلام فرمود: با آنها چه کردی؟ قَالَ قَتَلْنَاهُمْ وَكَفَّنَّاهُمْ وَصَلَّيْنَا عَلَيْهِمْ. فَضَحِكَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ: خَصِمُكَ الْقَوْمُ يَا مُعَاوِيَةُ، لَكِنَّا لَوْ قَتَلْنَا شِيعَتَكَ مَا كَفَّنَّاهُمْ وَلَا صَلَّيْنَا عَلَيْهِمْ وَلَا أَقْبَرْنَاهُمْ. وَ لَقَدْ بَلَغَنِي وَوَقِعَتْكَ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قِيَامِكَ بِنَفْسِنَا، وَ إِغْتِرَاضِكَ بَنِي هَاشِمٍ بِالْعُيُوبِ. فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَارْجِعْ فِي نَفْسِكَ، ثُمَّ سَلِّمْهَا الْحَقَّ، عَلَيْهَا وَلَهَا، فَإِنْ لَمْ تَجِدْهَا أَعْظَمَ عَيْبًا فَمَا أَصْغَرَ عَيْبِكَ فِيكَ. فَقَدْ ظَلَمْنَاكَ يَا مُعَاوِيَةُ، وَلَا تُوتِرَنَّ غَيْرَ قَوْسِكَ. وَلَا تَزْمِنَنَّ غَيْرَ مُعَاوِيَةَ كَقَوْلِكَ: أَنْهَا رَا كَشْتِيمَ وَ كَفَنَ كَرْدِيمَ وَ بَرَّ أَنْهَا نَمَازَ كَرَارْدِيمَ. امام حسين عليه السلام خنده تلخی کرد و

فرمود: ای معاویه کسانی را که کشتی در قیامت با تو دشمن خواهند بود. اما اگر ما پیروان تو را بکشیم آنها را کفن نمی‌کنیم و بر آنان نماز نمی‌گزاریم و دفنشان نمی‌کنیم. خبر ناسزا گویی تو به علی علیه السلام به من رسید و از عیب‌گیری که بر ما بنی‌هاشم داشتی آگاه شدم. حال که چنین کردی به نفس خود رجوع کن و حق را از آن بخواه چه بر ضرر آن باشد و یا به سود آن. پس اگر عیب‌های بزرگی در آن نیابی عیب تو کوچک هم نخواهد بود. ما (مردم) تو را در غیر محل خود نشانندیم (شایسته حکومت نبودی) از کمان دیگری تیراندازی نکن و به آنچه هدف تو نیست تیر نینداز و از غرضک، و لا تَرْمِنَا بِالْعِدَاوَةِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ. فَإِنَّكَ وَاللَّهِ قَدْ أَطَعْتَ فِينَا رَجُلًا مَا قَدِمَ إِسْلَامُهُ، وَلَا حَدَثَ نِفَاقَهُ، وَلَا نَظَرَ لَكَ، فَأَنْظُرْ لِنَفْسِكَ أَوْ دَعُ. (۲۰۵)

### سخنرانی حماسی در مبنی

خُطْبَةُ حِمَاسِيَّةٍ بِمَبْنَى ۴ - إِيغْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ سُوءِ ثَنَائِهِ عَلَى الْأَخْبَارِ إِذْ يَقُولُ «لَوْلَا يَنْهَاهُمْ الرَّبَابِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ» (۲۰۶) وَقَالَ «لَعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» إِلَى قَوْلِهِ «لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (۲۰۷) پایگاه نزدیک، تیر دشمنی به سوی ما پرتاب نکن. به خدا سوگند تو درباره ما از کسی پیروی می‌کنی که او (عمروبن عاص) سابقه‌ای در اسلام ندارد و نفاقش چیز جدیدی نیست و نظر او به سود تو نمی‌باشد. به خود بیندیش یا عمروبن عاص را رها کن. ۴ - هان ای مردم! از آنچه خداوند دوستان خود را با سرزنش علمای یهود پند داده است عبرت بگیرد، آن‌گاه که می‌فرماید: «چرا دانشمندان مسیحیت و علمای یهود آنان را از سخنانی که گناه است باز نمی‌دارند؟» هم چنین فرمود: «عده‌ای از بنی‌اسرائیل که کافر شدند مورد لعنت قرار گرفتند، تا آنجا که می‌فرماید: «چه بد بود آنچه عمل می‌کردند». وَإِنَّمَا عَابَ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَرَوْنَ مِنَ الظُّلْمَةِ الَّذِينَ بَيْنَ أَظْهُرِهِمُ الْمُنْكَرَ وَالْفُسَادَ، فَلَا يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ ذَلِكَ رَغْبَةً فِيمَا كَانُوا يَسْأَلُونَ مِنْهُمْ وَرَهْبَةً مِمَّا يَخْذَرُونَ، وَاللَّهُ يَقُولُ: «فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشُوا اللَّهَ» (۲۰۸) وَقَالَ: «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (۲۰۹) فَيَدَّ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ، لِعَلِمِهِ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِيَتْ وَأُقِيمَتْ إِسْتِقَامَتِ الْفَرَائِضِ كُلِّهَا هَيَّأَهَا وَصَّيَّجَهَا، وَذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ، مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَقِسْمَةِ الْفَيْءِ وَالْعِنَانِمِ وَأَخْذِ الصَّدَقَاتِ وَخَدَاوَنَدِ أَنْهَا رَا نَكُوْهَشَ كَرَدَ زِيْرَا مِي دِيْدَنَدَ كَه سَتْمَكِرَانَ ظَلْمِ وَ فِْسَادِ مِي كَنَنَدَ اَمَّا أَنْهَا رَا اَزْ كَارْ خُودِ نَهِيْ نَمِيْ كَرَدَنَدَ وَ اَيْنِ نَهِيْ نَكْرَدَنَ أَنْهَا بَهْ خَاَطِرْ اَنْ بُوْدَ كَه مِي خُوَاسْتَنَدَ اَزْ اَنْاَنَ بَهْرَهْ مَنَدَ شُوْنَدَ وَ اَزْ دَشْمَنِيْ اَنْاَنَ دَرِ اَمَانَ مَانَنَدَ دَرِ حَالِيْ كَه خَدَاوَنَدَ مِي فَرْمَايَدَ: «مَرْدَانَ وَ زَنَانَ مَوْْمَنَ يَارَ وَ دُوْستَانَ يَكْدِيْگِرَنَدَ وَ اَمْرَ بَهْ مَعْرُوفِ وَ نَهِيْ اَزْ مَنْكَرِ مِي كَنَنَدَ. خَدَاوَنَدَ دَرِ اَيْنِ آيَهْ «اَمْرَ بَهْ مَعْرُوفِ وَ نَهِيْ اَزْ مَنْكَرِ» رَا اَوَّلِيْنَ وَاجِبَ قَرَارِ دَادَ زِيْرَا مِي دَانَسْتِ كَه اِگَرِ اَيْنِ فَرِيضَهْ اَجْرَا وَ بَرْگَزَارِ شُوْدَ هَمَهْ وَاجِبَاتِ اَزْ آسَانَ وَ سَخْتِ بَرِ پَا مِي گَرْدَدَ چَرَا كَه اَمْرَ بَهْ مَعْرُوفِ وَ نَهِيْ اَزْ مَنْكَرِ دَعُوْتِ بَهْ اِسْلَامِ، اِعْمَادَهْ اَنْچَهْ بَهْ سَتْمِ اَزْ دَسْتِ رَفْتَهْ وَ مَخَالَفَتِ بَا سَتْمَكِرِ، تَقْسِيْمِ بِيْتِ الْمَالِ وَ غَنِيْمَتِ هَا وَ كَرَفْتَنِ زَكَاتِ دَرِ مَوَارِدِيْ كَه مَعِيْنَ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ وَضْعِهَا فِي حَقِّهَا. ثُمَّ اَنْتُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ! عِصَابَةُ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ، وَبِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ، وَ بِالنَّصِيْحَةِ مَعْرُوفَةٌ، وَ بِاللَّهِ فِي اَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ. يَهَابُكُمْ الشَّرِيفُ، وَ يُكْرِمُكُمْ الضَّعِيفُ، وَ يُؤَثِّرُكُمْ مِنْ لافْضَلِ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَا يَدَّ لَكُمْ عِنْدَهُ. تَشْفَعُونَ فِي الْخَوَائِجِ إِذَا اِئْتِنَعَتْ مِنْ طُلَابِهَا، وَ تَمْسُونَ فِي الطَّرِيقِ بِهَيْبَةِ الْمُلُوكِ وَ كَرَامَةِ الْأَكَابِرِ، أَلَيْسَ كُلُّ ذَلِكَ إِنَّمَا نَلْتَمُوهُ بِمَا يُزْجِيْ عِنْدَكُمْ مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ اللَّهِ، وَ إِن كُنْتُمْ عَنْ أَكْثَرِ حَقِّهِ تَقْضِرُونَ؟ فَاسْتَحْفَتُمْ بِحَقِّ الْأَيْمَةِ، فَأَمَّا حَقُّ الضُّعْفَاءِ فَصَهْ يَغْتُمُّ، وَ أَمَّا حَقُّكُمْ گَرْدِيْدَهْ وَ صَرَفِ اَنْ دَرِ جَايِ خُودِ اسْت. شَمَا اِيْ گِرُوْهيْ كَه بَهْ عِلْمِ شَهْرَتِ دَارِيْدَ وَ بَهْ خَيْرِ وَ نِيْكيْ يَادِ مِي شُوِيْدَ وَ دَرِ خَيْرِ خُوَاهِيْ مَعْرُوفِ گَشْتَهْ اِيْدَ وَ بَهْ لَطْفِ خَدَاوَنَدِ اَزْ مَوْقِعِيْتِيْ نَافِذِ دَرِ دَلِ مَرْدَمِ بَرْخُورْدَارِيْدَ وَ اَفْرَادِ نِيْرُومَنَدِ اَزْ شَمَا حَسَابِ مِي بَرَنَدَ وَ اِنْسَانَ هَايِ ضَعِيْفِ شَمَا رَا اِحْتِرَامِ مِي كَنَنَدَ وَ كَسَانِيْ كَه بَرِ اَنْهَا بَرْتَرِيْ وَ تُوَانَمَنَدِيْ نَدَارِيْدَ شَمَا رَا بَرِ خُودِ مَقْدَمِ مِي دَارَنَدَ، دَرِ بَرِ آوَرْدَنِ خُوَاسْتَهْ هَايِ نِيَازْمَنَدَانَ كَه اَزْ اَنْ مَحْرُومِ مَانَدَهْ اَنَدَ شَفَاعَتِ مِي كَنِيْدَ وَ بَا شَكُوْهْ پَادِشَاهَانَ وَ بَزْرْگُوَارِيْ بَزْرْگَانَ دَرِ مِيَاَنِ مَرْدَمِ رَا هِ مِي رُوِيْدَ، آيَا هَمَهْ اَيْنِ اَمْتِيَازَهَا بَرَايِ اَنْ نِيْسْتِ كَه بَهْ شَمَا اَمِيْدِ مِي رُوْدِ كَه حَقُوقِ اِلْهِيْ قِيَامِ كَنِيْدَ اِگَرِ چَهْ اَزْ اِدَايِ بِيْشْتَرِ حَقُوقِ خُودِ

کوتاهی کردید؟ حق پیشوایان را سبک شمردید و حق ضعیفان را پایمال نمودید و به بزعمکم فطلبتم. فلا مالاً بدلتموه، ولا نفساً خاطرتم بها للذی خلقها، ولا عشیرة عادیتموها فی ذات الله. انتم تتمنون علی الله جنته و مجاوره رسله و اماناً من عذابه؟ لقد خشیت علیکم ایها المتمنون علی الله ان تحل بکم نعمه من نعماته، لانکم بلعتم من کرامه الله منزله فصلتم بها، و من یعرف بالله لا تکرهون و انتم بالله فی عبادته تکرهون. و قد ترون عهد الله متفوضه فلا تفزعون، و انتم لبعص ذمم خیال خود حق خویش را گرفتید. نه مالی را در راه خدا بخشیدید و نه جان خود را به خاطر کسی که آن را آفریده است به خطر انداختید و نه با قبیله‌ای برای خدا دشمنی ورزیدید. آیا با این رفتارهایی که دارید از خداوند آرزوی بهشت و هم جواری فرستادگانش را دارید و از او می‌خواهید از عذابش در امان باشید؟ ای کسانی که چنین آرزوهایی را از خدا دارید، می‌ترسم که عذابی از عذاب‌های الهی بر شما فرود آید زیرا شما در پرتو لطف الهی به موقعیتی رسیدید که به آن برتری یافتید. چهره‌های الهی را گرامی نمی‌دارید در حالی که به لطف خدا در میان مردم گرامی هستید. شما می‌بینید که پیمان‌های الهی شکسته شده است اما ترسی به خود راه نمی‌دهید در حالی که برای شکسته شدن برخی از پیمان‌های پدرانتان به ابائکم تفزعون. و ذمه رسول الله محسوره، و العمی و البکم و الزمن فی المداین مهمله لا ترحمون، ولا فی منزلتکم تعملون، ولا من عمل فیها تعنون، و بالادهان و المصانع عند الظلمه تأمنون. کل ذلك مما امرکم الله به من النهی و التناهی و انتم عنه غافلون. و انتم اعظم الناس مصیبه لما غلبتم علیه من منازل العلماء لو کنتم تشیعون. ذلك بان مجاری الأمور و الأحکام علی ایدی العلماء بالله، الأمانه علی حلاله و حرامه. هراس می‌افتید. پیمان‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله سبک و خوار شده، کورها و لال‌ها و زمین گیرها در شهرها مورد اهمال و بی‌توجهی قرار گرفته‌اند و بر آنان رحم نمی‌شود و شما در خور منزلت خویش کاری انجام نمی‌دهید و به کسی هم که به انجام این امور می‌پردازد عنایت نمی‌کنید و با تساهل و سازشکاری با ظالمان، خود را در امنیت و آرامش قرار می‌دهید. همه بدی‌هایی که بیان شد اموری هستند که خداوند به شما دستور داده است از آنها نپوشید و جلوگیری کنید و شما از آن غافلید. مصیبت شما از همه مردم بیشتر است زیرا نتوانستید شأن و منزلت علما را حفظ کنید، ای کاش تلاش می‌کردید (که به فهم این حقیقت دست یابید) این شکست شما به خاطر آن است که باید زمام امور و اجرای احکام به دست علمای الهی باشد که بر حلال و حرام او امین هستند. فانتم المسلوبون تلک المنزلته، و ما سلبتکم ذلک الا بتفرضکم عن الحق و اختلافکم فی السنه بعد البینه الواضحه. ولو صبرتم علی الأذى و تحملتُم المؤمنه فی ذات الله، کانت أمور الله علیکم ترد و عنکم تصیدر و ایلکم ترجع. و لکنکم مکنتم الظلمه من منزلتکم و اسلمتم أمور الله فی ایدیهم. یعملون بالشبهات و یسیرون فی الشهوات. سلطهم علی ذلک فرازکم من الموت و اعجابکم بالحیاه التي مفارقتکم. فاسلمتم الضعفاء فی ایدیهم، فمن بین مسیبتهم مقهور و بین مشتمهم علی معیشتهم مغلوب. این منزلت از شما گرفته شده است که از محوریت حق پراکنده شدید و با وجود دلیل روشن در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله اختلاف کردید. اگر در برابر آزارها صبر می‌کردید و سختی‌ها را در راه خدا تحمل می‌نمودید، اجرای احکام خدا در دست شما قرار می‌گرفت و احکام الهی از سوی شما صادر می‌شد. اما شما ستمکاران را در جای خود نشانیدید و اجرای احکام خدا را به دست آنان دادید، آنها هم به امور شبهه‌ناک عمل کرده و در شهوات خود گام برمی‌دارند. آنچه آنها را بر این مقام مسلط کرد فرار شما از مرگ و خوش آمدنتان از زندگی دنیا بود که از شما جدا خواهد شد. افراد ضعیف جامعه را در دست‌های آنها قرار دادید تا برخی را برده و مقهور خود ساخته و گروهی را در اداره زندگی ناتوان کردند. یتقلبون فی الملک بآرائهم و یششعرون الخزی بأهوائهم، إقتداء بالأشرار، و جزاه علی الجبار، فی کل بلد منهم علی منبره خطیب یضع. فالأرض لهم شاعره، و ایدیهم فیها مبطونه، و الناس لهم خول لا یدفعون ید لا میس. فمن بین جبار عنید و ذی سبطه علی الضعفه شدید، مطاع لا یعرف المیده المعید. فیا عجباً و مالی لا. أعجب والأرض من غاش غشوم و متصدق ظلوم و عامل علی المؤمنین بهم غیر رحیم. حکومت را به آراء و خواسته‌های خود می‌گردانند و با پیروی از اشرار و جسارت بر خدای قادر، رسوایی و هوسرانی را بر خود هموار می‌سازند. در هر شهری گوینده‌ای را بر بالای منبر دارند که با صدای بلند سخنرانی می‌کند. زمین در سیطره آنهاست و دست

آنان در همه جا باز است. مردم برده‌های آنانند و نمی‌توانند دست ظلم را از خود دور سازند. حکومت در دست مردی زورگو و خود سر است که بر ضعیفان فشار می‌آورد و فرمانروایی است که به خدا و معاد شناخت ندارد. چه شگفت‌انگیز است و چرا در شگفت نباشم در حالی که زمین در تصرف مردی حیل‌گر و زکات گیرنده‌ای ستمکار است و حاکمی است که به مؤمنین رحم نمی‌کند. فَاللَّهُ الْحَاكِمُ فِيمَا فِيهِ تَنَازَعْنَا وَالْقَاضِي بِحُكْمِهِ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَنَا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَسُّاسَ مِن فُضُولِ الحُطَامِ وَلَكِنْ لِنَرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِيَّتِكَ وَنُظْهَرُ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، وَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَيُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَّكَ وَأَحْكَامِكَ. فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَنْصُرُونَا وَتَنْصِفُونَا قَوِي الظَّلْمَةَ عَلَيْكُمْ، وَعَمِلُوا فِي إِطْفَاءِ نُورِ نَبِيِّكُمْ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا، وَإِلَيْهِ أُنَبِّئُكَ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ. (۲۱۰) خداوند در نزاعی که ما با او داریم حکم خواهد کرد و در مشاجره‌ای که میان ما در گرفته است قضاوت می‌کند. خدایا تو می‌دانی که مبارزه ما برای رقابت در دست‌یابی به سلطنت و رسیدن به مال اندک دنیا نیست بلکه می‌خواهیم نشانه‌های دین تو را آشکار سازیم و اصلاح را در شهرهای تو عیان کنیم و بنده‌های ستم دیده‌ات به امنیت برسند و واجبات و سنت‌ها و احکام تو اجرا گردد. پس اگر شما بزرگان امت ما را یاری ندهید و به انصاف با ما رفتار نکنید ستمگران بر شما غالب می‌گردند و در خاموش کردن نور پیامبران تلاش خواهند کرد. خداوند ما را کفایت می‌کند، بر او توکل می‌کنیم و به سوی او باز می‌گردیم و پایان امور به سوی اوست.

### مصادره دارایی‌های معاویه

مُصَادِرَةُ أَمْوَالِ الْمُعَاوِيَةِ ۵ - كَانَ مَالٌ حُمِلَ مِنَ الْيَمَنِ إِلَى مُعَاوِيَةَ فَلَمَّا مَرَّ بِالْمَدِينَةِ وَثَبَ عَلَيْهِ الْحَسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخَذَهُ وَ قَسَمَهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ كَتَبَ إِلَى مُعَاوِيَةَ. مِنَ الْحَسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سَفِيَانَ، أَمَا بَعِيدُ: فَإِنَّ عِيرًا مَرَّتْ بِنَا مِنَ الْيَمَنِ تَحْمِلُ مَالًا - وَ حَلَالًا - وَ عَنَابًا وَ طَيْبًا إِلَيْكَ، لِيُودِعَهَا خَزَائِنَ دِمَشْقَ، وَ تُعِيلَ بِهَا بَعِيدَ النَّهْلِ بِنْتِي أَبِيكَ وَ إِنِّي إِخْتَجْتُ إِلَيْهَا فَأَخَذْتُهَا وَ السَّلَامُ. (۲۱۱) ۵ - اموالی از یمن به سوی معاویه حمل می‌شد، وقتی کاروان اموال از مدینه عبور می‌کرد امام حسین علیه السلام بر آن حمله برد و اموال را تصرف کرد و در میان خاندان و دوستان خود تقسیم کرد و به معاویه نوشت: از حسین بن علی به معاویه بن ابی سفیان؛ پس از حمد خدا، کاروانی از شترها از یمن بر ما می‌گذشت که اموال، زیورها، عنبر و عطر برای تو حمل می‌کرد تا در انبارهای دمشق نگهداری کنی و فرزندان تشنه پدرت را از آنها سیراب سازی. اما من به آنها نیاز داشتم و همه را گرفتم. والسلام.

### سرزنی معاویه

مَلَامَةُ الْمُعَاوِيَةِ ۶ - كَتَبَ مُعَاوِيَةُ إِلَى الْحَسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَمَا بَعِيدُ: فَصَدِ انْتَهَتْ إِلَيَّ أُمُورُ عُنْكَ إِنْ كَانَتْ حَقًّا فَقَدْ أَظُنُّكَ تَرَكْتَهَا رَغِيَةً فَدَعُوعَهَا، وَلَعَمْرُ اللَّهِ إِنْ مِنْ أَعْطَى اللَّهُ عَهْدَهُ وَ مِثَاقَهُ لِحَدِيدٍ بِالْوَفَاءِ، فَإِنْ كَانَ الَّذِي بَلَغَنِي بَاطِلًا فَإِنَّكَ أَنْتَ أَعَزُّ النَّاسِ لِتَدْلِكَ. وَعِظْ نَفْسَكَ، فَادْكُرْ، وَ بَعْهَدِ اللَّهُ أَوْفٍ. فَإِنَّكَ مَتَى مَا تُنْكِرُنِي أَنْكِرُكَ، وَ مَتَى مَا تُكِدُنِي أَكِدُكَ. ۶ - معاویه در نامه‌ای به امام حسین علیه السلام نوشت: خبرهایی درباره تو به من رسیده است. اگر این اخبار صحت داشته باشند گمان من به تو این است که به خاطر میلی که به ثواب الهی داری آنها را ترک کنی پس آنها را رها کن. به جان خودم قسم کسی که با خدا عهد و پیمان می‌بندد شایسته است که بر آن وفادار باشد و اگر آنچه از تو به من رسیده است دروغ باشد تو بیش از همه مردم از این امور به دور هستی. خود را نصیحت کن و متوجه باش و بر پیمان با خدا وفادار بمان. تا زمانی که مرا انکار می‌کنی تو را انکار خواهم کرد و تا هنگامی که با من دشمنی داری با تو دشمنی می‌کنم. فَاتَّقِ شَقَّ عَصَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَنْ يُرِدَهُمُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ فِي فِتْنَةٍ. فَقَدْ عَرَفْتُ النَّاسَ وَ بَلَوْهُمْ. فَانْظُرْ لِنَفْسِكَ وَ لِدِينِكَ وَ لِأُمَّةِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا يَسِئَ تَخَفَنَّكَ السُّفَهَاءُ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ. فَلَمَّا وَصَلَ الْكِتَابُ إِلَى الْحَسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، كَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ: أَمَا بَعِيدُ فَقَدْ بَلَغَنِي كِتَابُكَ، تَذَكَّرْتُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَكَ عَنِّي أُمُورٌ أَنْتَ لِي عَنْهَا رَاغِبٌ، وَ أَنَا بِغَيْرِهَا عِنْدَكَ

حَدِيثٌ. فَإِنَّ الْحَسَنَاتِ لَا يَهْدِي لَهَا، وَلَا يُسَدِّدُ إِلَيْهَا إِلَّا اللَّهُ. أَمَا مَا ذَكَرْتَ إِنَّهُ إِنْ تَهَيَّأَ إِلَيْكَ عَنِّي، فَإِنَّهُ إِنَّمَا رَقَاهُ إِلَيْكَ الْمَلَأَقُونَ الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمِ، وَمَا أُرِيدُ لَكَ حَزْبًا أَوْ إِجَادَ سِرْكَشِي فِي أَمْتِ بِيْرَهِيْزِ وَ مِنْ أَيْنَ كَمَا خَدَا أَنْهَارًا بِه دَسْتِ تُو دَر فَتَنَهْ أَنْدَاذِدْ بِرِ حَذْرَبَاشِ. مِنْ مَرْدَمِ رَا شَنَاسَايِي وَ آزْمَايِشِ كَرْدَمِ. مَرَاقِبِ خُودِ، دِيْنِ خُودِ وَ اَمْتِ مَحْمُودِ بَاشِ وَ مَبَادَا كَسَانِي كِه بِي خُودِ وَ نَا آگَاھَنْدِ تُو رَا بِه خُوَارِي كَشَانَنْدِ. وَ قَتِي نَامِه مَعَاوِيَه بِه اِمَامِ حَسِيْنِ صَوَاتِ اللّٰهِ عَلِيْهِ رَسِيْدِ بِه اُو نُوْشْتِ: بَعْدَ اَزِ سَتَايِشِ خُدَاوَنْدِ، نَامِه تُو بِه دَسْتَمِ رَسِيْدِ. يَادْ آوَرِي كَرْدِه بُوْدِي اَمُوْرِي اَزِ مَنْ بِه تُو رَسِيْدِه اَسْتِ كِه مَائِلِ بُوْدِي چِيْنِ مِي كَرْدَمِ وَ شَايِسْتِه بُوْدِ بِه كُوْنِه اِي دِيْگَرِ عَمَلِ مِي كَرْدَمِ. هِمَا نَا كَسِي جَزِ خُدَا بِه سُوِي نِيكِي هَا وَ اَنْجَامِ اَنْهَا هِدَايْتِ نَمِي كَنْدِ. اِمَا اَنْچِه رَا يَادْ آوَرِي كَرْدِه بُوْدِي كِه اَخْبَارِي اَزِ مَنْ بِه تُو رَسِيْدِه اَسْتِ، اِيْنِ سَخْنَانِ رَا اِفْرَادِ چَاپَلُوسِ وَ سَخْنِ چِيْنِ بَرَايِ تُو آوَرْدِه اَنْدِ. مِنْ قَصْدِ وَ لَا- عَلَيْكَ خِلَافًا، وَ اَيُّمُ اللّٰهِ اِنِّيْ لَخَائِفٌ لِّلّٰهِ فِي تَرْكِكَ ذَلِكَ (۲۱۲)، وَ مَا اَطْرُقُ اللّٰهُ رَاضِيًا بِتَرْكِ ذَلِكِ، وَ لَا عَازِرًا بِدُوْنِ الْاِعْذَارِ فِيْهِ اِلَيْكَ، وَ فِيْ اَوْلَيْكَ الْقَاسِطِيْنَ الْمُلْحِدِيْنَ حِزْبِ الظُّلْمِ وَ اَوْلِيَاءِ الشَّيَاطِيْنِ. اَلَسْتَ الْقَاتِلَ حُجْرًا اَخَا كُنْدَهٍ وَ الْمُصَيِّلِيْنَ الْعَابِدِيْنَ، الَّذِيْنَ كَانُوْا يُنْكِرُوْنَ الظُّلْمَ وَ يَشْتَعِظُمُوْنَ الْبِدْعَ وَ لَا يَخَافُوْنَ فِي اللّٰهِ لَوْمَةً لَّا يَمِ. ثُمَّ قَتَلْتَهُمْ ظُلْمًا وَ عُيْدُوْنَا مِنْ بَعْدِ مَا كُنْتَ اَعْطَيْتَهُمُ الْاَيْمَانَ الْمُعْظَمَةَ، وَ الْمَوَاطِيْقَ الْمُؤَكَّدَةَ، وَ لَا تَأْخُذُهُمْ بِحَدَثٍ كَانَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ، وَ لَا- بِاِحْتِئَةِ تَجِدُهَا فِي نَفْسِكَ. جَنْگِ وَ مَخَالَفْتِ بَا تُو رَا نِدَارَمِ. بِه خُدَا قَسْمِ كِه دَرِ تَرْكِ اَنْ (۲۱۳) (بِيْمَانِ) بِيْمَانَا كَمِ وَ گِمَانِ نَمِي كَنْمِ كِه خُدَاوَنْدِ بِه تَرْكِ اَنْ رَاضِيِ بَاشِدِ. وَ بَا نَبُوْدِ بَهَانِه نَزْدِ تُو وَ اِيْنِ گَمْرَاهَانِ بِي دِيْنِ وَ حَزْبِ سَتَمْگَرِ وَ دُوْستَانِ شَيْطَانِ هَا اَزِ شَمَا عَذْرُخُوَاهِي نَخُوَاهِمِ كَرْدِ. اَيَا تُو قَاتِلِ حُجْرِ بِنِ عَدِي - بَرَادَرِ مَا اَزِ طَايِفِه كَنْدِه - وَ نَمَازِ گَرَارَانِ وَ خُدَا پَرَسْتَانِي كِه بَا ظَلَمِ مَخَالَفِ بُوْدَنْدِ وَ بَدْعْتِ دَرِ دِيْنِ رَا گِنَاھِ بَزْرُگِي مِي دَانَسْتَنْدِ وَ دَرِ رَاھِ خُدَا اَزِ سِرْزَنْشِ مَلَامَتِ گَرَانِ هِرَاسِي نِدَاشْتَنْدِ نِيْسْتِي؟ تُو بَعْدَ اَزِ اَنْ كِه اَنَانِ رَا بِه سُو گَنْدِه اِي شَدِيْدِ وَ بِيْمَانِ هَايِ مَحْكَمِي مَطْمَنْ كَرْدِي، ظَالْمَانِه بِه قَتْلِ رَسَانْدِي بَدُوْنِ اَنْ كِه بَهَانِه وَ مَشْكَلِي دَرِ مِيَانِ خُودِ وَ اَنْهَا دَرِ دَسْتِ دَاشْتِه بَاشِي وَ دَشْمَنِي وَ كِيْنِه اِي رَا اَزِ اَنْهَا نَسَبْتِ بِه خُودِ دِيْدِه بَاشِي. اَوْلَسْتَ قَاتِلَ عَمْرُوْبِنِ الْحَمَقِ، صَاحِبِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، الْعَبْدِ الصَّالِحِ الَّذِي اَبْلَغْتَ الْعِبَادَةَ، فَنَحَلَ جِسْمَهُ، وَ صِيْفَرْتَ لَوْثَهُ، بَعْدَ مَا اَمَّنْتَهُ وَ اَعْطَيْتَهُ مِنْ عُهُودِ اللّٰهِ وَ مَوَاطِيْقِهِ مَا لَوْ اَعْطَيْتَهُ طَائِرًا لَنَزَلَ اِلَيْكَ مِنْ رَاسِ الْجَبَلِ، ثُمَّ قَتَلْتَهُ جُرْأَةً عَلٰى رِيْكَ وَ اَسْتِخْفَافًا بِذَلِكِ الْعَهْدِ. اَوْلَسْتَ الْمُدْعٰى زِيَادَ بِنِ سَمِيَّةَ الْمَوْلُوْدِ عَلٰى فِرَاشِ عُبَيْدِ ثَقِيْفٍ، فَزَعَمْتَ اَنَّهُ ابْنُ اَبِيكَ، وَ قَدْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ: «اَلْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الْحَجْرُ»، فَتَرَكْتَ سِيْنَتَهُ رَسُوْلِ اللّٰهِ تَعْمُدًا وَ تَبَعْتَ هَوَاكَ بِغَيْرِ هُدٰى مِنَ اللّٰهِ. اَيَا تُو قَاتِلِ عَمْرُو بِنِ حِمَقِ صَحَابِي رَسُوْلِ خُدَا صَلِي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ نِيْسْتِي؟ اَنْ بَنْدِه صَالِحِي كِه عِبَادَتِ، بَدَنِ اُو رَا فَرَسُوْدِ وَ جِسْمِشِ لَاغَرِ گَرْدِيْدِ وَ رَنْگِ چِهْرِه اَشِ بِه زَرْدِي گَرَايِيْدِ. تُو پَسِ اَزِ اَنْ كِه بِه اُو اَمَانِ دَادِي وَ عَهْدِهَا وَ بِيْمَانِ هَا بَسْتِي، كِه اِگَرِ پَرَنْدِه اِي رَا اِيْنِ كُوْنِه اَمَانِ مِي دَادِي اَزِ سِرْ كُوْهِ نَزْدِ تُو مِي اَمْدِ، بَا جَرَاْتِ بَرِ پَرُوْرِدِ گَارْتِ اُو رَا مِي كَشْتِي وَ بِيْمَانِ خُودِ رَا نَاجِيْزِ مِي شَمَرْدِي. اَيَا تُو زِيَادِ پَسَرِ سَمِيَّةَ رَا كِه بَرِ بَسْتَرِ ثَقِيْفِ مَتُوْلِدِ شَدِ فَرَزَنْدِ پَدْرْتِ اَبُو سَفِيَانِ نَخُوَانْدِي؟ بَا اِيْنِ كِه رَسُوْلِ خُدَا صَلِي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ فَرَمُوْد: «هَرِ فَرَزَنْدِي بِه صَاحِبِ بَسْتَرِ خُودِ كِه دَرِ اَنْ بِه وَ جُوْدِ اَمْدِه اَسْتِ تَعْلُقِ دَارِدِ وَ جَزَايِ زِنَاكَارِ سَنْگَبَارَانِ اَسْتِ» پَسِ سَنْتِ رَسُوْلِ خُدَا صَلِي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ رَا اَزِ رُوِي عَمْدِ تَرْكِ كَرْدِي وَ بَدُوْنِ تُوْجِهِ بِه هِدَايْتِ اِلٰهِي اَزِ هُوَايِ نَفْسِ خُودِ پِيْرُوِي كَرْدِي. ثُمَّ سَيَّلَطْتَهُ عَلٰى الْعِرَاقِيْنَ، يَقْطَعُ اَيْدِي الْمُسْلِمِيْنَ وَ اَرْجُلَهُمْ، وَ يَسْمُلُ اَعْيُنَهُمْ وَ يَصِيْلُهُمْ عَلٰى جُرُوْعِ النَّخْلِ. كَانَتْكَ لَسْتَ مِنْ هَذِهِ الْاُمَّةِ وَ لَيْسُوا مِنْكَ. اَوْلَسْتَ صَاحِبَ الْخَضْرَمِيِّيْنَ الَّذِيْنَ كَتَبَ فِيْهِمْ اِبْنُ سَمِيَّةَ اِنَّهُمْ كَانُوْا عَلٰى دِيْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللّٰهِ عَلَيْهِ فَكَتَبَتْ اِلَيْهِ اَنْ: اَقْتُلْ كُلَّ مَنْ كَانَ عَلٰى دِيْنِ عَلِيٍّ، فَقَتَلْتَهُمْ، وَ مَثَّلَ بِهِمْ بِاَمْرِكَ. وَ دِيْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اللّٰهُ الَّذِي كَانَ يَضْرِبُ عَلَيْهِ اَبَاكَ وَ يَضْرِبُكَ، وَ بِه جَلَسْتَ مَجْلِسَكَ الَّذِي جَلَسْتَ، وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَكَانَ شَرْفُكَ وَ شَرْفُ اَبِيكَ الرَّحْلَتَيْنِ. وَ زِيَادِ رَا بَرَادَرِ خُودِ خُوَانْدِي وَ حَاكِمِيْتِ كُوْفِهِ وَ بَصْرِهِ رَا بِه اُو دَادِي تَا دَسْتِ وَ پَايِ مُسْلِمَانَانِ رَا قَطْعِ وَ چَشْمِ هَايِ اَنْهَا رَا كُوْرِ وَ اَزِ حُدُقِهِ دَرِ آوَرْدِ وَ اَنَانِ رَا بَرِ شَاخِه هَايِ دَرِخْتَانِ خُرْمَا بِه دَارِ آوِيْزِدِ. گُوِيَا تُو اَزِ اِيْنِ اَمْتِ نِيْسْتِي وَ اَنْهَا هَمِ اَزِ تُو نَمِي بَاشَنْدِ. اَيَا تُو حَاكِمِ مَرْدَمِ حَضْرَمُوْتِ نَبُوْدِي كِه زِيَادِ پَسَرِ سَمِيَّةَ دَرِبَارِهِ اَنْهَا بَرَايِ تُو نُوْشْتِ كِه بَرِ دِيْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللّٰهُ عَلَيْهِ هَسْتَنْدِ وَ تُوْبِهِ اُو نُوْشْتِي هَرِ كَسِي كِه بَرِ دِيْنِ عَلِيٍّ اَسْتِ اُو رَا بِه قَتْلِ بَرَسَانِ، زِيَادِ هَمِ اَنْهَا رَا كَشْتِ وَ بِه دَسْتُوْرِ تُو مِثْلِهِ كَرْدِ. وَ بِه خُدَا قَسْمِ دِيْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامِ هِمَا نَا اَسْتِ كِه تُو وَ



پدرت را براساس آن مضروب ساخت و اکنون تو به نام همان دین بر مسند خلافت تکیه زدی، و اگر این دین نبود شرف تو و پدرت همان بود که در زمستان و تابستان برای کسب در آمد به دنبال شترها به اطراف کوچ می کردید. و قُلْتَ فِيمَا قُلْتَ: «أَنْظِرْ لِنَفْسِكَ وَلِدِينِكَ وَلِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ، وَآتَى شَقَّ عَصَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَأَنْ تَرُدَّهُمْ إِلَى فِتْنَةٍ» وَإِنِّي لَا أَعْلَمُ فِتْنَةً أَعْظَمَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ وَلَايَتِكَ عَلَيْهَا، وَلَا أَعْلَمُ نَظْرًا لِنَفْسِي وَلِدِينِي وَلِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْنَا أَفْضَلَ مِنْ أَنْ أُجَاهِدَكَ، فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّهُ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ وَإِنْ تَوَفَّقَهُ فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِدُنْبِي وَأَسْأَلُهُ تَوْفِيقَهُ لِإِرْشَادِ أَمْرِي. وَقُلْتَ فِيمَا قُلْتَ: «إِنِّي إِنْ أَنْكَرْتُكَ تُنْكَرُنِي، وَإِنْ أَكَّدَكَ تَكْدُنِي» فَكِدْنِي مَا يَدِلُّكَ، فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ لَا يَضُرُّنِي كَيْدُكَ فَيَّ، وَأَنْ لَا دَرِ نَامَهَاتِ نُوْشْتِه بُوْدِي. «مواظب خود و دین خود و امت محمد باش و از ایجاد شورش و سرکشی در این امت بپرهیز و از این که آنها را در فتنه و اختلاف اندازی بر حذر باش» در حالی که من هیچ فتنه‌ای را بر این امت، بزرگ‌تر از حکومت تو بر آن نمی‌دانم و هیچ نظری را برای خود و دینم و امت محمدصلی الله علیه و آله بهتر از جهاد با تو نمی‌دانم. اگر با تو مبارزه کنم این مبارزه نزدیک کننده به خداست و اگر آن را ترک نمایم برای این گناهم از خداوند آمرزش می‌خواهم و برای هدایت در کارم از او درخواست توفیق دارم. و این که گفته بودی «اگر تو را ناسپاسی کنم مرا ناسپاسی خواهی کرد و اگر با تو دشمنی کنم با من دشمنی خواهی کرد» آنچه در توان داری دشمنی کن، امیدوارم دشمنی تو ضرری برای من نداشته باشد و بیش از هر کسی برای خودت ضرر خواهد داشت زیرا تو بر جهل خود سوار شده‌ای یَكُونُ عَلَيَّ أَحَدٌ أَضَرُّ مِنْهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ، لِأَنَّكَ قَدْ رَكِبْتَ جَهْلَكَ، وَتَحَرَّضْتَ عَلَيَّ نَقْضِ عَهْدِكَ، وَ لَعُمْرِي مَا وَفَيْتَ بِشَرْطِي. وَ لَقَدْ نَقَضْتَ عَهْدَكَ بِقَتْلِكَ هَؤُلَاءِ النَّفَرِ الَّذِينَ قَتَلْتَهُمْ بَعِيدَ الصُّلْحِ وَالْأَيْمَانِ وَالْعَهْودِ وَالْمَوَائِقِ. فَتَقَاتَلْتَهُمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا قَاتِلُوا وَقَتَلُوا وَلَمْ تَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ إِلَّا لِتَذْكَرِهِمْ فَضْلَنَا، وَتَعْظِيمِهِمْ حَقًّا. فَتَقَاتَلْتَهُمْ مَخَافَةَ أَمْرِ لَعَلَّكَ لَوْ لَمْ تَقْتُلْتَهُمْ مِتَّ قَبْلَ أَنْ يَفْعَلُوا أَوْ مَاتُوا قَبْلَ أَنْ يُدْرِكُوا. فَأَبَشِّرْ يَا مُعَاوِيَةَ بِالْفِصَاصِ، وَ اسْتَيْقِنَ بِالْحِسَابِ. وَاعْلَمْ أَنَّ لِلَّهِ تَعَالَى كِتَابًا لَا يُغَادِرُ صَیْغِرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا. وَلَيْسَ اللَّهُ بِنَاسٍ وَ بَرِ شَكْسْتَنِ عَهْدِ خُودِ حَرَصِ مِی‌وَرَزِی وَ بَه‌ جَانِ خُودِ سُوْگَنْدِ تُو بَه‌ هِیْجِ شَرْطِی وَ فَا نَكْرَدِی. تُو بَا كَشْتَنِ كَسَانِی كَه‌ بَعْدِ از قَرَارْدَادِ صِلْحِ وَ انْجَامِ سُوْگَنْدِهَا وَ بَسْتَنِ پِیْمَانِهَا وَ عَهْدِهَا آن‌ها را به قتل رساندی، پیمان خود را شکستی و بدون آن که با تو سر جنگ داشته و یا کسی را به قتل رسانده باشند آنها را کشتی و تو این کار را نکردی مگر به خاطر آن که آنها فضایل ما را بیان می‌کردند و حق ما را بزرگ می‌شمردند و تو آنها را کشتی از ترس آن که مبدا قبل از کشته شدن آنها بمیری یا قبل از آن که به تیغ تو کشته شوند بمیرند. ای معاویه! آماده قصاص باش و روز قیامت را باور کن و بدان که خدای متعال کتابی دارد که هیچ کار کوچک و بزرگی را فرو گذار نکرده لِأَخْذِكَ بِالظَّنِّ وَقَتْلِكَ أَوْلِيَاءَهُ عَلَى الثَّهْمِ، وَ نَفِيكَ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ دُورِهِمْ إِلَى دَارِ الْعُرْبِ، وَ أَخْذِكَ النَّاسَ بَيْنَهُ إِيْنِكَ غُلَامِ حَدَثٍ يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَيَلْعَبُ بِالْكِلَابِ. لَا- أَعْلَمُكَ إِلَّا وَقَدْ خَسِرْتَ نَفْسَكَ وَ بَتَرْتَ دِينَكَ وَ غَشَشْتَ رَعِيَّتَكَ وَ أَخْرَجْتَ أَمَانَتَكَ وَ سَمِعْتَ مَقَالََةَ السَّفِيهِ الْجَاهِلِ وَ أَخَفَّتِ الْوَرَعَ التَّقَى لِأَجْلِهِمْ. وَالسَّلَامُ. (۲۱۴)

### اتمام حجت بر معاویه

إِتْمَامُ الْحُجَّةِ عَلَى الْمُعَاوِيَةِ ۷- إِذَا أَرَادَ الْمُعَاوِيَةُ أَنْ يَأْخُذَ الْبَيْعَةَ لِإِثْنِهِ يَزِيدَ، فَقَامَ الْحُسَيْنُ وَ بَه‌ حِسَابِ مِی‌آوَرْدِ. وَ خُودَاوَنْدِ فِرَامُوشِ نَمِی‌ كَنْدِ كَه‌ تُو رَا بَه‌ خُاطِرِ تَهْمَتِهَا وَ قَتْلِهَايِ كَه‌ بَا اِتْهَامِهَايِ نَارُوا مَرْتَكَبِ شُدِی وَ دُوسْتَانِ او رَا از خَانِه‌هایِ خُودِ بَه‌ دِیَارِ غَرْبِ تَبْعِیْدِ وَ مَرْدَمِ رَا بَه‌ بَیْعَتِ بَا فِرْزَنْدِ جُوانِ تِ اجْبَارِ كَرْدِی مُؤَاخَذِه‌ كَنْدِ. جُوانِی كَه‌ شَرَابِ مِی‌ خُورْدِ وَ سَگِ بَازِی مِی‌ كَنْدِ. مَن دَر بَارِه‌ تُو چِیزِی نَمِی‌ دَانَمِ مَگَرِ اِیْنِ كَه‌ بَه‌ خُودِ زِیَانِ رِسانْدِی وَ دِیْنِ خُودِ رَا از مِیْانِ بَرْدِی، بَه‌ مَرْدَمِ خِیانتِ كَرْدِی وَ اِمانتِ خُویْشِ رَا ضایِعِ كَرْدَانْدِی وَ بَه‌ سَخْنانِ آن‌ گَسْتاخِ نَادانِ (عَمْرُو بِنِ عاصِ) گُوشِ فِرَادادِی وَ مَرْدَمِ وارِستِه‌ وَ بَا تَقُوا رَا تِرِسانْدِی. ۷- وَ قَتِی مِعاوِیَه‌ خُواستِ بَرایِ پِسرِشِ یزیدِ بَیْعَتِ بَگِیَرْدِ اِمَامِ عَلَیْهِ السَّلَامُ فِی مَجْلِسِهِ، فَحَمَدَ اللَّهُ وَ صَلَّى عَلَی الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلهِ ثُمَّ قَالَ عَلَیهِ السَّلَامُ: أَمَّا بَعْدُ: يَا مُعَاوِيَةُ! فَلَنْ يُؤَدَّى الْقَائِلُ وَإِنْ أَطْنَبَ فِی صَفَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ مِنْ جَمِیعِ جُزْءًا. وَقَدْ فَهَمْتُ مَا لَبَسْتَ بِهِ

الْخَلْفَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ إِحْكَازِ الصَّفَةِ وَالتَّنَكُّبِ عَنِ إِسْتِبْلَاحِ النَّعْتِ. وَهَيْهَاتَ، وَهَيْهَاتَ يَا مُعَاوِيَةَ! فَصَحَّ الصُّبْحُ فَحَمَّةَ الدُّجَى، وَبَهَّرَتِ الشَّمْسُ أَنْوَارَ الشُّرُجِ. وَ لَقَدْ فَضَّلْتَ حَتَّى أَفْرَطْتَ، وَ اسْتَأْذَنْتَ حَتَّى أَجْحَفْتَ، وَ مَنَعْتَ حَتَّى مَحَلْتَ، وَ جَزْتَ حَتَّى جَاوَزْتَ. مَا يَذَلَّتْ لِإِدَى حَقٌّ مِنْ إِسْمِ حَقِّهِ بِنَصِيبٍ حَتَّى أَخَذَ الشَّيْطَانُ حَظَّهُ الْأَوْفَرَ وَ نَصِيْبَهُ الْأَكْمَلَ. حسين عليه السلام در حضور او برخاست و خدا را ستایش کرد و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود فرستاد و آن گاه فرمود: ای معاویه! هیچ گوینده‌ای هر چند سخن او به درازا کشد نمی‌تواند گوشه‌ای از صفات رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیان کند. من فهمیدم که چه کوتاه درباره خلفای بعد از رسول خدا سخن گفتمی و از بیان ویژگی‌های کامل آنها دوری گزیدم و چه دور است و چه دور است که تو از واقعیت‌ها سخن بگویی. ای معاویه! روشنی صبح بر تاریکی شب نمایان گشته است و فروغ خورشید نور چراغ‌ها را تحت الشعاع خود قرار داده است. آن قدر خلفا را برتری دادی که زیاده روی کردی و تنها برخی را در سخنان خود برگزیدی و ستم نمودی و از بیان حق دوری گزیدم تا این که سعایت کردی و چنان به اختصار سخن گفتمی که از جاده حق و عدالت و فهیمت ما ذکرتی عَنْ يَزِيدَ مِنْ إِكْتِمَالِهِ وَ سِيَّاسَتِهِ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ، تُرِيدُ أَنْ تُوَهِّمَ النَّاسَ فِي يَزِيدٍ. كَأَنَّكَ تَصِفُ مَحْجُوبًا، أَوْ تَنْعُتُ غَائِبًا أَوْ تَخْبِرُ عَمَّا كَانَ مِمَّا اخْتَوَيْتَهُ بَعْلَمٍ خَاصًّا، وَ قَدْ دَلَّ يَزِيدٌ مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مَوْجِعِ رَأْيِهِ. فَخَذَ لِيَزِيدَ فِيمَا أَخَذَ بِهِ مِنْ إِسْتِيفَائِهِ الْكِلَابَ الْمُهَارِشَةَ عِنْدَ التَّحَارُشِ وَ الْحَمَامِ السَّبْقِ لِإِثْرَابِهِنَّ وَ الْقِيَانِ ذَوَاتِ الْمَعَارِفِ، وَ ضَرَبَ الْمَلَاهِي تَجْدُهُ بِاصْتِرَاءٍ، وَ دَعَا عَنْكَ مَا تُحَاوِلُ. فَمَا أَغْنَاكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ مِنْ وَرْرِ هَذَا الْخَلْقِ بِأَكْثَرٍ مِمَّا أَنْتَ لَاقِيهِ، بِيُرُونِ رَفْتِي. سهم هیچ صاحب حقی را نپرداختی تا شیطان بهره فراوان خود را گرفت و به سهم کامل خود دست یافت. آنچه را از کمال و سیاست یزید برای حکومت بر امت محمّد بیان کردی دانستم. تو می‌خواهی مردم را درباره یزید به اشتباه اندازی. گویا فرد ناشناخته‌ای را توصیف می‌کنی یا فرد غائبی را معرفی می‌نمایی یا از کسی سخن می‌گویی که گویا تنها تو از او آگاهی ویژه‌ای داری در حالی که یزید موقعیت فکری و اخلاقی خود را نشان داده است. از سگ بازی‌های یزید بگو در آن هنگام که سگ‌ها را به مبارزه با یکدیگر برمی‌انگیزد، از کبوتر بازیش بگو که کبوتران را به مسابقه با یکدیگر وامی‌دارد. از هوس‌رانی‌اش بگو که به زنان خواننده و نوازنده سرگرم می‌شود تا او را به وضوح مشاهده کنی و تلاش‌هایی را که برای حاکمیت او داری رها سازی. آیا برای مرگ و ملاقات با خداوند گناهایی که تا به حال از حکومت و الله ما بریحت تقدح باطلا فی جور، وَ حَقًّا فِي ظُلْمٍ حَتَّى مَلَأْتَ الْأَشْيَقِيَّةَ. وَ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الْمَوْتِ إِلَّا غَمْضَةٌ، فَتَقَدَّمْ عَلَى عَمَلٍ مَحْضُوطٍ فِي يَوْمٍ مَشْهُودٍ، وَ لَا تَحِينَ مَنَاصٍ. وَ رَأَيْتُكَ عَرَّضْتَ بِنَا بَعْدَ هَذَا الْأَمْرِ، وَ مَنَعْتَنَا عَنْ آبَائِنَا تَرَاءًا، وَ لَقَدْ لَعَمْرُ اللَّهِ أَوْرَثْنَا الرَّسُولَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدَهُ، وَ جِئْتَ لَنَا بِهَا مَا حَجَجْتُمْ بِهِ الْقَائِمَ عِنْدَ مَوْتِ الرَّسُولِ فَأَذَعْنَا لِلْحُجَّةِ بِذَلِكَ وَ رَدَّهَ الْأَيْمَانَ إِلَى النَّصْفِ. فَرَكِبْتُمُ الْأَعَالِيلَ، وَ فَعَلْتُمُ الْأَفَاعِيلَ، وَ قُلْتُمْ: كَانِ وَيَكُونُ حَتَّى أَنَاكَ بِرِ مَرْدَمِ مَرْتَكِبِ شَدَه‌ای كَافِي نِيَسْتِ وَ بَه دِنْبَالِ گَنَاهَانِ دِيگَرِي هَسْتِي؟ بَه خِدا قِسمِ آن قِدر بَه رُوش‌های باطل و كينه‌توزانه خود ادامه دادی كه جان‌ها بَه لب آمد. اكنون بين تو و مرگ يك چشم بَه هم زدنِي فاصله نمانده است، پس بر عملِي بشتاب كه ذخيره روز قِيامت باشد، روزِي كه گريزي از آن نِيست. مِي‌بينم كه پس از حكومت خود متعرض حاكميت ما شده‌اي و ما را از ميراث پدران خود منع مِي‌كني. بَه خِدا قِسمِ پيامبر صلي الله عليه و آله آن را براي ما بَه ارث گذارد و تو براي حفظ آن بَه همان دلايل واهي رو آوردي كه بَه هنگام مرگ رسول خدا صلي الله عليه و آله رو آورديد و پذيرفته شد تا آن كه دست‌های توانا آن را در جايگاه خود و بَه صاحب حق باز گرداند. عذرها تراشيديد و كارها كرديد و گفتيد: اين گونه بود و اين گونه الْأَمْرُ يَا مُعَاوِيَةَ مِنْ طَرِيقٍ كَانَتْ قَصْدُهَا لِغَيْرِكَ، فَهَنَّاكَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ. وَ ذَكَرْتَ قِيَادَةَ الرَّجُلِ الْقَوْمِ بِعَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ تَأْمِيرَهُ لَهُ، وَ قَدْ كَانَ ذَلِكَ. وَ لِعَمْرٍ وَ بِنِ الْعَاصِ يَوْمَ يَذُفُّ فَضِيلَهُ بِصُحْبَةِ الرَّسُولِ، وَ يَنْعَتُهُ لَهُ، وَ مَا صَارَ - لِعَمْرٍ اللَّهُ - يَوْمَ يَذُفُّ مَبْعَثُهُمْ حَتَّى أَنْفِ الْقَوْمِ إِمْرَتَهُ وَ كَرَهُوا تَقْدِيمَهُ، وَ عَدُّوا عَلَيْهِ أَفْعَالَهُ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَا جَزَمَ مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ لَا يَعْمَلُ عَلَيْكُمْ بَعْدَ الْيَوْمِ غَيْرِي فَكَيْفَ تَحْتَجُّ بِالْمَنْسُوحِ مِنْ فِعْلِ الرَّسُولِ فِي أَوْكِدِ الْأَحْكَامِ وَ أَوْلَاهَا بِالْمَجْمَعِ عَلَيْهِ مِنَ الصَّوَابِ؟ أَمْ كَيْفَ صَاحَبَتْ بِصَاحِبٍ تَابِعًا خَوَاهِدُ بُوَدُ تَا اَيْنِ كِه حُكُومَتِ از راهي كه بَه تو مَرَبُوطِ نَمِي‌شُد بَه دست تو افتاد! پس اين جا اي صاحبان فهم و آگاهي عبرت

بگیرید. گفتم عمرو بن عاص در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را رهبری کرده و از سوی او به امارت رسیده و چنین بوده است و صحابی بودن او و بیعتش با پیامبر فضیلتی برای او به شمار می‌رفته است. ولی به خدا قسم رهبر آنها نشد مگر این که مردم امیری او را ننگ دانستند و او را به جلو داری نپذیرفتند و اعمال زشت او را بر شمرند و پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای گروه مهاجرین! از امروز به بعد کسی غیر از من مسئول کارهای شما نخواهد بود» پس چگونه به یک عمل نسخ شده رسول خدا صلی الله علیه و آله برای یکی از استوارترین و مهم‌ترین احکام (رهبری و امارت) که همه عقل‌ها بر آن اتفاق دارند استدلال می‌کنی؟ یا چگونه عمرو بن عاص را به همراهی و وَحَوْلِكَ مَنْ لَا يُؤْمِنُ فِي صِيْحَتِهِ، وَلَا يَعْتَمِدُ فِي دِينِهِ وَقَرَابَتِهِ. وَتَخَطَّاهُمْ إِلَى مُشْرِفٍ مَفْتُونٍ. تُرِيدُ أَنْ تَلْبِسَ النَّاسَ شُبُهَةً يَسْعَدُ بِهَا الْبَاقِي فِي دُنْيَاهُ وَتَشْقَى بِهَا فِي آخِرَتِكَ. إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ. (۲۱۵)

### سرزنش معاویه و افشای یزید

دَمُّ مُعَاوِيَةَ وَ إِفْشَاءُ يَزِيدَ ۸ - كَتَبَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُعَاوِيَةَ كِتَابًا يَقْرَعُهُ فِيهِ وَ يَبْكُهُ مَلَاذِمَتِ خُودِ فِي حُكُومَتِ يَزِيدَ فِي حَالِي كِي فِي اطْرَافِ تُو كُوسِي وَ جُودِ دَارِدِ كِي صِلَاحِيَتِ هِمْرَاهِي اَش رَا تَصْدِيقِ نَمِي كُند وَ بِي دِينِ اُو وَ نَزْدِيقِي اَش بَا تُو اِعْتِمَادِ نَادِرِد. تُو مِي خُوَاهِي مَرْدَمِ رَا نَسَبَتِ بِي اَسْرَافِ گُري گَمْرَا بِي خَطَا اِنْدَازِي. تُو مِي خُوَاهِي لِبَاسِ شَبَهِي وَ تَرْدِيدِ رَا بَرِ ذَهْنِ وَ دَلِ مَرْدَمِ بِيوشَانِي تَا كَسِ دِيگُري بِي دُنْيَايِ خُودِ بَرَسِدِ وَ تُو بَا اِينِ كَارِ خُودِ دَرِ آخِرَتِ بَدْبَخْتِ گُردِي. اِينِ خُسَارَتِي اَشكارِ اسْتِ وَ مَنِ بَرَايِ خُودِ وَ شَمَا اَزِ خُداوند اَمْرُزِشِ مِي خُوَاهَم. ۸ - اِمَامِ حُسَيْنِ عَلِيهِ السَّلَامِ نَامِهايِ بِي مُعَاوِيَةَ نُوشتِ وَ اُو رَا مُورِدِ سِرْزَنْشِ قَرَارِ دَادِ وَ بَرِ اِعْمَالِي كِي اِنجَامِ دَادِهِ بُوْدِ مِلَامَتِ كُردِ. بِاُمُورِ صِي نَعْمَا. كَانِ فِيهِ: ثُمَّ وَ لَيْتَ اِئْتِكَ وَ هُوَ غُلَامٌ يَشْرَبُ الشَّرَابَ وَ يَلْهُو بِالْكِلاِبِ فَخُنْتُ اَمَانَتَكَ، وَ اَخْرَيْتَ رِعْيَتَكَ، وَ لَمْ تُؤَدِّ نَصِيْحَةَ رَبِّكَ. فَكَيْفَ تُوَلِّيَ عَلَيَّ اُمِّي مُحَمَّدٌ صِدْقِي اَللَّهُ عَلَيَّ وَ اَلِهِ مَنِ يَشْرَبُ الْمُسِيكِرَ، وَ شَارِبُ الْمُسِيكِرِ مَنِ الْفَاسِقِيْنَ، وَ شَارِبُ الْمُسِيكِرِ مَنِ الْاَشْرَارِ، وَ لَيْسَ شَارِبُ الْمُسِيكِرِ بِاَمِيْنٍ عَلَيَّ دِرْهَمِ، فَكَيْفَ عَلَيَّ الْاُمَّةُ؟ فَعَن قَلِيلٍ تَرُدُّ عَلَيَّ عَمَلِكَ حِيْنَ تُطَوِّي صَحَائِفُ الْاِسْتِغْفَارِ. (۲۱۶) وَ (۲۱۷) دَرِ اَنِ نَامِ اَمْدِهِ اسْتِ: اَنِ گَاهِ فِرْزَنْدَتِ يَزِيدِ رَا حَاكِمِ مُسْلِمَانانِ قَرَارِ دَادِي دَرِ حَالِي كِي اُو جُوَانِي اسْتِ كِي شَرَابِ مِي خُورِدِ وَ سِگِ بَازِي مِي كُند. تُو بِي اِمَانَتِ خُودِ خِيَانَتِ كُردِي وَ مَرْدَمِ رَا خُوَارِ نَمُودِي وَ بِي پِنْدِهايِ پُرُورِدِ گَارَتِ عَمَلِ نَكُردِي. چِگونه كُسي رَا بَرِ اِمْتِ مُحَمَّدِ حَاكِمِ مِي كُني كِي شَرَابِ مِي خُورِد؟ دَرِ حَالِي كِي شَرَابِ خُوَارِ اَزِ رَاهِ رَاسْتِ بِيرونِ وَ اَزِ اَشْرارِ اسْتِ. شَرَابِ خُوَارِ بَرِ يَكِ دِرْهَمِ مُورِدِ اِعْتِمَادِ نِيستِ پَسِ چِگونه رِهْبَرِ اِمْتِ اِسْلَامِي گُردد؟ تُو بِي زُودِي بِي اِعْمَالِ خُودِ خُوَاهِي رَسِيدِ وَ قْتِي كِي دَفْتِرايِ طَلَبِ اَمْرُزِشِ بَسْتِهِ خُوَاهِدِ شُد.

### دوری از بیعت با یزید

اَلْاِمْتِنَاعُ عَن بَيْعَةِ يَزِيدَ ۹ - كَتَبَ يَزِيدُ اِلَى الْوَلِيدِ يَأْمُرُهُ بِاِخْذِ الْبَيْعَةِ عَلَيَّ اَهْلِ الْمَدِيْنَةِ وَ خَاصَّةً عَلَيَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَكِنَّهُ عَلَيَّ السَّلَامِ قَالَ لِلْوَلِيدِ: اَيُّهَا الْاَمِيْرُ! اِنَّا اَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَ مَعِيْدِنُ الرِّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَايِكَةِ، وَ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِنَا خَتَمَ اللَّهُ، وَ يَزِيدُ رَجُلٌ فَاَسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ، قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ، مُغْلَبٌ بِالْفِسْقِ، وَ مِثْلِي لَا يَبِيْعُ مِثْلَهُ. وَ لَكِنْ نُصِيْحٌ وَ نُصِيْحٌ وَ نَتَنظَرُ وَ نَتَنظَرُونَ اَيُّنَا اَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ وَ الْبَيْعَةِ. (۲۱۸) ۹ - يَزِيدِ نَامِهايِ بِي وِلِيدِنِ عْتَبِهِ فِرْمَانِدَارِ مَدِيْنِهِ نُوشتِ وَ بِي اُو دَسْتُورِ دَادِ تَا اَزِ مَرْدَمِ مَدِيْنِهِ بِي وِيژِهِ اِمَامِ حُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ بَرَايِ اُو بِيْعَتِ بَگُيرِد، اِمَا اَنِ حُضْرَتِ بِي وِلِيدِ فِرْمُود: اِي اَمِيْر! مَا خَانِدَانِ نُبُوتِ وَ مَعْدِنِ رَسَالَتِ وَ مَحَلِ رِفْتِ وَ اَمْدِ فِرَشْتِهَا وَ نَزُولِ رَحْمَتِ خُدا هَسْتِيْمِ وَ خُداوند خَلَقَتِ رَا بَا مَا اَعْازِ كُردِ وَ نُبُوتِ رَا بِي مَا پَايَانِ دَاد. يَزِيدِ مَرْدِي زَشْتِ كُردارِ، شَرَابِخُوَارِ وَ قَاتِلِ اِفْرَادِ بِي گَنَّا اسْتِ كِي اَشكارِ اِگَنَّا مِي كُند وَ كُسي مِثْلِ مَنِ بَا فِرْدِي مَانِدِ اُو بِيْعَتِ نَمِي كُند. مَا وَ شَمَا زَمَانِي رَا مِي گُذرَانِيْمِ وَ هَرِ دُو دِرَنْگِ خُوَاهِيْمِ كُردِ تَا مَعْلُومِ گُرددِ كِدامِ يَكِ اَزِ مَا بِي خِلَافَتِ وَ بِيْعَتِ مَرْدَمِ بَا اُو سَزَاوَرِ تَرِيْمِ.

### سخنی با مروان بن حکم

کلام لمزوان بن حکم ۱۰ - قال مروان بن حکم للحسین علیه السلام: یا ابا عبد الله انی لک ناصح، فأطعنی تُرشد. فقال الحسین علیه السلام: وما ذاک؟ قل حتی أسمع. فقال مروان: انی أمرک ببيعته یزید امیر المؤمنین، فإنه خیر لک فی دینک و دنیاک. فقال الحسین علیه السلام: اننا لله وانا الیه راجعون. وعلى الاسلام سلام إذ قد بليت الأمة براع مثل یزید. ولقد سجمعت جدی رسول الله صلی الله علیه وآله یقول: «الخلافة محرمة على آل ابي سفيان». (۲۱۹) ۱۰ - مروان بن حکم به امام حسین علیه السلام گفت: ای اباعبدالله! من خیر خواه تو هستم، از من اطاعت کن در راه درستی قرار می گیری. امام علیه السلام به او فرمود: سخن تو چیست؟ بگو تا بشنوم. مروان گفت: من به تو امر می کنم که با یزید بیعت کنی، زیرا خیر و صلاح دین و دنیای تو در این بیعت است. حضرت فرمود: همه ما از خدائیم و به سوی او باز می گردیم. سلام بر اسلام که از میان ما می رود زیرا امت اسلام گرفتار حاکمی مثل یزید شده است. من از جدّم رسول خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود: خلافت بر فرزندان ابوسفیان حرام است.

### نامه‌ای به محمد حنفیه

کتاب إلى محمد بن حنفیه ۱۱ - بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ هذا ما أوصی به الحسین بن علی بن ابي طالب إلى أخیه مُحَمَّدِ المَعْرُوفِ بِابْنِ الحَنْفِیَّةِ. انّ الحسین ینشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له، و أنّ مُحَمَّدًا عبده ورسوله، جاء بالحق من عند الحق، و أنّ الجنة والنار حق، و أنّ الساعة آتیة لا ریب فیها، و أنّ الله ینعث من فی القبور. و انی لم أخرج أشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً، و إنما خرجت لطلب الإصلاح فی أمة جدی صلی الله علیه وآله. ۱۱ - به نام خداوند بخشنده مهربان این وصیت حسین بن علی بن ابی طالب به برادرش محمد حنفیه است. حسین گواهی می دهد که خدایی جز خدای یکتا نیست و شریکی ندارد و محمد بنده و فرستاده اوست و دین حق را از سوی خداوند برای مردم آورد. و شهادت می دهد که بهشت و جهنم حق است و روز قیامت خواهد آمد و شکی در آن نمی باشد و خداوند همه انسان‌ها را از قبرها بر می انگیزد. من از روی خودخواهی و یا سرپیچی در برابر حق و یا مفسده انگیزی و ستمگری از مدینه خارج نشدم بلکه هدف من از این خروج اصلاح امت جدّم صلی الله علیه وآله می باشد. اُریدُ أن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر، و أسیر بسیره جدی و ابي علی بن ابي طالب علیه السلام، فمن قبلنی بقبول الحق فالله أولى بالحق، و من ردّ علیّ هذا أصبر حتى یقضی الله بینی و بین القوم بالحق و هو خیر الحاکمین. وهذه وصیّتی یا اخی إلیک و ما توفیقی إلا بالله علیه توکلت و الیه انیب. (۲۲۰)

### نامه‌ای به بنی هاشم

کتاب إلى بنی هاشم ۱۲ - بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِنَ الحسین بن علی بن ابي بنی هاشم؛ می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدّم و پدرم علی بن ابی طالب علیهما السلام عمل نمایم. پس هر کس قبول حق کرده و با من همراهی کند خداوند با اوست و هر کس رد کند و راه مرا نپذیرد صبر می کنم تا خداوند میان من و آنها حکم نماید و او بهترین قضاوت کنندگان است. این وصیت من به توست ای برادر و من توفیقی جز از سوی خدا ندارم بر او توکل می کنم و به سوی او باز می گردم. ۱۲ - به نام خداوند بخشنده مهربان از حسین بن علی به بنی هاشم؛ اَمَا بَعِیدُ فَإِنَّهُ مَنْ لِحَقِّ بِي مِنْكُمْ أُسْتَشْهِدَ مَعِي، و مَنْ تَخَلَّفَ لَمْ يَبْلُغِ الفَتْحِ. وَالسَّلَامَ. (۲۲۱)

### نامه‌ای به بزرگان بصره

کتاب إلى وجوه أهل البصرة ۱۳ - أما بعد: فإن الله اضبطني محمدًا صلى الله عليه وآله على خلقه، وأكرمته نبوته واختاره لرسالته. ثم قبض الله إليه، وقد نصح لعباده وبلغ ما أُرسل به صلى الله عليه وآله. وكنا أهله وأولياؤه وأوصيائه وورثته وأحق الناس بمقامه في الناس. فاستأثر علينا قومنا بذلك. هر کس از شما به من ملحق شود در راه خدا کشته خواهد شد و هر کس با من نباشد به پیروزی نخواهد رسید. والسلام. ۱۳ - پس از ستایش پروردگار، همانا خداوند، محمدصلی الله علیه وآله را برای هدایت مردم برگزید و او را به پیامبری خود گرامی داشت و برای رسالت خویش انتخاب کرد. آن گاه او را به سوی خود برد در حالی که وظیفه‌اش را در نصیحت و خیرخواهی مردم و رساندن وحی به آنها انجام داد. ما از خاندان او، دوستان او، جانشینان او، وارثان او و سزاوارترین مردم به مقام او و رهبری مردم بودیم. اما مردان زمان ما این مقام را برای فرضینا و کرهنا الفرقة و أحببنا العافية. ونحن نعلم أننا أحق بذلك الحق المسمى علينا ممن تولاها، وقد أحسنوا وأضلموا وتحزوا الحق، فرحمهم الله وغفر لنا ولهم. وقد بعثت رسولاً إليكم بهذا الكتاب، وأنا أدعوكم إلى كتاب الله وسنة نبيه صلى الله عليه وآله. فإن السنة قد أميتت، وإن البدعة قد أحييت. وإن تشمعو قولي وتطيعوا أمري أهدكم إلى سبيل الرشاد. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته. (۲۲۲) خود برگزیدند و ما هم به آن راضی شدیم زیرا از تفرقه بی‌زار بودیم و دوست داشتیم امنیت و آرامش برقرار باشد. ما می‌دانیم که از هر کس که به حکومت رسیده است به رهبری و حکومت بر مردم سزاوارتریم. و اوصیای پیامبر (امیرالمؤمنین و امام حسن علیهما السلام) در برابر عمل آنها رفتاری نیکو و مصلحت جویانه داشتند و حق را طلب کردند. خداوند آنها را مورد رحمت خود قرار دهد و ما و آنها را بیامزد. من بیک خود را با این نامه به سوی شما فرستادم و شما را به قرآن و سنت پیامبرصلی الله علیه وآله دعوت می‌کنم. سنت پیامبرصلی الله علیه وآله از میان رفته و بدعت‌ها زنده شده است. اگر سخن مرا بشنوید و فرمان مرا اطاعت کنید شما را به راه رستگاری هدایت می‌کنم. درود و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

### نامه‌ای به اهل کوفه

کتاب إلى أهل الكوفة ۱۴ - بسم الله الرحمن الرحيم من حسين بن علي إلى الملائمة المؤمنين والمسلمين؛ أما بعد: فإن هانياً وسعيداً قدما علي بكتبتكم وكان آخر من قدم علي من رسلكم، وقد فهمت كل الذي اقتضتكم وذكركم ومقاله جلكم إنه: «ليس علينا إمام، فأقبل لعل الله أن يجمعنا بك على الحق والهدى». وأنا باعث إليكم أخي وابن عمي وثقتي من أهل بيتي مسلم بن عقيل. فإن كتب إلي بأنه قد اجتمع رأي ملئكم وذوي الحجي والفضل منكم على مثل ما قدمت به رسلكم، وقرأت في كتبكم، فإنني أقدم إليكم وشيكاً إن شاء الله. ۱۴ - از حسین بن علی به جمعی از مؤمنان و مسلمانان. پس از ستایش خداوند، هانی و سعید با نامه‌های شما بر من وارد شدند و آنها آخرین فرستاده‌های شما بودند. من آنچه را بیان کردید و یادآوری نمودید فهمیدم، سخن همه شما این است که ما رهبر نداریم به سوی ما بیا شاید خداوند ما را به وسیله تو بر حق و هدایت گرد آورد. من برادر و پسر عمو و فرد مورد اعتماد خاندانم مسلم بن عقیل را به سوی شما فرستادم، پس اگر در نامه‌ای به من گزارش کند که نظر اکثر شما مردم و خردمندان و بزرگان همان گونه است که فرستادگان گفتند و در نامه‌هایتان خواندم انشاءالله به زودی به سوی شما حرکت خواهم کرد. فلعمرى ما لإمام إلا الحاكم بالكتاب، القائم بالقيسط، الدائن بدين الحق، ألحابس نفسه على ذلك لله، والسلام. (۲۲۳)

### فردا صبح حرکت می‌کنم

إني راجلٌ مُضْبِحاً ۱۵ - لَمَّا عَزَمَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْخُرُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ قَامَ خَطيباً فقال: أَلْحَمِدُ لِلَّهِ، وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَسَلَّمَ. حُطَّ الْمُؤْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَحَطَّ الْقَلَادَةِ عَلَى جِدِّ الْفِتَاءِ. به جان خودم قسم! امام و پیشوای مردم کسی نیست مگر آن که براساس قرآن حکم کند، اجرای عدالت نماید، به دین حق پایبند باشد و خود را به خاطر خدا وقف

اجرای آن نماید. والسلام ۱۵ - وقتی امام حسین علیه السلام عازم عراق گردید برخاست و در سخنرانی خود فرمود: ستایش برای خداست، آنچه خدا خواهد همان می‌شود و توان و نیرویی جز به وسیله خداوند نمی‌باشد و درود و سلام خدا بر فرستاده او باد. قلم مرگ بر فرزند آدم نوشته شد آن گونه که گردنبد بر گردن دختران و ما اولهنی الی اسلافی ایشتیاق یعقوب الی یوسف. و خیر لی مضرع انا لاقیه. کاتی باوصالی یتقطعها عسلان الفلوات، بین النواویس و کربلا، فیملان منی اکراشا جوفاً و اجرته سغباً. لا محیص عن یوم خط بالکلم. رضا الله رضانا اهل البیت، نصبر علی بلائه و یوفینا اجور الصابین. لئن تشد عن رسول الله لحنتم، وهی مجموعیه له فی حظیره القدس تقریبهم عینه، و تنجز لهم و عده. من کان فینا باذلاً مهجتیه، مؤطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا، جا می‌گذارد. من به اندازه‌ای به دیدار نیاکانم اشتیاق دارم که یعقوب مشتاق دیدار یوسف بود. برای من قتلگاهی معین شده است که در آن قرار می‌گیرم. گویا می‌بینم که گرگان بیابان‌ها (لشکریان یزید) در سرزمینی میان نوایس و کربلا استخوان‌هایم را قطعه قطعه کرده و شکم‌های خالی و گرسنه خود را پر می‌کنند. از تحقق روزی که به قلم تقدیر نوشته شده است چاره‌ای نیست. رضایت خداوند، رضایت ما اهل بیت است در برابر سختی و آزمایش او صبر می‌کنیم و خداوند پاداش صابران را به ما خواهد داد. میان رسول خدا و پاره تن او جدایی نمی‌افتد و آنها در بهشت برین با یکدیگر می‌باشند و چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها روشن خواهد بود و عده او به وسیله آنها محقق می‌گردد. پس هر کس حاضر است جان خود را در راه ما بدهد و روح خود را برای ملاقات خداوند مهیا سازد، با ما کوچ کند، من فردا صبح حرکت فانی راجل مصبحاً انشاء الله. (۲۲۴)

### نامه‌ای به عبدالله بن جعفر

کتاب الی عبید الله بن جعفر ۱۶ - إذا کتب عبید الله بن جعفر الی الحسین علیه السلام: أن لا تخرج عن مکة، انی خائف علیک، و آخذ لک الأمان من یزید و جمیع بنی امیه، کتب علیه السلام الیه: أما بعید، فإن کتابیک ورد علی فقرأته و فهمت ما ذکرته، و أعلمک انی رأیت جدی رسول الله صلی الله علیه و آله فی منامی فخبرتنی بأمر و أنا ماض له، لی کان أو علی. می‌کنم انشاء الله. ۱۶ - وقتی عبدالله بن جعفر به امام حسین علیه السلام نامه نوشت از مکه خارج نشو که من از این سفر تو به کوفه در هراسم و از یزید و همه بنی امیه برای تو امان می‌گیرم، امام علیه السلام در نامه‌ای به او نوشت: بعد از ستایش خداوند، نامه تو به من رسید، آن را خواندم و از آنچه نوشته بودی آگاه شدم. به تو خبر می‌دهم که جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که مرا به امری خبر داد و من به سوی آن در حرکتیم. چه به سود من باشد و یا (به ظاهر) بر ضرر من. و الله یابن عمی لو کنت فی حجر هامة من هوام الارض لاشتخر جونی و یقتلوننی. والله یا بن عمی لیعتدن علی کما اعتدت الیهود علی السبت. والسلام. (۲۲۵)

### نامه‌ای به عمرو بن سعید

کتاب الی عمرو بن سعید ۱۷ - کتب عمرو بن سعید عامل یزید علی مکة الی الحسین علیه السلام و وعده الأمان و الصلوة و البر. و کتب الیه الحسین علیه السلام. أما بعد، فإنه لم یشاقق الله و رسوله من دعا الی الله عزوجل صالحاً و قال اننی من المسلمین. ای پسر عمو! به خدا سوگند اگر من در لانه جنبنده‌ای از جنبنده‌گان زمین باشم مرا از آن بیرون می‌آورند و می‌کشند. ای پسر عمو! به خدا سوگند بر من تعدی می‌کنند همان گونه که یهود بر روز شنبه تعدی کردند. والسلام ۱۷ - عمرو بن سعید که از سوی یزید فرماندار مکه بود نامه‌ای به امام حسین علیه السلام نوشت و به او وعده امان و احسان و نیکی داد و امام حسین علیه السلام در جواب او نوشت: بعد از ستایش پروردگار، با خدا مخالفت نکرده است کسی که به سوی خدای عزوجل و رسولش دعوت کرده و بگوید من از مسلمانانم. و قد دعوت الی الأمان و البر و الصلوة، فحیر الأمان امان الله، و لئن یؤمنن الله یوم القیامة من لم یخفه فی الدنیا. فنسأل الله مخافة فی الدنیا توجب لنا امانه یوم القیامة، فإن کنت توتی بالکتاب صلتی و بری فجزیت خیراً فی الدنیا و الآخرة. والسلام. (۲۲۶)

## خطبه‌ای در راه کربلا

خُطْبَةُ فِي مَسِيرِ كَرْبَلَاءَ ۱۸ - إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَتَنَكَّرَتْ، وَأَدْبَرَ مَعْرُوفُهَا، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صِبَابَةٌ كَصِبَابَةِ الْإِنَاءِ، وَخَسِيسُ عَيْشٍ كَالْمَرْعَى الْوَبِيلِ. تو به امان و نیکی و احسان دعوت کرده‌ای اما بهترین امان، امان الهی است و کسی که در دنیا از خدا نترسد در روز قیامت به او امان نخواهد داد. ما در دنیا ترس از خدا را درخواست می‌کنیم تا سبب امان روز قیامت گردد. اگر نیت تو از نامه‌ای که نوشتی احسان و نیکی به من باشد به پاداش خوبی در دنیا و آخرت دست می‌یابی والسلام. ۱۸ - (وقتی امام حسین علیه السلام به ذی حسم رسید این سخنرانی را ایراد فرمود): به راستی این دنیا دگرگون و ناپسند گشته و خوبی آن پشت کرده و جز ته مانده‌ای مانند ته مانده کاسه و زندگی پستی چون گیاه ناگوار نمانده آلا- تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتْتَهَى عَنْهُ، لِيُرْعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا، فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا الْحَيَاةَ، وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا. إِنَّ النَّاسَ عَيْبِدُ الدُّنْيَا وَالدِّينَ لَعَقُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ، فَإِذَا مُحْضُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ. (۲۲۷)

## سخنرانی اول برای حرّ و لشکرش

الْخُطْبَةُ الْأُولَى لِلْحُرِّ وَعَشْرِهِ ۱۹ - إِذَا صَلَّى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعَشْكَرِينَ فِي مَسِيرِهِ بِكَرْبَلَاءَ، قَامَ وَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَتْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: است. آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌گردد؟ پس حق است که مؤمن در این وضعیت خواهان مرگ باشد. به راستی من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمکاران را جز ذلت نمی‌بینم، همانا مردم بنده دنیا هستند و دین بر سر زبان آنهاست، تا وقتی زندگی آنها تأمین است آن را می‌چرخانند و چون به بلا آزمایش شوند دین داران کم می‌شوند. ۱۹ - وقتی امام حسین علیه السلام در مسیر خود به سوی کربلا، نماز ظهر را در منزلگاه «شراف» با یاران خود و حر و لشکرش اقامه کرد برخاست و حمد و ثنای خدا گفت و آن گاه فرمود: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي لَمْ آتِكُمْ حَتَّى أَتْنَى كُتُبَكُمْ، وَقَدِمْتُ عَلَيَّ رُسُلَكُمْ أَنْ «أَقْدِمَ عَلَيْنَا فَلَيْسَ لَنَا إِمَامٌ، لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ عَلَى الْهُدَى وَالْحَقِّ». فَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى ذَلِكَ فَقَدْ جِئْتُمْ، فَأَعْطُونِي مَا أَطْمَئِنُّ إِلَيْهِ مِنْ عَهْدِكُمْ وَمَوَاتِيْقِكُمْ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَكُنْتُمْ لِمَقْدَمِي كَارِهِينَ، إِنصَرَفْتُ عَنْكُمْ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي جِئْتُ مِنْهُ إِلَيْكُمْ. (۲۲۸)

## سخنرانی دوم برای حرّ و یارانش

الْخُطْبَةُ الثَّانِيَةُ لِلْحُرِّ وَ أَنْصَارِهِ ۲۰ - إِذَا صَلَّى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَاةَ الْعَصْرِ بِالْعَشْكَرِينَ أَي مَرْدَم! من به سوی شما حرکت نکردم تا این که نامه‌های شما به دست من رسید و فرستادگانتان نزد من آمدند و گفتند: «به سوی ما به کوفه بیا که ما پیشوایی نداریم و شاید خداوند ما را بر هدایت و راه حق گرد آورد. اگر شما بر عهد خود باقی هستید من آدمم و شما هم مرا از اطمینان بیشتری در عمل به پیمان‌های خود برخوردار کنید و اگر بر عهد خود باقی نیستید و از آمدن من ناخشنودید به جایی که بودم باز می‌گردم. ۲۰ - وقتی امام حسین علیه السلام نماز عصر را در منزلگاه «شراف» با انصاریان و اهل بیت علیه السلام و ائمه اطهار علیه السلام: أَمَّا بَعْدُ، أَيُّهَا النَّاسُ! فَإِنَّا نَكْتُبُكُمْ أَنْ تَتَّقُوا اللَّهَ وَتَعْرِفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ، يَكُنْ أَرْضَى لِلَّهِ عَنْكُمْ، وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ أَوْلَى بِوَلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيْكُمْ مِنْ هَوْلَاءِ الْمِدْعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ وَالسَّائِرِينَ فِيكُمْ بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ. فَإِنْ أَبَيْتُمْ إِلَّا الْكِرَاهِيَةَ لَنَا، وَالْجَهْلَ بِحَقِّنَا، وَكَانَ رَأْيُكُمْ الْآنَ غَيْرَ مَا أَتْنَى بِهِ كُتُبَكُمْ وَقَدِمْتُ عَلَيَّ بِهِ رُسُلِكُمْ إِنصَرَفْتُ عَنْكُمْ. (۲۲۹) لشکر خود و لشکر حر اقامه کرد، رو به آنها کرد و آن گاه حمد و ستایش خدا گفت و فرمود: ای مردم! اگر پرهیزکار باشید و حق را برای اهل حق بدانید خداوند از شما خشنودتر است. ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله از این مدعیان حکومت (بنی‌امیه) که خلافت حق آنها نیست و به ظلم و دشمنی در میان شما رفتار می‌کنند به ولایت و حکومت بر شما سزاوارتریم. اگر ما را نمی‌خواهید و حق ما را نمی‌شناسید و نظر فعلی شما غیر از آن چیزی است که در

نامه‌های خود نوشتید و فرستادگان اعلام کرده‌اند از نزد شما باز می‌گردم.

### سخنرانی سوم برای حر و سپاهش

الْخُطْبَةُ الثَّلَاثَةُ لِلْحَرِّ وَ جَيْشِهِ ۲۱ - إِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَطَبَ أَصْحَابَهُ وَ أَصْحَابَ الْحَرِّ بِالْبَيْضَةِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِنًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ، فَلَمْ يُعَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مِذْحَلُهُ» أَلَا وَ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَ تَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ عَطَّلُوا الْحُدُودَ، وَ اسْتَأْتَرُوا بِالْفِيءِ، وَ أَحْلَوْا حَرَامَ ۲۱ - امام حسین علیه السلام در منزلگاه بیضه برای یاران خود و لشکر حر سخنرانی کرد. در آغاز حمد و ثنای خدا گفت و سپس فرمود: ای مردم! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که زمامدار ستمکاری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده، عهد و پیمان خدا را می‌شکند، و با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت می‌ورزد و با گناه و دشمنی در میان بندگان خدا رفتار می‌کند، ولی با عمل و گفتار با او مخالفت نکند بر خداوند است که او را به همان جایی برد که آن زمامدار ظالم را می‌برد. آگاه باشید که اینها (بنی امیه) به اطاعت شیطان درآمدند و اطاعت خدا را ترک، فساد را آشکار و حدود الهی را تعطیل کردند و اموال عمومی را الله، و حرّموا حلاله، و أَنَا أَحَقُّ مِنْ غَيْرٍ. قَدْ أَتَنَى كُتُبَكُمْ وَ قَدِمْتُ عَلَى رُسُلِكُمْ بِنَيْعَتِكُمْ إِيَّاكُمْ لَا تَسْلُمُونِي وَ لَا تَخَذُلُونِي. فَإِنْ تَمَتُّمْتُ عَلَى بَيْعَتِكُمْ تُصَيِّبُوا رُشْدَكُمْ. فَأَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَ ابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ، وَ أَهْلِي مَعَ أَهْلِيكُمْ فِي أَسْوَةِ. وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ نَقَضْتُمْ عَهْدَكُمْ، وَ خَلَعْتُمْ بَيْعَتِي مِنْ أَعْنَاقِكُمْ، فَلَعْمَرِي مَا هِيَ لَكُمْ بِنُكْرٍ، لَقَدْ فَعَلْتُمُوهَا بِأَبِي وَ أَخِي وَ ابْنِ عَمِّي مُسْلِمٍ. وَ الْمَعْرُورُ مَنْ اغْتَرَبَكُمْ. به خود اختصاص دادند. حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کردند و من به حکومت یا قیام علیه آنها سزاوارتر از دیگرانم. نامه‌هایتان به من رسید و پیک‌هایتان خبر بیعت شما را و این که هرگز مرا تسلیم دشمن نکرده و خوار تنها نمی‌گذارید به من رساندند. پس اگر بر پیمان خود باقی هستید به رشد و کمال خود خواهید رسید. من حسین پسر علی و فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم. خودم در کنار شما و خانواده‌ام در کنار خانواده شما قرار دارم. من الگوی رفتاری شما هستم. اگر به پیمانی که بستید عمل نکرده و آن را بشکنید و بیعت مرا از گردن خود بردارید، به جان خودم قسم که این کار شما تازگی ندارد، پیش از این هم با پدر و برادر و پسر عمویم مسلم چنین کردید. فریب خورده کسی است که فریفته شما گردد. فَحَظَّكُمْ أَخْطَأْتُمْ، وَ نَصِيْبِكُمْ ضَيِّعْتُمْ. وَ مِمَّنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ سَيُعْجِزُ اللَّهُ عَنْكُمْ. وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. (۲۳۰)

### سخنی حماسی با حر

كَلَامٌ حِمَاسِيٌّ لِلْحَرِّ ۲۲ - إِذَا قَالَ الْحُرُّ: يَا حُسَيْنُ إِيَّا أَدْرُكَكَ اللَّهُ فِي نَفْسِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ لِدُنِّ قَاتِلَتِ لِقَاتِلِنَ. فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ شَأْنِي شَأْنُ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ. مَا أَهْوَى الْمَوْتَ عَلَيَّ فِي شِمَا فِي كَسْبِ بَهْرِهِ خُودَ بِهَ خَطَا رِفْتِيْدَ وَ سَهْمِ خُوِيْشِ رَا از میان بردید. کسی که پیمان شکند به زیان خود عمل کرده است و خداوند مرا از شما بی‌نیاز خواهد کرد. سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد. ۲۲ - وقتی حر به امام حسین علیه السلام گفت: ای حسین تو را به حفظ جانت توصیه می‌کنم و من گواهی می‌دهم که اگر بجنگی کشته خواهی شد، امام حسین علیه السلام به او ف...شأن من شأن کسی نیست که از مرگ هراس دارد. چه اندازه مرگ در سبیل نیل العز و إحياء الحق. لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةٌ خَالِدَةٌ، وَ لَيْسَتِ الْحَيَاةُ مَعَ الدُّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ. أَقْبَالِمَوْتٍ تُخَوِّفُنِي؟ هَيْهَاتَ، طَاشَ سَهْمُكَ وَ خَابَ ظَنُّكَ، لَسْتُ أَخَافُ الْمَوْتَ، إِنَّ نَفْسِي لِأَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ، وَ هِمَّتِي لِأَعْلَى مِنْ أَنْ أَحْمِلَ الضَّيْمَ خَوْفًا مِنَ الْمَوْتِ. وَ هَلْ تَقْدِرُونَ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ قَتْلِي؟ مَرْحَبًا بِالْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِكُنُكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى



هَيْدَمِ مَجْدِي وَمَحْوِ عِزِّي وَشَرَفِي، فَإِذَا لَا أَبَالِي بِالْقَتْلِ (۲۳۱) راه عزت و زنده کردن حق برای من آسان است. مرگ در راه عزت جز حیات جاودان چیز دیگری نیست و زندگی همراه با ذلت و خواری جز مرگ چیز دیگری نمی‌باشد. آیا به مرگ مرا می‌ترسانی؟ دور است که من از مرگ هراسی داشته باشم. تیر تو به خطا رفت و گمان تو به بی‌راهه گرایید. من از مرگ نمی‌ترسم، روح من بزرگ‌تر از آن است که از مرگ هراسی داشته باشم و همت من والاتر از آن است که زیر بار ظلم بروم به خاطر آن که از مرگ ترسی داشته باشم. آیا بیش از این است که مرا می‌کشید؟ مرحبا به مرگ در راه خدا. ولی شما بدانید که نمی‌توانید بزرگواری و عزت و شرف مرا نابود کنید، در این صورت باکی از کشته شدن ندارم.

### ستایش امام حسین علیه السلام از اصحابش

مَدْحُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَصْحَابِهِ ۲۳ - أَثْنَى عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ وَأَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَاءِ وَالضَّرَاءِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنَّبُوَّةِ، وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً، فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ. أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَضِيحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَضِيحَابِي، وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبْرٍّ وَأَوْصِيَلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي. فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا. أَلَا وَإِنِّي لَا أَظُنُّ يَوْمًا لَنَا مِنْ هَوْلَاءِ، أَلَا وَإِنِّي قَدْ أَذْنُتُ لَكُمْ، فَانْطَلِقُوا جَمِيعًا فِي حِلٍّ. ۲۳ - با بهترین ستایش، خدا را می‌ستایم و او را در راحتی و سختی سپاس می‌گوییم. خدایا تو را می‌ستایم که ما را به نبوت گرامی داشتی و قرآن را به ما آموختی و در دین آگاه گرداندی و گوش و چشم و دل بیدار عطا فرمودی. خدایا ما را از شکر گزاران قرار ده. اما پس از ثنای خداوند من اصحابی وفادارتر و بهتر از اصحاب خود سراغ ندارم و اهل بیتی نیکوتر و در پیوند خویشاوندی پایبندتر از اهل بیتم نمی‌شناسم. خداوند از جانب من به شما جزای خیر دهد. بدانید که من گمان ندارم که دیگر روزی از سوی اینها برای ما باشد، بدانید من به شما اجازه دادم که همگی باز گردید. لَيْسَ عَلَيْكُمْ حَرْجٌ مِنِّي وَلَا ذِمَامٌ. هَذَا اللَّيْلُ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا. (۲۳۲)

### پاداش یاران امام حسین علیه السلام

أَجْرُ أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۲۴ - يَا أَضِيحَابِي! إِنَّ هَذِهِ الْجَنَّةَ قَدْ فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا، وَأُتِصِلَتْ أَنْهَارُهَا، وَأُتْبِعَتْ ثِمَارُهَا، وَزِيْنَتْ قُصُورُهَا، وَتَأَلَّفَتْ وَلِدَانُهَا وَحُورُهَا. وَهَذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالشُّهَدَاءُ الَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ وَآبِي وَأُمِّي يَتَوَقَّعُونَ قُدُومَكُمْ، وَ يَتَبَاشَرُونَ بِكُمْ، وَهُمْ مُشْتاقُونَ إِلَيْكُمْ. فَحَامُوا عَنْ دِينِ اللَّهِ وَذُبُّوا عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ. (۲۳۳) از سوی من سختی و حقی بر شما نیست. این شب را چون شتر برای رفتن خود قرار دهید. ۲۴ - امام حسین علیه السلام به اصحاب خود در کربلا فرمود: ای یاران من! این بهشت است که درهای آن باز شده و نهرهای آن به هم پیوسته است، میوه‌های آن رسیده، قصرهای آن زینت شده و پسران زیبای بهشتی و حورهای آن با هم گرد آمده‌اند. و این رسول خداصلی الله علیه وآله و شهدایی که با او به شهادت رسیدند و پدر و مادرم هستند که منتظر ورود شما بوده و قدومتان را به یکدیگر بشارت می‌دهند و مشتاق دیدار شما هستند. پس، از دین خدا حمایت نمایید و از حرم رسول خداصلی الله علیه وآله دفاع کنید.

### اتمام حجت بر مردم کوفه

إِتْمَامُ الْحُجَّةِ عَلَى الْكُوفِيِّينَ ۲۵ - دَعَا الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَاحِلَتِهِ فَزَكَبَهَا وَنَادَى بِأَعْلَا صَوْتِهِ بِكَرْبَلَا: يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! أَيُّهَا النَّاسُ! إِسْمَعُوا قَوْلِي وَلَا تَعَجَلُوا حَتَّى أَعْظُمَ بِمَا يَحِقُّ لَكُمْ عَلَيَّ وَحَتَّى أَعِيدَ عَلَيْكُمْ؛ فَإِنِ اعْطَيْتُمُونِي النِّصْفَ كُنْتُمْ بِبَدَلِكِ أَسِيعِدَ وَإِن لَمْ تُعْطُونِي النِّصْفَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ «فَاجْمَعُوا رَأْيَكُمْ وَشُرَكَائِكُمْ، ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تَنْظُرُونِ» «إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَذَكَرَ اللَّهَ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَصَلَّى ۲۵ - امام حسین علیه السلام اسب خود را طلب

کرد و سوار بر آن شد و با صوت بلند در کربلا فرمود: ای اهل عراق! ای مردم! سخن مرا بشنوید و در جنگ با من شتاب نکنید تا شما را به آنچه وظیفه خود می‌دانم نصیحت کنم و دلایل خود را از حرکت به سوی شما بیان نمایم. پس اگر با من به انصاف رفتار کردید به سعادت رسیده‌اید. و اگر نظر منصفانه‌ای نسبت به من نداشتید. «نظر خود و شرکایتان را یکی کنید تا کار بر شما پوشیده نباشد آن گاه به نظر خود عمل کنید و مهلتم ندهید» «یاور من کسی است که قرآن را نازل کرد و او یاور نیکو کاران است.» آن گاه حمد و ثنای خداوند گفت و آن گونه که سزاوار است او عَلَى النَّبِيِّ وَعَلَى مَلَائِكَتِهِ وَعَلَى أَنْبِيَائِهِ، فَلَمْ يَسْمَعْ مُتَكَلِّمًا قَطُّ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ أَبْلَغَ مِنْهُ فِي مَنْطِقٍ. ثُمَّ قَالَ: أَمَا بَعِيدٌ، فَانْسَبُونِي فَانظُرُونِي مَنْ أَنَا؟ ثُمَّ رَاجِعُوا أَنْفُسَكُمْ وَعَايِبُوا، فَانظُرُوا هَلْ يَصِلِحُ لَكُمْ قَتْلِي وَإِنْتِهَاكُمُ حُرْمَتِي؟ أَلَسْتُ إِبْنَ نَبِيِّكُمْ، وَإِبْنَ وَصِيِّهِ وَإِبْنَ عَمِّهِ وَأَوَّلَ مُؤْمِنٍ مُصَدِّقٍ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ؟ أَوَلَيْسَ حَمْرَةَ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ عَمِّي؟ أَوَلَيْسَ جَعْفَرُ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَّةِ بِنَجْنِ حَيْنِ عَمِّي؟ أَوَلَمْ يَبْلُغْكُمْ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي وَلِأَخِي: «هَذَا سَيِّدُ سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.» را ستایش کرد و بر پیامبر و فرشته‌ها و پیامبران او درود فرستاد به طوری که قبل و بعد از او هرگز از گوینده‌ای به این رسایی شنیده نشده بود. سپس فرمود: پس از ستایش خداوند، نسب مرا به یاد آورید و ببینید من چه کسی هستم آن گاه به خود آید و خودتان را سرزنش کنید و ببینید آیا کشتن و هتک حرمت من به صلاح شماست؟ آیا من پسر پیامبر شما نیستم؟ آیا من پسر وصی پیامبر شما و پسر عموی او و اولین مؤمنی که رسول خداصلی الله علیه وآله را در آنچه از سوی پروردگارش آورده بود تصدیق کرد نمی‌باشم؟ آیا حمزه سیدالشهداء عموی من نیست؟ آیا جعفر طیار که در بهشت با دو بال پرواز می‌کند عموی من نمی‌باشد؟ آیا آنچه را که رسول خداصلی الله علیه وآله درباره من و برادرم فرمود به شما نرسید که این دو نفر سرور جوانان اهل بهشتند؟ فَإِنْ صِدَّقْتُمُونِي بِمَا أَقُولُ وَهُوَ الْحَقُّ، وَاللَّهِ مَا تَعَمَّدْتُ كَذِبًا مُدْعِلْمْتُ أَنْ اللَّهَ يَمُتُّ عَلَيْهِ أَهْلَهُ. وَإِنْ كَذَبْتُمُونِي فَإِنَّ فِيكُمْ مَنْ إِنْ سَأَلْتُمُوهُ عَنْ ذَلِكَ أَخْبَرَكُمْ. إِسْأَلُوا جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ وَابَا سَعِيدِ الْخُدْرِيَّ وَسَهْلَ بْنَ سَعْدِ السَّاعِدِيَّ وَزَيْدَ بْنَ أَرْقَمَ وَانْسَ بْنَ مَالِكٍ، يُخْبِرُوكُمْ أَنَّهُمْ سَمِعُوا هَذِهِ الْمَقَالَهَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي وَلِأَخِي. أَمَا فِي هَذَا حَاجِزٌ لَكُمْ عَنْ سَيْفِكِ دَمِي؟ فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكِّ مِنْ هَذَا أَفْتَشِكُونَ أَنِّي إِبْنُ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ؟ فَوَاللَّهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِبْنُ بِنْتِ نَبِيٍّ غَيْرِي فِيكُمْ، وَلَا فِي غَيْرِكُمْ. پس اگر آنچه را می‌گویم و به حق هم می‌گویم تصدیق می‌کنید زیرا به خدا سوگند از زمانی که دانسته‌ام خداوند دشمن دروغ‌گویان است دروغ نگفته‌ام، پس، از ریختن خون من دست بردارید و اگر گفته‌هایم را دروغ می‌دانید در میان شما کسانی هستند که اگر از آنها پرسید به شما خبر می‌دهند. از جابر بن عبدالله و ابوسعید خدری و سهل بن سعد ساعدی و زید بن ارقم و انس بن مالک پرسید، به شما خبر می‌دهند که آنها این سخن را از رسول خداصلی الله علیه وآله درباره من و برادرم شنیده‌اند. آیا این سخن مانع از ریختن خون من به دست شما نمی‌شود؟ اگر شما در این گفته پیامبرصلی الله علیه وآله درباره من و برادرم تردید دارید آیا در این هم شک دارید که پسر دختر پیامبر شما هستم؟ به خدا قسم در میان مغرب و مشرق زمین غیر از من پسری برای پیامبرصلی الله علیه وآله در میان شما و غیر شما نمی‌باشد. وَيُحْكُمُ أَتَطْلُبُونِي بِقَتِيلٍ مِنْكُمْ قَتَلْتُهُ؟ أَوْ مَالٍ لَكُمْ إِسْتَهْلَكْتُهُ؟ أَوْ بِقِصَاصٍ مِنْ جَرَاحِي؟ فَأَخَذُوا لِي يَكْلُمُونَهُ فَنَادَى يَا شَيْثَ بْنَ رَبِيعِي، يَا حَجَّارَ بْنَ أَبَجْرٍ، يَا قَيْسَ بْنَ الْأَشْعَثِ، يَا يَزِيدَ بْنَ الْحَارِثِ! أَلَمْ تَكْتُبُوا إِلَيَّ أَنْ قَدْ أَيْعَتِ الثَّمَارُ، وَاخْضَرَّ الْجَنَابُ، وَإِنَّمَا تَقْدِمُ عَلَيَّ جُنْدِلَكَ مُجَنَّدًا؟ فَقَالَ لَهُ قَيْسُ بْنُ الْأَشْعَثِ: مَا نَدْرِي مَا تَقُولُ وَ لَكِنْ إِنْزِلْ عَلَيَّ حُكْمَ بَنِي عَمِّكَ، فَإِنَّهُمْ لَنْ يَرُوكَ إِلَّا مَا تُحِبُّ. وای بر شما آیا کسی از شما را کشته‌ام که خون او را از من طلب می‌کنید، یا مالی را از شما تلف کرده‌ام که آن را درخواست می‌کنید و یا جراحتی بر شما وارد کرده‌ام که قصد تلافی آن را دارید؟ کوفیان در برابر پرسش‌های امام علیه السلام چیزی نگفتند، آن گاه با صدای بلند به آنها فرمود: ای شیب بن ربیع، ای حجار بن ابجر، ای قیس بن اشعث، ای یزید بن حارث! آیا شما در نامه‌های خود برای من نوشدید که میوه‌ها رسیده و باغ‌های ناحیه کوفه سرسبز گردیده است و تو به سوی لشکری می‌آیی که برایت آماده شده است؟ قیس بن اشعث به امام حسین علیه السلام پاسخ داد: ما چنین نامه‌هایی را که می‌گویی به یاد نداریم و تو حکم پسر عموهایت (سران بنی‌امیه) را بپذیر که آنها جز به گونه‌ای که تو

دوست داری با تو فقال لَهُمُ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا وَاللَّهِ، لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ، وَلَا أَقْرُّ لَكُمْ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ. ثُمَّ نَادَى يَا عِبَادَ اللَّهِ! «إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَزْجُمُونِ» (۲۳۴) و «أَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ». (۲۳۵) و (۲۳۶)

### سخنرانی در محاصره دشمنان

الْخُطْبَةُ فِي حَلْفَةِ الْأَعْدَاءِ ۲۶ - إِذَا أَحَاطَ الْأَعْدَاءُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ رَفْتَارَ نَمِي كُنْتُمْ. إِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي جَوَابِ أَوْ فَرَمُود: نَه بَه خِذَا قِسْم، مِنْ هَر كَز دِسْت ذَلْت بَه شِمَا نَمِي دَهْم وَ چُون بَر دِگَان بَرای شِمَا اِقْرَار نَمِي كِنَم. اَن گَاه بَا صِدَائِ بَلَنْد فَرَمُود: اِي بَنْد گَان خِذَا! «مَنْ بَه پَرُور دِگَار خُود وَ شِمَا پَنَاه مِي بَرَم اَز اِيْن كِه مَرَا سَنگَسَار كَنِيد» وَ «اَز هَر مُتَكَبِّرِي كِه بَه رُوز قِيَامَتِ اِيْمَان نِدَار د بَه پَرُور دِگَار خُود پَنَاه مِي بَرَم». ۲۶ - وَ قِوْتِي دِشْمِنَان، اِمَام حُسَيْن عَلَيْهِ السَّلَامُ رَا اَز هَر سُو اِحَاظَه كَرْدَنْد حَتَّى جَعَلُوهُ فِي مِثْلِ الْخَلْقَةِ، خَرَجَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى آتَا النَّاسَ فَاسْتَنْصَتَهُمْ فَأَبَوْا أَنْ يُنصِتُوا حَتَّى قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُمْ: وَ يَلِكُمْ مَا عَلَيَكُمْ أَنْ تَنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلِي، وَ إِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ، فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشَدِينَ، وَ مَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ، وَ كَلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي، غَيْرٌ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ، وَ طَبَعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، وَ يَلِكُمْ أَلَا تَنْصِتُونَ؟ أَلَا تَسْمَعُونَ؟ فَتَلَاوَمَ أَصْحَابُ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ بَيْنَهُمْ وَ قَالُوا أَنْصِتُوا لَهُ. فَقَامَ وَ فِي حَلْفَةِ مُحَاصِرِهِ خُود قَرَار دَادَنْد، اِمَام عَلَيْهِ السَّلَامُ اَز مِيَان يَارَانِ خُود بِيْرُون اَمَد تَا بَه اَنهَا رَسِيد، اَن گَاه اَز اَنَان خُوَاسْتِ سَكُوتِ كَنْنِد اِمَا نَبَذِير فِتْنَد وَ هَمِه مِي كَرْدَنْد تَا اِيْن كِه اِمَام عَلَيْهِ السَّلَامُ بَه اَنهَا فَرَمُود: وَاي بَر شِمَا چَرَا سَكُوتِ نَمِي كَنِيد تَا سَخْنِ مَرَا بَشْنُويِد. مِنْ شِمَا رَا بَه رَاه رِسْتگَارِي دَعُوتِ مِي كِنَم. پَس هَر كَس اَز مِنْ اِطَاعَتِ كَنْد اَز سَعَادَتْمَنْدَانِ اسْتِ وَ هَر كَس سَرِپِچِي كَنْد اَز هَلَاكِ شَد گَان خُوَاهِد بُوَد. شِمَا اَز مِنْ پِيْرُويِ نَمِي كَنِيد وَ بَه سَخْنِ مِنْ گُوشِ نَمِي دَهِيِد. شَكْمِ هَايِ شِمَا اَز حَرَامِ پَر شُدِه وَ بَر دِلِ هَايِ شِمَا مَهْر خُورْدِه اسْتِ. وَاي بَر شِمَا چَرَا سَكُوتِ نَمِي كَنِيد، چَرَا بَه سَخْنَانِمِ گُوشِ فَرَا نَمِي دَهِيِد؟ دَر اِيْن هَنْگَامِ لَشْكِرِيَانِ عَمْرِ سَعْدِ يَكْدِيگَر رَا مَلَامَتِ كَرْدَنْد وَ اَز هَمِ خُوَاسْتَنْد تَا سَكُوتِ كَنْنِد. الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ: تَبَّأ لَكُمْ أَيَّتْهَا الْجَمَاعَةُ وَ تَرَحَّأ، أَفَحِينَ اسْتَصِيرَ حَتْمُونَا وَ لِهَيْنِ مَتَّحِرِينَ فَأَصِيرَ حَتْمَكُمْ مُؤَدِّينَ مُسْتَبْعِدِينَ، سَيَلَلْتُمْ عَلَيْنَا سَيْفًا فِي رِقَابِنَا وَ حَسَشْتُمْ عَلَيْنَا نَارَ الْفِتَنِ خَبَاهَا عِدْوُكُمْ وَ عِدْوُنَا فَأَصْبَحْتُمْ إِبْرَاءَ عَلَى أَوْلِيَائِكُمْ وَ يَدَا عَلَيْنَهُمْ لِأَعْدَائِكُمْ بَغَيْرِ عَدْلٍ أَفْشَوْهُ فِيكُمْ، وَ لَا أَمَلٌ أَصْبَحَ لَكُمْ فِيهِمْ إِلَّا الْحَرَامُ مِنَ الدُّنْيَا أَنَالُوكُمْ وَ خَيْسِيَسَ عَيْشٍ طَمَعْتُمْ فِيهِ، مِنْ غَيْرِ حَدِيثٍ كَانَ مِنَّا وَ لَا- رَأَى تَفِيلَ لَنَا. فَهَلَّا لَكُمْ الْوَيْلَاتُ إِذْ كَرِهْتُمُونَا وَ تَرَكْتُمُونَا؟ اَن گَاه اِمَام عَلَيْهِ السَّلَامُ بَر خَاسْتِ وَ فَرَمُود: مَرگَتَانِ بَادِ وَ غَمِ وَ اَنْدُوه هَمْرَاهَتَانِ كِه بَا حِيْرَتِ وَ اَشْتِيَاقِ اَز مَا كَمَكِ خُوَاسْتِيِدِ وَ اَن گَاه كِه بَه نِدَائِ يَارِي طَلَبَانَه شِمَا پَاسَخِ دَادِيْمِ وَ بَه كَمَكِ شِمَا شَتَا فِتْمِ شَمَشِيْر هَايِي رَا كِه بَه نَفْعِ مَا بُوَد عَلَيْهِ مَا بَه كَارِ گَرَفْتِيِدِ وَ آتَشِ فِتْنَه اِي رَا كِه دِشْمَنْ مَشْرَكِ مَا وَ شِمَا پَنَهَانِ كَرْدِه بُوَد عَلَيْهِ مَا بَرَا فَرُوخْتِيِدِ وَ پَشْتِيِيَانِ وَ كَمَكِ كَارِ دِشْمَانَتَانِ عَلَيْهِ دُوسْتَانِ خُودِ گَشْتِيِدِ بَدُونِ اَن كِه اَنهَا عِدَالْتِي رَا دَر مِيَانِ شِمَا رَايِجِ كَرْدِه بَاشَنْدِ وَ يَا اَمِيِدِ خِيْرِي بَه اَنهَا دَاشْتِه بَاشِيِدِ جَزِ مَالِ حَرَامِي اَز دُنْيَا كِه بَه شِمَا دَادَنْدِ وَ طَمَعِي كِه بَه زَنْدِگِيِ پَسْتِ وَ زُود كَزْرِ كَرْدِه بُوَدِيِد، بَدُونِ اَن كِه خَطَايِي اَز مَا سَر زِدِه وَ يَا نَظَرِ نَاصُوبِي اَز مَا مَشَاهِدِه كَرْدِه بَاشِيِد. آيَا شِمَا سَزَاوَارِ بَلَا هَا نِيَسْتِيِدِ كِه اَز مَا نَاخَشَنْوُدِ شَدِيِدِ وَ مَا رَا رَهَا كَرْدِيِد؟ تَجَهَّزْ تُمْوَاهَا وَ السَّيْفُ لَمْ يُشْهَرْ، وَ الْجَاشُ طَامِنٌ، وَ الرَّأْيُ لَمْ يُسَيِّحْصَفْ وَ لَكِنْ أَسْرِعْتُمْ عَلَيْنَا كَمَطِيْرَةَ الدُّبَابِ، وَ تَدَاعَيْتُمْ كِتْدَاعِي الْفَرَّاشِ. فَقُبْحًا لَكُمْ، فَإِنَّمَا أَنْتُمْ مِنْ طَوَاغِيَتِ الْأُمَّةِ وَ شِدَادِ الْأَحْزَابِ، وَ نَبَذَهُ الْكِتَابِ، وَ نَفَثَهُ الشَّيْطَانِ، وَ عَصَبَهُ الْإِثَامُ وَ مُحَرَّفِي الْكِتَابِ، وَ مُطْفِئِي السُّنَنِ، وَ قَتْلَهُ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ مِيْرِي عَتْرَةِ الْأَوْصِيَاءِ وَ مَلْحَقِي الْعَهَارِ بِالنَّسَبِ، وَ مُؤَذِي الْمُؤْمِنِينَ، وَ صِرَاحِ أُمَّةِ الْمُسْتَهْزِئِينَ، الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ. وَ أَنْتُمْ إِبْنُ حَزْبٍ وَ أَشْيَاعُهُ تَعْتَمِدُونَ، وَ إِيَّانَا تُخَاذِلُونَ. دَر حَالِي مَهِيَايِ جَنْگِ شَدِيِدِ كِه شَمَشِيْر هَا دَر نِيَامِ وَ دِلِ هَا آرَامِ وَ نَظَرِ هَا اسْتِوَارِ بُوَد اِمَا مَانَنْدِ زَنْبُورِ هَايِ عَسَلِ بَر مَا رُوِ آوَرْدِيِدِ وَ چُونِ پَرُوانَه هَا اَز هَر سُو بَه حَرَكْتِ دَر اَمَدِيِد. پَس مَرگَتَانِ بَادِ كِه اَز سَر كَشَانِ اَمْتِ وَ فَرُومَايِگَانِ اِحْزَابِ وَ تَرَكِ كَنْنِد گَان قَرَأِنِيِد. شِمَا اَز اِخْلَاطِ بِيْنِي شَيْطَانِ وَ گَرُوه گَنه كَارَانِ وَ تَحْرِيفِ كَنْنِد گَانِ قَرَأْنِ وَ پَايْمَالِ كَنْنِد گَانِ سَنْتِ هَايِ اَلْهِيِ هَسْتِيِد، شِمَا كَشَنْد گَانِ فَرَزَنْدَانِ پَايْمِرَانِ وَ نَابُودِ كَنْنِد گَانِ خَانْدَانِ جَانَشِيْنَانِ پَايْمِرِيِد، شِمَا مَلْحَقِ كَنْنِد گَانِ زَنَازَدَه هَا بَه

نسب و آزار دهندگان اهل ایمان و فریاد پیشوایان استهزا کنندگانید که قرآن را پاره پاره کردند. شما یزید و پیروانش را پشتیبانی کردید و از یاری ما دست کشیدید. أَجَلٌ وَاللَّهِ الْخَذْلُ فِیْكُمْ مَعْرُوفٌ، وَ شَجَّتْ عَلَیْهِ عُرُوقُكُمْ، وَ تَوَارَتْهُ أُصُولُكُمْ وَ فَرَّوْكُمْ، وَ بُتَّتْ عَلَیْهِ قُلُوبُكُمْ وَ عَشِیَتْ صُدُورُكُمْ. فَكُنْتُمْ أَحْبَبُ شَیْءٍ سَنَحًا لِلنَّاصِبِ، وَ أَكْلَةً لِلْغَاصِبِ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَی النَّاكِثِیْنَ الَّذِیْنَ یَنْقُضُونَ الْأَیْمَانَ بَعْدَ تَوْكِیدِهَا، وَ قَدْ جَعَلْتُمْ اللَّهَ عَلَیْكُمْ كَفِیْلًا، فَاتُّمَّ وَ اللَّهُ هُمْ. أَلَا إِنَّ الدَّعِیَّ ابْنَ الدَّعِیِّ قَدْ رَكَزَنِی بَیْنَ اثْنِیْنِ، بَیْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ، وَ هِیْهَاتَ مَا أَخَذَ الدَّیْنِیَّةَ (۲۳۷)، أَبِی اللَّهِ ذَلِكْ وَ رَسُوْلُهُ، وَ جُدُوْدٌ طَابَتْ، وَ بِهِ خِدا قِسم بی وفایی در میان شما مشهور است و رگ و ریشه‌های شما از آن رویده و تنه و شاخه‌های درخت وجود شما آن را به ارث برده است و دل‌های شما بر آن استوار گردیده و سینه‌هایتان از آن لبریز گشته است. شما بدترین میوه گلوگیر برای سرپرست خود و لقمه‌ای لذیذ برای غاصبان می‌باشید. لعنت خدا بر پیمان شکنانی که سوگندهای خود را پس از محکم کردن آنها نقض کردند و شما خدا را ضامن پیمان‌های خود کرده بودید و همان پیمان شکنانید. آگاه باشید که زنازاده فرزند زنازاده مرا بین دو چیز قرار داده است. کشیدن شمشیر و ذلت. اما چه دور است که من پستی و خواری را بپذیرم. خداوند و رسولش و پدران و دامن‌های پاک و خاندان غیرتمند و با حُجُور طَهْرَتْ وَ أُتُوْفٌ حَمِیَّةٌ وَ نُفُوسٌ أَیْبَةٌ لَا تُؤَثِّرُ طَاعَةَ اللّٰمِ عَلَی الْمَصَارِعِ الْكِرَامِ. أَلَا قَدْ أَعْدَرْتُ وَ أَنْدَرْتُ، أَلَا إِنِّی زَاحِفٌ بِهَذِهِ الْأَسْرِهَ عَلَی قَلْبِ الْعِتَادِ وَ خَذَلَهُ الْأَصْحَابِ. ثُمَّ أَنْشَأَ یَقُولُ عَلَیهِ السَّلَامُ: فَإِنْ نَهَزَمَ فَهَزَامُونَ قَدَمًا وَ إِنْ نَهَزَمَ فَغَیْرُ مَهْزَمِینَا وَ مَا إِنْ طَبْنَا جُبْنَ وَ لَكِنْ مَنَیْنَا وَ دَوْلَهُ آخِرِینَا أَلَا! ثُمَّ لَا تَلْبَثُونَ بَعْدَهَا إِلَّا- كَرِیْثٌ مَا یُرْكَبُ الْفَرَسُ، حَتَّى تَدُورُ بِكُمْ الرَّحَى شِرَافَتْ رَوَانِی دَارِنْدَ كِه طَاعَتِ انْسان‌های پست را بر کشته شدن انسان‌های بزرگوار برگزینم. آگاه باشید که من حجت را بر شما تمام کردم و از آینده بدی که در انتظار دارید ترساندم. بدانید که من با همین خویشان کم و یاران تنها بر شما یورش می‌آورم. آن گاه این اشعار را از فروه بن مسیک مرادی خواند: اگر شکست بدهیم از روزگاران قدیم شکست دهنده بوده‌ایم و اگر شکست بخوریم در حقیقت شکست خورده نیستیم. خوی و عادت ما بر ترسیدن نیست اما حکومت دیگران با مرگ ما ادامه دارد. بدانید که پس از کشته شدن ما جز به اندازه یک سوار شدن اسب مهلت نخواهید یافت تا آسیای شما را بچرخاند. عَهْدٌ عَهْدَهُ إِلَى أَبِي عَن جَدِّی، فَاجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَ كُمْ ثُمَّ كِيدُونِ جَمِيعًا فَلَا تَنْتَظِرُونَ، «إِنِّی تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّی وَ رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِیْتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ» (۲۳۸) اللَّهُمَّ أَحْسِنْ عَنْهُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ، وَ ابْعَثْ عَلَیْهِمْ سِنِینَ كَسِیْنِی یُوسُفَ، وَ سَلِّطْ عَلَیْهِمْ غَلَامَ تَقِیْفٍ یُسْقِیهِمْ كَأْسًا مُصَبَّرَةً، وَ لَا یَدْعُ فِیْهِمْ أَحَدًا إِلَّا قَتَلَهُ قَتْلَةً بِقَتْلِهِ، وَ ضَرْبَةً بِضَرْبِهِ، یَنْتَقِمُ لِي وَ لِأَوْلِیَائِی وَ أَهْلِ بَیْتِی وَ أَشْیَاعِی مِنْهُمْ، فَإِنَّهُمْ عَرُّونَا وَ كَذَبُونَا وَ خَذَلُونَا. این عهد و برنامه‌ای است که پدرم از جدم رسول خداصلی الله علیه و آله به من رسانیده است پس با هم فکran خود همدست شوید آن گاه همگی وارد جنگ شوید و به من مهلت ندهید. من بر خداوند که پروردگار من و شماست توکل کرده‌ام. «جنبنده‌ای نیست مگر این که جان او به دست خداوند است و پروردگار من بر راه مستقیم است» خدایا باران را از آنها دریغ دار و سال‌هایی چون سال‌های قحطی زمان یوسف را بر آنها قرار ده و مردی از طایفه ثقیف را بر آنها مسلط گردان تا از جامی لبریز از تلخی سیرابشان کند و آنان را رها نکند مگر این که در برابر هر کشته‌ای از ما یکی از آنها را به قتل رساند و در برابر هر ضربه‌ای بر آنان وارد کند و انتقام من و دوستان و خاندان و شیعیانم را بگیرد. آنها به ما خدعه زدند و ما را تکذیب کردند و تنها گذاردند. وَ أَنْتَ رَبُّنَا عَلَیْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَیْكَ أَنْبَأْنَا وَ إِلَیْكَ الْمَصِیرُ. ثُمَّ قَالَ عَلَیهِ السَّلَامُ: أَمِنْ عَمْرٍُ بْنُ سَعْدٍ؟ أَدْعُوا لِي عَمْرًا! فَدَعِيَ لَهُ، وَ كَانَ كَارِهًا لَا يُحِبُّ أَنْ يَأْتِيَهُ فَقَالَ عَلَیهِ السَّلَامُ: يَا عَمْرُ! أَنْتَ تَقْتُلُنِي؟ تَزَعَمُ أَنْ يُؤَلِّيكَ الدَّعِیُّ بِنِ الدَّعِیِّ بِلَادِ الرِّیِّ وَ جُرْجَانَ؟ وَ اللَّهُ لَا تَتَهَنُّ بِذَلِكَ أَبَدًا. عَهْدًا مَعْهُدًا، فَاصْبِرْ مَا أَنْتَ صَانِعٌ، فَإِنَّكَ لَا تَفْرُحُ بَعْدِي بِدُنْیَا وَ لَا آخِرَةٍ. وَ لَكَأَنِّی بَرَأْسَكَ عَلَی قَصَبِیَّةٍ قَدْ نُصِبَ بِالْكَوْفَةِ یَتْرَآمُهُ تَوِیِّی پروردگار ما، بر تو توکل می‌کنیم. و به سوی تو باز می‌گردیم و بازگشت همه به سوی توست. آن گاه فرمود: عمر بن سعد کجاست؟ او را نزد من فرا خوانید. او را صدا زدند اما دوست نداشت نزد امام علیه السلام حاضر شود. وقتی آمد حضرت به او فرمود: ای عمر! تو مرا می‌کشی؟ گمان کرده‌ای زنازاده پسر زنازاده (یزید) تو را والی شهرهای ری و گرگان می‌کند؟ به خدا قسم این حکومت هرگز برای تو گوارا نخواهد بود.

این عهدهی است که از پیش بسته شده است. هر چه می‌خواهی انجام ده که پس از من هیچ شادمانی در دنیا و آخرت نخواهی داشت. گویا سر تو را می‌بینم که بر چوبی گذارده شده و آن را در کوفه برجایی نصب الصبیان و یتخذونه غرضاً بینهم. (۲۳۹)

### اتمام حجت بر مردم کوفه

إِتْمَامُ الْحُجَّةِ عَلَى الْكُوفِيِّينَ ۲۷ - نَادَى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَعْلَى صَوْتِهِ لِأَعْيَادِهِ بِكَرْبَلَا- مُتَوَكِّياً عَلَى سَيْفِهِ: - أُنشِدْكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْرِفُونِي؟ قَالُوا: نَعَمْ أَنْتَ ابْنُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سِبْطُهُ. - أُنشِدْكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ حِدَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. کرده‌اند و بچه‌ها به آن تیر می‌زنند و آن را هدف خود ساخته‌اند. ۲۷ - در حالی که امام حسین علیه السلام بر شمشیرش تکیه کرد بود با صدای بلند به دشمنان خود در کربلا فرمود: - شما را به خدا سوگند آیا مرا می‌شناسید؟ گفتند: آری، تو فرزند دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی. - شما را به خدا سوگند! آیا می‌دانید جدّ من رسول خداست؟ گفتند: آری، خدایا این چنین است. - أُنشِدْكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمِّي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. - أُنشِدْكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. - أُنشِدْكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ حِدَتِي حَدِيثُ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ أَوَّلِ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَاماً؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. - أُنشِدْكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ حَمْرَةَ عَمِّ أَبِي؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. - شما را به خدا سوگند! آیا می‌دانید مادر من فاطمه دختر محمد است؟ گفتند: آری، خدایا این چنین است. - شما را به خدا سوگند! آیا می‌دانید پدر من علی بن ابی طالب است؟ گفتند: آری، خدایا این چنین است. - شما را به خدا سوگند! آیا می‌دانید جدّه من خدیجه اولین زن این امت است که اسلام آورد؟ گفتند: آری خدایا این چنین است. - شما را به خدا سوگند! آیا می‌دانید حمزه سیدالشهداء عموی پدر من است؟ گفتند: آری، خدایا چنین است. - فَأُنشِدْكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَعْفَرَ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَّةِ عَمِّي؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. - فَأُنشِدْكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ هَذَا سَيِّفُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَنَا مُتَقَلِّدُهُ؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. - فَأُنشِدْكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ هَذِهِ عِمَامَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَا لَابِسُهَا؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. - فَأُنشِدْكُمْ اللَّهُ! هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ عَلِيّاً عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَوْلَهُمْ إِسْلَاماً وَ أَعْلَمَهُمْ عِلْماً وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْماً وَ أَنَّهُ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؟ - شما را به خدا سوگند! آیا می‌دانید جعفر طیار که در بهشت است عموی من است؟ گفتند: آری، خدایا این چنین است. - شما را به خدا سوگند آیا می‌دانید این شمشیر - که بر آن تکیه داده‌ام - شمشیر رسول خدا است و من به آن مجهز شده‌ام؟ گفتند: آری، خدایا این چنین است. - شما را به خدا سوگند! آیا می‌دانید این عمامه رسول خداست که من بر سر گذارده‌ام؟ گفتند: آری، خدایا این چنین است. - شما را به خدا سوگند! آیا می‌دانید که علی اولین کسی بود که از میان مردم اسلام آورد و آگاه‌ترین و بردبارترین آنها بود و او ولی و سرپرست هر مرد و زن با ایمانی بود؟ قَالُوا: أَلَلَّهِمْ نَعَمْ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِيمَ تَسْتَحِلُّونَ دَمِي؟ وَ أَبِي الدَّائِدُ عَنِ الْحَوْضِ غَدَاً يَذُودُ عَنْهُ رِجَالاً كَمَا يُذَادُ الْبَعِيرُ الصَّادِرَ عَنِ الْمَاءِ، وَ لَوَاءُ الْحَمْدِ فِي يَدِ جَدِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالُوا: قَدْ عَلِمْنَا ذَلِكَ كُلَّهُ وَ نَحْنُ غَيْرُ تَارِكِيكَ حَتَّى تَذُوقَ الْمَوْتَ عَطْشاً. فَأَخَذَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطَرْفِ لِحْيَتِهِ وَ هُوَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَئِذٍ ابْنُ سَبْعٍ وَ خَمْسِينَ سَنَةً ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ حِينَ قَالُوا: عَزِيزُ ابْنِ اللَّهِ؛ وَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى النَّصَارَى حِينَ قَالُوا: الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ. گفتند: آری، خدایا این چنین است. فرمود: پس چرا ریختن خون مرا جایز می‌دانید در حالی که پدرم در فردای قیامت بر سر حوض کوثر عده‌ای را از آن دور می‌سازد آن گونه که شتر از آب باز داشته می‌شود و پرچم حمد در آن روز به دست جدم می‌باشد؟ گفتند: همه اینها را می‌دانیم اما تو را رها نخواهیم کرد تا از تشنگی بمیری. در این هنگام که حسین علیه السلام پنجاه و هفت سال داشت محاسن خود را گرفت و فرمود: در آن هنگام خشم خدا بر یهود شدت گرفت که گفتند عزیز فرزند خداست و در آن هنگام غضب خدا بر مسیحیان شدت گرفت که گفتند مسیح فرزند خداست. وَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْمَجْرُوسِ حِينَ عَزِدُوا النَّارَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، وَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ قَتَلُوا نَبِيَّهُمْ، وَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى هَذِهِ الْعِصَابَةِ الَّذِينَ يُرِيدُونَ قَتْلِي ابْنِ نَبِيِّهِمْ. (۲۴۰)

## سخنرانی در جمع عمرین سعد و یارانش

الْحُطْبَةُ لِعَمْرَيْنِ سَعْدٍ وَأَنْصَارِهِ ۲۸ - تَقَدَّمَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى وَقَفَ بِإِزَاءِ الْقَوْمِ، فَجَعَلَ يَنْظُرُ إِلَى صُدُوفِهِمْ كَأَنَّهُمْ السَّيْلُ، وَنَظَرَ إِلَى ابْنِ سَعْدٍ وَاقِفًا فِي صَيْدَانِيدِ الْكُوفَةِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَآنَ هُنَاكَ غَضَبُ خُدا بِرِجْسِ شِدَّتِ يَافِتِ كِه بِه جَايِ خُدا آتَشِ رَا بِرَسْتِيدِنْدِ وَخَشَمِ خُدا بِرِ قَوْمِي شِدَّتِ گِرِفْتِ كِه بِيَا مِبْرَشَانِ رَا كَشْتِنْدِ. وَخَشَمِ خُدا بِرِ اَيْنِ گِرُوهِ شِدَّتِ يَافِتِ كِه مِي خُواهِنْدِ مِرا كِه فِرْزَنْدِ بِيَا مِبْرَشَانِ هِسْتِمِ بِه قَتْلِ رِسانَنْدِ. ۲۸ - اِمَامِ حُسَيْنِ عَلِيهِ السَّلَامِ بِه سُوِي دَشْمَانِ پِيَشِ آمَدْ تَا دَرِ بَرابَرِ اَنها اِستادِ. اَن گاهِ صَفِهايِ سَيْلِ اَسايِ اَنها رَا مِشاهِدِه كَرْدِ وَ نَظَرِي بِه عَمْرِيْنِ سَعْدِ كِه دَرِ مِيانِ پَهْلُوانانِ كُوفِه اِستادِه بُوْدِ اِنداختِ وَ فَرمود: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ، مُتَصَيِّرَةً بِأَهْلِهَا حَالًا بَعِيدَ حَالٍ. فَالْمَعْرُورُ مِنْ عَرَّتِهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ فِتْنَتُهُ، فَلَا تَعْرَنْكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رِجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا، وَ يُحَيِّبُ طَمَعَ مَنْ طَمِعَ فِيهَا. وَ أَرَاكُمْ قَدِ اجْتَمَعْتُمْ عَلَيَّ أَمْرٌ قَدْ أَسِيخَطْتُمْ اللَّهَ فِيهِ عَلَيْكُمْ، وَ أَعْرَضَ بِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ عَنْكُمْ، وَ أَحَلَّ بِكُمْ نَقَمَتَهُ، وَ جَبَّبَكُمْ رَحْمَتَهُ. فَنِعْمَ الرَّبُّ رَبُّنَا، وَ بِنَسِ الْعَبِيدِ أَنْتُمْ، أَفَرَزْتُمْ بِالطَّاعَةِ، وَ آمَنْتُمْ بِالرَّسُولِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ إِنَّكُمْ زَحَفْتُمْ إِلَى ذُرِّيَّتِهِ وَ سَتَيْتُمْ لِي خُدَايِي اِسْتِ كِه دُنْيَا رَا آفَرِيدِ وَ اَن رَا خَانه فِنا وَ نَابُودِي قَرارِ دادِ، دُنْيايِي كِه بَرايِ اَهْلِشِ هَمُوارِه دَرِ حَالِ دِگَر گُونِي اِسْتِ. فَرِيْبِ خُورْدِه كُسي اِسْتِ كِه فَرِيْبِ دُنْيَا رَا بِخُورْدِ وَ بَدَبِختِ كُسي اِسْتِ كِه دُنْيَا اُو رَا بِه شِگَفْتِ آوَرْدِ. پَسِ اَيْنِ دُنْيَا شِما رَا نَفَرِيدِ زِيْرا هَرِ كَسِ بِه اَن تَكِيه كِنْدِ اَمِيْدِشِ رَا قَطْعِ مِي كِنْدِ وَ هَرِ كَسِ بِه اَن طَمَعِ بِنَدَدِ نَا مِيْدِشِ سَازْدِ. مِي بِيْنِمِ بِرِ كَارِي اِجْتِماعِ كَرْدِه اِيْدِ كِه خُدا رَا اَزِ خُودِ بِه خَشَمِ آوَرْدِه اِيْدِ، نَگاهِ رَحْمَتِشِ رَا اَزِ شِما بِرِ گِرْدانْدِه وَ غَضَبِشِ رَا بِرِ شِما فَرُوسْتادِه وَ رَحْمَتِشِ رَا اَزِ شِما دُورِ داشْتِه اِسْتِ. بَهْتَرِيْنِ پَرُورْدِ گَارِ، پَرُورْدِ گَارِ ماسْتِ وَ بَدْتَرِيْنِ بِنْدِ گانِ، شِما هِسْتِيدِ. بِه اِطاعتِ اَزِ خُدا اَقْرارِ كَرْدِيدِ وَ بِه بِيَا مِبْرَشِ مُحَمَّدِ صَليِ اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَ اِيْمانِ آوَرْدِيدِ، اَن گاهِ بِرِ فِرْزَنْدانِ وَ خانْدانِ اُو يُورِشِ آوَرْدِيدِ وَ قَصْدِ كَشْتِنِ اَنها رَا دَارِيدِ. عِزَّتِيهِ تَرِيْدُونَ قَتْلَهُمْ. لَقَدْ اَسِيخَوْذَ عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَأَكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ الْعَظِيمِ. فَتَبَّ لَكُمْ وَ لِمَا تَرِيْدُونَ. اِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ راجِعُونَ. هُوَ لاءِ قَوْمِ كَفَرُوا بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. فَقَالَ عَمْرٌ: وَ اِيْلَكُمْ كَلِمَةٌ فَإِنَّهُ اِبْنُ اَبِيهِ. وَ اَللَّهُ لَوْ وَقَفَ فِيكُمْ هَكَذَا يَوْمًا جَدِيدًا لَمَا اِنْقَطَعَ وَ لَمَا حَضَرَ. فَكَلِمَةٌ. فَتَقَدَّمَ شِمْرٌ لَعَنَهُ اللَّهُ فَقَالَ: يا حُسَيْنُ! ما هَذَا الَّذِي تَقُولُ؟ أَفَهَمْنَا حَتَّى نَفْهَمَ. فَقَالَ: اِقُولُ: اِتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَ لا تَقْتُلُونِي، فَإِنَّهُ لا يَحِلُّ لَكُمْ قَتْلِي، وَ لا «بِه راسْتِي كِه شَيْطانِ بِرِ شِما مَسْلُطِ گِرْدِيدِه وَ ذِكْرِ خُدايِ بَزْرِگِ رَا اَزِ يادِ شِما بَرْدِه اِسْتِ» مَرِگِ بِرِ شِما وَ خُواستِه هايِ شِما بادِ. هَمِه مَا اَزِ خُدايِمِ وَ بِه اُو بازِ مِي گَرْدِيمِ. اَيْنِها مَرْدَمِي هِسْتِنْدِ كِه پَسِ اَزِ اِيْمانِ آوَرْدِنِ كافرِ شَدْنْدِ، پَسِ سَتْمِگَرانِ اَزِ رَحْمَتِ خُدا دُورِ باشِنْدِ. عَمْرُ سَعْدِ گَفْتِ: وَايِ بِرِ شِما جِوابِ اُو رَا بَدِهِيْدِ كِه اُو فِرْزَنْدِ پَدَرِ شِجاعِشِ مِي باشْدِ. بِه خُدا قِسمِ اِگَرِ يَكِ رُوزِ هَمِ بِه اَيْنِ صُورْتِ دَرِ بَرابَرِ شِما بايْسْتَدِ سَخِنِ اُو قَطْعِ نِخواهْدِ شَدْ وَ بِه پايانِ نَمِي رِسدِ. پَسِ جِوابِ اُو رَا بَدِهِيْدِ. شِمْرِ كِه لَعْنَتِ خُدا بِرِ اُو بادِ جِلوِ آمَدْ وَ گَفْتِ: اَيِ حُسَيْنِ چِه مِي گُويِي؟ سَخِنانِ خُودِ رَا بِه مَا تَفْهِيْمِ كِنِ تَا بَدانِيْمِ چِه مِي گُويِي. اِمَامِ حُسَيْنِ عَلِيهِ السَّلَامِ فَرمود: مِي گُويِمِ: اَزِ خُدا كِه پَرُورْدِ گَارِ شِما سَتِ پروا داشْتِه باشِيدِ وَ مِرا نَكشِيدِ، زِيْرا كَشْتِنِ وَ هَتَكِ حَرْمَتِ مَنِ بِرِ شِما رِوا نِستِ. اِنْتِهاكُ حُرْمَتِي. فَإِنِّي اِبْنُ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ وَ جَدَّتِي خَدِيجَةُ زَوْجَةُ نَبِيِّكُمْ وَ لَعَلَّهُ قَدْ بَلَّغَكُمْ قَوْلَ نَبِيِّكُمْ «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». - اِلِي آخِرِ ما نَقْلانِه فِ حَديثِ ۲۵ هَذَا الْفَصْلِ. (۲۴۱)

## سخنرانی به هنگام بارش تیرها

الْحُطْبَةُ حِينَ إِمْطَارِ السَّهَامِ ۲۹ - إِذَا كَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَأْخُذُهُ السَّهَامُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أُمَّةَ السُّوءِ بِنَسِيْمِما خَلَفْتُمْ مُحَمَّدًا فِي عِزَّتِيهِ، أَمَا إِنَّكُمْ لَنْ تَقْتُلُوا بَعْدِي عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ فَتَهَابُوا قَتْلَهُ، بَلْ يَهُونُ عَلَيْكُمْ عِنْدَ قَتْلِكُمْ. مَنْ پَسِرِ دَخْتَرِ بِيَا مِبْرِ شِما هِسْتِمِ وَ مَادَرِ بَزْرِگِ خَدِيجِه هَمْسَرِ بِيَا مِبْرِ شِما سَتِ. وَ شايدِ اَيْنِ سَخِنِ بِيَا مِبْرَتانِ بِه شِما رِسيْدِه باشْدِ كِه فَرمود: «حَسَنُ وَ حُسَيْنُ دُورِ سُرُورِ جِوانانِ اَهْلِ بَهْشْتِ هِسْتِنْدِ». تَا آخِرِ حَديثِ ۲۵ هَمِيْنِ فَصْلِ كِه اَن رَا نَقْلِ كَرْدِيمِ. ۲۹ - وَ قَتِي اَزِ هَرِ سُو تِيْرِها بِرِ اِمَامِ حُسَيْنِ عَلِيهِ السَّلَامِ

می‌بارید فرمود: ای امت بدکار! پس از محمدصلی الله علیه و آله چه رفتار بدی با خاندان او داشتید، بعد از قتل من از کشتن بنده‌ای از بندگان خدا هراسی نخواهید داشت زیرا کشتن من قتل آنان را بر شما آسان می‌کند. وَ أَيْمُ اللَّهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يُكْرِمَنِي رَبِّي بِالشَّهَادَةِ بِهَوَانِكُمْ، ثُمَّ يَنْتَقِمَ لِي مِنْكُمْ مِنْ حَيْثُ لَا تَشْعُرُونَ. (۲۴۲)

### مرگ بهتر از پذیرش ننگ است

أَلَمْ تَوْتِ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ ۳۰ - إِذَا قَتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمْعًا كَثِيرًا مِنَ الْأَعْدَاءِ أَنْشَأَ: أَلَمْ تَوْتِ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ أَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَلَيْتُ أَنْ لَا- أَتَنَّى أَحْمَى عِيَالَتِ أَبِي أَمْضَى عَلَى دِينِ النَّبِيِّ. (۲۴۳) به خدا قسم من به پروردگارم امیدوارم که در برابر خواری شما نعمت شهادت را عطایم کند، آن‌گاه از راهی که گمان نمی‌برید انتقام مرا از شما بگیرد. ۳۰ - وقتی امام حسین علیه السلام عده زیادی از دشمنان را کشت این اشعار را سرود. مرگ بهتر از پذیرش ننگ است و پذیرش ننگ (ناشی از جنگ و اسارت) بهتر از ورود در آتش جهنم است. من حسین بن علی هستم، قسم خورده‌ام که سر فرود نیاورم. از اهل و عیال پدرم حمایت می‌کنم و در راه دین پیامبر کشته می‌شوم.

### آزادگی

أَلْحَرِيَّةُ ۳۱ - إِذَا حَالَ الْعِدُوُّ بَيْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخِيَامِهِ قَالَ: وَيْحَكُمْ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سَفِيَانَ! إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْعِمَادَ، فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ، وَارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ أَعْرَابًا. فَنَادَاهُ شَحْرُ فَقَالَ: مَا تَقُولُ يَا بِنَ فَاطِمَةَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقُولُ: أَنَا الَّذِي أَقَاتِلُكُمْ وَتَقَاتِلُونِي، وَالنِّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ، فَاْمْنَعُوا عُنَاتِكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا. (۲۴۴) ۳۱ - وقتی دشمن میان امام حسین علیه السلام و خیمه‌هایش قرار گرفت فرمود: وای بر شما ای پیروان آل ابوسفیان! اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، در دنیای خود آزاده باشید و به مردانگی و نسب خود باز گردید اگر از قوم عرب هستید. شمر با صدای بلند گفت: چه می‌گویی ای پسر فاطمه؟ امام علیه السلام فرمود: می‌گویم: این من هستم که با شما می‌جنگم و شما هم با من می‌جنگید، زنان که گناهی ندارند، پس تا زمانی که من زنده‌ام متکبران و متجاوزان لشکر خود را از تعرض به خیمه‌های من باز دارید.

### فصل پانزدهم: احادیث منسوب به امام حسین علیه السلام

#### روایات منسوب به امام حسین علیه السلام

أَلْأَخْبَارُ الْمَسْئُوبَةُ إِلَى الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَاتٍ قَابِلٍ تَوْجِهِي فِي كِتَابِهَاي رَوَايِي وَ مَنَابِعِ دَسْتِ دَوْمِ وَ بَه وَ يِزَه دَسْتِ سَوْمِ شِيَعَه وَ سَنِي نَقْلِ شَدَه اسْتِ كَه نَسَبْتِ أَنَهَا بَه اِمَامِ حُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ صَحِيحِ نَمِي بَاشَد؛ اِگَرِ چَه مَا دَرِ تَحْقِيقَاتِ خُودِ بَه جَمْعِ زِيَادِي اَزِ اِحَادِيثِ اَنِ حَضْرَتِ دَسْتِ يَافَتِيمِ كَه دَرِ مَجْمُوعَه‌هَي مَوْجُودِي كَه مَرْبُوطِ بَه اَنِ اِمَامِ هَمَامِ مِي بَاشَد دِيَدَه نَمِي شُودِ، اِمَا اَزِ نَقْلِ تَعْدَادِي اَزِ رَوَايَاتِي هَمِ كَه دَرِ اَنِ مَجْمُوعَه‌هَي بَه چَشْمِ مِي خُورَدِ پَرِهِيزِ كَرْدِيمِ وَ بَرَايِ رُوشِنِ شَدِنِ مَوْضُوعِ، هَمَه اَنَهَا رَا دَرِ اَيْنِ فَصْلِ كَرْدِ اُورَدَه وَ نَتِيجه تَحْقِيقَاتِ خُودِ رَا پَرَامُونِ هَرِ يَكِ اَزِ اَنَهَا بِيَانِ مِي كَنِيمِ. بَدُونِ شَكِ عَدَمِ نَقْلِ اَيْنِ رَوَايَاتِ اَزِ سَوِي اِمَامِ حُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ دَرِ مَجْمُوعَه مَوْجُودِ (نَهجِ الكَرَامَةِ) بَه خَاطِرِ اَنِ اسْتِ كَه دَرِ اِنْتِسَابِ اَنَهَا بَه اَنِ حَضْرَتِ اَشْتِبَاهَاتِي صُورْتِ كَرَفْتَه وَ دَرِ نَتِيجه سَخْنَانِي اَزِ رَسُولِ خُودِ، اِمَامِ حَسَنِ، اِمَامِ سَجَادِ وَ اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِمِ السَّلَامِ بَه اُو نَسَبْتِ دَاَدَه شَدَه كَه بَه مَنشَأِ اَيْنِ نَسَبْتِ هَا اِشَارَه خُواهِيمِ كَرْدِ. بَه طُورِ كَلِي اَنچَه سَبَبِ شَدَه اسْتِ سَخْنَانِ اِمَامِ حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ بَه اِمَامِ حُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ نَسَبْتِ دَاَدَه شُودِ تَشَابَه لَفْظِي نَامِ اَنَهَا مِي بَاشَدِ بَه وَ يِزَه اَنِ كَه نَامِ پَدَرِ بَزْرِ گُوارِشانِ پَسِ اَزِ نَامِ مَبَارَكِ اَنَهَا ذِكْرِ مِي شُودِ. وَ اَنچَه مَنشَأِ نَسَبْتِ دَاَدِنِ سَخْنَانِ اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ

السلام به آن حضرت شده است کینه مشترک آنها یعنی «ابا عبدالله» است. اگر چه میان امام حسین و پیامبر و امام سجاد علیهم السلام وجه تشابهی در نام و کینه آنها وجود ندارد اما از آن جهت که امام حسین علیه السلام سخنانی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است، برخی از سخنان آن حضرت به نقل کننده آن یعنی حسین بن علی علیهما السلام نسبت داده شده و به خاطر آن که روایات امام سجاد علیه السلام با نام علی بن الحسین یا علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام نقل شده است بدون توجه به نام مبارک امام چهارم، حدیث او را به پدر بزرگوارش که نام او قبل از شروع روایات ذکر شده نسبت داده شده است. آنچه بیان گردید علل عمدۀ خطای در نسبت دادن برخی احادیث به امام حسین علیه السلام بود و عوامل و موارد دیگری هم وجود دارد که به آنها خواهیم پرداخت. البته همان گونه که اشاره شد این خطای در نسبت برخی روایات به حسین بن علی علیهما السلام در کتابها و منابع اصلی و اولی وجود ندارد و یا درصد آن بسیار کم می‌باشد و به طور عمدۀ در منابع دست دوم و سوم به وجود آمده است که ناشی از عدم تحقیق لازم پیرامون نقل آنهاست و ما در اینجا به تفکیک، آنها را مطرح می‌کنیم:

### ۱ - روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله

همان گونه که بیان شد برخی از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است که به آنها می‌پردازیم: ۱ - من لبس مشهوراً من الثياب اعرض الله عنه يوم القيامة. این روایت در تمام منابعی که آمده از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است و آنها عبارتند از: مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۳۵ - المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۳۴، ح ۳۰۲۹۰۶ - كنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۱۷، ح ۴۱۲۰۲. همه کسانی که این حدیث را نقل کرده‌اند از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند اما در کتاب «کلمات الامام الحسین علیه السلام» به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است که این نسبت صحیح نیست و منشأ اشتباه هم این است که در منابع مذکور این حدیث را امام حسن و امام حسین علیهما السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند چنان که در كنز العمال که منبع مورد استفاده «کلمات الامام الحسین علیه السلام» بوده است آمده است: عن ابی سعید التیمی قال سمعت الحسن و الحسین رضی الله عنهما یقولان قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من لبس مشهوراً... و مجمع الزوائد نیز با همین سند آن را نقل کرده است. شیوه كنز العمال این است که یکی دو سه را وی آخر و به ویژه کسی که حدیث را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است بعد از ذکر بسیاری از روایات نام می‌برد و پس از نقل روایت مذکور هم به این شیوه عمل کرده است. برخی از مجموعه‌های روایی نظیر فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۰۷ نیز این حدیث را به نقل از کلمات الامام الحسین علیه السلام به آن حضرت نسبت داده‌اند. ۲ - لا ینبغی لنفس مؤمنه تری من یعصى الله فلا تنکر علیه. این حدیث تنها در کتاب كنز العمال ج ۳ ص ۸۵، ح ۵۶۱۴ از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است و کتابهای دیگر هم آن را به نقل از همین منبع و از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که از جمله آنها میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۹۴۱ می‌باشد. اما در کتاب کلمات الامام الحسین علیه السلام ص ۷۱۲ اشتباهاً به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است و علت آن هم این است که در پایان حدیث در بیان نام برخی از روایان آن آمده است: (الحکیم عن حسین بن علی). و پیش از این بیان گردید که این شیوه مؤلف كنز العمال است که نام روایان منتهی به رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند. ۳ - من اصابته مصیبه فقل اذا ذکرها «انا لله و انا الیه راجعون» جدد الله له من اجرها مثل ما کان له یوم اصابته. این حدیث در همه منابع اصلی و دست دومی که از آنها نقل کرده‌اند از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است. این کتابها عبارتند از: المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۳۱ - كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۰ - بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۴۱ - مستدرک الوسائل ج ۲، ص ۴۰۷. این روایت را امام حسین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده و همین امر سبب گردیده است که به آن حضرت نسبت داده شود. در کتاب کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۷۷۰ این روایت اشتباهاً به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است و بخشی از سند روایت حذف گردیده و سخن



پیامبر صلی الله علیه و آله از قول امام حسین علیه السلام نقل شده است. اصل سلسله روایت حدیث که معجم الکبیر آن را آورده است این گونه است: حدیثنا ابوخلیفه الفضل بن الحباب الحجمی و ابراهیم بن هاشم البغوی قالوا: حدیثنا عبدالرحمن بن سلام الجمحی، حدیثنا هشام ابوالمقدام عن امه فاطمه بنت الحسین عن ابیها رضی الله عنه، انّ التبی صلی الله علیه و آله قال: من اصابته مصیبه... اما در کتاب کلمات الامام الحسین علیه السلام آمده است: حدیثنا ابوخلیفه الفضل بن الحباب الحجمی و ابراهیم بن هاشم البغوی قالوا: حدیثنا عبدالرحمن بن سلام الجمحی، حدیثنا هشام ابوالمقدام عن امه فاطمه بنت الحسین عن الامام الحسین علیه السلام، انه قال: من اصابته مصیبه... ۴ - اعجز الناس من عجز عن الدعاء و ابخل الناس من بخل بالسلام. منابع فراوانی از شیعه و سنی این سخن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند و برخی از آن منابع عبارتند از: امالی شیخ مفید، ص ۳۱۷ - امالی شیخ طوسی، ص ۸۹ - عدة الداعی، ص ۳۴، مجمع الزوائد، ج ۸ ص ۳۱ - المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۳۷۱ - بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴، ح ۲۳ و ص ۲۹۱ و ص ۳۰۲ ح ۳۹ - مشکاه الانوار، ص ۳۵۰ - مکارم الاخلاق، ص ۲۶۸ - بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۴، ح ۱۱ - وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۴۰ و ج ۴ ص ۱۰۸۶. تنها موردی که این روایت بدون سلسله سند به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴ است و البته این نسبت صحیح نیست و منشأ اشتباه هم این است که پس از بیان روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله این حدیث نقل شده و به جای آن که مؤلف یا نسخه برداران صلی الله علیه و آله بنویسند، علیه السلام نوشتند و عده‌ای هم بدون تحقیق آن را با استناد به منبع ذکر شده به امام حسین علیه السلام نسبت دادند. ۵ - لایحل لعین مؤمنه تری الله یعضی، فتطرف حتی تغیره. این حدیث را تنها شیخ طوسی در کتاب امالی خود ص ۵۵ آورده است و دیگران هم فقط از این منبع نقل کرده‌اند که از جمله علامه مجلسی در ج ۱۰۰ بحار الانوار، ص ۷۷ و شیخ حرعاملی با کمی تفاوت در اسناد در ج ۱، ص ۳۹۹ و وسائل الشیعه می‌باشند. در کتاب فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۶۹۳ و کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۶۴۸ آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده‌اند در صورتی که در هیچ منبعی به گوینده آن اشاره نشده است و امام حسین علیه السلام هم بدون ذکر نام گوینده با جمله «کان یقال لایحل لعین...» آن را بیان کرده است. از همین رو شیخ حرعاملی در کتاب الفصول المهمه ج ۲، ص ۲۲۶ با کلمه رُوی (روایت شده است) آن را بیان می‌کند.

## ۲ - روایت امیرالمؤمنین علیه السلام

ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یبتدئ طعامه اذا کان صائماً بالتمر. منبع این روایت، کتاب مکارم الاخلاق، فصل ۹، ص ۱۶۹ می‌باشد که آن را از قول امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است و علامه مجلسی هم با استفاده از مکارم الاخلاق آن را در ج ۶۶، ص ۱۴۱ از قول آن حضرت آورده است اما در کتاب مستدرک الوسائل ج ۱۶، ص ۳۸۰ به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده و مجموعه‌های مربوط به امام حسین علیه السلام نظیر کلمات الامام الحسین، ص ۶۹۳ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام ص ۳۹۴ با استناد به مستدرک الوسائل آن را به آن حضرت نسبت داده‌اند که این نسبت صحیح نیست زیرا تنها منبع اصلی این روایت مکارم الاخلاق است که از امیرالمؤمنین علیه السلام آن را نقل کرده است. نقل کننده این روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام فرزند بزرگوارش حسین بن علی علیهما السلام است چنان که در سند روایت آمده است: عن الحسین بن علی، عن ابیه علیهما السلام. اما نسخه برداران یا مؤلف مستدرک کلمه «عن ابیه» را از قلم انداخته‌اند و این سبب شده است که حدیث به امام حسین علیه السلام منسوب شود. البته در پاورقی مستدرک آدرس دیگری از دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۱ ذکر کرده است که این آدرس صحیح نیست و در کتاب دعائم الاسلام چنین حدیثی نقل نشده است.

## ۳ - روایات امام حسن علیه السلام

روایاتی از حسن بن علی علیهما السلام به حسین بن علی علیهما السلام نسبت داده شده است که آنها را مورد نقل و بررسی قرار می‌دهیم: ۱ - فضل کافل یتیم آل محمد علیهم السلام المنقطع عن موالیه، الناشب فی رتبه الجهل، یخرجه من جهله و یوضح له ما اشتبه علیه، علی فضل کافل یتیم یطعمه و یسقیه، کفضل الشمس علی السها. تنها منبع اصلی این روایت تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ص ۳۴۱ است که آن را از قول امام حسن مجتبی علیه السلام نقل کرده است. و پس از آن همه کتاب‌های روایی نظیر بحار الانوار، ج ۲، ص ۳ - الفصول المهمه، ج ۱، ص ۶۰۱، مستدرک الوسایل، ج ۱۷، ص ۳۱۸ و منیه المرید، ص ۱۱۶ آن را از همین منبع نقل کرده‌اند و تنها در کتاب احتجاج طبرسی ج ۱، ص ۱۶ به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است که با توجه به معلوم بودن منبع اصلی که احتجاج هم از آن نقل کرده است این نسبت اشتباه است و منشأ اشتباه هم تشابه لفظی حسن و حسین علیهما السلام می‌باشد که از سوی نسخه برداران و یا مؤلف کتاب صورت گرفته است و در برخی از کتاب‌ها نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام ص ۶۷۴ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام ص ۵۵۴ این اشتباه تکرار شده است. ۲ - ما قدمت رایة قوتل تحتها امیر المؤمنین علیه السلام الّا نکسها الله تبارک و تعالی و غلب اصحابها و انقلبوا صاغیرین و ما ضرب امیر المؤمنین علیه السلام بسیفه ذی الفقار احداً فنجاً و کان اذا قاتل، قاتل جبرائیل عن یمینہ و میکائیل عن یساره و ملک الموت بین یدیه. اصل این روایت تنها در کتاب امالی شیخ صدوق، ص ۶۰۳، ح ۹ از مجلس ۷۷ می‌باشد که تحت شماره ۸۳۸ از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل گردیده و در بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۷۶ نیز از قول آن حضرت نقل شده است و سایر کتاب‌ها نیز آن را از همان منبع و از قول امام حسن علیه السلام نقل کرده‌اند اما برخی کتب نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۹۳ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۱۸، ح ۵۲ آن را به حسین بن علی علیه السلام نسبت داده‌اند که این نسبت اشتباه است و منشأ آن تشابه لفظی حسن و حسین علیهما السلام می‌باشد. ۳ - قال الحسن علیه السلام لجعید بن همدان: یا جعید بن همدان! ان الناس اربعة: فمنهم من له خلاق و لیس له خلق و منهم من له خلق و لیس له خلاق و منهم من لیس له خلق و لاخلاق فذاک اشتر الناس و منهم من له خلق و خلاق فذاک افضل الناس. این روایت در تمام منابع شیعه و اهل سنت از امام حسن علیه السلام نقل شده است و از جمله این منابع خصال صدوق، ص ۲۳۶ - نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۷ - تفسیر کنز الدقائق، ج ۲، ص ۱۲۹ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۵۳ - تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۲۳۵ و ترجمه الامام الحسن علیه السلام، ص ۱۵۹ می‌باشد. از میان همه کتاب‌هایی که آن را نقل کرده‌اند تنها ابن ابی الدنیا در کتاب «العقل و فضله» آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده است که با توجه به معلوم بودن منابع آن ابن ابی الدنیا و یا نسخه برداران از کتاب او در نسبت خود خطا کرده‌اند و منشأ خطا هم همان تشابه لفظی نام آن دو امام همام علیهما السلام است. ۴ - عن الحسن بن علی علیه السلام أنه قیل له علیه السلام: ان اباذر یقول: الفقیر أحبّ الیّ من الغنی، والسقم أحبّ الیّ من الصحّة، فقال علیه السلام: رحم الله اباذر، اما انا فاقول: من اتکل علی حسن اختیار الله له لم یتمن أنه من غیر الحاله التي اختار الله له و هذا حدّ الوقوف علی الرضا بما تصرف به القضاء. کامل این روایت به همان گونه که نقل گردید در منابع اهل سنت است و همه آنها آن را از امام حسن علیه السلام بیان کرده‌اند. اسامی کتاب‌هایی که آن را از آن حضرت نقل کرده‌اند عبارتند از: کنز العمال، ج ۳، ص ۷۱۲، ح ۸۵۳۸ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۵۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۶۲ - البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۴۳ - ترجمه الامام الحسن علیه السلام، ص ۱۵۸ و سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۶۹. البته این روایت به صورت محدودتری در کتاب تحف العقول، ص ۲۳۴ و بحار الانوار ج ۷۸، ص ۱۰۶ نیز از قول امام حسن علیه السلام نقل شده و در دو مورد هم در کتاب بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۱ و نزهه الناظر، ص ۹۴ به صورت مختصر و بدون ذکر سند به امام سجاده علیه السلام نسبت داده شده است. اما کتاب احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۱ آن را بدون ذکر سند به امام حسین علیه السلام نسبت داده و برخی از کتاب‌های دیگر نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۷۴۷ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۵۷ نیز بدون مراجعه به منابع فراوان دیگر، آن را از احقاق الحق و از قول امام حسین علیه السلام نقل کرده‌اند که نسبت این حدیث به آن حضرت ناصواب است. ۵ -

لا يكون هذا الامر الذي تنتظرون حتى يبرأ بعضكم من بعض و يلعن بعضكم بعضا. و يتفل بعضكم في وجه بعض او حتى يشهد بعضكم بالكفر على بعض. قلت: ما في ذلك خيرا؟ قال عليه السلام: الخير كله في ذلك، عند ذلك يقوم قائمنا، فيرفع ذلك كله. اين روايت در كتاب غيبت شيخ طوسي، ص ۴۳۸ - الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۳، باب ۲۰، ح ۵۹ - غيبت نعماني طبع قديم، ص ۱۰۹، باب ۱۲ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵ و ۲۱۱ از امام حسن عليه السلام نقل شده است اما در غيبت نعماني طبع جديد، ص ۲۰۵، باب ۱۲، ح ۹ از امام حسين عليه السلام نقل گرديده که معلوم می‌شود در طبع جديد سهوی صورت گرفته است چرا که طبع قديم همين کتاب آن را از قول امام حسن عليه السلام آورده است و بحارالانوار هم در ج ۵۲، ص ۱۱۵ به نقل از آن از قول امام حسن عليه السلام نقل کرده است. عقد الدرر نیز بدون ذکر سند و منبع، آن را به امام حسين عليه السلام نسبت داده که اين نسبت با توجه به معلوم بودن منبع و عدم ذکر سند اشتباه است و احتمالاً از تشابه لفظی حسن و حسين عليهما السلام سرچشمه گرفته است و کتاب‌هایی نظير کلمات الامام الحسين، ص ۶۶۳ و فرهنگ سخنان امام حسين عليه السلام، ص ۱۴۶، ح ۷۴ که با استناد به عقد الدرر و غيبت نعماني طبع جديد که به اشتباه آن اشاره شد آن را نقل کرده‌اند نیز اين نسبت اشتباه را تکرار کرده‌اند چرا که از نقل کننده اين حديث (عميره بنت نفيل) در تمام کتاب‌ها معلوم می‌گردد بيش از يك روايت نبوده است. در بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱ کلمه «بنت» بيش از نام امام حسن عليه السلام اضافه شده است و در نتيجه، حديث به دختر امام حسن عليه السلام منسوب می‌شود که به نظر می‌رسد اين سهوی بوده است که از سوی نسخه برداران از بحارالانوار صورت گرفته است چرا که منبع بحارالانوار، غيبت شيخ طوسي است که در آن کلمه بنت وجود ندارد. اگرچه تفاوت کمی در کتاب‌های مختلفی که اين حديث را نقل کرده‌اند دیده می‌شود اما شکی نيست که با توجه به اين که ناقل مستقيم حديث تنها (عميره بنت نفيل) است و تفاوت کمی که وجود دارد مربوط به پايان حديث می‌شود يك حديث بيشتر نبوده است ضمن اين که در منابع اصلی تفاوتی وجود ندارد و اين تفاوت در منابع دست دوم به وجود آمده است. ۶ - سئل الحسن بن علي بن ابي طالب عليهما السلام عن العقل، فقال: التجرع للغصه و مدهنه الاعداد. اين روايت در کتاب امالی صدوق، ص ۷۷۰ - معانی الاخبار، ص ۳۸۰، شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد، ج ۱۸، ص ۱۸۶ و بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۹۵ از امام حسن عليه السلام نقل شده است اما در کتاب محاسن، ج ۱، ص ۱۹۵ به امام حسين عليه السلام نسبت داده شده است اين نسبت خطایی بوده که از نسخه برداران صورت گرفته و چه بسا نسخه ديگري از کتاب محاسن به صورت صحيحی در اختيار ديگران بوده است چه اين که علامه مجلسی که اين حديث را به نقل از محاسن در بحارالانوار، در ج ۱، ص ۱۳۰ آورده است از قول امام حسن عليه السلام نقل کرده و ظاهراً اين اشتباه در نسبت، از تشابه لفظی نام حسن و حسين عليهما السلام و به وسيله نويسندگان احاديث صورت گرفته است. ۷ - نظر الحسن عليه السلام الی ناس فی يوم فطر يلعبون و يضحكون. فقال لاصحابه و التفت اليهم: ان الله عزوجل جعل شهر رمضان مضمنا را لخلقه، يستبقون فيه بطاعته الی رضوانه، فسبق فيه قوم ففازوا و تخلف آخرون فخابوا. فالعجب كل العجب من الضاحك اللاعب في اليوم الذي يثاب فيه المحسنون و يخيب فيه المقصرون. و ايم الله لو كشف الغطاء لشغل محسن باحسانه و مُسِيءٌ با ساءته. اين روايت در کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۱۱ و ج ۲، ص ۱۷۴ - تحف العقول، ص ۱۱۰ - بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۱۰ و اقبال الاعمال سيدبن طاووس، ج ۱، ص ۴۶۷ از امام حسن عليه السلام نقل شده و در کتاب کافی، ج ۴، ص ۱۸۱ از امام رضا عليه السلام بيان شده است اما در کتاب وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۱۴۰ به نقل از کتاب «من لا يحضره الفقيه» به امام حسين عليه السلام نسبت داده شده است که با توجه به معلوم بودن منبع وسايل الشيعه معلوم می‌شود اين نسبت اشتباه از تشابه لفظی حسن و حسين عليهما السلام به هنگام خواندن يا نوشتن صورت گرفته است. و کتاب‌هایی نظير کلمات الامام الحسين عليه السلام، ص ۶۹۵ و فرهنگ سخنان امام حسين عليه السلام نیز که آن را به حسين بن علي عليهما السلام نسبت داده‌اند اين اشتباه را تکرار کرده‌اند.

تعدادی از روایات علی بن الحسین بن علی علیهما السلام به پدر بزرگوارش حسین بن علی علیهما السلام نسبت داده شده است که ضمن نقل هر کدام نتیجه بررسی‌های خود را پیرامون آنها بیان می‌کنیم. ۱- ان جمیع ما طلعت علیه الشمس فی مشارق الارض و مغاربها، بحرهای و برها و سهلها و جبلها عند ولی من اولیاء الله و اهل المعرفة بحق الله کفیی الظلال اولاً حرّ یدع هذه اللماظة لاهلها - یعنی دنیا - فلیس لانفسکم ثمن الا الجنّة فلا تیبعوها بغيرها، فانه من رضی من الله بال دنیا فقد رضی بالخصیس. منبع اصلی این حدیث تحف العقول، ص ۳۹۱ است که امام کاظم علیه السلام در بین روایت بلند و مشهور خود خطاب به هشام از قول امام سجاده علیه السلام آن را بیان می‌کند و علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۰۶ آن را از تحف العقول نقل کرده و کتاب‌هایی نظیر میزان الحکمه ج ۲، ص ۹۱۹ آن را از بحار الانوار از قول امام سجاده علیه السلام بیان کرده‌اند اما در کتاب حیات الامام الحسین علیه السلام، ص ۱۶۳ و مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۶۶ و انوار البهیة شیخ عباس قمی ص ۱۰۱ به نقل از بحار به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است ولی با توجه به معلوم بودن منابع دست اول و دوم این روایت که چنین روایتی از امام حسین علیه السلام در آنها نقل نشده است استناد حدیث به آن حضرت صحیح نمی‌باشد. ۲- قال الباقر علیه السلام: لَمَّا حضرت ابی علی بن الحسین علیهما السلام الوفاة ضمنی الی صدره، ثم قال علیه السلام: ای بنی! اوصیک بما اوصانی به ابی حین حضرته الوفاة و بما ذکر ان اباه علیه السلام اوصاه به؛ ای بنی! اصبر علی الحق و ان کان مرّاً. اصل این حدیث در کتاب کافی ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۳ از قول امام سجاده علیه السلام بیان شده است و در کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱ به صورت مستقیم از قول آن حضرت بیان شده و در بحار الانوار، ج ۷، ص ۷۶ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۸۷ و مشکاة الانوار، ص ۵۸ نیز از قول آن حضرت نقل شده است. اگر چه مفاد این روایت توصیه امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسین علیه السلام و توصیه آن حضرت به فرزندش امام سجاده علیه السلام و توصیه او به فرزندش امام باقر علیه السلام است اما کلمات حدیث به گونه‌ای که در منابع روایی بیان شده، از سوی امام سجاده علیه السلام صادر شده است و از احادیث آن حضرت به شمار می‌آید چه این که در کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۴۱ و وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۸۸ با صراحت آمده است: روی ابو حمزه الثمالی قال: قال لی ابو جعفر علیه السلام لَمَّا حضرت ابی علیه السلام الوفاة ضمنی الی صدره ثم قال: یا بنی اصبر علی الحق و ان کان مرّاً یوف الیک اجرک. در عین حال کتاب‌هایی نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۴۸۸ اشتباهاً آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده‌اند. ۳- القائم منّا تخفی عن الناس ولادته، حتی یقولوا لم یولد بعد لیخرج حین یخرج و لیس لاحد فی عنقه بیعة. منبع اصلی این حدیث کمال الدین شیخ صدوق، ص ۳۲۳ است و راوی آن سعید بن جبیر می‌باشد که آن را از قول امام سجاده علیه السلام نقل کرده و در کتاب اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۳۱ و تاریخ آل زراره، ج ۱، ص ۲۳ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵ از کمال الدین نقل شده است اما در کتاب کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۹ بدون ذکر سند به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است و با توجه به این که تنها منبع اصلی این روایت که کمال الدین شیخ صدوق بوده و روایت را از قول امام سجاده علیه السلام نقل کرده است، نسبت بدون سند کشف الغمه ناصحیح است و شاید منشأ اشتباه آن همان گونه باشد که در اول همین فصل به آن اشاره گردید. ۴- فی القائم منّا سنن من الانبیاء: سنه من نوح علیه السلام، و سنه من ابراهیم علیه السلام، و سنه من موسی علیه السلام، و سنه من عیسی علیه السلام، و سنه من ایوب علیه السلام و سنه من محمد صلی الله علیه و آله. فاما من نوح علیه السلام فطول العمر، و اما من ابراهیم علیه السلام فخفاء الولادة و اعتزال الناس، و اما من عیسی علیه السلام فاختلف الناس فیه، و اما من ایوب علیه السلام فالفرج بعد البلوی، و اما من محمد صلی الله علیه و آله فالخروج بالسیف. منبع اصلی این حدیث کتاب کمال الدین شیخ صدوق، ص ۳۲۲ و ۵۷۷ است و راوی آن هم سعید بن جبیر از اصحاب امام سجاده علیه السلام می‌باشد. این حدیث در بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷ و اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۳۱ و کتاب‌های روایی دیگر از کمال الدین نقل شده که همگی آنها آن را از قول امام سجاده علیه السلام نقل کرده‌اند. اما در کتاب کشف الغمه، ج

۳، ص ۳۲۹ بدون سند به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده و کتاب‌هایی نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام ص ۶۶۸ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۵۳، ح ۸۱ با استناد به کشف الغمه آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده‌اند که با توجه به معلوم بودن منبع اصلی و فقدان سند روایت در کشف الغمه این نسبت صحیح نمی‌باشد و شاید منشأ اشتباه، حذف کلمه «علی» از قلم نسخه برداران از کشف الغمه باشد.

## ۵- روایات امام صادق علیه السلام

روایاتی از امام صادق علیه السلام به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است که اکثر آنها به کتاب عقد الدرر مربوط می‌گردد و ما در این بحث همه آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم. ۱- خمس من لم یکن فیہ لم یکن فیہ کثیر مستمتع: العقل و الدین و الادب و الحیاء و حسن الخلق. این روایت با همین کلمات و جمله بندی در کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۸، ص ۱۸۵ از امام صادق علیه السلام نقل شده است و با کمی تفاوت در کتاب محاسن ج ۱، ص ۱۹۱ - خصال شیخ صدوق، ص ۲۹۸ - امالی شیخ صدوق، ص ۳۶۷ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۳ - مشکاة الانوار طبرسی، ص ۴۳۵ و بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۳ و ج ۶۹، ص ۳۶۹ و ص ۳۸۷ و ج ۷۵، ص ۶۷ نیز از آن حضرت نقل گردیده است و مجموعه‌های روایی دیگری نیز آن را از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند اما برخی کتاب‌ها نظیر کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۷۴۳ و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۰۶ آن را اشتباهاً به امام حسین علیه السلام نسبت داده‌اند که این نسبت ناصواب است زیرا منبع آنها به ترتیب، تحف العقول، ص ۲۴۵ و بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸ می‌باشد که حدیث در این دو منبع نیز مشاهده نشد. ۲- الجهاد علی اربعه اوجه: فجهادان فرض، و جهاد سنه لا یقام الا مع فرض، و جهاد سنه. فاما احد الفرضین فجهاد الرجل نفسه عن معاصی الله، و هو من اعظم الجهاد و مجاهده الذین یلونکم من الکفار فرض. و اما الجهاد الذی هو سنه لا یقام الا مع فرض فان مجاهده العدو فرض علی جمیع الامه لوترکوا الجهاد لأتاهم العذاب و هذا هو من عذاب الامه و هو سنه علی الامام، و حدّه ان یأتی العدو مع الامه فیجاهدہم. و اما الجهاد الذی هو سنه فکل سنه اقامها الرجل و جاهد فی اقامتها و بلوغها و احیائها. فالعمل والسعی فیها من افضل الاعمال لانها احیاء سنه و قد قال رسول الله صلی الله علیه وآله: «من سنّ سنه حسنه فله اجرها و اجر من عمل بها الی یوم القیامه من غیر ان ینقص من اجورهم شیئا. این روایت در منابع دست اول نظیر کافی، ج ۵، ص ۹ - خصال، ص ۲۴۰ - تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۲۴ و کتاب الغایات، ص ۷۴ و منابع دست دوم نظیر بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶ - مشکاة الانوار طبرسی، ص ۴۳۱، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۲۳ - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۶ و ج ۱۲، ص ۲۳۱ و برخی کتب دیگر با چند سند از امام صادق علیه السلام نقل شده اما در کتاب تحف العقول در بخش سخنان امام حسین علیه السلام، بدون ذکر سند، به آن حضرت نسبت داده شده است که احتمالاً این نسبت از یکی بودن کنیه آن دو امام سرچشمه گرفته باشد. البته احتمال این که دو حدیث در جواب دو سؤال کننده با یک ادبیات و جمله بندی و کلمات واحد از دو معصوم صادر شده باشد وجود دارد ولی این احتمال با توجه به طولانی بودن حدیث و به ویژه مطالب و منابعی که بیان شد ضعیف است اما احتمال خطای در نسبت این حدیث از سوی مؤلف تحف العقول بسیار قوی است و از این رو نسبت این روایت در مجموعه‌های مربوط به سخنان امام حسین علیه السلام نیز مخدوش می‌باشد.

۳- قال ابان بن تغلب: قال الامام الشہید صلی الله علیه: من احبنا کان منا اهل البيت. فقلت: منکم اهل البيت؟ فقال علیه السلام: منا اهل البيت؛ حتی قالها - ثلاثاً، ثم قال علیه السلام: اما سمعت قول العبد الصالح «فمن تبغنی فانه منی»؟ این روایت در هیچ یک از منابع اصلی وجود ندارد و تنها در تفسیر اصفی، ج ۱، ص ۶۲ تألیف فیض کاشانی بدون ذکر راوی و حتی نام امام آمده است و در کتاب زهه الناظر، ص ۸۵، ح ۱۹ و کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۸۲ به نقل از آن آمده است: قال ابان بن تغلب: قال الامام الشہید صلی الله علیه: من احبنا کان منا اهل البيت. چند اشکال جدی بر نسبت این حدیث به امام حسین علیه السلام وجود دارد: ۱-

ابان بن تغلب از اصحاب امام صادق علیه السلام است و هیچ حدیثی از امام حسین علیه السلام نقل نکرده است ۲ - در هیچ یک از منابع اصلی روایات چنین حدیثی وجود ندارد. و بنابراین نسبت این حدیث به آن حضرت مخدوش است. ۴ - العاقل لایحدث من یخاف تکذیبه ولا یسأل من یخاف منعه و لایثق بمن یخاف عذره و لایرجو من لایوثق برجائه. این حدیث در کتاب کافی، ج ۱، ص ۲۰ و تحف العقول، ص ۳۹۰ و مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۱۳ و بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۴۱ و ج ۷۸، ص ۳۰۴ با کمی تفاوت از امام کاظم علیه السلام خطاب به هشام نقل شده و در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۱۸۷ به امام صادق نسبت داده شده است اما در کتاب حیاة الحسین علیه السلام ج ۱، ص ۱۸۱ به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده که این نسبت نادرست است و کمترین اصل و مبنایی ندارد و در فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام ص ۲۰۶ هم به نقل از حیاة الحسین علیه السلام این اشتباه تکرار شده است.

### روایات عقد الدرر

اکثر روایات امام صادق علیه السلام که به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است در کتاب عقد الدرر می‌باشد از این رو ما آنها را به صورت مستقل بیان می‌کنیم. قبل از بیان روایات ذکر این نکات لازم است که کتاب عقد الدرر از منابع دست دوم اهل سنت است و اکثر روایات آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد و روایاتی هم از امیرالمؤمنین و امام باقر علیهما السلام در آن نقل گردیده که منبع دقیق هیچ کدام در پاورقی نیامده است از این رو اگر خطایی در نسبت دادن روایات آن پیش آمده باشد راهی جز مراجعه به منابع اصلی و اولی نخواهد بود و در آن صورت هر یک از احادیث آن که در منابع اصلی از قول دیگری نقل شده باشد بر نسبت ذکر شده در عقد الدرر مقدم است. علی‌رغم روایات قابل توجهی که به ظاهر در کتاب عقد الدرر از امام حسین علیه السلام نقل شده جز یک حدیث کوتاه که آن هم محل تأمل است از آن حضرت نقل نشده و آنچه به او نسبت داده شده روایات امام صادق علیه السلام است. منشأ این اشتباه در نگاه اول می‌تواند یکی بودن کنیه امام حسین و امام صادق علیهما السلام باشد اما با کمی تأمل می‌یابیم که این نسبت‌های گسترده فراتر از یک اشتباه عادی است که برای آن چنین توجیهی بیان شود زیرا در تمام روایات امام صادق علیه السلام بعد از کنیه آن حضرت یعنی ابی عبدالله، اسم حسین بن علی اضافه شده است. البته این احتمال هم وجود دارد که مؤلف عقد الدرر از منابع دست دوم و سوم استفاده کرده باشد که آنها اسم حسین بن علی را اضافه کرده باشند اما آنچه که ما با آن روبرو هستیم کتاب اوست که دارای این نسبت‌های اشتباه است و کتاب‌هایی نظیر کلمات الحسین علیه السلام و فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام موارد متعددی از آن نقل کرده‌اند. اما آن روایات که ما با رعایت ترتیب بیان آنها در عقد الدرر مورد بررسی قرار می‌دهیم عبارتند از: ۱ - لو قام المهدي لانكره الناس، لانه يرجع اليهم شابا موقفا، و ان من اعظم البليّة ان يخرج اليهم صاحبهم شابا و هم يحسبونه شيخا كبيرا. (۲۴۵) این روایت در کتاب غیبت شیخ طوسی، ص ۲۵۹ - غیبت نعمانی، ص ۱۸۹ و ۱۸۸ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷ از امام صادق علیه السلام نقل شده است. ۲ - عن الحارث بن المغيرة النصري قال: قلت لابن عبد الله الحسين بن علي عليه السلام: بأي شيء يعرف الامام المهدي؟ قال: بالسكينة والوقار. قلت: و بأي شيء؟ قال بمعرفة الحلال و الحرام و بحاجة الناس اليه، و لا يحتاج الي احد. (۲۴۶) حارث بن مغیره نصری از اصحاب امام صادق علیه السلام است که این حدیث را از آن حضرت نقل می‌کند چه این که در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۴۲ و بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۵۶ وارد شده است و کلمه مهدی هم در منبع اصلی وجود ندارد. متن صحیح روایت به این گونه است: عن الحارث بن المغيرة قال: قلت لابن عبد الله عليه السلام: بأي شيء يُعرف الامام؟... و در کتاب عقد الدرر آمده است: عن محمد بن الصامت، قال: قلت لابن عبد الله الحسين بن علي عليهما السلام: اما من علامة بين يدي هذا الامر؟ يعني ظهور المهدي عليه السلام؟ فقال: بلى. قلت و ماهي؟ قال: هلاك بني العباس، و خروج السفيناني و الخسف بالبيداء. قلت: جعلت فداك: اخاف ان يطول هذا الامر؟ قال: انما هو كنظام الخرز

یتبع بعضه بعضاً. (۲۴۷) محمد بن الصامت از اصحاب امام صادق علیه السلام است که این روایت را از او نقل کرده است همان گونه که در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۶۲ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵ آمده است. و روایت این گونه آغاز می‌شود: عن محمد بن الصامت عن ابی عبدالله علیه السلام: قال: قلت له: ما من علامه بین یدی هذا الامر؟ فقال: بلی... ۳ - اذا هُدم حائط مسجد الکوفه ممایلی دار عبدالله بن مسعود، فعند ذلك زوال ملک القوم، و عند زواله خروج المهدي. (۲۴۸) این روایت در کتاب ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۵ با همین متن و کتاب‌های غیبت نعمانی، ص ۲۷۷ - غیبت شیخ طوسی، ص ۴۴۶ - خرائج و جرایح، ص ۱۱۶۳ و صراط المستقیم، ص ۲۴۹ با همین متن و گاهی با کمی تفاوت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. ۴ - ان لله مائده - و فی غیر هذه الروایه مآدیه - بقرقیسیاء یطلع مطلع من السماء، فینادی: یا طیر السماء، و یا سباع الارض! هلموا الی الشیخ من لحوم الجبارین. (۲۴۹) این روایت در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۷۸ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶ از امام صادق علیه السلام نقل شده است. ۵ - اذا رأیتم علامه فی السماء نار عظیمه من قبل المشرق، تطلح لیالی، فعندها فرج الناس، و هی قدام المهدي علیه السلام. (۲۵۰) اصل این روایت در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۶۷ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰ از امام صادق علیه السلام نقل شده است. ۶ - للمهدی خمس علامات: السفیانی، و الیمانی، و الصیحه من السماء، و الخسف بالیداء، و قتل النفس الزکیه. (۲۵۱) منبع اصلی این روایت غیبت نعمانی، ص ۲۵۲ می‌باشد که از قول امام صادق علیه السلام بیان شده است و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴ هم از آن نقل کرده است. البته در منبع اصلی «قتل النفس الزکیه» بر «الخشف بالیداء» مقدم است. در کتاب معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۵، ص ۲۹۹ در بیان سند این حدیث آمده است: عقدا لدرر، ص ۱۱۱، باب ۴، فصل ۳ کما فی النعمانی بتفاوت یسیر و نسبه اشتهاً الی ابی عبدالله الحسین علی عاده فیما روی عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام. ۷ - لصاحب هذا الامر - یعنی المهدي علیه السلام - غیبتان، احدهما تطول حتی یقول بعضهم: مات و بعضهم: قُتِل و بعضهم: ذهب. ولا یطلع علی موضعه احد من ولی ولا غیره الا المولی الذی یلی أمره. (۲۵۲) این روایت تنها در کتاب غیبت شیخ طوسی، ص ۱۶۲ و غیبت نعمانی، ص ۱۷۲ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و ج ۵۳، پاورقی ص ۳۲۰ با کمی قضاوت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. ۸ - عن شعیب بن ابی حمزه، قال: دخلت علی ابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام، فقلت له: انت صاحب هذا الامر؟ قال علیه السلام: لا. فقلت: فولدک؟ قال علیه السلام: لا. فقلت: فولد ولدک؟ قال علیه السلام: لا فقلت: فمن هو؟ قال علیه السلام: الذی یملاها عدلاً، کما ملئت جوراً، علی فتره من الأئمه تأتي، کما ان رسول الله صلی الله علیه وآله بُعث علی فتره من الرسل. (۲۵۳) شعیب بن ابی حمزه از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده که این حدیث را هم از آن حضرت نقل کرده است چنان که در کتاب کافی، ج ۱، ص ۳۴۱ و غیبت نعمانی، ص ۱۸۶ و بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۹ آمده است. ۹ - عن ابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام انه سئل هل ولد المهدي علیه السلام؟ قال علیه السلام: لا. ولو ادرکته لخدمته ایام حیاتی. (۲۵۴) این روایت در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۴۵ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸ از امام صادق علیه السلام نقل شده است و نقل کننده آن خلاء بن قصار از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است. در کتاب معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام ج ۳، ص ۳۸۵ در بیان سند این روایت آمده است: عقدا لدرر، ص ۱۶۰ باب ۷ کما فی النعمانی بتفاوت یسیر جدا، مرسل عن ابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام و هو اشتباه کما اشرنا و له نظائر. ۱۰ - تواصلوا و تباروا، فو الذی فلق الحیة و برأ النسمة لیأتین علیکم وقت لا یجد احدکم لدیناره و لا لدرهمه موضعاً. (۲۵۵) نقل کننده این روایت عبدالله بن یحیی کاهلی از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده است و این حدیث در کتاب غیبت نعمانی، ص ۱۵۰ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۷ و اثبأ الهداه ج ۳، ص ۵۳۳ آمده است. ۱۱ - عن الحسن بن هارون ییاع الانماط، قال: کنت عند ابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام جالساً، فسأله المعلى بن خنيس: أیسیر المهدي علیه السلام اذا خرج بخلاف سیره علی علیه السلام؟ قال علیه السلام: نعم، و ذلك ان علیاً علیه السلام سار بالین و الکف، لانه علم ان شیخته سیظهر علیهم من بعده، و ان المهدي اذا خرج سار فیهم بالبسط و السبی، و ذلك انه یعلم ان شیخته لن یظهر علیهم من بعده ابداً. (۲۵۶) حسن بن

هارون بیاع و معلی بن خنیس هر دو از اصحاب امام صادق علیه السلام بودند و این روایت در کتاب تهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴ - غیبت نعمانی، ص ۲۳۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳ و وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷ از امام صادق علیه السلام نقل شده است. ۱۲ - اذا خرج المهدي عليه السلام لم يكن بينه وبين العرب و قریش الا السيف، و ما يستعجلون بخروج المهدي! و الله ما لباسه الا الغليظ و لا طعامه الا الشعير، و ما هو الا السيف و الموت تحت ظل السيف. (۲۵۷) این حدیث در کتاب غیبت نعمانی، ص ۲۳۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵ و مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۷۵ از امام صادق علیه السلام نقل شده است و راوی آن ابوبصیر از اصحاب امام صادق علیه السلام است. و الحمد لله رب العالمین

### پی نوشت ها

(۱) بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۹۹ (۲) بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۰۶، ح ۳؛ الدعوات، ص ۹۲. ۳) بحار الانوار، ج ۴، ص ۳۰۱؛ تحف العقول، ص ۴۴. ۴) بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۷؛ التوحید، ص ۸۰؛ ترجمه الحسین علیه السلام لابن عساکر، ص ۲۲۵؛ نور البراهین، ج ۱، ص ۲۱۷. ۵) سورة المنافقين، الآية ۸. ۶) بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۸؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۵. ۷) بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۲۳؛ معانی الاخبار، ص ۷؛ التوحید، ص ۹۰؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸۷. ۸) بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۲۳؛ التوحید، ص ۹۱؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸۷؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۱۲. ۹) بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۱۲؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۹؛ نزهة الناظر و تنبیه الخواطر، ص ۸۰؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۳۲. ۱۰) بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ فقه الرضا علیه السلام، ص ۴۰۸، باب ۱۱۸. ۱۱) كنز العمال، ج ۷، ص ۲۱۷. ۱۲) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۰؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۶۸؛ تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۶۲. ۱۳) بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۹۹، ح ۱۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۲. ۱۴) بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۶۰، و ج ۳۶، ص ۹؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۳۰. ۱۵) سورة البروج، الآية ۳. ۱۶) سورة الفتح، الآية ۸. ۱۷) سورة هود، الآية ۱۰۳؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۳۵؛ المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۱۳۱؛ المعجم الاوسط، ج ۹، ص ۱۸۲؛ فتح القدير، ج ۵، ص ۴۱۵. ۱۸) سورة الضحی، الآية ۱۱. ۱۹) بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵۳؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۰۲. ۲۰) سورة الشمس، الآية ۱. ۲۱) سورة الشمس، الآية ۲. ۲۲) سورة الشمس، الآية ۳. ۲۳) بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۹؛ تفسیر فرات الكوفی، ص ۵۶۳، ح ۷۲۱؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۵، ص ۳۹۸. ۲۴) نوعی فرنی. ۲۵) علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام چهار مصداق از اهل بیت علیهم السلام بودند که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان مردم حاضر بودند اما همه اهل بیت آن حضرت بنابر روایات علی و فاطمه علیهما السلام و یازده فرزند معصوم آنها می باشند. ۲۶) سورة الاحزاب، الآية ۳۳. ۲۷) بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۱۳؛ تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۳۱۲؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص ۴۵۸. ۲۸) سورة الشوری، الآية ۲۳. ۲۹) بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۵۱؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۱۲۴؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۰۸؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص ۵۴۵. ۳۰) بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۴؛ کفایة الاثر، ص ۲۳۱. ۳۱) الخرایج و الجرایح، ج ۲، ص ۷۹۵؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۰۸، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۷۹؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۹۵. ۳۲) بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۳۱۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳. ۳۳) بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۱؛ مدینة المعاجز، ج ۳، ص ۵۰۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۱۹. ۳۴) بصائر الدرجات، ص ۴۷۲؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۵۷؛ ینابیع المعاجز، ص ۷۶. ۳۵) نزهة الناظر و تنبیه الخواطر، ص ۸۵، ح ۲۱. ۳۶) بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۷؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۹۹؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۴۸. ۳۷) تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۱۸؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۵۰؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۳۴۷. ۳۸) سورة النساء، الآية ۵۹. ۳۹) سورة النساء، الآية ۵۹. ۴۰) سورة الانفال، الآية ۴۸. ۴۱) الآمالی للشیخ المفید، ص ۳۴۹؛ الآمالی، للشیخ الطوسی، ص ۱۲۱؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۵ و ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۴۴. ۴۲) سورة الحج، الآية ۴۱. ۴۳) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص



۲۰۷؛ کنزالدقائق، ج ۶، ص ۵۲۸؛ بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶. ۴۴) کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۴۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۱. ۴۵) بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۳۸۰. ۴۶) تفسیر الامام العسکری، ص ۲۶۷؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۹۰. ۴۷) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۱. ۴۸) نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۷؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۱۵؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۵؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۰. ۴۹) ینایع المودّة، ج ۲، احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۲. ۵۰) بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۷؛ المحاسن، ج ۱، ص ۶۱. ۵۱) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹؛ بشارة المصطفی، ص ۱۰۸؛ وسایل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۹۶؛ الامالی للشیخ المفید، ص ۳۴۱. ۵۲) بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۳۳۵ و ۳۳۶؛ الامالی للشیخ المفید، ص ۱۸ و ۱۹؛ قال بعض الاعلام: قدسقط من الحدیث ذکر تسلیم تاسعهم و هوسلمان الفارسی و هو مذکور فی بعض الروایات. ۵۳) تابعین کسانی هستند که رسول خداصلی الله علیه وآله را ندیده‌اند اما اصحاب او را دیده‌اند. ۵۴) سورة الصف، الآیة ۸. ۵۵) بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۱۸۲ الى ۱۸۴؛ کتاب سلیم بن قیس، ص ۲۲۳ الى ؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۹۱. ۵۶) تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۸۹ ح ۴۷ ۵۷) سورة الفتح، الآیة ۲۹. ۵۸) مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۹۸؛ بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۰۳. ۵۹) مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۹۸؛ بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۰۳. ۶۰) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۳۳۰؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۷۵۴؛ مسند ابی یعلی، ج ۱۲، ص ۱۴۳؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۲۱، ص ۴۱۲. ۶۱) عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۶۹، ح ۳۰۵. ۶۲) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۵. ۶۳) بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۵؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۱۶؛ کمال‌الدین، ص ۲۶۹ بتفاوت یسیر؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۹۱. ۶۴) بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۸۷؛ مقتضب الاثر، ص ۲۰. ۶۵) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۷؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۹. ۶۶) الفتوح، ج ۳، ص ۳۵. ۶۷) معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۸؛ اسرار الشهادة، ص ۴۰۲. ۶۸) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۸؛ اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۱۰۴. ۶۹) جامع الاخبار، ص ۷۶؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۲. ۷۰) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۴۲۳. ۷۱) کامل الزیارات، ص ۲۱۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۵۳۶؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۱. ۷۲) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۳۹؛ الامالی الصدوق، ص ۲۰؛ کامل الزیارات، ص ۲۱۵؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴. ۷۳) کامل الزیارات، ص ۲۱۶؛ ثواب الاعمال، ص ۹۸؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹؛ وسایل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۲۹. ۷۴) سورة الانبیاء، آیه ۶۹. ۷۵) سورة الاعراف، الآیة ۹۶. ۷۶) الخراج و الجرایح، ص ۸۴۸؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۳۸؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸۰ تا ۸۲؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۳۷؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۵، ص ۱۴. ۷۷) کمال‌الدین، ص ۳۱۷؛ الامامة و التبصرة، ص ۲؛ اثبابة الهداة، ج ۳، ص ۴۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳. ۷۸) سورة النمل، آلیة ۲۷. ۷۹) بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳؛ کنایة الاثر، ص ۲۳۲؛ عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۶۹؛ کمال‌الدین، ص ۳۱۷. ۸۰) کمال‌الدین، ص ۳۱۸؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۳۱؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۷. ۸۱) کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۲۹؛ کمال‌الدین، ص ۳۱۷؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۳۰؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳. ۸۲) اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۱۳۸؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۳، ص ۱۸۱. ۸۳) کتاب الغیبة، للنعمانی، ص ۲۳۵؛ اثبابة الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۳، ص ۱۸۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹. ۸۴) بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴؛ الغیبة، للشیخ الطوسی، ص ۱۹۱؛ اثبابة الهداة، ج ۳، ص ۵۰۵؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۳، ص ۱۸۳. ۸۵) کمال‌الدین، ص ۳۱۸؛ الامامة و التبصرة، ص ۱۱۵؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴؛ اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۱۳۸. ۸۶) عقد الدرر، ص ۲۳۹. ۸۷) المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۷؛ الدعوات، للقطب‌الدین، ص ۶۶؛ رجال الکشی، ج ۱، ص ۳۳۱ و ۳۳۲؛ وسایل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۰. ۸۸) تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۸۸؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۴۴۹؛ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۸۸ ح ۱۵؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۷. ۸۹) سورة الحديد، الآیة ۱۹. ۹۰) المحاسن، ج ۱، ص ۱۶۳؛ الدعوات، ص ۲۴۲؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۷۳؛ مشکاة الانوار، ص ۱۶۸. ۹۱) بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۵۳؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۶۴؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۴۴۰. ۹۲) سورة المائدة، الآیة

۳۳. ۹۳) بحار الانوار، ج ۲، ص ۹؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۴۸. ۹۴) بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۸۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۹ بتفاوت یسیر؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۴۱؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۸ بتفاوت یسیر. ۹۵) بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۶؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۰۹. ۹۶) الاصول الستة عشر، ص ۸۰. ۹۷) بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۸۴ و ۸۵؛ الامالی للشیخ الطوسی، ص ۲۵۳؛ الامالی لابن الشیخ، ص ۱۵۹. ۹۸) شرح الاخبار، ج ۱، ص ۴۴۴؛ مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۲۸۱؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۲۶؛ ترجمه الحسين عليه السلام، ص ۲۲۷. ۹۹) بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۱۶؛ بشاره المصطفى، ص ۱۹؛ شرح الاخبار، ج ۱، ص ۱۶۳. ۱۰۰) کتاب الاربعین، ص ۴۷۲؛ احقاق الحق، ج ۹، ص ۴۱۷؛ ینابیع المودّة، ج ۲، ص ۳۷۵ بتفاوت یسیر. ۱۰۱) شرح الاخبار، ج ۳، ص ۴۴۸. ۱۰۲) بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۶؛ کتاب المؤمن، ص ۱۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۳۱؛ مشکاة الانوار، ص ۵۰۶. ۱۰۳) شرح الاخبار، ج ۳، ص ۴۵۷. ۱۰۴) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۲۸. ۱۰۵) ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۷۴. ۱۰۶) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۲. ۱۰۷) الارشاد، ج ۲، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲ و ۳؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۹؛ البداية و النهاية، ج ۸، ص ۱۹۲. ۱۰۸) معانی الاخبار، ص ۲۸۹؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۷؛ الاعتقادات، ص ۵۲؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۳۵۱. ۱۰۹) سورة الانعام، الآية ۱۵۸. ۱۱۰) بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰ و ۱۲۱؛ تحف العقول، ص ۲۴؛ الانوار البهیة، ص ۱۰۱. ۱۱۱) بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷، ح ۵؛ تحف العقول، ص ۲۴۶؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۲۰. ۱۱۲) الکافی، ج ۲، ص ۶۱۱؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۱؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۸۴۱. ۱۱۳) بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳۵۴؛ ح ۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۹۱. ۱۱۴) سورة الاحزاب، الآية ۳۳. ۱۱۵) سورة طه، الآية ۱۳۲. ۱۱۶) ینابیع المودّة، ج ۲، ص ۵۹. ۱۱۷) تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۲۷؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۴؛ ح ۴۴. ۱۱۸) سورة الاسراء، الآية ۴۴. ۱۱۹) بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۷ الی ۲۹، ح ۸؛ الخرائج و الجرائج، ج ۱۱، ص ۲۴۸ الی ۲۵۲. ۱۲۰) نزهة الناظر و تنبيه الخواطر، ص ۸۵؛ مقصد الراغب، ص ۱۳۷. ۱۲۱) بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸؛ ح ۱۱؛ اعلام الدین، ص ۲۹۸. ۱۲۲) اعلام الدین، ص ۲۹۸؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۱۵. ۱۲۳) مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۹۳. ۱۲۴) تحف العقول، ص ۲۴۸؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰. ۱۲۵) جامع الاخبار، ص ۱۱۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۵. ۱۲۶) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۸؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲؛ اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۱۰۴. ۱۲۷) مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۵. ۱۲۸) دعائم الاسلام، ج ۶، ص ۱۰۷ و ۱۰۸. نُقل هذه الرواية فی المستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۳۵ عن دعائم الاسلام و يُسبب الی الامام الحسن علیه السلام و هو غیر صحیح و یكون تصحیفاً. ۱۲۹) كشف الغمة، ج ۲، ص ۲۳۹؛ تهذیب الكمال، ج ۸، ص ۱۱۲؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷؛ ح ۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۹. ۱۳۰) الاختصاص، ص ۲۲۴؛ الامالی للصدوق، ص ۱۶۷؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۶؛ ح ۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۹. ۱۳۱) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۷. ۱۳۲) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۴۳۱؛ نظم درر السمطین، ص ۲۰۸؛ المصنف، ج ۱۱، ص ۱۷۷. ۱۳۳) معانی الاخبار، ص ۴۰۱؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۰۲. ۱۳۴) كشف الغمة، ج ۲، ص ۲۳۹؛ الدرّة الباهرة، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱ و ۱۲۲؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۱. ۱۳۵) كشف الغمة، ج ۲، ص ۲۴۰؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۱؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۲؛ ح ۵. ۱۳۶) بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۱۲ و ۴۱۳؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۲۵۴؛ کتاب الاربعین، ص ۶۰۳؛ الغدير، ج ۸، ص ۳۵۸. ۱۳۷) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۱؛ النهاية فی غریب الحدیث، ج ۱، ص ۲۸۵؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۵۵. ۱۳۸) بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۸۱؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۹. ۱۳۹) بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰؛ ح ۱۶؛ تحف العقول، ص ۲۴۸؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۲۰. ۱۴۰) تحف العقول، ص ۲۴۸؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰؛ ح ۱۸؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۲۱. ۱۴۱) تحف العقول، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۵۸. ۱۴۲) الخصال: ص ۱۶؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار،

ج ۷۸، ص ۱۱۸، ح ۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۳۹ . ۱۴۳) تحف العقول، ص ۲۴۸؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰، ح ۱۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۷۳ بتفاوت یسیر؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۱ بتفاوت یسیر. ۱۴۴) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۱؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹؛ العوالم، ج ۱۷، ۶۲؛ ۱۴۵) اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۱ . ۱۴۶) سورة لقمان، الآیه ۱۴ . ۱۴۷) بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۷؛ مدینه المعجز، ج ۴، ص ۵۳ بتفاوت یسیر؛ شرح الاخبار، ج ۱، ص ۱۴۶ بتفاوت یسیر؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۸ . ۱۴۸) تحف العقول، ص ۲۴۵؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷، ح ۲؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۰ . ۱۴۹) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹ و ۱۹۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۱؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۲؛ مکارم الاخلاق، ص ۱۳۰ بتفاوت یسیر . ۱۵۰) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۴؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۷۹ . ۱۵۱) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸؛ اعلام الدین، ص ۲۹۸ . ۱۵۲) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷؛ الدرّة الباهره، ص ۲۹؛ نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۴ . ۱۵۳) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۲ . ۱۵۴) بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹۱، ح ۱۵؛ عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج ۱، ص ۴۸؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۷ . ۱۵۵) بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۷، ح ۴۱؛ اعلام الدین، ص ۴۲۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۵ . ۱۵۶) تحف العقول، ص ۲۴۶؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۸، ح ۹؛ ترجمه الحسین علیه السلام، ص ۱۹۹ . ۱۵۷) تحف العقول، ص ۲۴۷؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۸، ح ۱۲؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۰ . ۱۵۸) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۶؛ كشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۴۲؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۶۴ . ۱۵۹) دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴۴ . ۱۶۰) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۲۸ . ۱۶۱) الدرّة الباهره، ص ۲۹؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷ . ۱۶۲) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۴۶؛ اللهوف، ص ۳۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۲۴ . ۱۶۳) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸، ح ۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۸ . ۱۶۴) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۰ . ۱۶۵) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۰ . ۱۶۶) نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۰ . ۱۶۷) نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۰ . ۱۶۸) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۰ . ۱۶۹) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۶ . ۱۷۰) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۹، ح ۱۴؛ تحف العقول، ص ۲۴۷؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۰ . ۱۷۱) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷، ح ۷ . ۱۷۲) نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۰؛ مقصد الراغب، ص ۱۳۴ . ۱۷۳) اعلام الدین، ص ۲۹۸؛ نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۳؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷ . ۱۷۴) بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۹۰؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۳۷؛ عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۸۱ . ۱۷۵) نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۴؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸؛ اعلام الدین، ص ۱۲۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۸ . ۱۷۶) تحف العقول، ص ۲۴۲؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۳۸ . ۱۷۷) جامع الاخبار، ص ۴۸؛ بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۰ . ۱۷۸) جامع الاخبار، ص ۴۸؛ بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۷۵، ح ۶۲ . ۱۸۰) تحف العقول، ص ۴۸؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۹، ح ۱۵ . ۱۸۱) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷، ح ۳؛ تحف العقول، ص ۲۴۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۴۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۰ . ۱۸۲) الامالی للصدوق، ص ۷۰۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۴؛ روضة الواعظین، ص ۴۸۹؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۶، ح ۱ . ۱۸۳) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۴۵۰، ح ۱۳؛ عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج ۱، ص ۴۸؛ مسند زیدبن علی، ص ۴۴۷؛ مسند الرضاعلیه السلام، ص ۱۷۳ . ۱۸۴) بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۳۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۷۴ . ۱۸۵) نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۵، ح ۲۰ . ۱۸۶) نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۴ . ۱۸۷) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷؛ اعلام الدین، ص ۲۹۸؛ نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۴ . ۱۸۸) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷؛ کنز الفوائد، ص ۱۹۵ . ۱۸۹) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۹؛ تحف العقول، ص ۲۴۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۳ . ۱۹۰) تاریخ ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۲۱۸ . ۱۹۱) تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۲؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۲؛ مثیر الاحزان، ص ۱۶؛ الامامة و السیاسة، ج ۲، ص ۸ . ۱۹۲) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۶، ح ۷ . ۱۹۳) معدن الجواهر، ص ۴۲ و ۴۳ . ۱۹۴) طبّ الائمه، ص ۱۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸۹؛

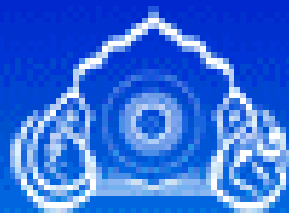
بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۳ . ۱۹۵) تحف العقول، ص ۲۴۵؛ مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي، ج ۱، ص ۲۳۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۳۴؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷ . ۱۹۶) بحارالانوار [ج ۳۲، ص ۴۰۵ و ۴۰۶؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحديد، ج ۳، ص ۱۸۶؛ وقعه صفین، ص ۱۱۴ . ۱۹۷) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷، ح ۴؛ تحف العقول، ص ۲۴۶ . ۱۹۸) بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۴؛ العوالم، ج ۱۵، ص ۲۵۶؛ كفاية الاثر، ص ۲۳۳؛ اثبأ الهداء، ج ۱، ص ۵۹۹ . ۱۹۹) سورة الزمر، الآية ۶۷ . ۲۰۰) بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۸۵؛ طب الائمة، ص ۳۴؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴، ص ۵۰۱ . ۲۰۱) خدا را آن گونه که شايسته اوست نشناختند در حالی که همه زمین در روز قیامت در قبضه قدرت اوست و آسمان‌ها پیچیده در دست او می‌باشد. خداوند منزّه و برتر است از شریک‌هایی که برای او قرار می‌دهند. ۲۰۲) سورة الحج، الآية ۱۹ . ۲۰۳) الخصال، ص ۴۳؛ بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۵۱۷؛ نورالثقلين، ج ۳، ص ۴۷۶ . ۲۰۴) بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۳۰۸ . ۲۰۵) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۲۹؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۲؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۹؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۲۴۰ . ۲۰۶) سورة المائدة، الآية ۶۳ . ۲۰۷) سورة المائدة، الآية، ۷۸ . ۲۰۸) سورة المائدة، الآية ۴۴ . ۲۰۹) سورة التوبة، الآية ۷۱ . ۲۱۰) تحف العقول، ص ۲۳۷، الی ۲۳۹؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۵؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۲ . ۲۱۱) شرح نهج البلاغه لابن ابی الحديد، ج ۱۸، ص ۴۰۹؛ انساب الاشراف، ص ۵۳؛ الفوائد الفرجالیه، ج ۴، ص ۴۷ . ۲۱۲) یراد ظاهراً ترک عهد الامام الحسن علیه السلام مع معاویه . ۲۱۳) ظاهراً ترک یمان صلح امام حسن علیه السلام با معاویه باشد. ۲۱۴) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۲ الی ۲۱۴؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۹۰ الی ۹۳؛ الدرجات الرفیعه، ص ۴۳۴ الی ۴۳۶ . ۲۱۵) الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۰۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۸؛ الغدير، ج ۱۰، ص ۲۴۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۳ . ۲۱۶) دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۳۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۴؛ بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۴۹۵ . ۲۱۷) نُسب هذا الكلام فی بعض الكتب الی الامام الحسن علیه السلام و محتواه يشهد بأن هذه النسبة تصحیف . ۲۱۸) اللهوف، ص ۱۷؛ مثیر الاحزان، ص ۱۴؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۴ و ۳۲۵؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۱۷۴ . ۲۱۹) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶؛ مثیر الاحزان، ص ۲۵؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۱۷۵ . ۲۲۰) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹ و ۳۳۰؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۱۷۹ . ۲۲۱) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۳۰؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۶؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸۵؛ ذوب النصار، ص ۲۹ . ۲۲۲) مقتل الحسين علیه السلام لابی مخنف الازدی، ص ۲۵ و ۲۶؛ مثیر الاحزان، ص ۱۷؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۱۸۹؛ البداية و النهاية، ج ۸، ص ۱۷۰ . ۲۲۳) الارشاد، ج ۲، ص ۳۹؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۲؛ الامامة و السياسة، ج ۲، ص ۸؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۵ . ۲۲۴) كشف الغمة، ج ۲، ص ۲۳۹؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۴۶؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶ و ۳۶۷؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۱۶ . ۲۲۵) مقتل الحسين للنحوارزمی، ج ۱، ص ۲۱۸؛ شرح ابن اعثم الكوفی، ج ۵، ص ۷۴ . ۲۲۶) تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۲؛ حوادث سنه - ۶۰؛ مقتل الحسين علیه السلام لابی مخنف الازدی، ص ۷۰ . ۲۲۷) بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۶ . ۲۲۸) تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۳؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۶؛ الارشاد، ج ۲، ص ۷۹؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۲۷ . ۲۲۹) الارشاد، ج ۲، ص ۷۹؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۴۸؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۷؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۲۷ . ۲۳۰) مقتل الحسين علیه السلام لابی مخنف الازدی، ص ۸۵؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۴. جاء مفاد هذه الخطبة فی كتابه عليه السلام لاشراف الكوفة و لم نذكره تحرزا عن التكرار. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱ و ۳۸۲ . ۲۳۱) احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۱؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۱ . ۲۳۲) الارشاد، ج ۲، ص ۹۱؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۷؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲ و ۳۹۳؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۴۳ . ۲۳۳) معالی السبطين، ج ۱، ص ۳۶۱؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۲۸۷؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۷۲ بتفاوت یسیر . ۲۳۴) سورة الدخان، الآية ۲۰ . ۲۳۵) سورة الغافر، الآية ۲۷ . ۲۳۶) الارشاد، ص ۹۷؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۵۸؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۵۰؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۶ و ۷ . ۲۳۷) و فی بعض الفسخ: هیهات منّا الدلّة . ۲۳۸) سورة هود، الآية ۵۶ . ۲۳۹) مقتل الحسين علیه السلام الخوارزمی، ص ۶۰۲؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸ الی ۱۰؛ تحف العقول، ص ۲۴۰؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۵۲ . ۲۴۰) الامالی للشیخ الصدوق، ص ۲۲۲؛

بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۹ و ۳۱۸؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۱۶۷ . ۲۴۱) مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي، ج ۱، ص ۲۵۲؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۶ و ۵؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۴۹ و ۲۵۰ . ۲۴۲) بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۲؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۹۵ . ۲۴۳) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۵۸؛ مقتل الحسين و ابی مخنف الازدی، ص ۱۹۷؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۹؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۹۲ . ۲۴۴) اللهوف، ص ۷۱؛ كشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۶۲؛ عمدة الطالب، ص ۷؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۱ . ۲۴۵) عقدالدرر، ص ۴۲ و ۴۱ . ۲۴۶) عقد الدرر، ص ۴۱ . ۲۴۷) عقدالدرر، ص ۴۹ . ۲۴۸) عقدالدرر، ص ۵۱ . ۲۴۹) عقد الدرر، ص ۸۷ . ۲۵۰) عقدالدرر، ص ۱۰۶ . ۲۵۱) عقدالدرر، ص ۱۱۱ . ۲۵۲) عقدالدرر، ص ۱۳۴ . ۲۵۳) عقدالدرر، ص ۱۵۹ و ۱۵۸ . ۲۵۴) عقدالدرر، ص ۱۶۰ . ۲۵۵) عقدالدرر، ص ۱۷۱ . ۲۵۶) عقدالدرر، ص ۲۲۷ و ۲۲۶ . ۲۵۷) عقدالدرر، ص ۲۲۸ .

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان

شرکت کننده در جلسه ی) برگزار می‌دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۳۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

